

**BROWN
BOOK ONLY**

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_224926

UNIVERSAL
LIBRARY

OUP—67—11—1—68—5,000.

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No. ۹۵۷۵۹۴

Accession No. 1216

Author

Title

This book should be returned on or before the date last marked below.

ببین تو فنیق خالق دوجہان نیکین فرمای گل وریحان

P. G.

نسخہ ہذا مولفہ راہی مکہین لعل جیو الموسوم بہ



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و تحیات برگزیده مخرج الصائنین بعده محمدان کهن لعل شاخ چوبان پوری
 بموجب حکم صاحب جلیل المناقب غریب پرور عدالت گستر عالم باطل کے علم قول و فعلش
 متادی الحركات است و طبع صفایا پیش چوں عقل اول مصروف اعتدال قوام
 امرجه خواص و عام تنظم الدوله چارس شکلف صاحب بہادر دام اقبالہ و عم نوالہ احوال
 بلکہ فرخندہ نبیاد حیدر آباد مشتمل بر دو آزدہ فصل بقید نظم آورد **فصل اول** مشتمل بر
 کیفیت اولاد و احفاد میر قمر الدین خاں مخاطب بآصف جاہ چہین قلیج خان جاگم بلکہ مذکور
فصل دوم مشتمل بر کیفیت امرای کیفیت ریاست آصفیہ از فرقہ اہل اسلام **فصل سوم**
 در احوال فرقہ ہنود بلند گرہ ریاست سطور **فصل چہارم** در کیفیت زمینداران علاقہ
 فرخندہ بنیاد و شرح نظامت ایچپور و کیفیت منصبداران و آسامی جاگیرداران بقیدی
 بقید تہ آہنہ **فصل پنجم** در تفصیل تعلقہ جات **فصل ششم** در کیفیت تعلقہ جات **فصل ہفتم**
 در شرح جاگیرداران ذات و جمعیت **فصل ہشتم** در القاب و خطاب مسکین و ہنود کہ در عہد
 غفران تاب و بیس حال لقب شدند **فصل نہم** در شرح جمیع پاہ و داخل و خارج ملک
فصل دہم در کوائف افغانان ہمدوی و عرب و غیرہ **فصل یازدہم** در بعض مراتب ضرورتی تظہر
فصل دوازدہم در فضائل و ردیہ اہل بلکہ مذکور **فصل سزدهم**

حسب ایام صاحب شکلف من مفصل نوشتہ این اجمال

ہمتے صرف کردہ ام ورنہ یک یک اجتماع بود محال

مشعل ماہ را کیف دسم
نسخہ یادگار کہیں لعل

فصل اول در ذکر اولاد آصف جاه مرحوم سلسله خاندان میر قمر الدین خان مخلب
به آصف جاه بدین متوال است که بعد از دش سعاد الله خان وزیر اعظم صاحب قزاق
شاهجهان و بعد پدری او میر عابد خان سمرقندی بدله بخاری بن میر اسماعیل ملک العلماء بخاری
از اخفاء شیخ شهاب الدین سهروردی که عهد شاهجهان بادشاه دارد شاه جهان آباد شده
روانه حج بیت الله شده بعد از رنگ آرائی شاهزاده محمد قمر الدین از رنگ زیب از بیت الله آمد
به تدریج بمنصب پنججاری عزت امتیاز یافته بخدمت صدارت کل مامور بود در محاصره قلعه
که کنگنه در ۹۸۰ هجری که هزار و دو هشت هجری بزم گله گوی جان فشانی بود محمد امین خان اعتماد
الدوله سپه خواجها و الدین قاضی که برادرزاده نواب عابد خان میشود مشاغل اله مذکور است قمر الدین خان
و سلطنت بادشاه موصوف وارد گردیده بجایگرم جمعیت مغرب بوده و در عهد محمد فرخ سیر خشی
گری دوم باستقلال داشت و آخر به پایه وزارت قدم نهاد الا بعد خلعت وزارت اهل فرمت
نداد و او را یام معدود در گذشت خلعت عابد خان میر شهاب الدین رفته بمنصب مفت وزیر
بانان افقه فرزند اجداد بر خطاب غاز الدین خان فیروز جنگ و صوبه داری گجرات و غیره بعد گولون
بجایگرم جمعیت علمیهات برافراخت و در سال ۱۲۲۰ هجری که بر و کجده ولست و دو حسی
ازین جهان کوس رحمت قمر کوکنت خلعت او میر قمر الدین خان که سال ولادتش نیکجست هویدا
است بخطاب چین تسلیم خان و منصب پنججاری سرلندی و برادر خطاب خان دوران و
صوبه داری اوده عزت امتیاز یافت در اول سال جلوس محمد فرخ سیر بادشاه بخطاب
نظام الملک و حکومت سبهنل مراد آباد مامور شده بعد از آن بصوبه داری مالوه سر برافراخت
سید حسین علیخان وزیر از اختلاف مذاهب تغیری نظام الملک و طلب او بحضور تجویر داشت
نظام الملک قصد تسخیر دکن پیش نهاد بخت کرده ۳۲۰ هجری که یکنار و یکصد و سی و دو هجری

از مالوه متوجه دکن شد و ملده برهانپور از انورخان و قلعه اسیر از طالب خان بصلح و هوافت
 تدبیر بدست آورد و ششم شوال همین سال با سید عالم علیخان برادرزاده حسین علیخان
 مرحوم وزیر که به بصوبه داری اورنگ آباد امور بود محاربه افتاد و بعد از کشته شدن عالم علیخان
 بر قلع دولت آباد بصوبه اورنگ آباد قاضی و شریف گردید نظام الملک در ۱۱۳۲ هجری
 و یکصدوی و چهار هجری از دکن بشاه جهان آباد رسید و مخم جمادی الاول بخلعت وزارت و
 خطاب آصفجاه خلع گردید و ضمیه وزارت و ایالت دکن بصوبه داری گجرات و مالوه علم ماموری بر
 افزاشت عابدخان عم خود را نایب نظامت گجرات کرده به مالوه شتافت و نیابت مالوه به
 عظیم الله خان پسر عابدخان تفویض نمود همان سال بشاه جهان آباد رسید و بجله و حی حسن کاروانی
 مامور الطاف خسروانی شده بدکن مراجعت کرد و در ۱۱۶۶ هجری یکپزار و یکصد و شصت و شش
 هجری بکهنه بصوبه داری صوبه اکبر آباد و مالوه تفویض یافت و در ۱۱۵۲ هجری یکپزار و یکصد
 و پنجاه و دو هجری نادرشاه دارد شاه جهان آباد گشت و در ۱۱۵۳ هجری یکپزار و یکصد و
 پنجاه و سه هجری غازی الدین خان پسر کلان خود را بعبه وکیل مطلق و بخشی گوی کل فوج
 و نظامت خود در بکهنه و در ۱۱۵۴ هجری یکپزار و یکصد و پنجاه و سه هجری یکپزار و یکصد و
 پنجاه و سه هجری یکپزار و یکصد و پنجاه و سه هجری یکپزار و یکصد و پنجاه و سه هجری
 جنگ و آفریده شده و دستگیر شد چند روز ترک لباس نمود و آصف جاه بمقتضای ترسم
 پسر آپیش خود طلبیده هر روز در دربار بار داده آئین تربیت و آگاهی امور ریاست منظور
 میداشت و در ۱۱۶۶ هجری یکپزار و یکصد و پنجاه و سه هجری یکپزار و یکصد و پنجاه و سه هجری
 احمد خان ناصر جنگ را در برونش آینه هفت و نضایح ارشاد نمود اول برش دکن لازم است
 که هرگاه سلامتی نفس ذاتی از جنگ و جدل و افزایش و آبادی ملک خود خواسته باشد
 باید که بامر حبه که زمین دار این ملک انداختی دارد و تا مقدور سر رشته آشتی را برهم نه زند و در
 صورت لاچارگی ناچار است دوم در انهدام بنی آدم که بنهاد ساخته رب العالمین است تا مل بکار
 برد و مثل خوشه گندم و جوار میت که هر سال از کشتکار روید و مگر قوم را بقا معنی که تحمل او را خطیر

است تفویض نماید که او موافق شرع شریف هر چه حکم کند بجا آرد از حکم خود قتل نکند رسوم
 زندگی فی خود و امور ممالک را منحصر سفر داند و لذت منزل نو ذاب نو دسایه خمیه را در هیچ
 حال از دست ندهد که حق تعالی در کلام مجید فرموده است فیسرو فی الاذن اشارت نمیت از نظر
 و بسا انتظام ریاست در جهان گردی است که در وقت بقدر ایام حیا و فی ضرورت که جمیع
 جانوران و انسان را در این ایام تکلیف میشود تعین قی سپاه هم با و طایان آنها منظور باشد
 که قطع نسل نشود چهارم کارهای جمیع خدایان را محض از افضال الهی متعلق بخود دانسته باید
 که بعد ادای فرض و واجب اوقات عزیز خود را بتنظیم امور متعلق تقسیم نماید و خود را بکار
 نداشته محاسبه شبانه روز خود از امور دنیا و دین میگرفت باشد که عاقبت بخیر گردد
 پنجم بشناسد که بنای دولت با مبایسن انفس بزرگانست چنانچه در ابتدای تفسیق
 پادشاهی معذرت باین خاندان تعلق داشت و بمنزله اوقات که زمان رحلت است توقیر
 و تقسیم فرقه دعا گو که بدو آن لشکر و غایب گاهی آید از همه امور دنیوی مقدم بر سایر امور
 ریاست دانسته است و اهمیت از فقر و غریبا که باب الله اند میگردم و سبقت
 در سلام که سنت محمد است بجامی آوردم باید که همین شیوه بر خود مرعی داشته باشد
 ششم زمین و آسمان از قدیم است و خلق الله هم قدیم پس در شیوای زمین فقط حصه خود
 ندانسته اطلاق حق کسی نمکند و آئین مورت ملحوظ داشته باشند مقیم کن که عبارت
 سلطنت از شش صوبه است این معنی از مطالع تواریخ واضح میشود که پیش ازین دز هر
 صوبه پادشاهی بود ذوی الاحشام مستقل لگو که از فرقه سپاه پرورش می نمودند الحال اینهمه
 زمین از عهد حضرت خلدیرکان بیک کس تعلق گرفته رفته رفته حضرت حق سبحان تعالی محض یکرم
 خود چندی من عالمی را عطا فرموده بر سر خلافت رئیس ساخته تا این وقت آنچیکه پاسبانی خلافت
 و کم و بیش قدر دانی مخلوق بود پر دوا ختم سزاوار است که خبر گیری خاندان و امور بودن مردم
 بکارها بر سر کار خود نوبت بنوبت چه از فرقه اسلام و هندو متبیل سال بسال نهایت دو سال
 از جمله واجبات دانسته می نموده باشند که دیگران محروم مانند و سر رشته این کار چه از خود چه از پیش
 روان خود پیوسته جاری دارند تا که درین مدت عسر این همه مردم را که هر واحد با تفاوت

بواهر تازه ایست بنی بهای مطف و عنایات جمع کرده ایم دور هیچ حال قدر اینها از دست نداده سخت
 و سست اینها برداشت نموده بیکار ندارد بکار لایقه مامور سازند هشتم برادران صغیر خود را بجای
 فرزندان خود دانسته پرورش نمایند و به تربیت آنها کوشش بلیغ فرماید و از افزودنی قدر و منزلت
 آنها خاطر سبزدل دارد که غم خوار اند و دل بدانند که گیس همه با قوت بازو تقویت ناموس اند هر گاه
 مرفیع حال خواهند بود هرگز زوال دولت نخواهند خواست و قیئد که گرسنه و مفلسی باشد سلطنت
 آصفیه را بجای افت مخالفان جهت قطع زمین خواهند فروخت و داریت محی الدین خانرا از عهد فرزندان
 خود تصور نموده بشغفت و عنایات ازال خود گرداند و در صد و شکست او نباشد گوش بر سخن
 غمازان ننهد و عوام اندل را در غلوت مجلس خود ببارند مهند که بهیت سلطنت رازیان دارد و
 از غر و بار باری حضور خلق خدا را برای تمام خواهند داد هشتم ادنی را بکار عمده و عمده را بکار ادنی
 مامورند زندگانه مراسای ادبی اعتنائی این کار را صاحب می سازد چه تقریر دیوانی به پورنچند که محض
 آدمی به رتبه بود از برای اینکه امرای حضور قدر کار دیوانی بالا نداشته در امر تکالیف
 شاقه میکردند نظریه نفس شکنی و تادیب آنها و ابر این کار مامور نهم کافر و درست باشد کافر
 هر که باشد پورنچند آدم خوب و تحصیل زیر قیائی سرکار از آئین بهین بعضی وصول می آرد و اگر دوسه
 سال بیکار مانده بجال باشد می شاید باز مختار اند و در همه حال یقین دانند که ریاست دکن موقوف
 بر عالم هندگ و در کجاست باید که آداب خل سبائی داده هیچ حال از خود فوت نکند و از ادا
 سنی عند الله مانود و عند الناس مطعون خواهند بود و بیجا نخواهند بود و از شاه قیدان و قیئد که
 در دلی رسید روزی بغرط عنایات را با بعضی سلطنت حساب کردنی انور حسین
 عرض کردم که مردم از قدیم با من عهد نوکری پیشه ایم از شیعنی نمک حرامی مشهور خواهم شد
 و حضرت را بدعوی و بدقوی شهرت خواهند داد و از اینجا که ذات شریف سخن سخج بود محفوظ
 شده آفرین گفت باز هشتم تا مقدر از خود در جنگ اقدام نکنند چه چنانکه جمیعت
 طرفائی قلیل و کمتر باشد غیرت الهی و لیری را نمی پسند و زنا ممکن باید که برفع کوشد و چون
 دانند که طرفشانی سبادت می نماید ناگزیر حق طرف خود قائم کرده بجزوالتجاج اسبدا و حق
 سبحانه تعالی خواسته بر مکان خود ثابت قدم و راسخ باشد و تا مقدر و وزیر بنهار

و طبق جنگ نمکنند چرا که فتح بید اختیار دوست - و دوازدهم همانا سببیکه از نفس
 لایزال و دلجبال آنچه موجود دام اگر قدم بقدم من گذارسته صرف نماید قیاسین که طبقه
 بطبقه و فاعوا بد کرد و الا زیاده از دوسه سال کفاف نخواهد کرد - سیزدهم اینهمه خوانه که در کار
 موجود و ششم از برای مجموعی سپاه و سایر لشکر خصوص از بودن خزانه ساها کار پیوسته آباد
 می باشند و از آبادی اینها مخالف و لشکر خود بخود پریشان و متلاشی می شود الحمد لله از ابتدای
 انتظام این دولت هنگام رحلت حق سپاه از سه ماه زیاده بر خود باقی نذارم - اما بعد و این از سپاه
 خود آنقدر برترسم که از سپاه مخالف نمی ترسم باید که در همه حال آنها را از خود بیدل نذارم که
 بهر حال رفیق و باعث انتظام دولت و ناموس اند چهاردهم بقضای بشریت امرنا
 بایستی درین پیری از من سرزده حالاکه محل نوقر ریافت از اینجا که مقدمه ناموس است
 پاس آن در همه حال قابل لحاظ که انگشت اعتراض لمبذ نشود و پانزدهم زار داران
 و کنی همه قابل گشتی و گردن زدنی اند خصوص سرگروه این قوم و دکاندگی سسی مورد دیگر
 را مداس که برهم زن کاشانه صد ساله اند و قلعه محمد مکر قید کرده ام و ز قید و اشتغال آنها انتظام
 دولت خود داند هرگز از قید خلاص نه سازد و لغظ نه بدت خانه که در عالم شهر است عبادت
 از قید کردن این مردم است - شانزدهم از مردمان بهانپور و حصار باید کرد که درین مدت
 مکرر تجربه رسیده که مردم بهانپور و بیجا پور مثل مردم کشمیر اندا صحبت اینها نامقدور
 کس را کشند به قید هم الحال بر دید مردم کارخانه را بر کارخانجات مامور کنید و هر یک
 را بتاکید و تقید تمام قائم سازند که مهلت از دوسه ساعت زیاده نمی شود شمارا بخدای کریم
 سپردیم بهایت نصیب باد و در همه حال نصیر و مبین شما باشد و سایه حق سبحانه افضال
 خود را از سر شما باز نگیرد و اسلام علیم - قطع

بر خیز که وقت انشراق است امروز با محنت درد اتفاق است امروز
 ای دیده رخ وصال دیدی بچند خون بار که نوبت فراق است امروز
 محمد شاه بادشاه و قمر الدین خان وزیر اعظم پدر معین الملک عرف میر منور صوبیدار لاهور
 و اصطفی جاه در بیست سال از جهان فانی در گذشتند موت شاه وزیر اصطفی جاه

انورالدین خان گویا موسی جدوالاجاه حاکم چیناپٹن که از جانب آصف جاه قبل از یک سال بمهم
 کرناٹک مامور بود احوال شورش و فساد هدایت محی الدین خان دخترزاده آصفجاه از بطن محمد بنکیم
 که منسوب از متوسل خان بود که بانظام صوبه بجای پیشتین بود یا اتفاق حسین دوست خان اهل
 نوایت حاکم ارکاٹ که نمک حرامی و فساد در قوم نوایت مخمر است باموسی بهوسی قوم فرامیس
 موافقت نموده برای دخل ریاست دکن باعانت موسی مذکور ملک حرکات ناپسندیده گردید
 ناصر جنگ که قائم مقام آصفجاه بود در ۱۱۶۲ هـ دفع فساد کرناٹک باعانت انورالدین خان با فوج
 کرناٹک پهنفت کرده خان مذکور را دستگیر نمود انورالدین خان در جنگ موسی مذکور حسین دوست خان
 در ۱۱۶۳ هـ کشته شده ناصر جنگ تقریب رفاقت بهت خان و غیره افغانه کرنول و کرپاک در
 باطن از هدایت محی الدین خان موافق بودند بنابران ناصر جنگ امیری لشکر جمعیت خود ملاحظه نموده
 اراده رفتن نزد افغانه مذکور نمود و نه در حیدر فیلیان گفت حال نمک حرامی آنها و ممانعت در ترخیص
 بردن ظاهر نمود لیکن از عدم تجربه فائده نگرفتند و آخر وجه بیان در ۱۱۶۴ هـ ناصر جنگ را بر خرم گوی
 شهید کردند و هدایت محی الدین خان بجای ناصر جنگ قرار گرفت چو بهت خان بی لقتاری
 دید و دیگر افغانه سرسواری مقابل نمود هدایت محی الدین خان و بهت خان هر دو کشته شدند
 سید محمد خان صلابت جنگ پس موسی آصف جاه بر مسند ریاست نشست راو
 پندت بردحان عرصه خالی دیده بملک بر بانپور و بجای پور متصرف گشت صلابت جنگ
 مطلع شده در ۱۱۶۵ هـ مقابل نمود و پندت بردحان برهنه سرفراز شده جان بسلاست
 بروخیام و اموال بسیار مردم موسی بهوسی که شجون زده بودند بدست در آمد و درین سال
 غازی الدین خان فیروز جنگ برائے خصاص برادر عینی خود از افغانان در اورنگ آباد رسیده
 والده صلابت جنگ بعینافت او برزهر پرداخت همان شب غازی الدین خان شهید شد
 در این اثنا میر نظام علیخان پسر چهارم آصف جاه از صوبه برار باورنگ آباد رسیده حیدر جنگ
 را که بتنی خواجه عبداللہ خان وکیل موسی بهوسی مذکور بود نامبرده را بنجیمه خود طلبیده از جان کشتن
 سبب این بود که بسبب محیط شدن حیدر جنگ در امور ریاست دکن اراده این داشت که نظام علیخان
 را که شراره آتش می نماید قید کند الغرض در ۱۱۶۵ هـ نظام علیخان باستمداد و فرط تدبیر بسلاست

پسر نجی حضرت آب که در این آردان بظاهر نام خدمت دیوانی داشت جمعیت فراهم ساخته به
 برهانور رفته زیب النساء بیگم دختر قایم سلطان را در نکاح آورده سه لک روپیه از ساهوان آبخا
 قرض گرفته زنی درستی پناه خود ساخته بیک روانه شدن موسی بهوسیله پهل چرمی و خالی شدن
 میدان حب الطلب بسالت جنگ مذکور باز آمده صلابت جنگ را برای نام بحال داشته
 همه سر رشته کار با اختیار خود آورد و بسالت جنگ قبل از رسیدن نظام علیخان و سبب هنگامه سپاه
 و تقاضای طلب تنخواه به دونی رایجی که جاگیر او در رفته بود نظام علیخان در سال صلابت جنگ
 را بسبب نظرون از مرز قلعہ محمد آباد بیدر قید کرده طلب فرمان شاه عالم با دوشاه خطاب
 آصفیه بنام خود بر ریاست سلطان گشت صلابت جنگ را به قلعہ محمد نگر محمد جیو خان همراه نموده
 مقید نموده در آنوقت فتح مند خان قلعہ دار آبخا بود حسب الحکم میر نظام علیخان محمد جیو خان مرز
 در سال صلابت جنگ را گشت دور جلد وی همان کار از قلعہ داری محمد نگر سرفرازی یافت
 چنانچه بعد از آن پسرش محمد عبدالرحیم خان قلعہ دار آبخا کرده و بعد فوت آن کبیر خان است نیراه
 فرزندان حضرت منفرت آب بی بی بیگم صاحب که صبیح نجیب الله خان والا شاهی بود در نکاح
 و شادی ایشان در او رنگ آباد شده خان مفرایه از اقربائی حمید الملک سعد الله خان وزیر
 شاه جهان بادشاه بودند ایشان لاولد فوت شدند و از بطن سید النساء بیگم که از نسل سادات است
 و نکاح هم گردیده غازی الدین خان فیروز جنگ فرزند اول و میر احمد خان ناصر جنگ بهادر دویکی
 و بادشاه بیگم از بابا خان الخاطب به منصور جنگ فرزند بادشاه بخاره منسوب شد و محمد بیگم به
 متوسل خان پدر هدایت الدین خان و فیروز جنگ منسوب به زیب النساء بیگم صبیح نواب قمر الدین خان
 وزیر المملک و بمشار الیه بعد گشته شدن خان دور انخان در جنگ بادشاهی مخاطب امیر الامرای
 و وکیل مطلق و بخشی گری فوج سرفرازی داشت و ناصر جنگ منسوب به نواب بیگم صبیح طره بازخان
 یعنی روشن الدوله و از بطن حضرت قدسیه مخاطب عمده بیگم صاحب نواب غفران آب میر نظام علیخان
 مرحوم و از بطن مکر به بانو بیگم صلابت جنگ بهادر و از بطن صاحب بی بی بسالت جنگ و از بطن
 نجبه بانو نعل علیخان بهادر که از خواص هاند زهره بیگم میرا شنی و دیگر اسم دیگر بودند که اولاد
 از بطن آنها نیست و در رسم شادی غازی الدین خان فیروز جنگ سلطان پسر نخستین آصفیه

صلابت جنگ
 یک سال و سه ماه و بیست و یک روز

منفرت مآب از زیب النسا بیگم صبیحه قمر الدین خان مغفور خلف نواب محمد امین خان بهادر است
 که قمر الدین خان از شکم شوله پور می بیگم پنج اولاد بودند سه پسر و دو دختر پسر اولین میر بد الدین خان
 و دیگری نواب نظام الدین خان خانانان که چندمی مذکور احمد شاه بادشاه گردید سومی نواب معین الملک
 رستم چند عرف میر منو نام دختران زیب النسا بیگم و بد الدین بیگم از بطن زیب النسا بیگم موصوفه
 غازی الدین خان عماد الملک اند که رسم شادی ایشان از عمده النسا بیگم صبیحه معین الملک بهادر
 پسر قمر الدین خان مذکور بعمل آمده است از بطن عمده النسا بیگم دو پسر علی جاه بهادر و قطب الملک
 و نصیر الدوله بهادر از بطن گونا بیگم که بیگم مذکور از بطن سرس روپ طائف ساکن لکنؤ و از بطن
 بهو بیگم طائف از پیکانیهائے نور بائی حمید الدوله بهادر و از بطن قمر النسا بیگم خاتم که سیدانی
 ذی خاندان غلام محی الدین خان و خواجه محمد بخش خان و از بطن امینا خاتم غلام علی خان
 و از شکم بیگما جو که همسرین قیاس است و از بطن مکتور گلین حسین بخش خان و علی جاه و از بطن
 خاتم خود دودان خاتم نامی چهار دختر و یک فرزند دارند نام دختران گوهر النسا بیگم و ظهیر النسا بیگم
 و امیر النسا بیگم و وزیر النسا بیگم ظهیر النسا بیگم منسوب از سید احمد علیخان فرزند سید امجد علیخان
 و نام فرزند معظم الدین خان و از خواص پانچ فرزند دیگر یکی میر ابوسعید و یکم میر امیر الدین و یکم
 میر برهان الدین چهارم میر میر الدین و قطب الملک و یک دختر بنو بیگم و از بطن داحله خواصم
 مخاطب عرف اچھی نامی دو فرزند فرزند کلاں میر مکرم الدین علی خان و خور میر نصیر الدین خان
 و سه دختران در نشان بیگم و حرمت النسا بیگم و فاطمه بیگم و فاطمه بیگم و سطره منسوب از
 سید غیرت علیخان پسر دومی میر امجد علیخان مذکور است و حرمت النسا بیگم سیوی نام زو بکوان جاه
 بهادر شده بود بعد از آن به میر معظم الدین خان مذکور پسر علی جاه و در افشان بیگم منسوب
 به خواجه غلام نقش بند خان پسر خود بهادر الدوله بعد انتقال راحت النسا بیگم زوجه یعنی صبیحه
 فرید و بنجاه و انتقال عماد الملک مذکور در ۱۲۵۵ بر در کاپی باه و ربیع الثانی شده است و فیض النسا بیگم
 نامی صبیحه نواب قمر الدین خان منسوب بمیر قطبی صاحب و از بطن موسی ایها بجبیه بیگم خواجه
 قطب الدین خان در ۱۲۳۵ در گذشتند و ایشان منسوب به حاجی بیگم صبیحه عماد الملک
 همیشه حمید الدوله مذکور و از همیشه حمید الدوله دو دختر یکی حسین بیگم منسوب از خواجه نعمت اللہ خان

دویکی بند و بیگم که حمید الدوله بمیرزا محمد محل منوب نموده بودند لا ولد فوت شدند و از شکم دیگر خواهر
 خواجه قطب الدین خان مادر فرزند چهارم دختر هستند و حمید الدوله بایک پسر میر غلام عبدالقادر
 دیک دختر و محی الدوله را سه پسر هستند و میرزا عظیم علیخان و میرزا کریم علی خان و میرزا صدق الدین خان و ابجد
 علیخان و دو برادر یکی خان مغزو و دیگری میرزا نظیر علیخان که در مرشد آباد بنهاده خانسانا منی بیگم
 صاحب سر فرزند بود در ۱۲۳۶ در مرشد آباد و دیوت حیات پسر دهیولاد را با ذات میرزا محمد علی خان
 مذکور سوانه و دیهات جاگیر دوازده هزار روپیه سال مبلغ هشتصد روپیه اصل و اضافات است
 دورا به دو فرزند آن به بنصهر روپیه ماهوار مقرر ذکر اولاد و مغفرت مآب اصطفیاه مرحوم
 میر احمد خان ناصر جنگ را سه صبیبه بودند یکی با اسم حاجی بیگم منصور جنگ ولد خواجه بابا خان
 منسوب شده بودند و از بطن حاجی بیگم مسطوره دو صبیبه یک بنام وزیر انار بیگم که نظامت خویش
 برادر خانان بخش منسوب شده بود یک پسر و یک دختر بیگم پادشاه از بطن وزیر انار بیگم زنده است
 و بیگم مذکور فوت کرد نظامت جنگ خویش منصور جنگ مرحوم و منصور جنگ خویش ناصر جنگ
 شهید خلف مغفرت مآب بودند و ناصر جنگ را سه صبیبه یکی حاجی بیگم مسطوره دوم بنام امافی بیگم که
 بفرزند محل علیخان مرحوم نام آور جنگ منسوب شده بود لا ولد فوت نمود و صبیبه سیوم بنام فرحت بیگم
 منسوب بمعبده الهادی خان قصور جنگ ولد عوض خان خرد خویش مغفرت مآب بودند و صبیبه
 عوض خان کلان که پهبیه یعنی شوهر عمه مغفرت مآب صوبه دار لاهور و برابر بودند و ناصر جنگ مرحوم
 پسر نه بود و ناصر جنگ مرحوم در ۱۲۳۳ مر از مو جاسیان افغانه موافق امشاره همت خان و غیسره
 افغانه کر نول و کر نیا که بظاهر در همراهی ناصر جنگ و در باطن از هدایت محی الدین خان موافقت
 میداشت بر خرم گولی شهید گردیدند و سعد الله خان ملقب به هدایت محی الدین خان مظفر جنگ
 ولد متوسل خان همشیره زاده نواب ناصر جنگ مرحوم بود و متوسل خان مذکور دو پسر داشت طالب
 محی الدین خان و هدایت محی الدین خان منسوب بسید شاه بیگم لا ولد بود پسر کسی سید گرفته تبنی
 نموده بود بنام حضرت الله خان هدایت محی الدین خان مذکور با اعتقاد افغانه بجای ناصر جنگ مرحوم
 بایات قرار یافت و بقاصد دو ماه در جنگ همت خان دغان مذکور هر دو کشته شدند منصور جنگ
 داماد ناصر جنگ بود سیف جنگ بخشی گری رساله سایر و تعلقه میکنند و دیو کنده در عهد غفران مآب سرفراز

یافته بودند جایگاه ایشان تندگاز و غیره و بیهاات بود سید محمد خان صلابت جنگ پسر سومی آصفیاه
 تجویز موسی بهوسی بر سندی است نسبت رسم شادی صلابت جنگ از عالی بیگم صبیبه میر سید محمد منصبدا
 شده بود از شکم شان اولاد به عارضه عین بهادر معز بود دوزن حامله که با شکم آمده بودند بنابر مصلحت
 داخل محل کرده بودند و پسر دقتیکه تولد شدند یا سلا اولاد صلابت جنگ هم مرحوم اشتباه دادند هر دو
 زنده اند یکی بنام قمر الدین خان مخاطب به جنگی شامزاده بود و دیگری سر سراج الدین خان سر سراج الدوله از
 میر قمر الدین مذکور عن بطن خواص دو فرزند یکی پسر دودمی دختر و از سر سراج الدین عن بطن خواص با
 سه فرزند دو پسر و یک دختر پسر چهارمی آصفیاه میر شریف خان بهادر بسالت جنگ مرحوم شاد و
 بعمل نیامده مگر خواصان که رسم این خاندان است از گوری بیگم نامی طواف بود از بطن آن اولاد
 نشده بسالت جنگ مرحوم را از خواص با منهد پسر و چهار دختر متولد شدند نام پسر کلان
 بهات جنگ بهادر لقب بهادر اگاه غفرانآب منسوب به نقش بندی بیگم نموده در رسم جنگ
 میر عظیم الدین خان بهادر غفرانآب منسوب بسیمه بیگم و در رسم یار جنگ بهادر بهیجان آرا بیگم
 صبیبه غفران منزل منسوب نمود و میر حمید الدین خان بهادر لا ولد فوت شدند و غیرت یاب جنگ بهادر
 منسوب از ساجده بیگم صبیبه غفرانآب و از سرست انسا بیگم صبیبه منصور جنگ منسوب شد از ایشان
 نیز فوت علی و قمر انسا بیگم و بدر انسا بیگم و بدست انسا بیگم متولد شد و از سردار جنگ بهادر و از فریبا
 جنگ و اسفند یار جنگ بهادر و شیر جنگ بهادر سپه سالار جنگ بهادر و صبیبه با مراتب انسا بیگم
 و عزت انسا بیگم و بدر انسا بیگم و رشید انسا بیگم و بدر انسا بیگم و افریاب جنگ زنانه وضع در
 محل خواص با داشتند پسران با اسم میر عزت الله و میر فضل الله و میر بهادر علی و میر تهر علی و میر
 بهروز علی با اسم وزیر انسا بیگم و شیر جنگ بهادر بتاریخ ۶ ربیع الاول ۱۲۳۳ هجری وفات یافت
 بهادر مذکور از خواص با پسر با اسم میر بشارت علی و صبیبه با اسم قمر انسا بیگم و سعید انسا بیگم اند و در
 ۱۲۳۴ هجری نقش بندی بیگم بسبب رویه بد با اشاره رئیس حال یعنی سکنه رجاء بهادر بقتل رسید
 بمحمد ز پسران پنج اسم غایت ۱۲۳۵ هجری بقید حیات اند و چهار پسران فوت شدند نام دختران
 بسالت جنگ مرحوم رحمت انسا بیگم عرف بنخا و بیگم از ممتاز الامر بهادر منسوب اند لا ولد صاحب
 مخاطب به بهوسیگم از عالیجاه خلف غفرانآب کتبخانها شدند ولایتی بیگم از پسر سعادت انسا بیگم

مسی خواجہ حیات اللہ خان خیراتی صاحب بقدرت النساء بیگم صبیہ خواجہ فرید جنگ است منسوب
 شدہ لا ولد فوت شد پیشی بیگم از نظام صاحب فرزند ممتاز الامرا بہادر شادی شدہ لا ولد غلام حسین خان
 فرزند دارا جاہ مرحوم عن ذات از بطن خواص و از بطن نقشبندی بیگم مسطورہ صبیہ باسم نور النساء بیگم
 است و خیر النساء بیگم کہ عبد اللہ خان مغل ہرادر خان شیر از منسوب است و رستم یار جنگ
 کہ بصبیہ غفرانکاب مسماہ جہاں آرا بیگم منسوب اول ۲۴ رجب الاول بیگم مسطورہ ۱۶ ربیع الثانی
 معز وفات یافت پسر سرجخی مغر تآب ہمایون جاہ عرف مغل علی خان بہادر کہ رسم شادی
 باد لہن بیگم نامی ہمیشہ نظامت جنگ ولد خانان بلخ خویش منصور جنگ قطب الامرا بہادر است
 بمحل آمدہ از بطن اولاد نیست از بطن خواص با ۱۲ پسر و ۱ دختر نام پسران نام آور جنگ بہادر
 و شرف یار جنگ بہادر و میر نظام الدین خان و میر بہا والدین خان و میر جمال الدین و خیراتی
 و میر اورد الدین خان استم و دختران اختر النساء بیگم و قمر النساء بیگم و ماہ بیگم و مجیدہ النساء بیگم و دولت
 بیگم و کبیرہ النساء بیگم و خورم بیگم از نام آور جنگ مذکور و اما فی بیگم صبیہ منصور جنگ از معنی جاہ
 منسوب شد لا ولد قضا کرد عن خواص ہادر محل پسران میر ناصر علی و میر پرورش علی و میر
 امام الدین علی از فرزیاب جنگ بہادر مذکور عن خواص پسر باسم سراج الدین صبیہ ہا وزیر بیگم
 عن نصرت یاب جنگ بہادر عن خواص بایک صبیہ باسم ولد ار النساء بیگم و حیات النساء بیگم از
 فیض تاب جنگ بہادر مذکور عن خواص با پسر نام میر بہادر علی و میر بہار الدین علی و غیرہ چہا پسر
 و صبیہ باسم رحمت النساء بیگم از شرف یار جنگ بہادر مذکور عن خواص با صبیہ باسم لطف النساء بیگم
 از میر فیاض الدین مسطور معظم النساء بیگم صبیہ منصور جنگ بہادر قطب الامرا بعالی جاہ منسوب شد
 از ایشان دو صبیہ تولد شد پسران از خواصان عن خواص با بر ہا پوری بیگم و از خریاب جنگ
 بہادر مذکور کہ رسم شادی با امیر النساء بیگم صاحبزاوی حضرت غفرانکاب بمحل آمدہ فرزند
 باسم نور الدین علی است از صبیہ ہا مغل علیخان مرحوم رسم شادی اختر النساء بیگم با خواجہ مرزا
 خان پسر تقیہ بیگم بمحل آمدہ و قمر النساء بیگم از بندہ علی خان پسر خواجہ بایقرخان و ماہ بیگم
 منسوب از خواجہ نصیر خان پسر ماہ بیگم میر تہور علی خان متولد است رسم شادی کبیرہ النساء بیگم
 از خواجہ غلام حسین خان رسم شادی خورم بیگم از عبد الصمد خان ہمیشہ زادہ نواب منصور جنگ

قرارداد قمرالملک قطب الامر با عالی جاه منسوب شد باسم خواجشمس الدین متولد است پسر چهارم
 مغفرت آب میر نظام علیخان غفران مآب که در سنه یک هزار و یکصد و هفتاد و پنج هجری
 بر ریاست تسلط شدند در سنه یک هزار و دویصد و هجده هجری بتاریخ ۳۰ رجب الثانی کوس
 رحلت از این جهان فانی فرد کوفت و در بیت در تاریخ ۱۰ محرم تنزه غفران مآب و تنبیت جلوس
 آصفیاه ثانی از سید محمد تخلص ایمان است **بیت**

هزار حیف ز عالم گذشت آصفیاه هزار شکر که فرزند نامدار بماند
 بگفت پیر فلک گرچه از نیستان رفت در تیمم از وجهر یادگار بماند
 سواری خاص و خانم پاک داشتند از زیب النساء بیگم نامی عرف برهان پوری بیگم صبیخه
 قلیخان مخاطب بمحترم الدوله که از منصبداران برادر پیکر بیگ خان بود رسم نکاح بمعل
 آمده برهان پوری بیگم مذکور بتاریخ ششم رجب الاول ۱۲۳۵ هجری وفات یافت در تنگیه جنوبی
 صاحب متصل تنگیه بود و صاحب بموجب وصیت دفن کردند در زینت النساء بیگم صاحب در ۱۲۳۳ هجری
 وفات یافت در کعبه مسجد دفن شد و جانی بیگم و سلطانی بیگم و غیره از فات بسیار بودند
 سلطان بیگم در ۱۲۳۵ هجری وفات یافت و عنایت النساء بیگم والده فروید و بنجاه مرحوم هفتم
 شوال ۱۲۳۵ هجری وفات یافت و بخشی بیگم صاحبه مغفوره زوجه کلاں را عوض جاگیرات که پسر
 راجه گویند بخش بهادر است در سال تمام در صورت هنگام پنج هزار روپیه در صورت غیر هنگام
 چهل هزار روپیه وصول میر رسید سی و یک هزار و چهار صد روپیه نقد و جواهر که راجه چند وعل بهادر
 در حین حیات تواضع کرده بودند بنگالائی حال که از وقت انتقال بیگم موصوفه قبل از چهار پنج
 سال جواهر قریب پانزده هزار روپیه که از نزد راجه چند وعل بهادر دایمیده بودند همین قدر به
 انتقال بر آمد باقی همه جواهر عنایتی غفران مآب و نقد و غیره بمساکین و مشایخ و غیره بار
 تقسیم نمودند و بمهر هشتاد ساله رسیده در ۱۲۳۹ هجری انتقال نمودند و سکندر جاه بهادر در فرزند
 شان بودند وقت انتقال ملاقات از بندگان فانی حال نشد مگر از قبل پنج و شش روز که ملاقات
 شده حضرت خود در لدا بهادر نموده و از دست خاص نوشتانیدند و کفن و پلنگ و غیره و در بر
 خود از پیشتر تیار داشته وصیت کرده بودند که در مکان کعبه مسجد پایش غفران مآب دفن نمائند

و شایان سفید بجز چو تره کج و دیگر هیچ لازم تکلف نباشد چنانچه همین بمل آمد و غفران مآب
 میر احمد خان عالی جاه مرحوم تولد مرحوم مذکور در سنه کینزار و یکصد و شصت و شش هجری
 بمحل آمده است رسم شادی از صبیبه صلح بیگم صبیبه بسالت جنگ مرحوم مخاطب با اسم به بیگم
 در سنه کینزار و یکصد و هشتاد و شش بمحل آمده و انتقال مرحوم مذکور در سنه کینزار و دو صد
 و ده هجری گردیده بیگم مذکور نیز فوت شد صبیبه با اسم عالم آرا بیگم منسوب بنا عار جنگ
 پسر مغل علیخان مشاغل فوت کرد و ظهور النساء بیگم منسوب از خواجه عجم الدین خان مرحوم فرزند
 خواجه شهید خان نبیره عیوض خان مرحوم صبیبه ظهور النساء بیگم مسطوره با اسم گوهر النساء بیگم
 منسوب از خواجه داور علی خان پسر خواجه قلندر خان مرحوم مشاغل فوت شد لا ولد پسر
 دومی حضرت غفراناب میر سبحان علی خان فرید و بنجاه بهادر وقت انتقال عمر تخمیناً چهل
 سال بود در رسم شادی بمحل نیامده از خواصان فرزندان با اسم جهاندار جنگ که هفتم
 رمضان ۱۲۳۰ هجری فوت شد و شجاعت جنگ از بطن جمیل النساء بیگم منصور جنگ از بطن
 امتیاز النساء بیگم و میر حسن علی از بطن و لنواز با و صبیبه با اسم دلاور النساء بیگم منسوب علی الله خان
 فرزند سید الله خان مرحوم مذکور عموئ شکوه جنگ مقتول است و محمد بیگم به ظهیر جنگ
 پسر جمشید جاه منسوب و سیده النساء بیگم بقیام الدین خان نبیره حیدر جنگ منسوب و
 دار النساء بیگم منسوب بمظهر علی خان بهادر فرزند فخر النساء بیگم است و راحت النساء بیگم منسوب
 بخواجه غلام فوج دلاور خان بهادر و چین ارا بیگم و دیدار النساء بیگم و دیده النساء بیگم از بطن حبیب النساء
 بیگم از عبدالحق خان منسوب شده است منظم النساء بیگم صبیبه کلان از بطن امتیاز النساء بیگم
 که فوت کرد از خواجه محمد یوسف خان بهادر پسر بهادر الدوله بهادر مرحوم منسوب و راحت النساء بیگم
 از بطن کریم با تو بخواجه نقش بند خان منسوب و چین ارا بیگم از بطن روشن بیگم هنوز ناکند
 و محمد بیگم مذکور از بطن امتیاز النساء بیگم و سیده النساء بیگم از بطن امیر بیگم و داور النساء بیگم و
 دلاور النساء بیگم از بطن جمیل النساء بیگم فرزندان مذکور هفت هزار و پیه ماهوار و نقد یا بند
 پسر سیدی غفرانکتاب ذوالفقار علی خان بهادر جهاندار جاه رسم شادی بهادر معزز بمحل
 نیامده در محل خواص با دارند عمر تخمیناً چهل و چهار سال از جهاندار جاه بهادر یک صبیبه متولد

باسم تلج النسا بگم منسوب بحین یاوردالدوله پسر مختار الامرا بهادر و دیگر از جهاندار جاه بهادر
اطفال نیستند شمش هزار روپیه ماهوار مقرر است پسر چهارمی حضرت غفرانآب میر نظام علی
بهادر جمشید جاه مرحوم در سن یک هزار و نود و هفت هجری متولد شدند و در سن یک هزار و دو صد
و پانزده هجری انتقال کردند رسم شادی بمحل نیامده بود از خواص با فرزندان با اسم ظهیر جنگ سبزه
و دار جنگ بهادر و سپه دار جنگ بهادر و ظهیر جنگ از بطن جمشید با نو و سپه دار جنگ
از بطن مهرخ با نو پسر پنجین حضرت غفران آب و برادر حقیقی حضرت بندگان فانی میر طهور علیخان
بهادر اکبر جاه بهادر عمر تخمیناً چهل و دو سال رسم شادی بمحل نیامده در محل خواص با دارند
فرزند با اسم میر بهرام الدین خان صبیہ بنام بلند اختر بگم و جهان افروز بگم شمش هزار روپیه
ماهوار نقدی می یابند و فرزند دویم میر سعادت علیخان بسبب چپک از چشم معذور است
و بلند اختر بگم بمر بست ساله از صمصام الدوله فرزند دویمی بندگان فانی حال نامزده است
هنوز رسم شادی بمحل نیامده و جهان افروز بگم هنوز ناکند از فرزند ششم حضرت غفران آب
میر جهانگیر علیخان بهادر سلیمان جاه عمر تخمیناً سی و نه سال رسم شادی بمحل نیامده در محل
خواص با دارند والدہ حیات النسا بگم و دو فرزند یکی بخشو صاحب و دویمی بهادر صاحب
و بهادر معز شمش هزار روپیه ماهوار نقدی می یابند مگر حیات النسا بگم بقید حیات و از میر
تفضل علی پسر بندگان فانی حال از بطن جهان پرورد بگم صاحبہ زوجہ شادی - پسر ہفتم
حضرت غفران آب میر جهاندار علیخان بهادر کیوان جاه عمر تخمیناً بست و دو سال نسبت
شادی از صبیہ قطب الملک بهادر خلف عماد الملک مرحوم مقرر شده بود هنوز شادی بمحل
نیامده چرا کہ از سطو جاه مرحوم بموجب حکم غفران آب بهادر سوزا مقبلی خود نموده بود و رسم
شادی در التوامی ماند و در محل خواص بهادر دارند فرزندان کہ تولد میشوند می میرند یک صبیہ بمر
یکسال دارند فقط مبلغ پنچ هزار روپیه ماهوار نقدی می یابند و در سن ۱۲۳۰ هجری دو فرزند از خواص
متولد شدند پنج شمش شمش اہمہ ہستند فرزند دویم حضرت غفران آب بندگان فانی
حال دام دونہ و امیر اکبر علیخان بهادر سکندہ جاه عمر تخمیناً پنجاہ و دو سال از بطن تہیت انتقام
صبیہ خواہ محمد صلاح منصب دار عرف بی بی صاحبہ و بی بی صاحبہ موصوفہ را کدام دختر نیست

رسم شادی بندگان عالی از حاجی بگیم عرف جهان پر روز بگیم صاحب معصیه مالی میان مخاطب برسیف الملک پسر
 از سطوحاه مرحوم از بطن فرزند بگیم صاحب همیشه نیر الملک بهادر که رسم نکاح و غیره در مقام بهادر بعمل آمد
 و بعد آمدن از سطوحاه از قید پوز شادی کردند صاحبزاده باسم میر تقی فضل علی تاریخ تولد است و ششم شعبان
 ۱۲۱۹ هـ است از میر تقی فضل علی مذکور بتاریخ عهده بگیم ۲۳ از بطن عائشه بی و دو معصیه و یک فرزند نادر بگیم
 و بگیم معصیه باو شرف الدوله پسر میر تقی فضل علی خان زاد و همیشه باسم غفور النساء بگیم صاحب منکوحه بموجب رسم
 خاندان عالی معصیه منفرد اندازد از بابی نقاشات و واقف کار به تحقیق رسیده که رسم نکاح بعمل نیامده
 معصیه بی بدل جنگ بهادر و بهادر مذکور منصب دار قدم نزد داراجاه بهادر بر جمعیت دوسه هزار
 مع برادر لازم بودند بعد وفات بهادر مذکور گل بانو نادر بگیم صاحب موصوفه باش بخشی بگیم صاحب
 نوکر بود بدان سبب غمخواران باب بندگان عالی حال را علیحدہ فرمودند اول بگیم صاحب موصوفه
 را در خواستگی دادند پسر آن از بطن فضیلت النساء بگیم صاحب عرف چاندنی بگیم باسم میر فرخنده
 علیخان بهادر ناصر الدوله کلاں عمر نیمه ناسی سال که در ۲۸ هجری بتاریخ هجدهم رمضان در قلعه
 بهادر متولد گشتند بهادر مذکور را دو فرزند از خواصان تولد شده بودند فوت کردند رسم
 شادی هنوز بعمل نیامده و دهنه از سی صدر و بیع اصل و اضافا با هواری نقدی مقرر است فرزند دوم
 بندگان عالی حال میر بشیر الدین علیخان مصمصام الدوله بهادر بعمر بت و هشت سال یک فرزند و
 یک دختر از خواصان دارند تولد پس از زنی هفتم رجب ۱۲۳۳ هجری فوت شد تولد بعدیت
 و هفتم رجب سنه الیه باسم شهزادی بگیم از بطن سر و ناز بولعبر نرساله و گھیسٹا بگیم از بطن بنجی و بگیم
 معمر و ساله مبلغ و دهنه از سی صدر و بیع با هواری نقدی مقرر است و فرزند آن با بگیم سر و دار علی معمر یک
 و نیم ساله و میر قادر علی از بطن مسجری بگیم بعمر یک ساله فرزند سوم میر گوهر علیخان مبارز الدوله بهادر
 بعمر بت و شش ساله مبلغ و دهنه از سی صدر و بیع با هواری نقدی مقرر است یک فرزند و دو دختر از
 خواصان متولد شده است تاریخ تولد آنم رجب سنه الیه و بی افضل النساء تولد هفتم رمضان سنه
 دیگر فرزند پنجم رمضان ۱۲۳۱ هـ در قلعه گوکنده متولد شد فوت شد فرزند ششمین که برادر جنگ
 متولد نام میر تهر علی در ۲۳ هـ و فرزند دوم که در قلعه متولد شده بعمر دو ساله موجوده معصیه باسم
 فضیلت النساء بگیم صاحب موصوفه باسم جمال النساء بگیم بیوه تاج الدین خان مرحوم را منسوب بود

ص ۱۲
 میر است و شادمانه دار النساء بگیم معمر بعمر بت ساله
 تاریخ تولد و فضیلت النساء بگیم

و کمال النسا بیگم زوجه امتیاز الدوله بهادر از بطن بیگم مسطوره اولاد متولد نه شده و از بطن رفعت النسا
 بیگم صاحب که بی بی صاحبه ممدوحه بندگانی را داده و فرزند غریبی بوده اند میر محمود یانچ توکلبت
 و ششم رجب ۱۲۱۵ هجری بمصیبه باسم بخت افروز بیگم بوم چهارده ساله ناکتخدا بود از میر فیروز علی خلیف
 عبرت یاب جنگ بن بسالت جنگ هم ذیحجه ۱۲۱۵ هجری متولد شد از بطن بود و داشت دگر نیز خضر الشاکم
 بهر ۱۹ ساله ناکتخدا و از بطن بود و چندی کنیز میر منور علی تانچ تولد ۶ ربیع الاول ۱۲۲۱ هجری از شکم بود و
 میر فیاض علی تانچ ۱۹ رمضان المبارک ۱۲۳۱ هجری از بطن زهره خانم میر دلاور علی تانچ تولد ۱۹ ار
 جمادی الثانی ۱۲۳۱ هجری است از بطن مهتاب خانم فرزند تولد شده بود و بعد گمراه فوت شد
 میر فتح علی از بطن نجیب النسا بیگم فقط سه پسر حضرت عفراناب کلان کنی قهرمان از بیگم
 فتحیاب الدوله مرحوم منسوب بود و فتح یاب الدوله و نظریاب الدوله هر دو برادر حقیقی پسران مرحمت خان خرم
 اولاد عوض خان مرحوم بودند و فرزند باسم خواجه نظیر علیخان از اولاد النسا بیگم مصیبه میر سبحان علیخان
 فریدون جاه مرحوم منسوب بود و دیگر فرزند خواجه شجاعت علی خان و خواجه دلاور علیخان و مصیبه
 نخر النسا بیگم صاحب موصوفه باسم عزت النسا بیگم از منور جنگ پسر یکم تا ز جنگ منسوب بودی باجم
 سلج النسا بیگم نواسه یعنی پسران عشرت النسا بیگم دلاور علی و نادر علی و کامران علی مصیبه دوم حضرت
 عفراناب جهان آرا بیگم صاحب از رسم یار جنگ بهادر فرزند بسالت جنگ مرحوم رسم شادی
 پس عمل آمده هر دو فوت شدند مصیبه سوم ساجده بیگم صاحب نامی از غیرت یار جنگ بهادر
 پسر بسالت جنگ مرحوم شادی و نکوح شد از بطن بیگم صاحب موصوفه پسر باسم میر فیروز علی و مصیبه
 باسم فیض النسا بیگم منسوب پس نظامت جنگ مرحوم مصیبه چهارم حضرت عفراناب میر النسا بیگم
 از خرم یاب جنگ بهادر فرزند مغز علیخان مرحوم رسم شادی بعمل آمده از بطن بیگم موصوفه پسر باسم
 نور الدین علی صاحب مصیبه پنجم حضرت عفراناب سیده بیگم صاحب از رسم جنگ بهادر فرزند بسالت جنگ
 مرحوم شادی گردید از بطن بیگم موصوفه یکم دختر بنام دلاور بیگم متولد شد و مصیبه ششم حضرت عفراناب
 بنیر النسا بیگم از شمس الامرا بهادر شادی گردید بهادر فرزند بیگم صاحب از رسم جنگ مرحوم که جمیع پادگاه
 سوار و بار جملة شش هزار و دویست تنخواه جا آمد و از محاللات قریب بست و هشتت لک روپیه
 فرزند ان از بطن بیگم موصوفه فرید الدین خاں و رفیع الدین خاں و محسن الدین علی خاں و

و عشرت النسا بیگم

میر تهر علی و صبیبه با اسم بلقین مال بیگم و سراج النساء بیگم و سید النساء بیگم صبیبه هفتم حضرت عفران
 ریاض النساء بیگم مرحومه از خان شیراز شادی شد از بطن بیگم مرحومه پسر نام میر عباس علی صبیبه
 با اسم بادشاه بیگم و منور النساء بیگم صبیبه هفتم حضرت عفران مآب که از همه کلان و اول بود و بیگم
 صاحبه مرحومه که از جهات جنگ مرحوم پسر نکالت جنگ مغفور متعقد بود و شادی گردید از بطن بیگم
 مرحومه صبیبه بنام خیر النساء بیگم که بیگم مسطور از عبد الله خان برادر خان شیراز منسوب شده و خان
 مسطور سه برادر کلان خان شیراز محمد علیخان نام و ازند برادر و وسط حسین علیخان برادر که چک عبد الله خان
 پسر علی مردان خان مرحوم و از قنقاس خان مرحوم بنی عم کریم خان بکلی از سلسله زیدیه خان
 ایران محمد علیخان مذکور از ولایت آمده ملازمت حضرت عفران مآب حاصل نمود بعد چند
 ریاض النساء بیگم همیشه فریدون جاه مرحوم منسوب شده بدر ماهمه دو هزار روپیه سفر فرای یافتند
 و برادر کوچک ایشان عبد الله خان با هوای توابعین و غیره لواحق قریب دو هزار روپیه می یابند
 و بسبب منوبی این دو برادر این شد که چون چهاں پرور بیگم بسکند رجاه بهاد منسوب گردیدند
 حضرت موصوف در خانه خود ذکر کردند که دختر شیده سنی را اگر فتن مناسب است از استماع این خبر
 اسطو جان بهادر این هر دو برادر این هر دو برادر سنی مقرر نمود و خان شیراز لقب داده خود و صامن
 شده قسم کلام الله آنها را از روی اعیان سرکار خورانیده بر ترکیب منوب کنانید صبیبه نهم حضرت
 عفران مآب قمر النساء بیگم مرحومه عرف کو بیگم که از خواجه هاشم خان منسوب بود و خواجه هاشم
 خان مذکور از بطن رابعه بیگم صبیبه نواب قمر الدین خان فرزند که از و نشان سه پسر تولد شد سلطان
 خواجه یوسف خان و دویم خواجه هاشم خان و سومی خواجه جعفر خان و اولاد خواجه هاشم خان مذکور
 از بطن بیگم مسطور با اسم خواجه عظیم الدین خان عرف خواجه بادشاه عمر تخیناسی ساله
 دوازده صبیبه و هم حضرت عفران مآب کایلی بیگم از خواجه بدیع الله خان هاشم جنگ منوب بود
 خواجه بدیع الله منور از اینجا فرای شده در بر بانیور انتقال کردند بیگم مذکور بعد چند
 لاولد انتقال کرد و دیگر صبیبه هائے حضرت عفران مآب که انتقال کردند مثل بدری بیگم و دیگر نیز چهار
 اسم خوانند بود و ذکر و خمران آصفی هجین قلیچ خان مغفوت مآب از بطن بیگم بادشاه بیگم و محسن بیگم
 از بطن سید النساء بیگم بدر النساء بیگم ماه بانو بیگم محبت بانو بیگم عرف خان بهادر مکرر بانو بیگم عرف

کالی بیگم است شادی محسنه بیگم از متوسل خان شده فرزند با اسم هدایت محی الدین خان مظفر جنگ
و طالب الدین خان و تاج النساء بیگم در پیورشش هدایت محی الدین خان شریک بودند شادی
نکریم بیگم عرف کالی بیگم از میرکلاں خاں لعل آمده فرزند مختار الامرا بهادر که به بختاو بیگم صبیبه بالت
جنگ مرحوم منسوب بود بهادر معز و حین حیات عفران مآب خطی به بیگم سلطان نوشته بودند
و قتیله بیگم سلطان کشته شد خط مذکور از قلم امان او پیش صاحب عالیشان حشمت جنگ بهادر
منفور رسید مرحوم مذکور در حضور استفسار نمودند که مختار الامرا بهادر با جازت حضور نداشتند
باشد خود بدولت بمقتضای وقت انکار فرمودند و غیر از اخراج مختار الامرا چاره نشد از آنوقت
بهادر معز در کلیانی قیام دارند و مختار الامرا بهادر هفت پسر دارند از خواص یک امتیاز الله و الله بهادر
تولیش بنده گان عالی حال منسوب از کمال النساء بیگم صاحبزادی حضور که در نیولا از حرکات خود داخل
قلعه گوگنده بند بودند و بی حسنی یا ورا الدوله از صبیبه جهاندار جاهد با اسم تاج النساء بیگم که فوت
شد منسوب بود پسرکلاں نظام صاحب است از موقوفی بیگم صبیبه بالت جنگ مرحوم منسوب است
و باقی چهار پسران بهادر معز را شادی شده است و مادر امتیاز الدوله بهادر بختاو بیگم میت بهادر
معز منور الله و الله است و چهار امتیاز الدوله بهادر کلاں تخمیناً شصت و هفت ساله شده و تاج
دوم جادی الاول ۱۲۳۲ هجری قمری در قلعه کلیانی و ولایت حیات پسر و خواجه عبداللہ خان ترکستانی قریب
فند بار درگاه حضرت امام است یکی از اولاد مجاوران درگاه موصوف که در بند صورت بودند
سوداگری می نمودند و قتیله در حیدرآباد رسید عند الملاقات نواب مغفرت مآب نامبرده را ذی خرد
صاحب استعداد کارگنری ریاست یافته مقرب خود ساخته از راه قاروانی بمحرمت دیوانی مقرر
فرمودند مشارالیه را بهشت پسر و سه و دو صبیبه فرزند از زوجه اول یک خواجه عباد الله خاں و بیکی
خواجه هدایت الله خاں سومی خواجه عنایت الله خاں و از زوجه منکوه دیگر که سه فرزند و دو دختر
فرزند کلاں خواجه نعمت الله خاں که منسوب همیشه میرکلاں خاں بود و صاحب جمیعت و عمره و خواجه
شستن مغفرت مآب رو شناس دومی خواجه سعید الله خاں که چندان رو شناس خود بلکه درین
سرکار شکوه جنگ بهادر معز و خواجه عبداللہ خاں هرکاب نواب مغفرت مآب از شاه جهان آباد
بود و از نواب مغفرت مآب هم قرابت نداشت از خواجه معز شش فرزند کلاں خواجه نعمت الله

شکوه جنگ و اما دکانی میگم عرف کمره بانو یکم هشره حضرت غفران آب از بطین صید میگم منظور
 و سه فرزند کلاں خواجه خلیل الله خاں شکوه جنگ که کشا می راکشته مقتول شدند و دویم خواجه
 خلیل الله خاں که بقید حیات اند سوئی حمید الله خاں فرزند دویم خواجه عبد الله خاں بطور
 با ستم سید الله خاں از ایشان فرزند بنام علی الله خاں بقید حیات اند سوم خواجه عباد الله خاں فوت
 کردند چارم خواجه بدایت الله خاں فوت کردند پنجم خواجه نور الله خاں فوت کردند ششم
 خواجه فیض الله خاں فوت کردند شادی بادشاه بیگم صلیه مغفرت تاب به سید با و اناں
 جدید شور جنگ مرحوم شادی خجسته بانو یکم عرف خاں بهادر از سید مثل ولایتی که به شادی
 روانه ولایت شد جمعیت در پره بندی رکاب حضور بر نورنگا نعلی حال است بموجب
 تفصیل ذیل -

مادر علیگ خان بار قادر علیخان بخش الله خان بار رعد جنگبار سید رسول رسول خان بار

۲۰۰۰ نفر	۴۰۰ نفر	۴۰۰ نفر	۴۰۰ نفر
جوانان بار موسی رهجو - آلا نواز جنگ بهادر سوار و بار - جعفر یار جنگ و غیره در علاق			
۱۰۰۰ نفر	۳۰۰ نفر	۵۰۰ نفر	۵۰۰ نفر
راجه چند لعل سوار و بار و غیره - اکبر یار جنگ - شهر یار جنگ بهادر سوار و بار - حاجی لیاک سوار و بار			
۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر
نقشبندی خاں سوار و بار - بنده علیخان - ضیاء الدوله سوار - حال جدید وزیر علی خاں			
۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر	۸۰۰ نفر
سکندر قلیخان بار گیر عبد الله خاں سر رشته دار راجه نذر ام سواران پائیگا - تعداد			
۱۵۰ نفر			
جمعیت نیز ملک بهادر و شمس الامرا بهادر و غیر کم و بیش ازین کم نیست -			

فصل دوم مشعر کیفیت امرای ریاست آصفیه از فرق اهل اسلام و کیفیت نواب

غیر الملک بهادر ولد غیور جنگ بهادر بن شیر جنگ مسطور شیخ حیدر نام از قوم نو آئینه ابداء
 لازم آصف جاه بعد از خدمتگاری در کون بود چو در آمد آمد نادر شاه حضرت آصفجاه عازم
 دلی شد نذر کر نال بعد فوت خاند و رانخان پیش نادر شاه برو کرد و رویه صلح نموده روز دیگر
 ملاقات محمد شاه باو شاه و نادر شاه کردند امیر الامر او کیل مطلق بغیر و جنگ خلف آصف شاه
 بنا بر علیه بر بان الملک آتش افروزی ساخته اول آصفجاه و محمد شاه قمرالدین خاں را مقید
 کنانیده دلی را غارت کنانید و آن قیدای شیخ حیدر مذکور و درگاه قلی هر دو خدمتکار در رفقت
 بودند و روز قتل دلی آصفجاه که در خانه بر بان الملک بودند از انجا رفته به نادر شاه استمالت نموده
 موقوفی قتل کنانیده در انوقت هم این هر دو رفاقت دادند نظر بر این هر دو را خطاب خانی دلی
 شیخ حیدر را حیدر یار خاں و درگاه بی را درگاه قلی خاں و عطای سوار و یک یک صد رویه
 ماهوار مقرر فرموده مقرب و اشتند بعد از ان در عهد میر سید محمود خاں صلابت جنگ خدمت
 دار و علی فیلخانه و اشتند بعد از به صوبه داری اورنگ آباد در عهد غفران تاب سرفرازی یافتند
 رسم شادی غیور جنگ و لیر الملک بهادر از بهجو بیگم صید درگاه قلی خاں بعل آمده از لطن بیگم
 مسطور چهار پسر و دو دختر متولد شدند نام پسران محمد تقی خاں اکرام الملک بهادر و بهادر و معز را
 اشجع الملک بهادر و امین الملک بهادر و هر دو دختران مذکور یک به بیگم سکنه خجسته
 بنیاد مسمی میر سید و صاحب منکب بود و دو بیگی فاطمه بیگم عالی میاں سیف الملک پسر اسطور جاهر
 منسوب بود هر دو فوت کردند و در عهد غفران تاب بخد مت دیوانی بادشاهی سرفرازی یافته بودند
 چنانچه حال بهادر معز بحال است مدت انتقال غیور جنگ مرحوم سی و یک سال شده و شیر جنگ
 مرحوم بمز جهل و شش سال در گذشت و رسم شادی غیر الملک بهادر از صبیبه بای میر عالم
 مغفوریه عمل آمده بهادر معز چهار پسر از هر دو وجه دارند از زوجه حسین صبیبه میر عالم مغفور بنام
 عبدالله صاحب که در فرزند زوجه مغفوره مذکوره دادند از این سبب غیر الملک بهادر بر مال
 و اموال و اکنه و تالاب و دو کاکین بنا کرده میر عالم مغفور قابض و متصرف اند و از لطن شادی
 دویم صبیبه مغفور بنام محمد عالم علی و غیره اند و از لطن خواص مقدر صاحب از همه فرزندان کلاں
 تراست سبزه چهار فرزند ان غیور جنگ مرحوم اکرام الملک و اشجع الملک از قید حیات رگزشتند

جمیعت غیرالملک بهادر چهارصد سوار و دوصد با جمعیت امین الملک بهادر سیصد سوار جاگیر و
 یکصد سوار نگهبان داشت و دوازده علی یکصد و پنجاه نفر فیل و سی و پنج چهارشتر از حضور بندگان عالی دارند
 و تنخواه از حصه که سپه و تجار ام نامت بهادر معز است بابت خرج و خوراک فیلمان و شتران
 از انجمنی یا بنده و ابدالاباد که در جاگیر سواران است وصول آل قریب سه لک روپیہ ظاهر
 سواران ندارند و جاگیر معز و سوائے آن یکصد سوار نگهبان داشت مذکور را جائیداد برانگیز
 قوال و برگزیده بنوازه است و کیفیت سواران مذکور این است که گاهی در نوکری سرکار نشینند
 سوائے آن جاگیر ذات و غیره دارند و غیرت و اوایل هر دو موضع جاگیر جہاں پرور بکرم صاحب
 بهادر معز تفویض است و امین بهادر و فرزند داشتند و یک صبیہ کی حسن یا و والد و لک کنار
 اطلاق و جاگیر خود از حضور پر نور نوپا سیند بود و اند بتیاریخ نسبت و چهارم ربیع الاول ۱۲۳۵ م بمقتلا
 شراب مرد و دومی سپه بهادر معز درگاه قلیخان که بعلت مشایخ مشهور اند موجود - صبیہ بهادر معز از
 باقر علیخان بهادر سپه طالب الدوله مرحوم منسوب و نواب غیرالملک بهادر جائیداد و جمعیت خود
 برگزیده و لکل دارند و دیگر جائیات ذات بهادر معز متفرق دیہات هستند و سوائے این صاحب
 چند و لعل بهادر بابت تحریک شش لک روپیہ میدهند - کیفیت شہر یار الملک بهادر - بهادر
 برادر زاده مظفر الملک بهادر ولد حسین علیخان هر دو برادر حقیقی یا لیکر بیکر بی در وقت غلام
 خاں آمدہ ملازم حضور پر نور شد و در جمعیت و ملک کردہ پسر فزازی یافتند در این ایام بہب
 شہر یار الملک بهادر را از آمنہ السلام بیگم صبیہ خلف غلام سید خاں مرحوم کہ از زوجہ نخستین
 بودہ باشد و بهادر معز - برادر حقیقی اند معز الدوله و احمد علیخان و بهادر معز و ہمیشہ کلان
 صبیغۃ اللہ خاں قلندر را بتکلیف منسوب و ہمیشہ خود بمحکم جنگ برادر اشرف الدوله منسوب است و
 جمیعت بهادر معز چهارصد و شصت سوار و یکصد و ہفتاد نفر بار و در جاگیر جمیعت و ذات قریب
 پنجاه ہزار روپیہ و تتمہ نگهبان داشت بهادر معز الیور ماند و سوائے حصہ بیکر بی سه لک پنجاه ہزار
 روپیہ تخمینا وصول مقرر است سوائے این ہیج خدمت از سرکار نیست و مظفر الملک بهادر را
 در بیکر بی حصہ جاگیر بود و در بی مذکور حصہ شہر یار الملک بهادر و معز الدوله نیز بہت تقسیم
 آن در خانگی کردند لہذا تفصیل آن معلوم نہ شد و تئیکہ تعلقہ کردہ از مرحوم متوفی شد

جمیعت هم موقوف شد بعد انتقال غلام سید خاں مرحوم دو صد سوار و باور ماهه ذات
 بودند مرحوم فرزوار میر ابو القاسم بی اداینها که نمودند این موقوفی جمیعت و در ماهه ذات
 شده روانه بکین بی شد و شاه یار الملک بهادر را و فرزند و سه دختر فرزند گلان بیام
 رونق علیخان که سید جاگیر است و جمیعت از سرکار بنام دوست و دیم عباس علیخان و از دختران
 مذکوره دو دختر بد و فرزند برادر خود غلام علیخان و منصور الدوله منوب و یکی بفرزند احمد علیخان
 متوفی نامزد شده است - کیفیت غلام سید خاں مرحوم مخاطب با رسلطو جاهد و دفعه خانان ابن
 دیوان حسن محمد خان قوم مندل گیانی از نسل نوشیروان عادل متوطن قصبه سامانه مصفا
 چکله سرهنه دیوان مذکور و برادر بود یکی دیوان حسن محمد خان و دیگری محمد قاسم خاں که از
 اولادش خاں نو لاملار بهادر است پدر غلام سید خاں مرحوم بیجا ره و پیه شایم نصبه اران بود
 مولد رسلطو جاهد مذکور را بیچور است و نیز تولد غلام مرتضی خاں سیف الملک عرف معالی میان
 فرزند رسلطو جاهد مذکور را بیچور شده هر گامیکه در دیوانی رکن الدوله غلام سید خاں رسلطو
 دست و پا کرده بودند و از بلده بهر تقریب برنی آمدند لهذا رکن الدوله میر موسی خاں مرحوم رسلطو
 را صوبه داری اورنگ آباد داده از حضور باشی موقوف نمودند آنوقت متعلقان رسلطو جاهد
 از بیچور و اورنگ آباد آمدند بچهار سال از صوبه داری اورنگ آباد موقوف نموده
 حکم حضور شد که در قلعه اوسه باشند و به حضور حاضر نشوند بموجب حکم در قلعه اوسه متعلقان
 سکونت نمودند بعد انتقال رکن الدوله خان مرحوم سلسله جنیان از وقار الدوله که وکیل ظفر الدوله
 ابراهیم بیگ مخاطب بفاضل بیگ خاں بودند آمده و قار الدوله که تنگ مزاج بود از طور
 ایشان آگاه شده اخراج کرد بعد اخراج خان مرحوم زلفظ الدوله ریشه دیوانی کرده بیام
 و کالت نمود که بطور و کالت خود را در حضور بر نور مامور سازند ظفر الدوله نیز از اطوار خان مرحوم
 واقف بود انکارات کرد لیکن دولت رائے نامی متصدی خانگی ظفر الدوله را چینه تویح
 کرده و کالت و روانگی خود در حضور بر نور قرار داده عرضی ظفر الدوله در حضور بر نور گناینده که
 غلام سید خاں را بطور و کالت خود مامور میسازم که از حضور بر نور جواب ارشاد شد که
 این ممکن کش است شما جز این را بایں عهده مامور سازند بران هم باز عرضی عذریه

۱- فرخ خان خاں سلطان مسطور اعتقادی او سر سفره فرزند و دو داندادار و نام غلام سید خاں مرحوم

از ظفر الدوله نویسانده که این قابل حضور باشی است در آن هنگام و قبال الدوله خود نشسته انتقال
نموده بود بر ابراهیم رائے رایان و زانا بنیادت و شمس الامراء مرحوم بر سر عرصه بودند حضور پر نور عرضی
ظفر الدوله به شمس الامراء مرحوم عنایت کرده استفسار فرمودند که این طور در حق غلام سید خان
ظفر الدوله می نویسند شما چه صلاح عرضی میسازند مرحوم مذکور عرض کردند که غلام از حضور علاقه دار
کسی آید یا نیاید خود ابراهیم سرکار نیست هر چند که رائے رایان به مرحوم اظهار کردند که ملخ آمدن
خان مرحوم شوند لیکن موثر نشد و موافق عرضی شمس الامراء بهیسا در طلب خان مرحوم شدند و از
جمله و کالت که آمدند متسلط شدند و دیوانی بایشان قرار یافت چنانچه از حزن تر و دوا ایشان در
۱۲۵۰ هجری یک لک روپیہ سالیانه از سرکار عظمت ما رسم قرار یافته بود و در قلعه اوسه قریب
هفت سال مانده بودند از این وجب قلعه اوسه را با جمیع جنگ عرف و لامیای که برادر حقیقی
خان مرحوم بود سپرد شد و از دولامیای چند پسر بقید حیات اند و شادی غلام سید خان مرحوم از نواب
بیگم دختر بهوی میان پدر گھاسی میان بهمن آمده است و یک پسر بنام معالی میان متولد شده
شادی همیشه زاده نواب بیگم مسطوره از منتظم الدوله بهمن آمده و پسر داری یکی رضا علی دوم
محمد تقی هنوز رسم شادی پرود نشده عمر معظم الدوله تخمیناً ۵۵ سال بهادر مذکور و لگھاسی میان
ابن بهوی میان که پیشتر قلعه دار قلعه دولت آباد و خدمت داغ رساله معالی میان غلام سید
خان مرحوم تفویض نموده بودند بعد موقوفی صرف بقلعه داری دولت آباد از حضور غفران مآب
سرفرازی داشتند و شادی معالی میان مذکور از همیشه نواب میرالملك بهادر بخاطر
بفرزند بیگم بهمن آمده بود و خاص بیگم بخاطر بجهان پرور بیگم صاحب محل شادی بندگانه ای
حال از بطن فرزند بیگم مسطوره است آمده اسلام بیگم از بطن خواص معالی میان است شادی
بیگم مسطوره از شهباز الملک شده است غلام سید خان مرحوم یک طوائف مشبهه با اسم سرور افرا
بیگم نیز داشتند چنانچه سرورنگر بنامش آباد کرده بودند بعد انتقال از مسطوره
مرحوم بعد چند سال بیگم مذکور نیز فوت کرد و هر گاه که معالی میان فوت کرد و غفران مآب
وار مسطوره را بسیار بیقرار و متوحش کیوان جاه را بفرزند بیگم سید خان مرحوم دادند و خان
مرحوم نسبت کیوان جاه بهادر از حرمت النساء بیگم حبیه قطب الملک بهادر خلف عماد الملک بهادر

مرحوم به حین حیات خود نموده بودند چونکه خان مرحوم انتقال کرد رسم در التوا ماندانه اولاد دار
باه مرحوم هیچ نیست مگر آل دارد -

کیفیت وقار الدوله مرحوم

وقار الدوله نصیب یار خان چندان در عرصه نبود مگر وقار الدوله اول در مصاحبین رکن الدوله
بصوبه داری بلده فرخنده بنیاد و نیز سرفرازی یا قته بود بعد انتقال رکن الدوله و رمراج غفران
آب دخل یافته اکثر امورات مدارالمهای اش از ماندن غلام سید خان مرحوم اجرای می نمودند
در ۱۲۹۶ هـ خود را انتقال کردند - کیفیت ضیاء الملک بهادر ولد منظم الدوله قنظم جنگ
ابن ابوالفتح خان که برادر کلان احسن الدوله کیتاز جنگ که در عهد حضرت غفرانکاب چندی
دیوانی عالیجا به مرحوم نموده بودند و در عهد مصلابت جنگ تاش شاه و قتیکه شاه نواز خان
خان نشین شدند ابوالفتح خان مسطور سرانجام دیوانی دادند و منظم الدوله بهادر پدر ضیاء الملک
از جاکه پنجمین اردو به سرفرازی داشتند نام روجه منظم الدوله بهادر فرحت النساء سلیم حایم
شعبان مشکله هجری انتقال کردند رسم شادی ضیاء الملک بهادر از ضمیمه احسن الدوله لیکان
جنگ شده در اولاد بهادر مغیر اسم ضیاء الدوله بمری و هفت ساله یک فرزند داشت
ضیاء الدوله را رسم شادی از ضمیمه طالب جنگ ولد حق الدوله شده یک بهریم بهقده ساله
و ارند ضیاء الدوله بهادر از سرکار پنجاه سوار اند در وقتیکه غلام سید خان مرحوم به پونا رفتند و بعد
آن مختار الامر بهادر چندی در مصاحبت حضور فرور ماندند باستصواب بهادر مغیر اسم
حسام الدوله و ولد به نظر جنگ بهادر بخدمت عرض نیکی سرفراز شدند چنانچه تا حال همان علاقه
سرفراز اند در ۱۲۳۱ هـ هجری که ضیاء الدوله برای شادی دختران خود به چینا پلین رفتند با
فرزندان عظیم الدوله شادی کردند و کاندلی ناخوش شده علاقه عرض نیکی موقوف کردند ۱۳۱۱
جمادی الاول ۱۳۳۲ هـ ضیاء الملک بهادر رحلت کردند کیفیت شیخ ابوالخیر خان
متوطن شکوه آباد که در هندوستان واقع است از سفر به بانپور همراه مغفرت آف رقیق
شدند غرت و اعتبار بسیار بود در اولاد او شان فرزند کلان ابوالبرکات خان فرزند خرد
ابوالفتح خان بعد انتقال والد خود ابوالفتح خان از خطاب ابوالخیر خان بهادر در تیغ جنگ شمس

شمس الملک مخاطب شدند همشیره امجد الملک بهادر منسوب شدند و از مطبش نسخ فخر الدین تولد
شدند و از عنایت حضور به خطاب شمس الامرا و شمس الملک بهادر سرفرازی یافت نهادی
ایشان از دختر غفران تاب بشیر النساء بیگم همشیره فریدون جاه بهادر گردیدند و اولاد شیخ فخر الدین
خان چار فرزند کلان فرید الدین خان دوم بدالد خان خاص زاده سیوم رکن الدین خان چهارم
امیر الدین خان عمر شمس الامرا بهادر تخمیناً نهم و ده سال جمعیت پاکیگاه سوار و بار جمله شش هزار
و در عوض جامدادی تنخواه از محاللات قریب بست و بهشت لک روپیہ مقرر است و برگشت
جامدادی نارائن کنده و گلبرگه الم نگوی و بھالکی و غیره دارند و در مصوبہ بجای پور و مصوبہ اورنگ آباد
نیز جامدادی متفرق است کیفیت امجد الملک بهادر شیخ رحیم الدین بخطاب محمد امجد خان
سر بلند جنگ امجد الملک رفیق و اقربایان تیغ جنگ اند بعد انتقال شمس الامرا بهادر از کارزاری
شمس الامرا حال سرفراز بودند عنایات بندگان غالی تاب بر احوال امجد الملک از باعث
حاضر باشی که روز و شب بر دژ پوری حاضر میبودند زیادہ بود انتقال نمودند فرزندش سیف ملک
وامام الدین خان و سردار علی موجود و تمامی اموات جاگیر و غیره سرکار شمس الامرا بهادر
متعلق دارند عمر امجد الملک مرحوم وقت انتقال تخمیناً هفتاد و چار سال سیف جنگ بهادر
پسر امجد الملک بهادر جاگیر پنجاہ هزار روپیہ از سرکار بندگان غالی و شریک جاگیرات شمس الامرا
اندر کیفیت میر عالم مغفور - میر رضی شومشتری در عهد حضرت غفران تاب از ملک
خود در بلده فرخنده بنیاد داخل شدند و تمام ایرانیان مثل رکن الدولہ مرحوم در
حضور سوسن معروض ساختند که میر رضی شخصی از ایران آمده است قابل و در علم عربی بسیار
جہارت دارند از راه پرورش جاگیر سہ ہزار روپیہ در پرگنہ پٹن چر و سرفرازی یا بند حضرت
بندگان عالی پاس خاطر رکن الدولہ بہادر از جاگیر مذکور سرفراز فرمودند میر مذکور را دو فرزند
یکے میر ابوالقاسم عرف میر عالم بہادر دومی میر زین العابدین کہ در سرنگ پٹن در سرکاریو
سلطان ملازم بود میر عالم برادر میر دوران آخر عمر خود از وکالت بیایہ دیوانی و مدارالمہائی
رسیدہ انتقال نمودند الحال عبداللہ صاحب فرزند غیر الملک بہادر در فرزند می صاحب
مغفور اند فرزند میر زین العابدین میر امام خان حاضر اند میر عالم مغفور پیشتر بعدہ وکالت

سرکار دولت مدار سر قرار بودند بعد انتقال از سطوحاه مرحوم بمعه دار المهای امتیاز یافته اند و
 دختر داشتند هر دو به غیر الملک بهادر منسوب شدند هرگاه دختر نخستین انتقال نمود دختر
 یکی قرار یافت چنانچه در ذکر ایشان پیشتر گزشت کیفیت اعتراف الملک بهادر
 میر کاظم باشد محبت بنیاد بود و حساب قلع خام دولت آباد داشت در عهد غفران به صاحب
 رکن الدوله برعهده منشی گری حضور پر نور سر فرزند یافتمند خدمت منشی گری از عرصه سی و نه سال
 و مع کیفیت اعتراف الملک بهادر شهاب جنگ میر رضا علی شهاب جنگ برادر اعتراف الملک
 منشی در رفاقت نواب ملایط جنگ از قلعه داری دولت آباد سر فرزند میر حیدر خان
 که نام اصلی منشی مسطور است در حضور بنده کافعی ملازم گردید و سر انجام امور منشی گری بمقتضای
 فی نحو حضرت بنده گان عالی به خطاب اعتراف الملک بهادر سر فرزند فرمودند غلام میر خان که
 بعد آمدن پونا کار منشی گری حضور از اسماعیل یار جنگ میگرفتند بعد انتقال غلام سید خان
 مرحوم میر عالم مغفور امور منشی گری حضور از اعتراف الملک بهادر گرفتند الحال از باعث منعی
 بهادر مغز استیفا داده رشید والد فرزند کلان خود را در حضور پاشی مقرر نمودند و از اعتراف
 الملک بهادر پنج فرزند اند کلان رشید الدوله بهادر که بر کار منشی گری و قلعه داری دولت
 معمور و شادی بهادر مذکور از دختر سر فرزند الملک بهادر رشید دو فرزند دارند یکی میر اسمعیل
 و دیگری میر صادق علی پسر دومی اعتراف الملک وحید الدوله قلعه داری قلع پرنیاد سر فرزند
 و از دختر غلام حسین خان شادی گردید یک فرزند موسوم به میر غلام حسین داد و موسوم به عباس علیخان بهادر
 شادی بهادر مغز از دختر افتخار الملک بهادر گردید یک فرزند بنام میر محمد علی دارند چهارمی میر اسماعیل
 علیخان از قلعه داری قلع بهاتمه ممتاز از دختر سلطان نواز خان منسوب پنجمی دلاور علیخان انتقال
 نمودند شادی مرحوم مذکور از دختر میر ابوتراب گردید دو فرزند کلان میر محمد صالح و فرزند خود
 میر الف علی از قلعه داری قلع بیال باری سر فرزند اعتراف الملک شانزدهم شوال ۱۲۳۱ هجری
 قضا کردند رشید الدوله اجرای کار منشی گری و عباس علیخان بخدمت عرض سبکی مامور اند -
 کیفیت رکن الدوله مرحوم سید محمد از سادات موسوی باشند شهر بخارا نزد نواب غارالدین
 بهادر شاه جهان آباد آمده ملازم شد نواب موصوف بفرست و حرمت تمام نزد خود داشتند و

برای تربیت علم ترکی تعیین نواب معفرت مآب نمودند نقل است معفرت مآب در عهدی
خود بمطاب میر ترکی خاں سرفراز فرمودند و همیشه مقرب میداشتند و اولاد سید موصوف
میر موسی خان تولد شدند از مسطور چار فرزند گلان میر محمد اقامت جنگ بدشته در حصه غفران
مآب بهمه دار و علی هر کاره با سرفراز بودند من بعد در سنه یک هزار و یکصد و سیصد و هفت
هجری به خطاب رکن و خلعت دیوانی امتیاز یافت ابراهیم خان غیره سرداران جمعیت بارنابر
طلب تحوّه خود بر دیور می سرکار هنگامه و دنگ نمودند توپها را برد و از نصب کردن بیچکس اندر
دیوانخانه رفتن ندادند در ویش محمد خان داروغه دیوانخانه که برای فحاشیش آنها آمد بود و اور
ابا لای توپ نشاندند رکن الدوله از جاگیر داران و اهل کاران بخواه لکمه روسیه باقر اسجانی
جاگیر است کار و خدمات اخذ نموده از ساپوان بعنوان قرض گرفته فیصله حساب طلب تحوّه
سیاه لغایت بر طریقی ساخته آنها را بشتر بدیکه بخواه لکمه روسیه از زمینداران ملک سرکار بطور اخص
چهاراتی برقم مسموی نویسانیده گرفت و قرار کرد که عهد دیوانی خود بد قوی بخوابد چنانچه زمیندار
از راستی قول رکن الدوله مسطور نوی با بادی ملک سرگرم شدند که تحویل از ملک مضاعف رسید
و بیچکس از اطاعت سر نه پیچید تاریخ انتقال رکن الدوله مرحوم بست و ششم صفر سنه یک هزار و یکصد
هشتاد و پنج هجری که لغایت سنه ۱۲۳۴ هجری و نه سال میشود بعد انتقال رکن الدوله حضرت غفران
مآب بنفس نفیس خود انتظام مهام میدادند راجه راے رایان و نانا پندت هر دو برادر اچرا کار
مینمودند و قار الدوله و مصهام الدوله هر دو با اتفاق شریک مشوّه کلیات حضرت غفران مآب
نا آمدن غلام سید خان مرحوم بودند و قتیکه در سنه یک هزار و دویج هجری غلام سید خان حرم
آمدند از اسی و شش سال تا حال منتقضی شده خود اجرائی کار سرکار مینمودند پس از آمدن غلام
سید خان مرحوم و قار الدوله مذکور خود را از دست خود خنجر بگوشید و از قیدیات نجات یافت
و در اولاد رکن الدوله مرحوم یک دختر متولد شده بود که از عالم جنگ شادی نمودند و در عمر بیچه
سال انتقال نمود و یک منکوحه با اسم مهتاب طوائف همیشه چندانانی مخاطب بجاه تقا تا
حال بقیدیات است فرزند دوم میر موسی خان مرحوم پدر رکن الدوله مرحوم احوال میر محمد
خال تهر جنگ شرف الدوله شرف لامرا شرف الملک بهادر ابداء علاقه روزگار در رشتن

منصبداران داشت و در عهد صلابت جنگ بمنصب خطاب خانی سر فرزند درایمی که دار
 المهای رکن الدوله گردید بهادر مذکور بمنصب شش هزاری و چهار هزار سوار و خطاب و عطای علم
 و تقاره و پانلی چهار دار و از پانزده ک روپیه تعلقه بیطرف آباد عرف و دعار در و تعلقه نامری
 و غیره محالات که وصول آن قریب هست لک روپیه بود و جمعیت قریب پنجاه هزار سوار و دویست
 بار و عرب و روپیه اندو کری سرکار حاضری بودند سر فرزند اشرف الملک بهادر در سپهر
 فرزند کمال بنام ضولت جنگ در قلعه نزل از گوله ضرب توپ بکار بر کار نقد جان یافت
 دویسی داد را الملک بهادر که در سنه یک هزار و دویصد و بیست و هجده بحری انتقال کرد سه پسر میداشت
 یکی میر حسین علیخان اشرف جنگ اشرف الدوله بهادر که در سنه ۱۲۲۸ در گذشت از ایشان یک
 فرزند نامش میر موسی خان است اشرف الدوله بهادر جاگیر جمعیت پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و
 پنجاه راس اسبیت بعلاقه تحویل فرزند دوم داور الملک مرحوم میر علی حسن خان محکم جنگ ایشان
 یک فرزند نامش میر احمد یار خان فرزند سوم میر علی حید خان تهور جنگ در علاقه جاگیر صد سوار
 و جاگیر سی و شش هزار و پانصد و نو روپیه نقدی دارند از ایشان یک دختر فرزند سوم میر احمد
 یار خان اشرف الملک مسطور بنام یاور الدوله بهادر که در سنه ۱۲۳۱ هجری در گذشتند سجاگیر
 ذات سر فرزند جمعیت ندارند از ایشان سه فرزند میر واجد علیخان و میر رضا علیخان و میر حسن علیخان
 فرزند سوم میر موسی خان مذکور پدر رکن الدوله مسمی میر از دیار خان حشمت جنگ از ایشان فرزند
 متنبه فرزند چهارم میر حامد یار خان ارسلان جنگ اولاد نمیداشتند کیفیت رفت الملک
 بهادر هرگاه که در عهد محمد شاه بادشاه حضرت مغفرت تاب از شاه جهان آباد داده دکن فرمودند
 سید لشکر خان نامی جد معوی بهادر مفر که در منصب داران بادشاهی بود همراه آورده در نواح بڑا
 روخته بنیاد و غیره از جاگیر ذات بست و پنجاه هزار سوار سر فرزند فرمودند خان مذکور از مقر بان
 حضور ماند بعد چندی میر ظریف خان برادر خان مذکور مع نور آور جنگ نامی پدر رفت الملک
 بهادر و میر حلقه بهادر معز از هندوستان نزد سید لشکر خان آوردند و میر ظریف خان باوردگی سید
 لشکر خان از جاگیر سی هزار روپیه در صوبه بخت بنیاد و غیره سر فرزند یافتند چندی در طوس است
 ناصر جنگ شهید لشکر خان صوبه داری بخت بنیاد و در عهد صلابت جنگ بخت دایمی هم مامور

بودند و بر دس میز طریف خان جدر رفت. الملک سید لشکر خان انتقال فرمودند و میر علی سبب
 قربت دامادی و سید سید لشکر خان شدند و نیز بکار نظامت محنته بنیاد در عهد حضرت غفراناب
 سر فرزند ما مور بودند و زوهار و جنگ بهادر پدر رفت الملک بهادر از رساله غلیله با محاللات نادر
 و غیره سر فرزند شدند تا حال رفت الملک بهادر بدست پدر خود عوض نهک روپیه از محاللات نادر
 و غیره در جاند جمعیت هفت صد سوار و هشتصد پنهان جوان بار سر فرزند و در سیه کینار
 و دو صد سی و پنج مهربی سبب چند جو بات رعایای نادر و غیره عارفی نالشی به حضور رسیدن
 اینجا گزرا نیندند و از اینجا در باب تدارک و داد دی ایما رفت راجه چند فعل بهادر و قریب بست ملک
 روپیه بطور تاوان گرفتند و بحضور طلب کردند مفریان را بسیار چشم خانی نمودند از آن وقت از
 علاقه نادر مغرول و در جمعیت هم احتصار کردند خانه نشین می باشند و رسم شادی رفت الملک
 بهادر از نصیه میر لیان خان عمومی ضیاء الملک بهادر بعمل آمده نام سپهران رفت الملک بهادر
 میر نظیر علیخان و میر اکبر علیخان و میر نجف علیخان و میر دلاور علیخان و میر فتح علیخان و میر غلام
 دستگیر خان است بمجلس سپهران بهادر نذکور سپهر و در بهادر مسطور در سال ۱۲۳۰ هجری فوت
 کرد شادی میر نظیر علیخان از دختر مصداق میر خان نامی از اقرایان بهادر و میر اکبر علیخان
 بخانه مقرب خان قلعدار بالکنده و شادی میر نجف علیخان از دختر عظمت خان نامی جالگیر فار
 بعمل آمده است و شادی دو پسر و دو صبیبه دریافت طلب و زور و جنگ بهادر پدر رفت
 الملک دو برادر بودند یکی بهادر و مغرود و دیگری عظیم الملک بهادر بسبب بقایای سرکار عباسی در
 اعلی اوزنگ آباد و نا اتفاقی از سطو جاهد بعد سفر بالکل گریخته چندی در ملک مرطبه اقامت یافت
 بوقت راجه چند و فعل بهادر در بلده آمده از سرکار جالگیر بست هزار روپیه سر فرزند شده
 در قصبه پریمنی ماندند - کیفیت نورالاحرار مرحوم محمد قاسم خان مندل از نسل نوشیروان طایف
 کیانی جد نورالاحرار بهادر در نواب شجاع الدوله وزیر الملک مساعده فرستاده از قصبه سامان
 مضافت چکله سرهند صوبه داران خلافت شاه جهان آباد طلبیده داشته رساله کینار سوار غایت
 فرموده ملازم داشتند بعد انتقال قاسم خان مسطور و غلام کمال خان پدر نورالاحرار بهادر بدست
 در سرکار وزیر الملک محمد و ح ماندند بعد انتقال کمال مرحوم نورالاحرار بهادر و بملقه پدر خود

شدند و با عتماد قدامت در وقت نواب آصف الدوله مرحوم مع رساله فات خود یک پلطن و
چهار ضرب توپ نورالامرو بهیادربنابر حفاظت از ملک سرحدی چهارده لک کناره دیای
کنگ از بهر دور تا پنجب آباد و پھر گده دار انگر با ضافه در ماه پینر از رویه سر فزای یافته
چونکه ارسلو جاه از حیدر آباد مساعده یک لک و پنجاه هزار روپیه فرستاده اند در انوقت نواب
آصف الدوله اجازت رحلت ندادند بود انتقال نواب موصوف در ماه ذیحجه ۱۲۱۲ م داخل
اورنگ آباد شدند بعد در بلده فرخنده بنیاد رسیده از حضور عفران آاب سر فزای شش
رقم جوهر و جالگیر نیم لک و هفت هزار روپیه و علاقه چوکی دیو پڑھی غزاتیاز یافت و چهار لک روپیه
ارسلو جاه بهادر بنابر طلبیدن متعلقان بهادر معز دادند بعد رسیدن متعلقان ده لک روپیه
را جالگیر و سه هزار روپیه با هوار سوار و پیاده مع جائداد جمعیت شانزده لک و هشتاد هزار روپیه
مقرر شدند بعد انتقال ارسلو جاه مرحوم نورالامرو بهیادربنابر کشتکش بائے میر عالم مغفور اخراج در
اورنگ آباد یافته بودند چونکه بنیری رسل صاحب بهادر از یونہ برزیدنی حیدر آباد امور شد در
۱۲۲۶ م بحری همراه آورده شش لک روپیه را جالگیر و نکل و پنہمکنده و غیره مقرر کنایند دادند
و بهادر مغفور پنجاه و ہشت سال رسید ششم ۱۲۳۶ م بحری داعی حق را بیک اجابت گفتند
چهار فرزند دارند سه فرزند را شادی شده است و یک فرزند تا حال نا متخدا صاحب ہر چار
فرزند ان کسی نیست فرزندان کلان علی یا و الدولہ بہادر عمر سی و چہار سالہ و دومی کامیاب
الدولہ بہادر عمر سی و یکسالہ سومی یا و الدولہ بہادر عمر بہت و شش سالہ فرزند چہارم خورد و ہجر
بست و یکسالہ مسمی دلاور علیخان بہادر رسم شادی علی یا و الدولہ در قوم برادری خود با دختر عمہ
خود و اورنگ آباد بعمل آمده و شادی کامیاب الدولہ بہادر با صبیہ نواب وجبہ الدین خان
میدل کہ در سامانہ مختار کار و بار دیہات و سواران است از وطن طلبیہ ہو و ند عرصہ ده
سال شد کہ رسم شادی بہمل آمدہ و بعد فوت شادی یا و الدولہ با دختر نواب سکندر الدولہ بہادر
۱۲۲۸ م بحری در حیدر آباد شدہ و بہت دلاور علیخان بہادر سیر چہارمی نورالامرو مرحوم از
دختر قلندر بخش خان میدل بہمل آمدہ ہنوز رسم شادی بہمل نیامدہ و قلعه امام گدہ کہ اندرون
قلعہ سامانہ واقع است بنا کردہ محمد قاسم خان جد نورالامرو مرحوم است تا ہنوز داخل و تصرف

در قلعه مسطور معین موضع سامانه و آمدنی فصول سائر بطرف نورالامرا مرحوم است و قلعه مرتضی پور
 مع شهر پناه از سامانه فاصله است پنج کرده بطرف مشرق داد و بنا کرده جد نورالامرا مرحوم
 و قتیکه جدید بسیار در مغز نزد نواب شجاع الدوله مرحوم آمدند و قلعه مذکور تصرف سبکان
 گردید و محمد عظیم خان بهادر مندل از بزرگان مرحوم مذکور را آنجا بسیار به ثروت ماند و چنانچه
 بنجزار سوار پایگاه و دیگر از بهفت صد موضع را زمینداری میداشت و قلعه عظیم گده و
 کشری پیاله و شهر پناه قصبه سامانه و در قصبه بهوان پرگنه مواضعات قصبه مذکور یکصد و پنجاه
 یکصد و پنجاه گره می خام بنا کرده محمد عظیم خان بهادر است و بهادر مغز و اولاد خود یک دختر
 میداشت که منسوب به علام کمال خان پدر مرحوم مذکور بود و از بطن او نورالامرا مرحوم متولد شدند
 محمد عاق خان مندل را دو فرزند یکی مسی بدیوان حسن محمد خان جد اسطو جاوه مرحوم و دیگری محمد قاسم
 خان جد نورالامرا مرحوم کیفیت حسب و نسب سرور نواز جنگ اینکه بهادر مغز فرزند محمد خلیف خان
 و خان مسطور برادر حقیقی محمد عظیم خان نانا حقیقی نورالامرا مرحوم والده سرور نواز جنگ مذکور
 تا حال در اینجا زنده اند امرا مرحوم دو دختر بنام عمه بیگم و حبیب النساء بیگم داشتند
 شادی عمه بیگم مسطور همیشه حقیقی کامیاب الدوله از سرور نواز جنگ و شادی حبیب
 النساء بیگم در ۱۲۳۳ هـ از غلام محمدی الدین خان پسر قلندر بخش خان بهمن آمده در ۱۲۳۳ هـ
 حبیب النساء بیگم مسطور فوت کرد و نورالامرا مرحوم دو محل ذی اولاد داشتند سرفرزد
 و یک دختر از محل شادی و محل دوم یک کنجی از موضع برلی همراه آورده بودند از بطنش
 دلاور علیخان بهادر النساء بیگم مغز و چنانچه والده کامیاب الدوله و غیره رحلت
 کرد والده دلاور علی خان بقید حیات است و بالفعل معاش سابق نورالامرا مرحوم
 همه مغز و قریب یک لک مد پیه جا نداد در کنجی راجه چند و محل بسیار
 بر اوست فرزند آن نورالامرا مرحوم کرده داده اند و بهمنیه مذکور در قرض کوشی یا لمصیب
 مقرر گشته و آمدنی اش در کوشی میرسد - بیقیات افتار الدوله افتخار جنگ اینکه غایت
 الله خان نامی دیوان خالصه و دیوان تن و خان سامانی بادشاه عالمگیر در رنگ زیب و حبیب
 داشتند یکی به مبارزخان بهادر در عماد الملک مرحوم منسوب بود و حبیب دوم به سید دلاور خان

منسوب بود آن صبیبه دلاور خان مرحوم شهباست جنگ کلان مبارز خان خان مرحوم
 جدا قنار الملک منسوب بود و صبیبه دویم بفرزند برادر حقیقی شهباست خان که خطاب
 مبارز خان سرفراز بودند منسوب بود دلاور خان بهادر در عهد صلابت جنگ مرحوم حلقه
 سیرافرازی داشت و بعد آن تحت دیده از دیهات بگر که قلعه داری در عهد غفراناب
 تفویض یافت و دیهات در کی در جاگیر بود خدمت بخشی گری بادشاهی نیز در عهد غفراناب
 تفویض یافت بعد انتقال بهادر غفرانقله دوله حال خدمت بخشی گری بادشاهی مأمور
 بخشی گری بادشاهی عبارت از اینست هر که از خطاب و منصب سرفراز میشود از دفتر
 مفرزاد منصب و خطاب بدستخط خاص جاری میشوند و تسلیات خطاب حضور پر نور باستحضار
 بهادر مفر میگرد و اینک بخشی بادشاهی وقت باریابی هر که خطاب یا منصب شود همراه
 آن با آداب گاه استاد شده با و از بلند عرض میسازند که فلانی باین قدر منصب باین خطه
 سرفرازی یافت و هر شخص را که خطاب و منصب میشود بطور واضح و تحریک سلوک میکند
 جمیعت بداند و نیز بر چو دهر بهامثل چو دهری سبزی مندی و میوه مندی تا آنکه
 چو دهری نیلچ بنده باو گل فردشها و غیره همین قسم اهل فرد آنجا رجوع شده ندانند بحال
 چو دهرات میدهند و حصول کنند میسازند و براندا حضور پر نور که بعنوان جاگیر
 میشود به بادشاهی دیوانی هم میگردد آن سندراده دهری میگویند چاره کامل صو جات
 سرزد و مقصد یان دفتر دیوانی باشند عمر افتخار الدوله بهادر تخمیناً پنجاه و نه سال شادی
 از دخت غلام حسین خان منصب دار لعل آمده بهادر مغربک پسر دارند - کیفیت
 قطب الامر اینست که خواجه بابا خان باشند بخارا اشرف فرزندان بادشاه بخارا
 و دلی شدند و صفیاه خبر درود ایشان یافته به تقریب ملاقات رفته همراه آوردند و بآزادی
 تمام نزد خود داشتند تا چهار ماه اسلوب مزاج و کیفیت خاندان در یافته بادشاه بیگم
 دختر خود را شادی نموده دادند از بطن بادشاه بیگم خواجه میر عبدالباقا خان تولد شدند
 شادی ایشان از دخت نواب مرحمت خان گردید از ایشان میر محمد خان منصور
 جنگ قطب الامر بهادر متولد شدند شادی بهادر مذکور از حاجی بیگم دخت

نام جنگ شهید گردید از بطن بیگم مذکور دو دختر تولد شدند یکی المانی بیگم مدیگر
 وزیر النساء بیگم المانی بیگم مذکوره از نام آور جنگ فرزند میرغل طمغان ابن آصفیالمنسوب
 شد در سیم شادی از به جزه دیگر گل بادشاه نظامت جنگ گردید و فرزند ان قلع
 الامرا بهادر که از ازواج کساح بقید حیات اند بموجب ذیل میرحامد طمغان و میرسید نظم علی
 خان فرزند اول میرسید محمد جان و میراحسن الله خان از برتری میرنظر الله خان فرزند بلکات
 جنگ شادی شد - کیفیت نامدار خان مغلوب بر بر قند از خان و رازدار خان مغلوب بقر
 اول خان برادر کلان نامدار خان مذکور بهر دو در کاب حاضر بودند در وقت میرعالم مغفور
 بارشاد حضور پر نور بندگانی حال بر قند از خان یکصد و پنجاه سوار بقراول خان چجاه ملول
 و در ماه ذات چهار صد و پسیه قرار یافت در سال یک هزار و دویصد و سی هجری بمقصد
 از خان مذکور بسبب شوره پستی و دنگ و فساد از نسبت راجه چند وصل بهادر در باب طلب
 بقایا که خواه به حکم حضور بر روز از نوکری سگله موقوف و اخراج بلده گردید نامبرده
 تا حال در مشیرآباد که متصل حسین ساگر است از ناپرساینها قیام میدارد و قراول خان
 در سینه مذکور یک بیک در مکان مسکن خود که آنطرف شمال رویه بیگم بازار پیچ
 که بنام خود یعنی رازدار خان پیوسته کرده بود بمرگ مفاجات مرد - کیفیت سلطان میان
 از قوم پیرزاده بهمدوی باشند که کهنه یله موضع هندوستان در عهد غفران تاملیده
 بصیغه سوداگری در بلده فرزند بنیاد اقامت میداشت غلام سید خان مرحوم المغلوب
 بار سطو جاه همیشه زادی فواب بیگم را در نکل داد میان پسر کلان ششار الیه آورده
 دویصد سوار و در عوض آن پرگنه انکل کوره غیره دادند بعد آن در وقت هجرت رام به
 صد سوار امتنا فرستاده جمله پانصد سوار از انجمله چهار صد سوار در لشکر فیروزی
 متعینه راجه گونند بخش بهادر و ششم در کاب و جمعیت بار هشت صد نفر مرا که
 خاقت تعلقه کنگ گیری که در اینجا مقصد بسیار میباشند بششار الیه سپهر که داد
 میان دویم محمد خان سوم بهکو میان ده صبیبه یک به طلیل صاحب پسر سعید الدوله
 و دویم به لطف علی خان پسر عظیم خان سوم به برادر نیاز بهادر خان داده اند - کیفیت

عزت یار خان این است در عهد صلابت جنگ مرحوم حضرت غفران مآب بمحبوبه داری
 محبوبه برادر مشغول بودند عبدالقادر نامی طالب علم حیدر عموی عزت یار خان مذکور از
 بنده رسورت در اورنگ آباد آمده در تکیه شاه محمود اقامت در زیر عهد چند
 از محمد غوث خان بخشی سائر ملاقات کرده باستغواب خان مذکور در برابر رسیده ملازمت
 حضرت غفران مآب حاصل نمود و بخدمت قضا یا لے لشکر سر فرزند بر گاه غفران مآب
 بدیوانی صلابت جنگ مرحوم قائم شدند عبدالقادر را بخطاب حکیم قادر یار خان سر فرزند گنایند
 من بعد حضرت غفران مآب در عهد ریاست خود بخدمت صدارت و احتساب بلد محکم
 سر فرزند فرمودند بعد چند مدت محمد جعفر والد عزت یار خان مسطور نزد قادر یار خان برادر
 خود آمده ملازمت حضور غفران مآب حاصل نمود قادر یار خان در ایام حیات خود در
 حضور پر نور سفارش نمودند به خطاب حکیم جعفر خان سر فرزند گنایند انتقال نمود
 بعد انتقال خان مذکور صدارت و احتساب به حکم جعفر خان تفویض کردند بخطاب محی الدوله
 سر فرزند عزت یار خان و در برادر کی خان مذکور دومی قادر یار خان هر دوی اولاد
 فرزند کلان قادر یار خان در مناقشه افغانه همراه حافظ عبدالکریم صاحب کشتاگرد رشید
 حافظ بود بر خرم گوی مرد و فرزند کلان عزت یار خان از صبیبه یحیی صاحب مدنی فرزند
 پیر یا شاه صاحب مدنی منسوب است دیگر چهار فرزند آن قادر یار خان موجود است کیفیت
 مستقیم الدوله مرحوم حاجی محمد زمان مغل شوستری در بلده حیدر آباد روزگار پارچه فروشی
 می نمود بقتدر حال سرمایه میداشت یک مستوره از قبیل غریبا قوم پنج با شده موضع ملک
 که در بلده فرخنده بنیاد مسافت یک کرده دارد شوهر آن فوت شده بود حاجی مذکور به
 نکاح خود در آورده از آن مستوره فرزند تولد شد بنام عبدالغنی که آئینده مستقیم الدوله شد
 میر عالم مغفور نظر بیاس هم وطنی و لیاقت عبدالغنی مذکور دریافته همیشه خود که از وطن
 کنیزک بود بنام سکینه بیگم و قتیله در سفر نادانی بودند از آنجا نوشته فرستادند که قبل از مال
 شدن لشکر ظفر پیکر شادی سکینه بیگم از عبدالغنی کرده دهند در اینجا همان طوطی بمل آمد از مستقیم
 الدوله بهادر دو دختر و یک فرزند دختر کلان به میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد علی شوستری

از اقربا به میر عالم مغفور منکوح و دختر دویم بفروزند بهرام الدوله مرحوم منسوب و در ستم نای
 فرزند مسی بمرزا محمد علی در ماه جمادی الثانی ۱۲۳۵ هجری از دختر حسن یا ورنه دلبره بیست و شش
 الملك مرحوم بعلل آمده و مستقیم الدوله مرحوم باعث حکایت خود در وقت خشم جنگ
 مغفور از بلده اخراج شده در جاگیر خود قیام میداشت و نظریه حقوق پرستی مبلغ دوازده
 هزار روپیه سیالیان سرکار عظمت مدار میر مرحوم مسطور میر سید مفتد هم رجب ۱۲۳۲ هجری
 بمرض فلج اینچنان غانی را پدر و دکر دحالا جاگیر و غیره دیهات مرحوم بعد گزرا نیدن مبلغ
 بست هزار روپیه نذرانه به میرزا محمد علی مذکور قرار یافته است کیفیت کوکه مادر وقت حضرت
 غفر انخاب وقت تولد حضرت بندگانی گردید میر مهدی نامی شخصی پدر کوکه با طایف
 شده علیه میر مذکور با سم بصوری بیگم بخدمت آنگری مامور شدند نام اصلی جعفر یار جنگ با سم
 میر جعفر و نام اصلی اسد نواز جنگ با سم میر حسین و قتیکه بندگانی حال مند نشین شدند
 بهر دو برادر که در عالم حاضر ادعای باریاب می بودند همان طور بعد جلوس ریاست و منشی
 نیز باریاب ماندند جعفر یار جنگ از حضور پر نور پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و از غیر الملك بهادر
 پنجاه بارگیر و از راج چند و مل بهادر دو صد سوار و پنجاه بارگیر و دو صد جوان لین و یکصد جوان
 روپیه داشت در ۱۲۳۳ هجری انتقال کرد و اسد نواز جنگ کوکه خود را از حضور پر نور پنجاه
 نفر بارگیر و از راج چند و مل بهادر بست و پنج سوار و پنجاه بارگیر معتمد راست
 کیفیت سکندر یار جنگ نام اصلی سکندر یار جنگ بهادر غیر الدین خان ولد معین الاسلام
 که در وقت غلام سید خان مرحوم خاظم بار سلطه جاه بخدمت قضاة بلده فرخنده بنیاد سر
 فرازی یافته بود و قتیکه حضرت بندگانی حال به شوله پور اراده فرمودند از باعث حبس بیام
 متونی که از غیر الدین خان اتحاد داشت همراه قیقاتی کنایه ملازمت بندگانی مشرف
 گردید تا این وقت از همان سابقه باریاب اند و در عهد مند نشینی و در هزار جوانان بار که حضرت
 بندگانی و در چوکی پیره خاص طایف فرمودند به بخشی گری آن سسر فرزندند تا حال
 خدمت مذکور بحال است و نیز از خدمت بجهری عدالت سسر فرزند فرمودند عمر کنایه
 پنجاه و چهار سال کیفیت محمد صلابت خان بهادر محمد صلابت خان بهادر ولد محمد

اسمعیل خان ابن سلطان حسین خان بهادر مغربا دود و صد سوار در فرمانبرداری بود
 دکن همیشه مصدر ترددات خایسته بوده بمقابل و مجادله مرسته با کوششها داشت و نیز
 صوبه داری ایلیچور از حضور غفرانآب و جمعیت پانصد سوار سرفرزی یافته بود و قتیله
 رکن الدوله در سواالجواب محاسبه تعلقات مدبه برار در خواست نمودند و گفتند که با شما
 نظیر الدوله خود انتقال سازند تندهی خان مسطور در ادای محاسبه نگرده نوبت به جنگ
 رسانیده چنانچه از جمعیت سرکار به جنگ کشته شد محمد صلابت خان بهادر محمد بهلول بهادر
 پسر خان مرحوم را حضرت غفرانآب پرورش بیفایت فرمودند بعد چندی حضور
 ایلیچور و جمعیت پانصد سوار سرفرز فرمودند و قتیله غلام سید خان مرحوم بسرگردی سوار
 بطرف برار برای مقابله ندعیه و بهوسله دهو لکر بشیر اکت سرگردان سرکار عظمت
 عین نمود و بهیت رام را نیز مع پٹالن با همراه دادند و تعیناتی محمد صلابت خان بهادر
 نیز گردید و بهمان سفر اضا ف جمعیت سابق و حال کثره که چهار هزار و یک هزار
 نهصد سوار و دو هزار بار و سوا جمعیت مشروطی لکزار جوان بار برای گردآوری
 تعلقات ملازم ذات بهادر مغربانده و محلات هشت لک روپی که وصول آن چارده
 لک روپی بود بهادر مغرب فرز گردید چنانچه تا ۱۲۳۲ هجری بحال مانده و در ۱۲۳۵
 پٹالن و غیره سوار آن که اضا ف جمعیت شده بود موقوف گردید حرف جمعیت سابق بحال
 مانده راجه چند وعل بهادر محلات جاندا و جمعیت حال بودند برآورده گرفته و محال
 نیز محلات قریب هفت لک روپی در جاندا و جمعیت سابق بحال است و نفع
 جنگ خان به حضور طلب شده از محمد صلابت خان بهادر علی گردید عمر بهادر
 مغربانیه ۱۲۳۶ هجری بمقادیر چهار سال است و بهادر مغربا دوسر بود و کلال
 اسمعیل خان که از دختر فتح جنگ خان شادی شده بود فوت کرد از آن یک بشیر
 بنام ابراهیم خان است بهر بست و پنج ساله و پسر دوم بهادر مغرباندار خان این
 را نیز از دختر فتح جنگ خان شادی گردید و نام زوجه محمد صلابت خان ابوبی بی
 دختر نامدار خان افغان است در ۱۲۳۳ هجری به بهادر مغربا خواص پسر بنام محمد صلابت

خان متولد شد - کیفیت فتح جنگ خان بهادر مرحوم قوم افغان و از عمر دوازده ساله فتح
 محمد صلابت خان بهادر اند و سر رشته قرابت با پسران و دختران این بمل آمده
 و سواست محمد فتح جنگ خان مسطور انکار پر دازی بهادر مقرر امور بوده و فرزند دارند
 کلان غلام حسن خان بهادر عمر شش قریب سی و هفت سال رسم شادی از صبیبه محمد صلابت
 خان بهادر بمل آمده و پسر دوم غلام عباس خان بهادر عمر سبت و پنج ساله که محمد صلابت
 خان بهادر و فرزند می خود گرفته اند در ماه ذیحجه ۱۲۲۰ هجری رسم شادی پسر مذکور
 از دختر کدام افغان که سابق نامزد بود بمل آمده در ۲۳۵ هجری که موقوفی جمعیت افغان
 صلابت خان بهادر گردید و کار پر داز سرکار بهادر مقرر فتح جنگ خان بود راجه چند و صل
 بهادر خان مسطور از محمد صلابت خان بهادر جدا کرده در ضلع اندک آباد جاگیر خواجه
 نهار رو پیاده داده بودند چنانچه خان مسطور از تا سف در بنجار سیده انتقال کرد - کیفیت
 نیاز بهادر خان ولد بهادر خان ابن نیاز بیگ خان که در سرکار بنف خان مرحوم سال
 یکتر از سوار داشت باشند هندوستان نیاز بهادر خان با داده روزگار دار و دلیده
 شده اول در رساله فور الامر و بهادر بر یک راس اسب ملازم گردید و بعد از آن نزد
 راجه دیبی داس که دیوان عاشور بیگ خان بود بعد انتقال مشارالیه بسبب صغر سن
 پسر مرحوم مذکور راجه زبور خود قابض شده بود و از دو سوار ملازم گردید و در همان
 ایام از ابلهیه های عاشور بیگ مرحوم موافقت کرده نسبت خود با صبیبه خان مرحوم مقرر کرد
 و قیقه خویش خان مسطور شد و اطوار راجه دیبی داس ناپسندیده بود بعد کشمش شاهی
 بسیار و قصه های طول و طویل اخراج راجه مذکور گردید پسر عاشور بیگ خان مرحوم قناب
 اعتبار الدوله حیدر بیگ خان بهادر مستقر جنگ که وارث رساله مذکور بود مدعی شد
 چنانچه راجه چند و صل بهادر دست آور از نیاز بهادر خان مذکور باین مضمون که بعد
 شش سال که پسر مرحوم مذکور بن شعور خواهر رسید رساله بدش حاله پسر مذکور خواهم
 کرد نویسیانده داد و نیاز بهادر بر رساله یکتر از سوار رسیده و پنجاه جوانان علی غول که
 بعاشور بیگ خان مقرر بود با را دوا عانت راجه چند و صل بهادر قابض گردید در ۱۲۳۵ هجری

موقوفی سه صد سوار از رساله مشا ایه شد و جاکند آن را چه صاحب بر آورده گرفته اند
الحال بتاریخ سوم محرم ۱۲۸۵ هجری که بوه مسلمانان بلده برافاغه مبدی که مشهور غیر
مبدی اند بسبب کشته شدن حافظ عبدالکریم مجاهد اهل اسلام گردید نیاز بهادر خان بمکمل
جرات و جلالت دو اسم از مجتهدان و چهار تن از افغانه بجهان کشته خود هم شربت شهادت
حشید مرحوم مذکور ذی اولاد نیست و مبلغ پنج ملک و شش هزار و هفتصد و بیست روپیه
دوازده آنه در جاکند سپاه محال مفصله الحال مرزا امان علی بیگ طفلکه مغل عمر داشت
متنی کرده بجایش قرار داده اند -

سواران تعییناتی لشکر فیروزی سوا سندی صادر
دو ملک
محال
مبلغ ۶۰۰ روپیه

دو محال سواران رکاب
دو ملک
مبلغ ۶۰۰ روپیه

حوالی کولیکنده پرگنه مغل گنده
پرنیده بی بی وغیره کوند وغیره در کپور سارونه

محال یک محال دو محال
پرنیده مغل سروده پرنیده ملک و غیره
بورگنون وغیره باقی پر و کپور وغیره
یک محال یک محال
محال

سیورم
دو محال یک محال

کیفیت اکبر بار جنگ نام اصلی اکبر بار جنگ بهادر میر قمر الدین ولد معین الدین نقشه نویس حوالی با
بلده فرخنده بنیاد بود مگر قمر الدین ولد معین الدین از سعی خود تحصیل علم عربی و فارسی ننمود و وقت
پیدا کرد حضرت عفراناب بادشاه حضرت نذنگانالی حال اموال فرمودند از همان شاکور
هفتور پر نور باریاب اند و نیز خدمت بخشی گری شاکر و پیشه و جاگیر چهار هزار روپیه سیردازی
دارند تا حال بحال است و اولاد اکبر بار جنگ موجود اند بجهل آن فرزند کلان امام الدین خان
حضور رس است بتاریخ هفتم صفر ۱۲۸۵ هجری بوقت شام در نماز سجده دویم جان تسلیم کرد

کیفیت محمد سبحان خان بهادر هر دو برادر حقیقی ولد سلطان خان باشند و هندوستان محمد روشن
 خان برادر کلان محمد سبحان خان در وقت غلام سید خان مرحوم از جمعیت پانصد سوار آمده ملازمت
 حضور غفر آفتاب حاصل نمود ملازم سرکار گردید غلام سید خان مرحوم در حضور پیر نور عرض
 کرده حالات پنج لک روپیہ برسی و غیره موصوبه دارد در جاگیر جمعیت دادند بعد انتقال محمد
 روشن خان محمد سبحان خان بهادر بجای برادر سرورازی یافتند جمعیت بهادر و مفسر
 الحال کبیرار و یکصد سوار و سید جوانان بارود و رست از جاگیر بحال بود مگر برگنه بوه گانون
 که برائے تنخواه یا سنگا علاقہ میارام و جتن صل بود و عوض کاه و دانه که بهادر در مفر
 در آن تنہی نمیکردند موقوف شد عمر بهادر در مفر قریب پنجاه سال شده بستان و دوم حب
 ۱۲۳۲ هجری انتقال نمود رسم شادی بهادر و مفر از دختر نامدار خان افغان بمصل آمده دو
 پسر بهادر در مفر بودند یک فیاض علیخان که در ۱۲۳۳ هجری بمرض و بامر دوم قطب علیخان عمر
 سی ساله بسبب قرضداری قرض خواہان و بلوہ طلب تنخواه سپاہ راجہ صاحب جاگیر و غیره
 بہ طور خود مبلغ یک لک نقد سالیانہ بہ قطب علیخان میدهند و رسالہ برسم شده
 مگر جزوے مردم برفاقت خان مستور هستند و محمد سبحان خان بهادر را یک دختر تم بود که
 رسم شادی اش از ہمیشہ زاده بهادر و مفر بمصل آمده - کیفیت شریعت پناہ متوطن از پناہ
 پور - طالب علمی شریعت پناہ مغفور از شایعہ پور تا رام پور - ہر گاہ مولانا عبدعلیم صاحب
 از رامپور در ہنگالہ آمدند شریعت پناہ مغفور نیز ہمراہ بودند بعد آن نواب مظفر جنگ مرحوم نواب
 ہنگالہ خدمت قضائی پور نیادویناج پور در ۱۲۳۵ ہجری سپرد نمودند من بعد خدمت
 دار و نعلی عدالت باقر گنج از سرکار نواب موصوف در ۱۲۳۵ ہجری تقریر یافت و تا وقت تنہی
 نظامت از سرکار نواب مدوح این خدمت بحال ماند من بعد تا حین حیات نواب مدوح
 رفیق بودند بعد انتقال نواب مرحوم سواری جہاز برائے ملاقات مولانا مدوح در ۱۲۳۵ ہجری
 اتفاق رسیدن چنیائین گردید بسر رشتہ خانسامانی نواب عبدلولو باب خان برادر دلا
 جاہ مرحوم نوکر شدند تمہینا تا مدت دو سال درین خدمت بوده در ۱۲۰۸ ہجری از چنیائین
 در بلوہ فرخندہ بنیاد آمدند و در ۱۲۰۹ ہجری خدمت تدیس اول و افغای اول از سرکار

غفر انما بقراریاقت و در ۱۲۰۰ ساله بهی خدمت قنار قرار یافت چهار فرزند دارند از سادات
 وطن محمد ذوالفقار خان که بعلم و لیاقت بهره دانی دارند و بسن چهل و هشت سال رسیده اند
 فرزند دوم از ساداتی بنکاله موسوم به عبدالحی بن بست و شش سال فرزند سوم از نکاح جی بی
 حیدر آباد کسی عبدالمجید بن سیمده سال چهارم عبدالعزیز بن هشت سال شریعت پناه
 کلان را مرض صفتی فرسود چنانچه در ۱۲۳۱ قمری قریب بهشتاد سال رسیده و دیت حیات
 سپردند الحال پسر کلان محمد ذوالفقار خان بر خدمت قنار مامور اند - کیفیت کوتوال شهر
 صف شکن خان عبدطالب الدوله مرحوم منصبدار بادشاهی از طرف بادشاه بر قلعه داری
 و معارف در سرفرازی داشتند بعد آن مغفرت مآب بخانسانانی خود و سرفراز فرزند محمد تقی
 خان ولد طالب الدوله مرحوم در رفاقت غفران مآب بسر بردند رضا علیخان عمومی طالب
 الدوله مرحوم در عهد غفران مآب بعد تقدی حکم بادشاه به بنکامه عالیجاه بخدمت کوتوالی بلده
 مامور شدند در سابق سیمده داروغگی کما بیان و اصطلح حضور مامور بودند چنانچه
 تا حال هر دو سیمده بنام حسن علیخان پسر کلان طالب الدوله بحال است و قریب پنجاه شش
 سال که عمومی مرحوم مذکور فوت کرد در ۱۲۳۱ قمری بتاسیس شهر شعبان محمد تقی خان طالب
 الدوله دیت حیات سپرد و حسن علیخان مذکور بر امانت را جانشین و عمل به باد بهمه
 کوتوالی قائم شد و طالب الدوله مرحوم پنج بسرو و دختر گزاشت کلان پسر حسن علیخان بهادر
 کوتوال حال از صبیبه غالب الدوله عمومی حقیقی متنازلیه کو داروغه هر کاره با بودند شادی
 بعمل آمده پسر دوم باقر علیخان بهادر رسم شادی از صبیبه حسین یاور الدوله پسر امین الملک بهادر
 بعمل آمده بود پسر سوم جمال علیخان بهادر از صبیبه رحمان یار خان همیشه سرفراز و عتد خان منسوب
 بود صبیبه مذکور فوت کرد پسر چهارم فریا علیخان از صبیبه همت یار جنگ نسبتاً تقرر شده
 پسر پنجم ذوالفقار علیخان هنوز منسوب نشده و دو دختر که با دشاه بیگم منسوب
 به علی رضا خان برادر زاده طالب الدوله مرحوم دویم بیاری بیگم منسوب به محمد نصیر باقی پسر
 علی بیگ خان - کیفیت - امیر الدوله مرحوم - امیر الدوله مرحوم عرف محمد طاهر خان کوکه
 غفران مآب چندت و داروغگی جواهر خانه و فیلیخانه سرفراز بودند و در عهد غفران مآب -

انتقال کرد شادی اسد محمد خان امیر الدوله شهابست جنگ حال بخانه محمود خان نامی قتل شد بید
 بعمل آمده نام الهیه امیر الدوله منوبکم و مشار الیه چهار برادر خلف کلان مرحوم مذکور امیر الدوله
 حال که بعبد خاں سامانی و داروغگی جواهر و فیلقانه سرفرازند و دوی محمد یار جنگ نه بدو یوز می
 بی شافری باشند سوچی کمال الدین خان در سوال و جواب کبر جاده بهادر زور راجه چند و صل
 بهادر آمد و رفت چهار می محمد سهراب خان تبارخ بست و هفتم ذی الحجه ۱۲۳۶ هجری امیر الدوله
 اسد محمد خان شهابست جنگ وفات یافت بدلیلد بخان نامی پسر مرحوم مذکور تبارخ شازدم
 محرم ۱۲۳۷ هجری خلعت خاں سامانی یافت کیفیت میر و اعدایان مخاطب به مقام جنگ در
 عهد مغفرت آّب از دلی ملازم شده همراه آمده بودند بعد انتقال مغفرت آّب در عهد صلابت
 جنگ مرحوم تعیناتی عفرانآّب که به صوبه برادر وانه شدند از آنروز در خدمت عفران آّب
 حاضر باشی بیکر و چنانچه در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود یکفرزند دارند نام امعلی میر موسی
 به چند خطاب اکبر علیخان سرفراز شدند بعد از خطاب اصغر یار جنگ کیفیت شهباز جنگ
 شهباز جنگ بنام آصف نواز جنگ مشهور بودند در منصبداران سرشت داشتند در
 عهد حضرت عفرانآّب بسبب ذی بوشی و سلیقه خود چندی اکثر شریک مشوره می بودند بعد
 چندی بسبب بعضی حرکات اخراج بلده شد و باز آمد الحال هم نمیره هاس دی بجایگراست
 ممتازند کیفیت زبردست خان - خان در ملازمان متعارف مغفرت آّب و نیز در عهد
 صلابت جنگ مرحوم در تعیناتی عفرانآّب در سفر برادر آمد بر داروغگی فراستخانه مامور
 بوده در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود خان جهانخان پسر کلان خان متوفی از عهد عفرانآّب
 تا حال برادر و علی فراستخانه مامور است پسر خان مسطور باکم نظر بهادر خان و بدر و میان
 و لیلین خان متعارف اند کیفیت لطیف الدوله از عهد عفرانآّب بهادر و علی تو شینخانه
 سرفرازند کیفیت این است که محمد یار بیگم خان جد لطیف الدوله بهادر باشنده ولایت
 کاشغر رخ سه چهار اقرار به خود دارد و بنده و تان گروید در رفات مغفرت آّب بسبب
 سه صدر و بهیچ مامور بر منصب سرفرازی یافت و همراه آّب مغفرت آّب در بران
 پور رسیده بمناکت پرداخت بعد چند س یک فرزند تولد شد لطیف بیگ نام

چون نامبرده بسن شعور رسید خطاب منصب و نوکری بموجب یکصد پنجاه روپیه و نوکری
خود بقضای الی قوت شد چون آصفجاه بمحضرت قی پیوستند لطیف بیگ خان در رفاقت
نواب نامر جنگ شهبید تادمت شهادت ماندند و بعد شهادت در رفاقت صلابت جنگ
مانده باضافه مواجب و منصب سرفراز شد چون صلابت جنگ از نیما در گزشتند در رفاقت
شجاع الملک بهادر آمده بخدمت توشیخان و جاگیر نو هزار روپیه که در ضلع اورنگ آباد
واقع است سرفرازی یافتند و ایشانرا یک فرزند غالب بیگ خان نام مخاطب خطاب
لطیف الدوله که حالا بقید حیات است در سن پانزده سالگی همراه متاب جنگ خلف المصدق
نواب شجاع الملک موصوف معتمد شده پیش هوکمر رفتند بعد سه ماه از قید غلصی یافته و اورنگ آباد
رسیدند درینو لطیف بیگ خان مذکور رفیق غفر متاب شد فرزند خود را بموجب
یکصد و هشت و پنجر روپیه در منصب نوکر کنایند و خود بخدمت توشیخان و بخشی گری
مردمان قائم خانی که یکزار سوار و دوهزار پیاده بودند سرفرازی یافتند و هموار در سبغ
و حضرت رفیق بانثار غفران متاب بودند و غفران متاب نیز ایشانرا مثل فرزندان پرور
میفرمودند چون لطیف بیگ خان در حیدرآباد فوت شد غالب بیگ خان فرزند
ایشان بخدمت توشیخان و خطاب معظم جنگ و جیفه و سر پنج سرفرازی یافت
و جاگیر پدر نیز بنام ایشان تقرر پذیرفت و ماهوار موقوف شد و بعد چند سال در عصر سلطو
بخطاب لطیف الدوله و کنتی مروارید سرفرازی یافت ایشانرا دو فرزند یکی واجد بیگمان
نام که مبلغ یکصد روپیه ماهوار در منصب داران نوکر است و در قرابت تهنیت النساء بیگم صاحب
یعنی بی بی صاحبه منسوب ایشان را نیز سه فرزند و بموجب پنجاه پنجاه روپیه از سفارش
بی بی صاحبه نوکراند و سومی کوچک دوازده ساله است و فرزند دومی لطف الدوله پیش
از سه سال در اورنگ آباد زنده در رفاقت راجه گونبد بخش بهادر نوکر شده بود بنام
لطیف بیگ خان - کیفیت خاندان نواب الف خان بهادر و منور خان بهادر که در کنول
واله - نواب محمد خضر خان و نواب محمد رن مست خان قوم افغان پنی هر دو برادر حقیقی
در شاه جهان اکباد منصبدار بادشاهی بودند از نواب محمد خضر خان سه پسر کلان نواب

داود خان دویچی محمد ابراهیم خان سومی محمد سلیمان خان نواب داود خان دربار دشا علی المیر
 وزارت اسد خان ذوالفقار خان از حضور بادشاهی سر فرزند بدکن آمدند و نواب
 موصوف ملا ولد بودند محمد ابراهیم خان دو فرزند داشتند نواب محمد الف خان و نواب
 رنڈوله خان نواب محمد الف خان مسطور دو فرزند داشتند نواب بهت خان دویچی نواب
 رنست خان و نواب رنڈوله خان برادر نواب محمد الف خان مسطور یک فرزند داشتند
 که نام رنڈوله خان بود و نواب رنست خان پسر نواب محمد الف خان وی اولاد بودند و
 پسر میداشتند و کلاهی محمد ابراهیم خان عرف محمد اعظم خان که انتقال کردند دویچی محمد حسین
 خان انتقال کردند سومی نواب محمد الف خان که در سال ۱۱۰۰ هجری انتقال کردند چهارمی
 نواب محمد انور خان پنجمی محمد قادر خان ششم محمد عزیز خان که انتقال کردند هفتم محمد
 یحیی خان هشتم محمد یعقوب خان نهم محمد علینان دهم محمد رستم خان که انتقال کردند نواب
 محمد الف خان که در سال ۱۱۰۰ هجری انتقال کردند و از ده پسر دارند گلان نواب منو خان
 متولد در سال ۱۲۰۰ هجری از محل نکاح صبیبه افغان دویچی محمد داود خان از بطن خواص سی محمد
 منظر خان تولد در سال ۱۱۰۰ هجری از محل شادی بی بی زاده هستند چهارمی محمد رنست خان
 از بطن خواص پنجمی اکبر خان از بطن خواص ششم عمر خان از بطن خواص هفتم یوسف خان از
 بطن خواص هشتم غلام محی الدین خان از بطن خواص نهم قادر خان از بطن خواص دهم
 غلام غوث خان از بطن خواص یازدهم احمد خان از بطن خواص دوازدهم غلام رسول
 خان از بطن طاووس خاتون طواف و محمد ابراهیم خان عرف اعظم خان برادر
 گلان نواب محمد الف خان مرحوم دو فرزند داشتند یکی محمد داود خان دویچی با اسم
 محمد جعفر خان چنانچه داود خان مسطور مع فرزندان در نوکری سرکار عالی در بلده فرخنده
 بنیاد حاضرید باشند از ابتدای احکام کرنول محمد الف خان و غیره در سرکار عالی مبلغ
 یک لک روپیہ بسبیل پیکش رسانیده آمده اند از وقت علویہ شدن ملک عوض خواه
 جمعیت سرکار عظمت مدار که کرنول و غیره متعلق بملک کپنی گردید بالفعل جمعیت مشروطی
 در سرکار نواب موصوف کلیہ کپنزار باراست سوائے جهت گردآوری و تحصیل تعلقات

کرنول جمعیت سندی علومه دور وقت ضرورت البته جدا فاعنه کرنول و کرنیه که بمقوم و
برادر اند جمعیت قریب پنج شش هزار مردم ممکن است کیفیت محالات که در وقت
نواب محمد رنست خان بهادر در تصرف حید علی خان ننگ و نیز در سرکار کمپنی آمده انجیکه
باقی مانده تاحیات رنست خان بهادر در قبض و تصرف بود بعد انتقال نواب محمد الف
خان پسر مرحوم مذکور قائم مقام گردیده بر محالات مسطور قابض و متصرف گردید و تا حال
جاریست - صحت کامل ناب محمد رنست خان محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان

محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان

از صوبه فرخنده بنیاد حیدر آباد دکن
نک

محمد ابراهیم خان

از صوبه دارالطفر بجای
نک

محمد ابراهیم خان

در تصرف پیر سلطان برف پیو سلطان - در تصرف پیو سلطان - بسرکار غلط
بار بموجب تهنامه در سرکار آمد پرگنه طی کل محال بار بموجب تهنامه در سرکار و تدار
پرگنه موگانو و غیره - محمد ابراهیم خان آمده پرگنه حوالی کیم - نک
محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان

پرگنه موگانو میان بگین لی محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان

محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان

پرگنه ندکور محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان محمد ابراهیم خان

محمد ابراهیم خان
محمد ابراهیم خان

برگزنہ بین کوہ
عیسائی

پیرنگہ کارم سوری
نام

پہرے بچاؤ

لے لیا حال یہ ہے

ہے کہ

اعلیٰ عالمی تہا حال جاریست

دوسو بار بابا کاٹھاک
 پکڑنے لگوں تو کھڑی ہو جاؤں
 کس کا رنکھو رنکھو
 نہ پتا مال
 سو بار علی

در سفر کثرت بقلبت خرج نمود از این
محل نیکو رانزدگو تبه خلق کرد
فاته اسطو جام بوقت آمدن
از پونا گزاشت کرده آورد فقط

کیفیت نظام یار جنگ وند میر کاظم علی قوم سادات در سر کار چیم سلطان لازم بود از انجا روزگار
تغیر یافته در بلده حید آباد آمد و شادی میر کاظم علی مسطور از همیشه میر عالم مغفور گردیدار بطینش
یک فرزند بنام عباس علیخان تولد شد در ترقی میر عالم مغفور میر عباس علیخان بخط نظام جنگ
حسام الملک جالگیر ذات سرفراز شد و راجه صاحب چند بعل بیاد از جالگیر دو صد سوار
تعلقه برده پور سرفراز فرمودند و شادی نظام یار جنگ از دختر کل عتصام الملک گردیده
یک فرزند بنام غلام حسین به نظام یار جنگ بیاد موجود است و بها در مذکور روپوس
مردمان قرابت خود از شاه نواز خان اظهار میدارند کیفیت سعید الدوله بیاد
سعید الدوله بیاد وادی الدوله بیاد هر دو برادران در سر کار دارا جاہ شجاع الملک
نوکری بودند در وقت ترقی میر عالم مغفور از انجا برآمده در سر کار بنده گانغای بسیررشته
منصبداران منسلک شدند و مدار المہای میر عالم مغفور از نیابت صوبہ داری حید آباد

سرفراز شده سرانجام میدادند در سال ۳۳۰ هجری فوت شد و پادشاهی الدوله بهادر از توجّه
 راجه گونبد بخش بهادر از نیابت صوبه داری اورنگ آباد سرفراز شده بود او هم بهما نجا
 انتقال نمود از سعید الدوله مرحوم و فرزند خود اندکی خلیل صاحب از دختر سلطان میان
 شادی گردید یک فرزند تولد شده است دویم میر محمد علی از دختر سید احمد علیخان منسوب
 شده است کیفیت محمد عظیم خان بهادر اعظم الملک کیفیت اینکه بملاقه بخشی گری و مدار المانی در
 سرکار تیغ جنگ مرحوم مامور بودند و فهمیده آماده کار از ایشان سه پسر یکی بنده علی خان
 به خطاب علی یار جنگ سرفراز اند و وقت خروج علیجاه در کار رازجوی دادم را دایگی دادند
 در بلده محمد عظیم خان قید و بنده علیخان بدریافت این معنی خود را پیش از سطوجه در پونا
 بعد رسیدن از سطوجه در بلده از حضور غفرانآب عفو حرائم محمد عظیم خان نموده بخدمت خانامی
 سرکار مامور و بنده علیخان بیچ علاقه ندانست از آن وقت مشارالیه بیکار دویم باقر علیخان
 سوم و باقر علیخان سوم لطف علیخان دریافت طلب و صبرست و پنج سال شد که اعظم الملک
 انتقال کردند و عجبده خانامی بامیر الدوله قرار یافت کیفیت بی نظیر جنگ بهادر محمد
 معین از ولایت برائے تجارت در بلده آمده بودند در نجاشا و غیره بفرخت رسانید
 باز واپس روانه ولایت خود شدند و قتیکه دفعه دیگر آمدند جعفر علیخان فرزند خود را همراه آور
 دند جعفر علیخان مسطور از قمت خود در حضور بنده گانهای مغفرت مآب ملازمت کرده
 بسرفرازی محالات بعنوان منصب پنجزاری و از خطاب حسام الدوله بهادر معین الملک
 سرفراز شد و ابوالحسن خان فرزند معین الملک مسطور از اندوخته پدر خود بآرام سپردند از
 خان مذکور پسر بنام جعفر خان توکد شد جعفر خان مسطور در حضور بنده گانهای عفرانآب
 عزت و اعتبار هم رسانیده بملاقه عرض بیکی گری بخطاب معین الملک حسام الدوله غایت
 یافته تیغ فرزند بهادر در معر حاضر بود ندکلان بی نظیر جنگ بهادر فرغام الدوله شادی از شیر
 مرشد علیخان و در ستم علیخان همشیره زاده شاه یار الملک بهادر است و دویم شوکت جنگ بهادر
 از دختر یکی منقبدار شادی گردیده سیوی شهباز جنگ بهادر که در ۳۳۵ هجری برومی
 اش و آنکه افتاد بهادر مغربیک سال پیشتر انتقال کرده بودند چونکه از راجه چند وصل میباشد

مقید بر آن در یافت دانکه بگو قال شمر شد نشان آن در خانه بنظر جنگ بهادر و یافت شد
 معلوم شد که بهادر مغربطیع چهار سال برادر خود گرفتند شادی شهباز جنگ بهادر از دست
 رشید الدوله بهادر بعین آمده بود چارمی جلل صاحب بیچی پسر از محل دیم بنام محمد علیخان که در
 فرزندی شرف النساء بیگم داده اند و بیگم مسطور شادی او از همشیره نادمی خود نموده اند
 کیفیت عاقل الدوله بهادر عاقل الدوله با شده شود شمر همشیره زاده سید رنخی صاحب
 بعد آمدن از ولایت خود در خانه میر جعفر علیخان جد بنظر جنگ بهادر شادی گردیده دختر
 خود را بنام شرف النساء بیگم فرزندان میر محمد قاسم خان که رفیق مبارز خان حاکم جالینش
 صوبه حیدرآباد بودند شادی کردند از میرزا قاسم خان سز فرزند گلان مهدی یار خان دومی
 اسد الله خان سومی میر خورو دختر میر مهدی یار خان از بطن شرف النساء بیگم بنام خیر النساء بیگم
 و شرف النساء بیگم ندکوره رسم عقد دختر خود سماه خیر النساء بیگم برضا مندی خود از حشمت جنگ
 بهادر کرده دادند از خیر النساء بیگم یک فرزند دیک دختر در ولایت رفته اند بیاس خاطر
 حشمت جنگ بهادر از مسطور عاقل الدوله را بخطاب و جایگز سر فرزند خان حال جایگز
 بنام شرف النساء بیگم از سر کار دولت مار جا رست - کیفیت ظفر الدوله بهادر ابراهیم
 بیگ خان مخا طلب بفاصل بیگ خان مانی جمیدار چند سوار و بهادر از ملک خود که ترکمان محمد
 بیاووند نوکر راجه سیکاکول والد گردید ابراهیم بیگ خان مسطور در حیدرآباد آمده ملاش نوکری
 نموده لیکن کسی ها اتفاق روزگار نشد همدان معاودت نموده بچینا پلن در سرکار والا جا
 بهادر از دود سوار و پا نصید پیاده ملازم شد و قتیکه جنگ تر چایی گردید رکن الدوله کار آ
 شجاعت و جرات ابراهیم بیگم خان ویده بعد فیصله جنگ از والا جا سوال نمود ابراهیم
 بیگ خان که در سرکار نوکر است و احوال مایان سازند والا جا ملاچار س دست
 ابراهیم بیگ در دست رکن الدوله دادند رکن الدوله شجاعت و مددائی ابراهیم بیگ به چشم
 خود دیده بود و در محاللات نزل و یلکندل و بالکنده و رنگل و تعلقه راجه شوار او زمیندار
 محض نگهبانیت جمعیت چنانچه کار بان شجاعت فرار ابراهیم بیگ احتشام جنگ
 ظفر الدوله مبارز الملک مشهور عالم است چار فرزندان ابراهیم بیگ خان بودند گلان فرخ

مرزا بخطاب والد خود سر فرزند گردید از حضور بندگانی پاندهان رخصت گرفته نوکری
گذاخته رفته بود در اثنا سه راه از دست مردم سرکاری کار آمد چهار فرزند می داشت کمال
یوسف علی مرزا دهم حسین علی مرزا یسوم ابراهیم مرزا چهارم سرور علی مرزا فرزند دهم
مرزا ابراهیم بیگ مرحوم یعقوب مرزا سوکمی ابوتراب مرزا مسعود جنگ چپساری وزیر وقت
طلب - کیفیت منشی اسمعیل یار جنگ نامبرده باشند اند در بود و القادر اسخا بود
و در دارالانشاء در وقت منشی گری ششیر و نت در نیابت بودند و در جنگ که طره وقت
روانگی مشیر الملک بهادر در پونه هم رکاب بهادر حاضر بودند و قتی که اسطو جاه بهادر
از پونه بحیدرآباد آمدند از منشی گری دیوانی سر فرزند نمودند بعد انتقال اسطو جاه در حضور
بندگانی حال تا چند ایام سرگرم ماندند و میر عالم بهادر از اسمعیل یار جنگ نوعی عداوت
میداشتند در حضور عرض نموده روانه جاگیر نمودند چند ایام مانده در اسخا یازدهم جماد الاول
۱۳۲۳ هجری انتقال کرد پس شش عظیم الدین خان در بلده حاضر و از عنایات پادشاه
راجه چند و ملل بهادر از جاگیر والد خود سر فرزند - کیفیت سیف جنگ محمد غوث خان نامی
از نازول بار آمده روزگار در عهد صلابت جنگ مرحوم در بلده فرخنده بنیاد وارود شد
نواب غفرانآب راصلابت جنگ مرحوم صوبه واری برار داده رخصت نمودند محمد غوث
خان در رفاقت غفرانآب حاضر به رکاب روانه ایلمپو شد و قتی که غفرانآب در بهنگامه
حید بیگ بودند شرط رفاقت و جانشینی از خان مسطور چنانکه باید بظهور رسید چون
غفرانآب قائم مقام ریاست شدند محمد غوث خان مذکور بخطاب سیف الدوله و بخشی گری
تمام جمعیت و از محالات ننگنده و دیورکنده و غیره سر فرزند شد خان مذکور و برادر خود را از
نازول مع خیال و اطفال طلبید از خطاب سیف جنگ و برادرش دیگر علاء الدوله
که دیده بود بعد چیت ایام محمد غوث خان از عارضه بیماری انتقال نمود و سیف جنگ
از اتفاق ابو الحیر خان شمس الامراء بعلاقه بخشی گری از حضور سر فرزند و ناموری
از برادر خود زیاده پیدا نمود الحال یک فرزند از سیف جنگ مسمی بجلیقن میان سیف الدوله
و یکسر فرزند علاء الدوله بنام غالب جنگ حاضر است - کیفیت سید عاقل ضا

حاکم مسطور از سادات بار سبه بزار و غلی هر کاره در عهد مغفرت آتاب سرفراز بودند چندی
 به صوبه داری الیچور در وقت غفر آتاب سرفراز بودند و از خطاب بر بان الدوله بر بان
 الملک اتیاز یا قنده فرزندش سید حاجی بخطاب بهرام جنگ بهرام الملک و از جایگزین بکصد سوار
 و دو صد پیاده بار در وقت میر عالم مغفور سرفراز شد و از همیشه میر عالم مغفور رسم
 تادی سید حاجی بهرام الملک بعل آمده از بطن همیشه مغفور مذکور سه پسر کلان غلام حسین
 خان بهرام جنگ که بسم ربیع الثانی ۱۲۳۵ هجری وفات یافت شادی از دختر شیراز جنگ
 شده بود و دویمی عاقل خان از دختر مستقیم الدوله بهادر گردیده سویمی سید غیرت خان
 شادی از دختر میرزین العابدین متوفی برادر میر عالم مغفور شده است و دو پسر از خواص
 یکی بنام قمر علیخان و دویمی سید محمد علیخان - کیفیت وفات و از خان شمشیر جنگ - از جلیله های
 سرکار آصفیه است و از تقاضا و کرد و کردی سرفراز بود و حضرت غفر آتاب بسیار عنایات
 بر وفادار خان میداشتند الحال در اولادش یک فرزند و یک فرزند و یک حبیبیه است
 سیمیت عبدالرحیم خان قلعدار گوکنده - از خانه زادان قدیم غفر آتاب پدرش حیون خان نامی
 نسل امیر جنگ متوفی در جرگه پعیله بودند و از او اخیه عهد غفر آتاب بمهد قلعداری قائم است
 جمعیت قلعدار مذکور بکصد سوار و دو صد جوان عرب و قینیاتی مردم پالما و علی بیگ خان و
 نسل الامرا بهادر و موسی رحمون است - کیفیت حافظ یار جنگ و قنیکه غلام سید خان مرحوم
 در پونا بودند و باز در بلده آمدند از آن وقت بر عهده عرض بیگی گری تازیست مرحوم مذکور
 بحال بود بعد رحلت مرحوم مذکور جایگزین چهل هزار روپیة حاصل نموده پنجاه سوار از سابق بحال اند
 و سپرد چندی کار جو بنیه و تعلقه پیر نموده بود و هم چند اسپان پاینگاه سپرد و مسطور بنیاتی
 مرشد زاده ها در قلعه گوکنده به جمعیت سی صد و پنجاه سوار و بار منجمل آن چند سوار و بار راجه
 چند و صل بهادر و چند سوار غیر الملک بهادر و شمشیر الامرا بهادر و رعد جنگ بهادر و از فرزندان
 حافظ یار جنگ مذکور در نوکری سرکار و در بار داری حاضر - کیفیت مصمصام الملک بهادر
 میر کمال الدین به حسب آب و خوارز هند و شان نوکری بادشاهی غواتیاز یافته بود پسرش
 میرک حسین خان در عهد جنت مکان عالمگیر باوشاه بدر ماه و دو منصب سرفراز بودند و

میرک معین الدین در عهد شاه جهان بادشاه از صوبه کابل و ملتان سرفراز بودند بعد از آن
 شاه عالم بر صوبه داری ملتان تقریر یا فسخد میرک معین الدین خان بصوبه داری اوردنگ آباد
 سرفراز گردید پس شش میر حسین علی از قدر دانی مغفرت آید به منصب و خطاب یافت بعد از آن
 آصف جاه نواب ناصر جنگ مرحوم دیوانی سرکار خود بخطاب شاه نواز خان سرفراز فرمودند
 و در عمل صلاحات جنگ مرحوم موسی جوسی از کشته شدن سید جنگ وکیل خود شاه نواز خان
 مصمصام الدوله را از عزب کننده بندوق از جان کشتن فرزند کلان میر عبدالحی خان راجندی
 در قلعه گوگلیته داشته بود از آن نظام علیخان بهادر که بر مسند ریاست جلوس فرمودند بر سر طوطا
 از قلعه بر آورده بمنصب شش هزاری و پنجاه سوار و بخطاب مصمصام الدوله مصمصام جنگ
 سرفراز کردند بعد آن بمنصب هفت هزار و هشت هزار سوار و علم و نقاره و باهی مراتب
 و پانکی چهار دار و خطاب مصمصام الملک و تعلقه دیوانی صوبه جات دکن سرفراز نمودند حضرت
 بندگانی خواستند که مدارا لهامی خود و مختار امورات سرکار خود نمایند بهادر موصوف قبول نکرد
 لیکن در جمیع امور کلیات سوائے صلح و مشوره مصمصام الملک بیج امر بندگان غالی غفر آید نای
 ساقند برادرشان میر علی اسلام خان و دلاور جنگ توام الدوله بودند الحال در اولاد و تان جلال
 الدوله هستند کیفیت اعتماد نواز خان میر یعقوب خدمتگار مصمصام الدوله بهادر بود و بعد انتقال
 مصمصام الدوله مرحوم بناس خود بمیدل نموده بناس چو بداری اختیار نموده در زمره چو بدان حضور
 ملازم شد و در تعیناتی وقت صاحبزادگی بندگان غالی حال مامور بود و فیکه بندگان غالی حال قائم مقام
 ریاست شدند بخطاب اعتماد نواز خان و بسرکردگی چو بداران سرفراز گردید - کیفیت
 اسمعیل خان - اسمعیل خان اولاد تلنگه برگ تبول فروش از بنده حیدر آباد برآمدند داراجاه
 زمره پیل شده نو مسلم گردید داراجاه پوشیاری او دیده امورات خانگی از او میگردند و فیکه
 جنگ پیشو سلطان از داراجاه گردید کار بای دست بسته از اسمعیل خان بعمل آمد و اعتبار
 زیاده پیدا کرد و بعد انتقال داراجاه اسمعیل خان از آنجا برآمده مع لین باستصواب
 راجندر ملازم سرکار گردید در سرکار راجه راجندر محنت بسیار نمود بعد آنکه میر عالم مغفور
 مدارا لهام شدند مع لین مذکور در سرکار میر عالم مغفور حاضر شده بار و نقلی عمارت مامور گردید

و این هم قائم ماند و در تعمیر مکانات بسیار جا نشانی با میکرد که اکثر مغفور منظور و ترفیع میکرد
یکبار از این و تعلقات را بیستم در میخواه از سرکار معین است یک فرزند میدارد و کیفیت مرده
محمد با ششم باشند و ستان در ریاست ناصر جنگ شهید از چوکی چو بدان سر فرزند پس
گلان طاهر علی خان بعد انتقال والد از سرکار چوکی سر فرزند در ریاست غفران ماب
بسیار عزت و اعتبار یافته الحال هم بکار نامور و سر فرزند است اولاد نمیدارد دیگر در طفل متنی
کیفیت ذوالفقار علی خان بن احمد علیان انصاف ابن احمد علیخان تجا و در ساله شمس الامراء
مرحوم نوکر بودند در عروج میر عالم مغفور که رعایت احوال منظور بود بدستخط مرحوم دینعلی خان
در خرج ملازم شدند و و پسرا ایشان که بودند یکی بنام حسن علیخان از دست پسر حیدر ناز جنگ
مرحوم وکیل شمس الامراء بهادر و در دیوانخانه راجه چند و لعل بهادر کشته شد و دیگر برکات علی
نامی که معروف به بستی صاحب است در فاقه شهباز الملک و جده و والد آنها طاهر
ذی شخصیت دبانه محلی بندر اند چنانچه الحال هم از سرکار عظمت مدار به سلسله قدامت
جده و والد آنها تنخواه هر دو برادر مقرر است جده مذکور از لواحقان نواب مبارک الله و
حاکم سابق محلی بند که مشا به نقدی مع لواحقان از سرکار محمد ورج می یا بند کیفیت سیدی
عبدالله خان و سیدی منتقال خان و نادر علی بیگ خان سیدی ناصر و سیدی عبدالله هر دو خانه
زاد تیغ بیگ خان ناظم صورت سیدی غنبر علیخان خان زاده سیدی ناصر از انتقال سیدی
ناصر سیدی غنبر علیخان و سیدی عبدالله خان با هم باتفاق تمام بودند و قتیکه تیغ بیگ خان
رحلت نمود هر دو آواره شده در اطراف با جمعیت روز میکردند به حسب آب و غور در نواح
اورنگ آباد وارد شدند در آن ایام غفران ماب روزیکه حیدر جنگ را کشته تا چند
از معتمدان خود میرفتند سیدی غنبر علیخان و سیدی عبدالله خان به جمعیت دو صد پیاده
و عرب و حبش و سورتی و گجراتی و هندوستانی ملازمت نمودند و بندگان عالی مرتبت شدن این
جمعیت مقتدران کاشته آنها را رفیق خود کرده گردانیدند از اعتماد ایشان بهره بستی کردند
و قتیکه غفران ماب قائم مقام ریاست شدند از جمعیت یک هزار سوار و دو صد بار مرام
موجب بست هزار چندی کلاه پوشان و سیصد و پنجاه سوار بهر اسری چهل رو پی

سرفراز کردند و سیدی عمر علیخان در حضور وی بودند و سیدی عبداللہ خان با جمعیت بنو کری
 میرفتند و ہر گاہ سیدی جعفر علیخان انتقال کرد خلعت با سیدی عبداللہ خان مرحمت
 شد من بعد بخطاب داد اور الملک سرفراز گردید و قتیکہ عالیجاہ مفرور شدند بنندگان عالی
 داد اور الملک را با جمعیت روانہ کردند چنانچہ در جنگ متصل بید شربت شہادت چشیدند
 بعد سیدی محمد خان پسر بہادرند کور سرفراز گردید او ہم بعد چند انتقال کرد و آنوقت شیدی
 اسد اللہ خان مخاطب رعد جنگ برادرش کہ حقدار بود لیکن صغیرن با بر شدن کار خانہ
 سیدی حبیب خان مستعد جنگ را کہ از بطن رقاصہ بود مصلحتاً مقرر کردند تا مہرہ نالایق قریب
 خور و مردم آزار بود و در ہمان اوقات از بدستی خون ہم کرد لہذا از سرکار اخراج کردند
 بعد از آن رعد جنگ را کہ از روستا شرع ہم استحقاق سرفراز فرمودند تا علی بیگ خان
 را داد اور الملک آدم کارہ و ذبیحوش دیدہ نوکر داشتہ بود ہر گاہ کہ غفران کاب بنابر
 بند و بست ارادہ کرد بہ بندگان عالی حال حکم کردند سیدی متقال خان و ناد علی بیگ خان
 را در آنجا متین کردند اما حال کہ بندگان عالی قایم مقام ریاست شدند تا علی بیگ خان را
 بہ جمعیت دو ہزار سرفراز کردند - کیفیت انور الدین خان متوطن گویا موضع ہندوستان
 در عہد عالمگیر بادشاہ بمنصب و خطاب سرفراز بودند بعد از آن بدیوانی دکن مامور و موہولم
 بادشاہی و از خال دکن و قفیت داشت آصفجاہ ہنگام ورود خود خان مشائر الیہ را
 بدکن ہمراہ آوردند و مشائر الیہ بر فاقہ آصفجاہ مصدر تردد است شایستہ و بسر کردگی
 ہزار سوار و یار بصوبہ داری حیدرآباد و سیدکا گول و راج ہندی و محاربات فتح مرتبتین
 و در سنہ یکزار یکصد و شانزدہ ہجری بخدمت نظامت اراکٹ و ہمہ کرناٹک مامور شد
 ہمان سال آصفجاہ رحلت نمود حسین دولت خان ف چند صاحب سر اہل نوایت
 کہ حکومت اراکٹ میداشت بہ ترغیب بدایت محی الدین خان دختر زادہ آصفجاہ مرحوم از
 ارسال پیشکش معمولی دست کشیدہ طریق انحراف اختیار کردہ جمعیت فراسیس را از بندر
 جموں لہری بلک خود طلبید بانور الدین خان مجادلہ منازعت آغاز نمود تا مرگ
 خلف الصدق آصفجاہ مرحوم کہ بر تنہ ریاست دکن متمکن بود باستماع شورش

شورس و فساد کرنا ملک از اورنگ آباد با عانت انورالدین خان متوجه شد خان مسطور قبل
از رسیدن نامر جنگ در مقابل فراسیمیان و چند صاحب شانزدهم شعبان سنه یک هزار و
و شصت و سه هجری در سن نود و چهار سالگی کشته شد محمد علیخان خلف انورالدین خان دوم
از ترچنا پلی مع غیاث به تقرر چنانچه رسید با تنصوب از باب حکومت نهند و بولایت
انگریز عمدت داشت فرستاده بنام خود سند طلبیده بمعاذت سرکار عظمت مدار باستیصال
فرامیس و غیره پرداخت چند صاحب در محارب کشته شد ملک کرنا ملک از کنار دریائے شور
تا سرحد دریائے کشا بقبض و تصرف خود آور و محمد علیخان بخطاب والا جاہ پایہ اعتبار برقرار
بود سنه یک هزار و دویست و دو هجری ازین هجاں فانی انتقال کرد - عمده الامرا پسر مین والا
جاہ شش سال قایم مقام حکومت آن ملک بوده در سنه یک هزار و دویست و پانزده هجری
دومیت حیات سپرد و عظیم الدوله پسر امیر الامرا برادر خرد عمده الدوله فرد تحصیل ملک ببلغ بشتاد
هک روپیہ داخل دفاتر سرکار کمینی شده بود در نیولا از با عت آبادی ملک آنجی ایزاد از
روے حساب بی برآء با خرب عظیم الدوله فرامیت میشود و هزار جون ماهو امیر سید تباریخ
نهم شوال ۱۲۳۲ بمعارضه و با انتقال کردند عظیم جاہ خلف مرحوم تباریخ نهم ربیع الثانی ۱۲۳۲
به اعانت صاحبان مندرشتین شدند - کیفیت حال خان و با فانی خان مسطور با شدند چنان
قوم افغان برائے روزگار مع سپرد برادر ناده خود در بلده آمدند در عمل غلام سید خان
مرحوم از یکصد سوار نقدی بد رماہ ذات سرفراز شده و قتیکه جنگ پٹو سلطان در پیش نهاد
وار سطو جاہ بذات خود متوجه گردیدند محمد علیخان بهسار و شاگر خان بهادر و جان خان بٹالا
بذات خود کار باکے مردانگی و شجاعت بسیار نمودند بعد معاودت فتح پٹو سلطان از سطو جاہ
از جاگیر ذات و جمیع چهار صد سوار سرفراز نمودند بعد از اعانت راجه چند و صل بهادر از
تعلقات قریب پانزده لک روپیہ و از جاگیر قریب سه لک روپیہ در عوض نگہداشت
جمیعت و ذات سرفراز بودند چونکه در ادائی مال واجب سرکار قدرے ایتادگی کردند
دبر رعایا ظلم و تعدی روا داشتند و رعایین نالش اکثر از رعایا بجنو صاحب زیر بٹانی
انجا رسید راجه چند و صل بهادر بالکل تعلقات مستور کرده بقدر معاش ذات بهادران

باقی داشته اند بتایخ هفتم شعبان ۱۲۳۹ هجری جمادی الاولیٰ انتقال کردند محمد علیخان و محمد
خان بر جایگزین و در سال مختار اند - کیفیت نامدار خان عوض بیگی راجه چند وصل بهادر و خان مسطور
از اترک و دمی خان است از عرصه پانزده سال از سفر کشته که راجه چند وصل از قلعۀ نزار
بودند از سفارش راجه کیول کشن نزد راجه صاحب ملازم شدند و راجه صاحب بعد سرفرازی
کار پرداز و خود بیکصد سوار سرفراز فرمودند نامدار خان برادر خان مسطور از جایگزین در صوبه بهار
از محل رکن الدوله بسفارش و دمی خان سرفراز است و نامدار خان را یک پسر بنام نور الله
خان است که بصوبه دلاور خان مسطور منتوب است و از سرکار راجه صاحب پنجاه سوار
بنام نامدار خان مقرر است و نور الله خان نیز درین سوار شریک است مگر از عرصه سیال
راجه صاحب نور الله خان را براسه سرانجام امور صاحبان که در محل سرکار عالی آمد
و شد دارند اکثر میفرستند خصوصاً بسبب این که جناب زیرین سال تمام قبل
راجه صاحب نامدار خان بصوبه اورنگ آباد به معزونی قواب کافم علیخان بهادر سپرد
زین العابدین خان مرحوم هندوستانی که بسفارش زیرین بهادر سابق نامور کرده
بودند سرفراز نموده اند و پرگنه پریمنی و غیره که راجه گویند بخش بهادر بابت قرض خوابا قواب بجان
خان مرحوم گرد داشته بودند و از بهادر خود راجه اتزع نموده تفویض نور الله خان کرده
اند و غرض که در حال پابجا بسیار هم رسانیده دلاور خان عوض بیگی را و پسرا اند -
کیفیت نامر علیخان - خان مسطور منصبدار در سرکار عالی ملازم بود از پنج فرزند دو انتقال
کردند سه فرزند حاضر - کیفیت افسر الدوله رفیق شمس الامرا از جایگزین در صوبه بهار سرفراز
بعد از آن شمس الامرا بهادر نامواخت کردند میر عالم مغفور ولیات ایشان گرفته شریک
باز داری خود نمودند و در عرض گرفتن مکانات ایشان را اضافۀ جایگزین بهادران افسر الدوله
را در ماه مقرر کرده در رساله خاص راجه چند وصل بهادر داخل کرده اند نام هر دو بهادران
افسر الدوله مسطور غلام محمد بی خان و حسین علیخان این هر دو کسان در ۱۲۳۵ هجری بسبب
شوره پختی و بدادی نسبت اغوه بلده بموجب حکم راجه چند وصل بهادر از بلده اخراج یافتند
اند مگر افسر الدوله بنات خود فهمیده است شمس الامرا بهادر سرگردی جمعیت از طرف خود

مقرر نموده قیناتی مهبت رام وقت جنگ نهضیه و بجهت مر فساد بود - کیفیت محمد منصور خان
 بهادر مغر فریق غلام سید خان مرحوم باشد نوح الیچو همیشه در حاضر انشی متناوب بودند غلام
 سید خان مرحوم وقتیکه در پون نه رفته بودند موصوف در رفاقت حاضر بودند بدین نواز سطوح جمعیت
 دورا به ذات پرگنه ساتوبی از پرگنه خود بدین وان جاگیر سرفراز کردند و بعد رحلت بر جاگیر خود
 قابض و نیز در وجه چند عمل آمد و شد داشته اکثر بر تعلقات بطور قهید مامور بودند بتایرخ سوم
 محرم ۱۲۳۵ هجری در بلده افغانه غیر مهدی باختلاف مشارب کمال حرات و جان بازی سه
 چار اسم افغانه را بقبل رسانیده همیشه زاده خود گشته شدند کیفیت غنی بیگ خان خانمستور
 سوداگر پیشه و از میر عالم مغفور موافقت داشته جنس و اجناس مبلغ خیطر میر عالم مستغفرو گرفته
 کار سازی نموده مبالغ آن بمیر صاحب میداد میر عالم بهادر بوقت روانگی کاکته از دریا به
 یکصد و صوبی از دست غلام سید خان مرحوم سرفراز گنا گنیدند وقتیکه بار الهامی بمیر عالم بها
 شد از دو و صد سواران نظیده و از وار و غلی جنسی سرفراز نمودند و بعضی اوقات در مشاوه
 سوداگران هم شریک بودند در ۱۲۳۵ هجری رحلت کرد سه پسر بنام محمد یغیر و غیره و دو صبیبه
 گزاشت - کیفیت جهانگیر یار جنگ حسام الله خان ولد سردار الملک بهادر قلعه و دیگر
 منصبدار بادشاهی از عمل بادشاهان قدیم سرفرازند خانمستور و بهادر مذکور هر دو انتقال
 کردند جهانگیر یار جنگ فرزند کلان و غور و فزا مهدی خان سردار الملک حضرت غفر آتاب
 از جاگیر سواران هم سرفراز فرمودند الحال از حشد و قلعه ای قلاو و دیگر بنام جهانگیر یار جنگ
 مع احشام و جاگیر ذات مقررات - کیفیت عبدالکریم خان نامستور اقامت از سرکار
 بند گانغالی و ازین قریب یک هزار بار سرفراز بود انتقال نموده پسرش قادر علیخان ضمیرین
 داشت بخش الله خان برادر زاده ازین سرفراز شد الحال پسر عبدالکریم خان از موقوفی
 بخش الله خان سرفراز گردیده است کیفیت محمد صاحب عرب عرب مستور از دو صد سوار
 و دو صد بارز و بسالت جنگ که عاکم او موفی و غیره محالات بودند ملازم شد بعد انتقال
 عرب مذکور فرزندش محمد امین خان عرب از جمعیت مذکور سرفراز شد و وقتیکه بسالت جنگ
 بهادر انتقال نمودند در اراجاه بهادر فرزند او شان قایم مقام گردید و یامین محمد امین خان

و دارا جاه صحبت برار نشد عرب مسطور از اینجا خوش شده در حضور غفر نامه چنانچه در حضور
 دو صد بار و پرگنه ابو و پرگنه چند دل در جاگیر سرفراز فرمودند در سائی دو انائی عرب مذکور
 پسند مزاج حضور پر نور بود در مقابله میسر سلطان از صلاح مذکور کار میفرمودند بعد انتقال
 محمد امین عرب عدد درون خان فرزند و از جمیعت بعنوان جاگیر از سرکار مقرر است از محمد عدد در
 خان فرزند و از جمیعت مذکور سرفراز شد و پرگنه میترم و پرگنه جیون در نگاشت جمیعت بعنوان
 جاگیر از سرکار مقرر است از محمد عدد درون خان بها در سه فرزند کلان محمد صاحب دیوی این صاحب
 سونی از محل دویم بنام محمد برهان سابق راجه ناگنا تبه را و مشهور ناگن کرط را راجه گ کرده و دیگر
 آوره بودند نا مبرده مرد بنشرش و بنیر کانش بر مکانات خود قابض است و نالیده و غیره
 مکانات بطور تهمید در علاقه محمد امین صاحب تعلق دارد و کیفیت نو دی خان مرحوم خان محم
 در رساله سائر با چهار صد سوار ملازم و رفیق میر موسی خان مرحوم خطاب به رکن الدوله بود
 مرحوم مسطور نظر بر یافت از جاگیر یا قصد سوار سرفراز فرمودند بعد انتقال نو دی خان پنج فرزند
 بودند چهار سیر انتقال کردند گدائی خان فرزند کلان که از خطاب الدوله سرفراز اند حاضر
 و جاگیر یکصد سوار از سرکار مقرر است و دو فرزند میدارند بنام محبوب خان پسر دل خان
 عمر گدائی خان تخمیناً پنجاه و هفت سال منصب دار بادشااهی نیستند باشند به پیشوایی کیفیت
 کوئی بیگ نمان خامس طور باشند هندوستان محمد اربیشه همراه عاشق بیگ خان در عمل
 دیوانی ملهم چند ملازم سرکار گردید بعد موقوفی راجه چند و مسل بها در هم موافق دستور
 سابق مع یکصد سوار ملازم داشتند چندان اعتبار در حضور یا نزد راجه چند و مسل بها در ندارد
 کیفیت سکندر الدوله بها در باشند سامانه اقربا است غلام سید خان مرحوم در عمل دیوانی
 مرحوم مذکور در اینجا آمده از خطاب و جاگیر سرفراز شدند و پنجاه سواران را جاگیر فاقص علی
 برادر او شان هم همراه آمده اند سه فرزند از سکندر اله حاضر کلان سرفراز علی خان و دو فرزند
 خرد و کیفیت میر محمد خان بها در قوت جنگ بها در بها در مغر دار و غنه حبشی سرکار نواب
 غفر آتاب بودند از بها در مغر سه فرزند کلان میرا من خان به خطاب قوت جنگ بعد
 انتقال والد جاگیر ات والد خود سرفراز شدند و فرزند دویم عثمان یار خان دند سوم سیر مستوفی

از ضیاء الملک بهادر هم قرابت میدارند کیفیت میرکلب علیخان از ولایت در عمل دیوانی
 غلام سیدخان مرحوم آمده ملازمت خاص نمودند مرحوم موصوف رساله یکصد سوار غنایکبار
 اخلاقی رساله سیف الملک بهادر مرحوم فرزند خود داده از حضور بن خطاب نورالدوله سرفراز
 کنایند و بعد آنکه غلام سیدخان مرحوم در یونیه رفتند سواران و غیره موقوف شدند
 و قتیکه غلام سیدخان مرحوم از یونیه آمدند از ناخوشی فراج رو بره آمدن هم ندادند و سر عالم بسیار
 وقت دیوانی خود از و اخلاقی جمعیت سواران و داروغگی هر کاره رساله سلیمان جاهد بهادر
 سرفراز نمودند - کیفیت سرفراز الدوله بهادر رشک جنگ نام دانا گریز امور تعلقات
 بهوشیار می کمال میدارند و در قرابت شمس الامراء بهادر اند - کیفیت معظم علیخان بهادر
 قیصر جنگ خویش مقبول الدوله بهادر مرحوم که سابق بر عهد عرض بیگی گری غفر انتخاب بود
 قیصر جنگ از حضور غفر انتخاب تعییناتی بندگانه ای حال بود در وقت مرشد زادگی بندگانه ای
 حال بر عهد عرض بیگی گری سرفرازی داشت الحال بداروغگی نجباء زنجیر فیضی از خدمت
 سرفرازی دارد و بندگانه ای از خطاب کرم علیخان بهادر قیصر جنگ سرفراز فرموده اند -
 کیفیت گهاسی میان نیرف شمس الامراء بهادر نظر قرابت بهادر موصوف از خطاب بهادر الدوله
 سردار الملک و به جمعیت سرفراز حضرت غفران باب بسیار عنایت میفرمودند گهاسی میان
 مذکور را در خانه بنی طوائف در ایام محرم پنج ششش اطفالان مهدوی از جان کشتن چنانچه
 موجود است پتھر و میان خطاب سردار الدوله که از بطن همیشهر امجد الملک بهادر بود
 انتقال کرد از طوائف منکوه حسینی میان اعظم جنگ و قطبی میان و فرید میان کیفیت
 علی محمد خان برکار پروازی تعلقات ابنالال بدیوانی و بخشی گری پناه در عمل رکن الدوله میر موسی
 خان مرحوم در سرکار نواب شرف الدوله بودند چنانچه غلام سیدخان مرحوم در وقت ملازمت
 خود جایگزین نواب موصوف در منصبی سرکار آوردند و تعلقات مذکور سپرد علی محمد خان مذکور
 نموده از خطاب علی یار جنگ سرفراز کنایند و سپهران او شان الحال بدر حس
 فقیری رسیده اند - کیفیت ماما بدین دختر صقه بود در ایام سابق نزد کسی خواص
 ملازم شده بر طرف گردید و از باعث فیهوشی بمصنوع بر نور ملازم گردیده بدر ماهه و از ده روپی

مقرر یا قوت و نسبت خدمتگاری و حاضر باشی زمین بطن پیچ غنایت گردید چهل روپیه مایه
 و پانکی سرفراز گردید قریب چهل و هشت سال است که در محل آمده بخدمت زمینت النسابکم
 صاحبه والده جهاندار جاء بها و در میان در ^{۳۲} کله بهری فوت شد قائم مقام او کنیزش چیلی
 محاصل بطن پیچ قریب دو هزار روپیه - کیفیت ماما چنیا کنیزک خریدی ماما ناصیل سرکار
 از باعث زیهوشی نامبرده حضور پر نور اکثر کار میفرمودند از دوازده روپیه مایه و بنشاه
 چهل روپیه و پانکی سرفراز در چنیا پیچ غنایت گردید قریب چهل و چهل سال است
 که در محل آمده نکاح از فوجدار خان خود غفران مآب کنایه دادند نام پدر خان مسطور
 و نام جدش میر صادق نامی منصبدار و میرادانی فوجدار صلابت جنگ مرحوم بودند فوجدار خان
 در خوشی میرادان فلبان اندازان روز درین فن قدم نهاد و در وقت غفران مآب
 به فوجداري حضور سرفرازی یافت محاصل چنیا پیچ قریب یک هزار و پانصد روپیه و از عهد
 غفران مآب یکصد و پنجاه گاژون در رکاب حضرت بندگانی مایه است و یکصد پنجاه
 گاژون که در عهد حضرت غفران مآب حواله ماما ناصیل بود بعد انتقال ماما ناصیل در سرانجام
 و در عهد حضرت بندگانی حال که بختا و فوت از گاژونهای مذکور پنجاه گاژون و چهل
 خدمتگار یکصد گاژون حواله اتمام نواز خان مردا گردند چنانچه حال بحال اند و جمعیت
 ماما بطن و ماما دیگر پنج نیست و ماما چنیا در ^{۳۳} کله بهری فوت کرد - کیفیت شرف الدین خان
 و راول شمس الدین خیلین خان برادر کوچک فخر الدین حسین منشی بزرگ پالمر صاحب متونی
 از بیلس پون بزرگ مایه قلیل ملازم و متوسلانه نوزاد و جند و عمل بهادر آمد و رفت میکنند
 و در وقت شهنام صاحب بهادر بواسطه مولوی میران علی منشی و میران بنی ڈاک و الہ
 کار و کالت راجه مدوح بنده خود گرفت و برادر کوچک خود را بمصاحبت راجه گو بند بخش
 بهادر که سردار جمعیت متعاضد صوبه برار و غیره بجای مہبت رام بودند متعلق نمودند باتفاق
 دوستان خود بازار اخذ و جبر گرم ساخت و اقتدار پیدا کرد آخر بمصدق مصرع زند جامہ
 ناپاک گاژان بر سنگ پدید موقوفی میران علی منشی پرده این راسی از روئے کار افتاد
 و اخراج بلده گردید در دیہات جاگیر خود رفته سکونت کرد آخر بمصدقش سال

تأرض نمودند و انقضای اظهار احوال خود که در دیر انداخته اند متذوق ضایع می شود به حضور صاحب ریاضت که آخر وقت بهتری رسل صاحب بها در بود و فرستاد بها در معترض رحم آمد و ایما بر اجد چید و اصل بها در که دند از اوقات که باز آمدند در سرکار راجه موصوف پیش شدند و علاقه عدالت مستغنیان بلده و فیصله آنها بجان مسطور قرار گرفت الحال هم در ارشاد استیضاح مال غرامت قصه ندارد - فصل سوم در احوال فرقه منو و بلند کرده آصف جاه مرموم و کیفیت راجه را و در بنجا - راجه معزز قدیم منصبدار بادشاهی و بجایگزات و سوار از عهد حضرت مغفرت مآب سرفراز داشت اندام والد راجه مسطور اندام و نام جد جانوبی را و نمالکر دنا بهره از عهد عالمگیر منصب سه هزاری و سه هزار سوار از آباد اجداد میر و از چنانچه جانوبی را و نمالکر مسطور جد راجه مذکور حین حیات آصفیاه در حاربات مشغول تر و دو جانوبی کرده اعتبار پیدا ساخت حضرت مغفرت مآب توقیر ایشان بسیار میفرمودند عمر راجه مسطور قریب هفتاد و چهار سال در رسم شادی مفر بها دران معقوم خود که قوم مرسته اند بمحل آمده به بها در معترض فرزند از زوج شادی بنام کهنه راجه را و و اند را و و سه سیر از بطن طواف بخله آن سیر کلان امام الدین خان نامی فوت شد دو پسر زنده اند جمعیت راجه مسطور شش صد سوار و جایگزین یک روپیہ مع ذات و سوار در عهد احمد شاه بادشاه و قتیله حضرت مغفرت مآب بصوبه دکن مامور شدند از ان پیشتر از جایگزین در وقت چهار زخان هم پدر راجه مغفرت مآب بود و بزرگان ایشان معلوم نیست که از عهد کدام کدام بادشاه بمنصب داری سرفرازی داشتند از عرصه پنجاه سال که راجه معزز از افغانان هندی قرض گرفتن اختیار کرد و قریب سیصد لکنه مقروض شدند و در جایگزین راجه مذکور که مسلط بود بسبب فضولچی و مصرفی پدر خود دست از فرستان ز رجاگیر کشیده بلوہ قرضدار بها نویت بکشت و خون ساینده راجه چند و اصل بها در فیصله قرضدار بها کرده ذمه خود گرفت و جایگزین در قبضه خود در آوردند الحال بقدر مایحتاج میدهند و جمعیت هم چند ان ندارند قریب و صد سوار خواهد بود و کیفیت ناناینت و رائے رایان بها در نام اصلی دھونڈ و پیڈت راجه رائے رایان است هر دو برادر و ولد نانابی شکر قوم زنادر عهد پٹواری بر موضع لاب گاون پر گنه

یا نکل صوبه فحشته بنیاد بودند در عهد حضرت غفرناکاب بالکشن نامی پندت که محرر سفر فر بودند
 نزدش هر دو برادر بدر ماه به هفت بهفت ملازم شده در جی که مقصد یان سمران پندت مسطور
 نزد رکن الدوله مرحوم آمد و وقت داشتند بعد از انتقال بالکشن پندت مذکور از دیهوی
 هر دو برادران را رکن الدوله بر دفتر پیشکاری صوبه برابر حجت بنیاد و صوبه بجای آورد
 هر قدر که در سرکار عالی است از حضور غفران مآب سرفراز گنا یند بعد از انتقال رکن الدوله
 هر دو برادران رسائی خود اجرائی امورات سرکار چه در وقت وقار الدوله و بعد انتقال قالدوله
 با استعانت شمس الامراء بهادر مرحوم سرانجام کار سرکاری نمودند و قتی که غلام
 سید خان مرحوم آمدند چند سیه هر دو برادر زنده مانده اول راجه رائے رایان تخمیناً عرصه
 چهل و پنج سال بدر شد که انتقال کرد بعد با نانا پندت در سن ۱۲۰ هجری درگز نشست
 از اولاد راجه رائے رایان راجه شایام راج بهادر یک پسر موجود بود و سفر کمره بسبب
 بر آمدن دست آویز بایک فتور و خطوط لهری ایشان بنام بیٹو سلطان از بلده اخراج
 شده و محمد آباد بدر جایگزین خود بموجب حکم حضور مامور است و پسر دیگر فرزند بود و انتقال کرد
 مانا پندت لا ولد بود بر دفتر داری صوبه بایک مذکور بتاریخ نسبت و حکم شعبان ۱۲۴ هجری
 راجه شایام راج در جایگزین خود انتقال کرد و راجه چمنابا بقال نذرانه مبلغ دولک روپیہ ہم
 قائم مقام پدر خود شد ترک پندت از طرف راجه مفرج اگے کار میگرد -

کیفیت راجه راجندر

بهر حیثیت راؤنزار و ار ماد صو چاری راجه مذکور در خانه رائے رایان آمد و وقت داشت
 و ملازم رائے رایان شدند بعد از انتقال راجه رائے رایان در مفرج راجه شایام راج دخل فائده
 از طرف راجه مذکور بر سوال جواب و کالت پوزنه مقریافت در وقتیکه غلام سید خان
 مرحوم در پوزنه بودند و رانچا راجه مذکور بطور و کالت رفت و در غلصی غلام سید خان
 مرحوم نزد سنده بی و غیره اهلکاران انجاسمی بایم نمودند لهذا غلام سید خان خوشحال
 متوق کردند در وقتیکه در بلده خواهم رفت بر عهده پیشکاری از حضور پرنور سرفراز
 خواهم گنا یند چنانچه بعد املن در بلده غلام سید خان مرحوم ایفائے قرار نمودند و کمره دیوه

جاگیرات از سرکار دولت مارو دو هزار روپیه در ماه از سرکار غفلت مار ۱۲۱۵ هجری
 مقرر شد بعد انتقال غلام سید خان مرحوم پنج شش ماه برین عهده ماند و وقت
 مدار الهامی میر عالم مغفور بصلاح صاحب عالی شان حشمت جنگ متوفی راجه مذکور حکم
 خانه نشینی گردید عمر راجه مذکور شصت و پنج سال شده بتاریخ بسم ذی الحجه ۱۲۲۰ هجری درگذشت
 دو برادر زاده متبته دارد و بنام یکی سند معاملات جاگیر کهره و غیره نذرانه رسانیده بکین
 حیات خود حاصل کرده بود - کیفیت سکھو راؤ ولد رود راجی ساکن مرج گاون عهده
 پٹواری گری موضع بھینده میداشت نام پسرش کیشوراؤ که عمر پانزده ساله دارد
 سابق سکھو راؤ در مذکور در پوز نزد پسر ام بهاؤ بسالیانہ پانصد روپیه ملازم در پوز
 از راجه در رورده بهمان سابقہ همراه آمده تعلقہ بیڑ و برنیڈا یافت چون نا تجربہ کا بود
 انصرام تعلقہ پنجنی نشد از انجا موقوف گردیده همراه فوج سرکار علی بشمول محبت رام
 در وقت جنگ سندھ و بھوسله باستانت راجه راجہ رفتہ بود از ان بازمانہ
 نشین ماند در ۱۲۲۰ هجری درگزشت کیفیت محبت رام متوفی ولد امرت رام قوم
 کھتری گھمرا نی اول نامبرده نزد مقبول علیخان که عرض بیگی عفران تاب بود ملازم شد بعد
 انتقال راجا مذکور نزد موسی رحمون بر عهده و کالت مقرر شدہ در سفر کھڑہ کہ غلام خلیل
 مرحوم را خاطر موسی رحمون بسبب ہم زیادہ بود برائے سوال جواب اکثر محبت رام نزد
 غلام سید خان مرحوم آمد و رفت داشت در ہما وقت رشد پیدا کرد بعد سفر کھڑہ کہ
 غلام سید خان مرحوم بہ پوز رفتہ در بلہ آمد نزد بندگان علی حال بہرہ خانہ مافی
 از حضور عفران تاب سر فراز گناہیند چنانچہ در سفر شور پور محبت رام را ہمراہ بندگان علی
 کردہ دادند درین ضمن در فرج حضور پرنور ہم دخل یافتہ در وقتیکہ بسم بر سندھ
 و بھوسله در پیش شد سرشتہ داری لین موسی رحمون کہ امر د متوفی مذکور بود
 غلام سید خان مرحوم راجہ را بھند مقرر کردہ و پیشدستی سکھو راؤ در فرستادند
 معانہ سکھو راؤ در از نا کرد کاری او ہم خود محبت رام بر تعلقات براؤ و غنیرہ
 وقت غلام سید خان مرحوم مامور شد و از اموال نظام نواز جنگ رسالہ داری

صالح محمد خان و زور آور خان غیبه شده بود بعد موقوفی هبیت رام نیز راجه چند و صل بهادر
 تعلقه بیڑ و غیره مع سواران بجال داشتند و قتیکه تعلقه بیڑ و پر بند او غیره در ولایت
 دیران نموده مبلغ خیر سرکاری بانی داشت میر عالم مغفور موقوف کردند حسب الطلب حاضر
 شده در مزارح حضور یروز که از سابق داخل داشت در آمد میر عالم مغفور اطوار مغفوری
 هبیت رام مذکور معائنہ کرده بصلاح صاحب عالیشان سید غم صاحب بهادر
 ازین جارحضرت بر اظه نمایند و از بعضی اطوارات از تعلقات مذکور موقوف کرده
 حسب الحکم در قلعه شاه پور آمده چندی اقامت کرده و درینجا بر تعلقه شوراپور و غیره
 دست اندازی آغاز کرده جمعیت پنج شش هزار سوار باز فرام کرده در صدد مردم
 از اریها شد لهذا از اینجا جمعیت سرکاری بصلاح ریزیدین بهادر مامور شد از اینجا
 جنگیده و در جنگ کارطون صاحب را گرفته هر دو بقتل رسانیده لهذا مکرر جمعیت سرکار
 عظمت ماربرائے تنبیه مامور شد تا رسیدن جمعیت از اینجا هم چیزے حرکت کردند
 مگر جمعیت خود فرستاده بقتل رسانیده عمرش تخمیناً چهل و پنج سال شده و اگر نشاء
 الحال قبائل و فرزندان هبیت رام متوفی در بنارس سکونت دارند و بقدر دو صد
 روپیہ مامور برائے مایحتاج متعلقان متوفی مذکور از سرکار عظمت مار معین است
 و از خزانه بنارس ماه بامی یا بند - کیفیت راجه چند و صل بهادر و راجه گویند بخش بهادر
 سرور و برادر حقیقی ولد نرائن داس بن رائے پطیمی رام ابن راکم و چند قوم کھتری -
 رائے موکند ملازم بادشاهی بودند در عهد محمد شاه و قتیکه حضرت مغفرت تاب بهشت
 کروڑگیری بلده فرخنده بنیاد سرقراری یافتند بعد انتقال رائے موصوف رائے
 پطیمی رام بر همین تعلقه در وقت دیوانی بکن الدوله و عهد غفران تاب سرقراری یافتند بعد
 انتقال رائے مغرب سرکلان رائے نانک رام عموی راجه مغرب بر همین خدمت مامور شدند
 رائے پطیمی رام جدا محمد راجه چند و صل بهادر پنج فرزند سرکلان رائے "نکس" رام
 که از ایشان راجه لکھنپ رائے تولد شد بعد وفات رائے موصوف را بام که راجه
 چند و صل بهادر بر تعلقات کرطیه و غیره از حضور غفران تاب سرقراری یافته روانه شدند

یکسال چندایام بر عهد کز درگیری لکپیت راسه سرفراز یافته به مرض تپ دق فوت شد و دوم
 پسر زاتین داس بعمره سال راجه چند و من بهادر و بهر هفت سال راجه گو بند بخش بهباد
 گزاشته انتقال کرد و هر دو برادران نزد والدیه خود پرورش و تربیت از راسه نانک رام
 عمری کلان شده اول در صغیرین چند محالی بمحل محالات سائر و چندی دیهات جاگیر دیگر
 نواب منصوب جنگ تفویض راجه مفر شد مدت مدید در ملازمت نواب منصوب جنگ مفر ماند
 بعد آن در وقت دیوانی در سطو جا بهادر راسو المراجی از راسه موصوف و بهادر مفر
 بمیان آمده غل تعلقه کز درگیری گردید راسه موصوف چند خانه نشین مانده انتقال
 کردید بعد راجه چند و من بهادر از سفر کپڑه و بید باست صواب ناظم جنگ ملازمت
 حضرت غفران مآب و در سطو جا حاصل نمودند بناظم جنگ که محالات او پنجه و پر مل از منصوب
 غفران مآب تفویض نمودند یافته روانه تعلقات شدند معامله سفر کپڑه که بطور دیگر شد حضرت
 غفران مآب در بلده تشریف آوردند - ناظم جنگ همراه عالمجاه رفتند بجهت استماع این
 خبر از تعلقات او پنجه و غیره در بلده آمد به استصواب مشیر الملک ملازمت حضرت
 غفران مآب حاصل نموده بعد کز درگیری بلده مامور شدند در سطو جا بهادر که در پوند
 بودند از استماع انتظام تعلقه مذکور سند امافی محالات مختص و غیره چار محس - دیور کنه
 و کوڈل و وزیر آباد و کوئل کپڑه و غیره نوشته فرستادند که بطور امافی سپرد راجه
 چند و من کرده شد بهرگاه در سطو جا در بلده آمدند بعد دو سال پیام اضافه تعلقه کز درگیری
 نمودند لهذا محال مذکور گزاشته حواله راجه لکپیت راسه پسر راسه نانک رام نموده
 شد و محالات مختص و غیره مثل سابق بطور امافی بحال ماندند بعد آن در سطو جا
 پیام کپڑه و کلم و کوئی مار سری و بلهاری و کوئل بهادر نبذه و کنگ گیری و غیره
 محالات آن طرف دریائے گشتا نمودند چنانچه موافق استمراج بهادر مفر را چند کور
 سرفراز شده روانه کپڑه شدند محالات مختص و غیره حواله راجه گو بند بخش بهادر نموده
 از حضور غفران مآب و در سطو جا ملازمت کنایند در بلده داشتند و قیقه راجه
 لکپیت راسه فوت شد و چنانچه تعلقه کز درگیری بر راجه اند رحبت و کاظم علیان از کلم

تقویض شد انتظام محال کرد و گری از آنها بخوبی نشد راجه گویند بخش بهادر را اسطو
 جاه بهادر تعلقه کرد و گری بطور امانی از حضور غفر انما ب سرفراز گنایده چنانچه
 تا حالت تحریر راجه مغر محال مذکور بحال است و قیصر راجه چند و عمل بهادر از محالات
 کرپ و غیره در بلده آمدند ملازمت حضرت غفر انما بنموده معاون کار راجه گویند
 بخش بهادر ماندند بعد انتقال از اسطو جاه که میر عالم بهادر بر عهد دیوانی حضرت بنگلانی
 سرفراز شد بعد دو سال میر عالم مغفور از حضور پر نور بصلی صاحب لیسان سکن صاحب
 بهادر بهمه کار پردازی سرکار دولت دار سرفراز گنایند چنانچه تا حال راجه مکر
 سرفراز و ماورد اند عمر راجه مغر لغایت ۱۲۳۶ هجری پنجاه و هشت سال و ششادی راجه
 در برهان پور بخانه و مقل راس که همراه دولت را و سندی بود بممل آمده معا و ضه
 بنیت متوفی بطور دیگر گردید از تغییر متوفی مذکور صوبه بڑار و صوبه خجسته بنیاد و بهمه
 راجه گویند بخش بهادر از حضور پر نور تقویض یافت و جمیت سرکار عالی که متعین صوبه
 بڑار و خجسته بنیاد بدستور سابق بود بطور حکم برداری راجه گویند بخش بهادر گردید عمر راجه
 مغر پنجاه و پنج سال و ششادی اول راجه مغر در جالنده گردید شادی و فیم در خانه گویند
 رام که ملازم بنیاد سلطان بودند و از انجا دار و حید آباد گردیدند بممل آمد و نام سید پسر
 دیگر راسه لچمی رام جد راجه چند و عمل بهادر یک راسه رهنما داس و دوی راسه
 بهو اینداس سونی راسه موهن اصل چند ایام پس و پیش انتقال نمودند پسر رگهنا داس
 راسه سیتل داس پسر راسه بهوانی داس راسه بالکش که الحال علاقه کرد و گری از طرف
 راجه مغر قتل براسه بالکش دارد و راسه سیتل داس را علاقه محالات گونا و غیره
 زمینداران بود در ۱۲۳۲ هجری راسه سیتل داس وفات یافت و راسه موهن اصل
 لا ولد بود و سه پسر از راجه چند و عمل بهادر کلان از بطن زوجه شادی راجه بالا پرشاد
 و دوی نانک رام که از بطن خواص است و در ۱۲۳۲ هجری یک پسر دیگر از خواص مذکور
 پیدا شد و یک صبیحه که براسه دپ چند منسوب است از محالات کرد و گری بخله چکیات
 صد و پنج دیهات جاگیر بی صاحب و یک صاحبه مرحومه و پنجاه سی جوانان بار آورده

جو کین و غیرہ عمدہ رائے دیپ چند است و شادی راجہ بالا پرشاد و رختہ راجت سنگھ
 کر دیدہ و از راجہ گوبند بخش بہادر سے فرزند دو پسر رام بخش شادی رام بخش در اورنگ آباد
 شد و در ۱۲۳۴ ہجری شادی گوبند بخش در اقرائے جگت سنگھ بمسل آمد و یک
 دختر رائے سکھ مل خسرو پورہ راجہ گوبند بخش بہادر است و ہمراہ راجہ مغرور برابر
 حاضر در ۱۲۳۲ ہجری والدہ راجہ چند و مل بہادر و راجہ گوبند بخش بہادر فوت کردہ
 کیفیت راجہ سورج دنت والد منسل در محران ملازم رائے ساگر مل عبد راجہ خوشحال چند
 بود و وقت رائے ساگر مل بعد انتقال رائے مذکور کہ راجہ بھوانی داس پدر راجہ
 کیوں کش و راجہ در گاداس پدر راجہ خوش حال چند کہ ہر دو برادر حقیقی بودند بہمان خدمت
 مامور شد بعد انتقال راجہ در گاداس اکثر راجہ بھوانی داس بخدمت مامور یعنی سردفتری
 صوبہ فرخندہ بنیاد و محمد آباد و بعد رہیم سید راجہ سورج دنت اجرائی کار و دفتر مینمود
 بعد انتقال رائے مسطور راجہ کیوں کش و راجہ خوشحال چند بر خدمت سردفتری سر فرزند
 در راجہ سورج دنت اجرائی کار و دفتر مینمودند و نتیجتاً راجہ راجہ سورج دنت ہمراہ غلام سید خان
 از پونہ آمدہ مامور کار سرکار گردید چندے اخراج سورج دنت نمود و پیش از دو سہ
 سال انتقال غلام سید خان مرحوم باز بسفارش محلات و غیرہ طلب شدہ درین ایام راجہ
 خوشحال چند اجرائی امور سردفتری مینمودند بعد انتقال غلام سید خان مرحوم تا یک و نیم
 سال در وقت میر عالم مغفور نیز راجہ سورج دنت اجرائی دفتر داری مینمود قریب
 پہارہ سال است کہ انتقال راجہ مذکور گردید برہمن عہدہ راجہ خوش حال چند مامور
 راجہ سورج دنت متوفی لا ولد بود مگر یک پسر زنا را کہ کہیم کرن نام دارد و متبقی کردہ
 کیفیت راجہ روپ مل ولد ہیر مل قوم کا پتھ برادر زادہ راجہ سبہا چند کہ در
 صاحبزادگی حضرت بندگان ملی مال غلام سید خان مرحوم راجہ سبہا چند را برای سولجوب
 مقرر کردہ بودند راجہ مغرور صاحب خانگی حضور بندگان ملی حال سید خان مرحوم راجہ
 روپ مل را از طرف خود با خبر نویسی مامور کردہ بودند بعد انتقال راجہ سبہا چند
 راجہ روپ مل را نوشت و خواند مشرفی خزانہ خانگی توفیق یافت چنانچہ راجہ مسطور

تا حال بر همان عهده بودند از عرصه پنج سال راجه چند و صل بهادر عهد مذکور بطور خود کرد
 بر قدمت معاش جاریست اولاد میداد و در رستم یلغان نامی پسر خوانده راجه روپ صل
 است عمر راجه مذکور تخمیناً شصت و پنج سال - کیفیت راجه میارام ولد راجه سبها چند
 و راسه جتن صل برادر حقیقی راجه سبها چند که سابق وقت صاحبزادگی ستمین بندگانی صل
 بودند و در تینانی از خطاب سرفراز شدند راجه سبها چند از مندر نشینی بندگانی در
 عرصه قریب انتقال کرد و راجه میام پسر راجه مسطور متوفی بر مشرق دیو استخانه حضور بود
 انتقال پدر خود سرفرازی یافت تا حال بحال است و سرشته داری جمیعت ناد علی بیگ خان
 و جعفر یار جنگ و غیره معلق راجه مسطور دارد و راسه جتن صل بر پیشکاری قریب صد
 راس اسپ پایه گاه و بار گیران و مشرقی دیو رسمی زنانه مامور و سرفراز بودند چهار روم
 و یکجمله ^{۳۳} هجری انتقال کرد اولاد نمی دارند - کیفیت راجه بھوانی پرشاد و ولد راسه پد
 چند و ولد بھوانی پرشاد را امور مشرقی خانسانانی حضور مقرر بود و بعد انتقال راسه مذکور
 بنجا پرشاد فرزند کلان بر عهده مذکور قائم شد در چند ایام تلجا پرشاد هم انتقال کرد و بعد
 بعد آن راجه بھوانی پرشاد بر عهده مذکور مامور گردید و از رسانی و دانی خود از مشرقی
 دیو رسمی زنانه حضور عفران مآب و موافقت مزاج بی بی صاحبه بسیار پیدا نمود
 و تقسیم مهور محلات و سر رشته داری چند سوار معلق راجه مسطور داد - کیفیت
 راجه خوشحال چند راسه کیم راج همراه مغفرت مآب از شاه جهان آباد آمده بلاقه
 متعصبی گری مال صوبه حیدر آباد سرفراز شد و بر راسه مذکور بسیار اعتماد حضرت
 عفران مآب مینمودند پسر داشتند راسه ساگر مل بعد انتقال راسه فحیم راج ساگر
 مل بر عهده پدر خود سرفرازی یافت و از راسه مسطور دو پسر کلان بھوانی داس و غلام
 راجه دهرم و نت از راجه مسطور چهار فرزند کلان راجه کیول کشن که یک فرزند بنام
 راسه خوب چند دارند و دومی راسه و یک راسه که از ایشان دو پسر اند
 کنهیا صل و منو صل سومی راسه چا تر صل که یک فرزند دارند چهارمی راسه طوطا رام
 که یک فرزند دارد و پسر دومی راسه ساگر مل راجه در گاداس که از راجه مسطور یک فرزند

بنام راجه خوش حال چند دوازده راجه مذکور و دو فرزند یکی را ساجاگر چند دویسمی رام پرشاد و قمر
صوبه فرخنده بنیا و تعلق دارد - کیفیت راجه کیول رام دیا رام و دوله را س و در پیش
دینی رام چهار برادر بود، یا رام و دوله را س بر امور خزانه سرکار مشرفی
و پوروسی زنانه مامور بودند حضرت غفران مآب عزت و اقامه بسیار بخشیده بودند
و خطاب راجگی و جاگیر ذات از باعث سفارش عملات نمر فرزند فرموده بودند و در املاد
دیار رام و دوله را س و دیپ چند کسی نیست از دینی رام یک پسر بنام کیول رام مخاطب
بد یا بهادر از جاگیر سرفراز و کو اعد خزانه گوگلکده تعلق نامبرده داشت و مهربان
دیا بهادر بر خزانه نشست میشد در سال ۱۲۳۹ هجری تقویم در شمار خزانه بوقوع آمد این
باعث علاقه خزانه از راجه مسطور موقوف شد - کیفیت راجه شیو پرشاد دوله
راجه روشن را س قوم روستائی اگر داله راجه روشن را س ملازم سیف جنگ
مرحوم بود از رسانی خود اکثر سوا لجواب محاللات نکلده و دیور کنده سواران سایر
که به سیف جنگ مرحوم بود میکرد و در وقتیکه غلام سید خان مرحوم آمدند اکثر از طرف
سیف جنگ مرحوم را س سوا لجواب نزد غلام سید خان مرحوم آمد و رفت میداشت
بعد از بمی کار و قیصری تعلقات سیف جنگ در پیشدستی راجه پلومل که راجه مذکور به
پیشکاری دوسه هزار سوار مامور بود و مقرر شد و پیشتر از آمدن راجه را چند بعضی سوا
جواب علاقه پلومل مینمود و مابین ایام سیف جنگ و غلام سید خان مرحوم ملازم امیر
بیگ خان نیز شده بود و بعد انتقال راجه پلومل بر پیشکاری سواران مزبور و مشرفی خزانه
از طرف غلام سید خان مرحوم مامور بود و در هم سری انگ پتن همراه سواران مذکور
با طرف بارفته بود بمرشدت پرنج سال رسیده و دویست حیات پسر دوتا حال
پسرش راجه شیو پرشاد و بر پیشکاری سواران و مشرفی خزانه بحال است از
راجه شیو پرشاد یک پسر شیو پرشاد بمرشدت ساله هست - کیفیت راجه پر بهان
مستوفی در نیابت راجه روشن را س بدر ماهه مبلغ بست و پنجر و بیه طایم بود و قتیکه
از عنایت حضور پرنور راجه را بجهند ربر کار پرداز میامور شد و فیما بین راجه را بجهند

و راجه روشن را سبب نفاق بود پس بجهان در پناه راجه راجه رفت از نیکو بادامو بر کار
 اطلاع نموده موافقت کرده بر امور سپاه راجس الملک سلیمان بنجاه بهادر رختا رگ و دید خطاب
 راجگی از دست نیگری راجه راجه شد سرافراز شد چو مصل برادر خود راجه مذکور همراه
 جمعیت سلیمان بنجاه بهادر که در لشکر فیروزی باورنگ آباد و آنظر فها متعین است آنجا رسید
 و تعلقه سمت در تنخواه سواران سرشته خود گرفته است در ۱۳۳۶ هجری راجه بهادر رگ رگ رگ
 برادرش چو مصل بعد دادن نذرانه بر راجه چند و صل بر اموال عیال و الاک برادر خود قابض
 و متصرف گشت - کیفیت به راجی بندت - مقصدی خاصا سامانی غلام سید خان مرحوم از قدیم
 ملازم خان مرحوم و در دو تنخواهی سرکار خود نهایت فخر که بعضی اوقات اگر حکم از سطوحا
 برای دادن کسی جنس میشد جواب صاف میداد و غلام سید خان مرحوم دولت خانی بود
 بسیار بدل خوش میشد و وقتیکه از سطوحا روانه بونه شدند هم کابو بد آمدن از بونه
 بخطاب راجه بنیونت و سرافرازی جایزه و سرشته سواران سرافراز نمودند یک پس بنام
 گویند را و از راجه مسطور است - کیفیت راجه بکمیون داس را سبب چند متوطن
 مؤمنش آباد که در ضلع هندوستان میان و داب واقع است بر فاقه انوار الیه خان
 گویا متوی در دکن آمد پس راجه سبب داس نام در فاقه و کالت والا جا
 بسر برده در سینه یکم از او یکصد و نود و سه چری فوت شد را سبب بکمیون داس پس بنام
 بعد انتقال پدر خود بمده و کالت از طرف عمده الامراء بهادر و رحید آباد مامور حال ملازم
 عظیم الدوله بهادر اند - کیفیت راجه شیره را و - را و مسطور باشند که هم در عمل کرد رگری را هم
 چند و صل بهادر ملازم گردید راجه موصوف بدش یاری راجه مسطور دیده بذات خود تربت
 نمودند و وقتیکه راجه موصوف بکار پرداز میسرافرازدند ترقی را و مذکور هم گردید از فقر
 مال خانگی راجه صاحب و سرشته داری جمعیت رساله خاص سرافراز کیفیت راجه چو مصل
 ولد مناصب قوم کایه ملازم سرکار بود و از اعانت راجه بیرجهان سرور حاضر باش تا بود
 در سال ۱۳۳۶ هجری که جمعیت سرکار غانی مشمول فواج قاهره سرکار عظمت بدو و توجیه بهادر
 باشد از طرف راجه مسطور بهر نام کاری و تقسیم تنخواه رساله سلیمان جا بهادر متعین و بعد بهر نام

کیفیت تجا هزاری و مژده هزاری - اول تجا هزاری قوم زمار دار سرسبز باشد و هندستان
 نسل جو بنور در موضع مدره در بلده آمده بسر کار نواب غفران خان کار هزاری گری می
 مامور گردید و اعتبار تمام پیدا کرده از جاکه و پالکی سر فرازی یافت بعد انتقال غفران خان در
 تجا هزاری سودا پیدا شد در همان حالت در ۱۲۳۱ هجری رحلت کرد در اولاد خود یک پسر
 در هندوستان و اوست او هم انتقال کرد پسرش یعنی پسر تجا هزاری در هندوستان
 موضع مدره استقامت دارد و هزاری متوفی یک دختر بنام محو لری داشت که از
 نژاد منسوب بود چنانچه شوهرش در ۱۲۳۲ هجری و دختر مذکور در ۱۲۳۴ هجری در ایالت
 برکوه تشریف بصری و با در گذشت بعد مژده هزاری که تهرلف تجا هزاری متوفی بود در
 و نبات عقل متوفی مذکور از موضع مدره آمده در سر کار مدوح نوکر شده مژده پاندهی که به
 پاندهی که هزاری گری میور می مردان مامور بود و بر نواب غفران آب نذر در شکارگاه بر
 اسب سوار شده بصرف پیشرو شکار کرد مورد عنایت حضرت غفران تاب گردیده خطاب
 سر فراز سنگه و سواری پالکی و هزارگیری میور می بخشیدم صاحب مامور گردید و اولادش
 یک دختر بنام سونا در هندوستان زنده است و از بسروپ پاندهی منسوب است و از
 بطن او پسر و یک دختر در هندوستان موجود اند و سر فراز سنگه در ۱۲۳۴ هجری انتقال
 کرد و الحال برادر شقی متوفی مذکور بنام رام بخش بر عهده اقل در بلده حاضر است و رام بخش
 در هندوستان یک پسر دار و بنام رابین - کیفیت مردن سنگه متوفی اینست که غلام
 سید خان مرحوم در پونه مژده منگلن را به جمعیت هفت هزار بار ملازم داشته بودند بعد
 از آن همه جمعیت بر هم خورد و مگر چند تن از جوان ماندند از سرگردی مژده گزشت صاحب
 بهجری میر ابو القاسم خان مرحوم بسری رنگ پل رفتند بعد آن وقت که معاودت نمودند
 از آن وقت یک نفر است و شش نفر در کثرت متینه راجه چند و مل بها در هندوستان حال سرگردی
 مردن سنگه مذکور حاضر اند بمجله آن دو صد جوان بر آید گرد راجه گویند بخش بها در
 سه صد جوان در گرد و پهره بندی راجه صاحب تمه در تعیناتی تعلقات علاقه گردگیری و
 بدعت و غیره مامور اند در ۱۲۳۶ هجری بسبب نزاع و کشمکش برادران خود را خود گذشت

فصل سوم در کیفیت زمینداران علاقه بلذ فرخند بنیاد و تشریح نظامت ایلیچپور
 و اسامی جاگیرداران نقدی بقیه نام و پتیه آنها کیفیت شود پور حبيب ناگ نامی از طرف سلاطین
 بجای پور بر عهده رسوم کا و لکاری و سر دیسالی بطرف شود پور مقرر یافت تا سه چهارم
 در متابعت بادشاهان بجای پور مانده دهه اول که بادشاه عالمگیر در عالم شاه ادگی بنام
 بجای پور بموجب حکم شاه جهان بادشاه صاحب قرآن ثانی متوجه دکن شدند پام ناگک و اچچیر
 ناگک بود از سلاطین بجای پور مخرف شده متوقع سرفرازی با ملازمت بادشاه عالمگیر حاصل نموده
 در تیسیر بجای پور جانفشانیها کرده بخطاب بحری ناگک و پنجر جمعیت سرفرازی یافت باز مکرر
 به سبب رسانیدن سد غلظت راجگی و منفعت علم و تقاره ممتاز گردید از شد سراسر
 تعلقات مانی کوڑ و تعلقه چنیا پور و غیره سرفراز شد و قتلکه مراجعت بادشاه عالمگیر بطور صلح
 از سلاطین بجای پور بطرف دلی گردید پام ناگک در دکن بعهده کا و فی و غیره مانده تیساری
 و اکن گڈه بمیل آورده از سلاطین بجای پور بغاوت اختیار نمود و از طرف سلاطین بجای پور
 مکرر جمعیت برآی تنبیه مشاعرا لیه مقرر یافت آخر بطور اطاعت قبول نمود اسناد کا و فی
 از سلاطین بجای پور هم حاصل نمود و تا قید حیات خود همین طور میگذرانید بعد انتقال باخه ناگک
 مذکور سیر کلان با سیم پد ناگک بر تعلقات پدر خود مسلط شد و نگه داشت جمعیت زیاده کرد و قتلکه
 عالمگیر بادشاه و فد ثانی برای تیسیر بجای پور و قلمه گو لکڈه متوجه دکن شدند پد ناگک از قلمه
 مکان نیز اخراج و زریده با عانت سلاطین بجای پور و گو لکڈه پرداخت بدین قلمه
 بجای پور و گو لکڈه بسبب اخراج و بغاوت پد ناگک مسطور ریایات شاهی بتسخیر قلمه
 گڈه متوجه شد و قلمه و اکن گڈه نیز مفتوح گردید بعد رحلت حضرت خلد مکان که شیرازه
 جمعیت افواج بادشاهی تسعینه دکن در هم بر هم شدند پد ناگک که فراوی شده باز جمعیت فراهم
 نموده در قلمه و اکن گڈه دخل نمود و تا حین حیات بهمن طور میگزرانید بعد انتقال او پسر
 پام ناگک ملقب بنام پد خود شده چند سیهان عهد بسر برد و بعد انتقال دست پد
 سیر کلان بر عهده پد خود تا مگشت پد ناگک را و پسر بودند کلان کشنا ناگک پسر
 خرد و مناناگک باهم هر دو برادران چند سیهان مناقشته ماند آخر مناقشته کشنا ناگک

فراری شد و منانگ خود مسلط شد بام تا صین حیات خود بر همان عهد بسر برده انتقال
 کرد و انکیانانگ پسر بام نانگ قائم مقام پیغود گشت و انکیانانگ را اولاد ندیدیم
 صبیبه بعد انتقال انکیانانگ کسی قائم مقام نبود لهذا الهیه نانگ متوفی کشتیا برادر انکیانانگ
 متوفی را که سابقا بیدخل شده فرار گردید که بود از اولاد و سه تن گویال با قائم مقام
 نمود تا صین حیات خود و تن گویال بسر برد و بعد وی پیکانک پسر بدن گویال متوفی قائم
 مقام گردید تا حال بحال است حاصل تعلقه نانگ روپی در سرکار عالی داخل میارند و
 چهارنگ روپی سالیانه تعداد جمعیت شش هزار پیاپی در زمین در انعام داده است
 کار آنها که میگردد جمعیت ملازم نقدی دو هزار نفری کیفیت سرحدات شویا
 بتفصیل ذیل طرف اول ملحق تعلقه الجور و مدکل طرف دوم ملحق مانی کوثر - طرف
 سوم ملحق سرحدات گلبرگه این طرف دریائے کشا است طرف چهارم ملحق بطرف
 یا دیگر این طرف دریائے کشا طرف پنجم ملحق تعلقه کھتل و کرخو این طرف دریائی کشا
 سوم بیژری شورا پوز که بر سرکات راویندیت پردھان است - پنجاه و پنج اردو
 صد و سی روپی بهشت آن در قم سالیانه که از شورا پوز در سرکار از را و موصوف داد و
 است پنجاه و دو هزار و بهشت کدیازده روپی یاد است - بتفصیل قلعجات شورا پوز -
 قلعه شورا پوز چندان محکم نیست قلعه واکتی گدسه بر کرکه کوه است قلعه کیکانک گدسه قلعه ارگ
 قلعه دیو درک قلعه سکورا از شورا پوز علاقه ندارد در علاقه راجه رام کشا را و است کیفیت
 گد والی والد - بهوم بھوپال برائے رسوم مارکوٹی بموجب اسناد سلاطین پیشین بطرف
 تماقه راجپور و غیره مقرر بود روزی بطرف مھارفت بود از قسمت خود مبلغ خطیر دینند
 بدست آمد لهذا گدھی گد والی تیار نموده و جمعیت نگهبان داشت کرده ملک کرنل نیز بطرف
 خود آورده بدستخیر ملک وکن در عهد عالمگیر بادشاه جمعیت بادشاهی تنبیه بهوم بھوپال
 مقرر یاقت بهوم بھوپال در خود تاب مقاومت ندیده جو ع آورده پیشکش قلعجات مقرر
 نمود و خطاب راجگی سر فراری یافت و بعد چندی انتقال گردانیده لا ولد بود الهیه دست
 آمده سال با نظام تعلقات کد والی پرداخت و وقت انتقال خود بکار پیر از ان معذور

وصیت کرده که همیشه زاده خود را که نرمل راؤ نام دارد و بغیر زندی خود نام نهاده تسلط زند
 چنانچه بمحل آمده راؤ مذکور قریب چهار پنج سال بسط ماند و از بد اطواری دس کاپر
 دازان آزرده شده رام راؤ نامی برادر خود نرمل راؤ را مسلط گردانیدند رام راؤ
 قریب بست و پنج سال بند و بست تعلقات ننوده انتقال گردانامبرده لا ولد بود و نزد
 بهوم بهوپال پسر کلان نرمل راؤ در فرزندی رام راؤ مقرر کرده مسلط گرداند بهوم بهوپال
 قریب چهل سال با نظام تعلقات پرداخت در عهد بهوم بهوپال تعلقه گردان منو خان گرفت
 بعد انتقال بهوم بهوپال رام بهوپال پسر کلان مسلط شد رام بهوپال قریب دوازده سال
 مسلط ماند نامبرده پسر داشت یک حبیبیه وقت انتقال گزافخت حبیبیه مذکور را از پسر اسو
 و س شادی مقرر ننوده بکار پردازان وصیت کرد که قائم مقام سازند چنانچه تا حال ستیارام
 که قریب دوازده سال شده بر کار کدوال مامور است تفصیل گدھی بای کدوال
 مفصل گدھی کدوال گدھی پوری گدھی در در گدھی راجولی گدھی نظام کنده جمعیت
 یک هزار و پانصد نفر بام میباشد بجهل آن پانصد و شش صد س بیاده نقدی باقی بپادشاه
 که زمین درخواه نه با جاگیر است وقت کار حاضر میباشد حاصل تعلقه چهار لک روپیہ از سرکار
 یک لک و سی تهرار روپیہ سرکار سایا نمیدهند تفصیل سرحدات گدوال و طرف اول متصل
 بسوار الپور و کرون طرف دوم ملحق بسوار راچور طرف سوم انیطرف دریائے
 کشنا ملحق به پرگنه امر چنته طرف چهارم انیطرف دریائے کشنا ملحق بسبت
 سکور کیفیت انصاف گدوال اسم گمار ریڈی دختر بود از بداریڈی شادی ننوده
 داد چنانچه از شکم گمار ریڈی یک فرزند تولد شده نام اوسوفا نهاده وقت انتقال بجا خود
 قائم مقام ننوده زوجہ سوم نامهم لا ولد بود زوجہ ہائے نرمل راؤ را در فرزندان گرفته
 بجای سومنا جانشین ساختند بعد از نرمل راؤ سوم بهوپال تولد شده وقت انتقال
 نرمل و سوم بهوپال قائم مقام شد از سوم بهوپال رام بهوپال جانشین شده نامبرده لا ولد
 بود وقت انتقال سومنا برادر زاده خود را بخطاب بهوم بهوپال از سرکار غفر کتاب سر فرزند
 کتایند ستیارام نامی بکار تو شکی برام بهوپال مامور بود و از نامبرده قرابت قریب

داشت فتور نموده تنج اسم کار پروازان را از جان کشته و جمعیت های تعلقه را با خود متفق نموده
 قائم مقام شد سابق محفل طهر پور بود در نیو لا چنگاک روپیه نذرانه داده از خطاب ستیا نام
 سجویال و سنده گاهانی سرفرازی یافت از گدوال سالیانه بر او نپشت پردهان در زمان
 باطنی پیشتر از سی سال قریب بخت هزار روپیه میر سید - کیفیت اشوارا و پالونچیه و الیه بزرگان
 اسوارا را اهتمام چند موضع که برای مصارف دیوهره بهدر اچل که از وقت عمل راجه های
 نمود معین بود متعلق اشوارا که صاحب قنبت پیدا شد مواضع اطراف در قبضه خود آورده
 و بنگهداشت جمعیت کرده گدھی پالونچیه تیار کرد در وقت عالمگیر بادشاه
 از حسن خدمت خود اسناد جاگیر و منصب و خطاب را بجای حاصل کرد از آنوقت جانشین پالونچیه و بحد
 بنام اشوارا و طعنه میشوند چونکه پالونچیه بعد اچل کوستان را معر خود مقرر کرده چند سال
 حید آباد را مال گزاری نمیکردند آخر کار رکن الدوله مدار المہام خضران ماب عاجز شده
 پالونچیه و غیره در جا نداد سپاه فاضل بیگنان طعنه و از جان گذاریم با پالونچیه را سر کرد
 و مال و متاع از طلا و سیم تا بحدیکه در خانه راجه اشوارا و هادن و دست کلان کرنا بر
 صاف کردن برج بکاری آید از فقره و طلا داشت و خزانه غیر جمع کرده بود بدست
 ظفر الدوله آمد و برادر خرد اشوارا و زنده دستگیر شد و به حید آباد فرستاد و از دبان
 توپ پرانیده شد بعد راجه اشوارا و در مالگذاری ظفر الدوله رجوع شد و همیشه غیر حاضر
 ماند در وقت میر عالم مغفور که اشوارا و بود اولاد نداشت بنا بر آن و نکت رام خسر پوره خود را
 بفزند ی خود جاداده بعد اتعال قائم مقام خود ساخت اکیا نامی که بر تو شک خانه اشش
 نام بود فرصت یافته خود قابض گردید و مبتنی اشوارا و سابق فراری شده در خانه پلچهارا و
 و غیره زمینداران پوشیده شد مسرطالم صاحب نامبرده را از اینجا آورده با عانت
 صاحب زید نسی بهادر در ماه از سر کار غلیبه پانصد روپیه مقرر گنایند تا عرصه
 سه سال نامبرده در بلده ماند درین عرصه اکیا اشوارا و و دیوت حیات سپرد مگر زنگه
 و غیره و احقان در پالونچیه ماند خسر پوره اشوارا و سابق که از خراج یافته در بلده بدر ماه
 پانصد روپیه قیام داشت قریب یک لک روپیه از و نکت کشا و زمیندار یکینی قرض

گرفته و ندانه داده بعلاده پانچوا سو رسد و در انجا رفته با وصف تینانی جمیعت سرکار و
نگین داشت خود در انجا دخل نیافت راجه چند وعل بهادر رائف صاحب دانیایا بر امانت
و نکت رام اشوارا و خسر پوره اشوارا و متونی در ۳۳۳۳ هجری فرستاد و در پانچو فرجه
هند و بست شد راجه صاحب بصلح رائف صاحب مسطور در پانچو و غیره تعلقات بند و بست
خود کرده گرفتند و نکت رام اشوارا و حال در پانچو به جمیعت قلیل سکونت دار و چیزیست
در ماهی یابد و بابت قرصن ندانه و نکت کشنا را و مستغانی است -
زمیندار ویا پور متعلقه برار از وقت عالمگیر بادشاه سرفراز حالا متعلقه اش در جاگیر
عبداللہ صاحب پسر میر الملک بهادر بهاصل یک روپیہ مقرر است - راجه رام چند در
ولند راجه چند رسین متونی عمده منصبدار بادشاهی که بیجاگیر پنجاه یک روپیہ و جمیعت دوازده
نیز سوار سرفراز بود مغفرت مآب چند رسین را برادر میخوانند حالا از اولادش کسی نماند
راجه رام چند در ۱۸۳۳ هجری در سفر کپڑه به پنجو رکن الدوله قید شده در قلعہ گوکنڈه
فوت شد مظنون ارکان این بود که در هم کرناٹک راجه مسطور با صاحبان کپینی موافقت پٹنا
کرد و شجون طلبیده بود میر نظام علیخان بهادر توچانه و اسباب گزاشته در آن هم جان
سلامت برده به حیدر آباد رسیدند - آجہ او راجه من موہن را و بنگلیہ سنتاجی پانڈر به
جاگیر دار تعلقه کھم متعلقه صوبہ محمد آباد بیدر - سبجان را و که جاگیر دار تعلقه دیبا پور متعلقه
بادشاهی بودند در وقت میر نظام علیخان بهادر جاگیر ات قدم ضبط شده بهتدر
معاش اولاد آنها پرورش می یابند - انار ریڈی زمیندار با اشوارا برادر سدا سیدی
زمیندار سربے متونی تعلقه ارمیدک از جمال خان لوبانی معضدی کرده خارج از تعلقه
گردید قدرت معاش دارد - راجه و نکت زرائن ریڈی که زمیندار تعلقه راجکند و بهوگیر
بود - راجه رایناس پسر نامبرده قریب چهار یک روپیہ را تعلقه مذکور تمہد کرده است
راجہ علی ریڈی زمیندار تعلقه گرٹکال تمہد تعلقه مذکور سه یک چند هزار
روپیہ کرده است راجه و نکت را و مبتنی لجهائی زمیندار نی تعلقه لوکاپلی بیسلی
یک روپیہ اجاره دارد - راجه رام کشنا ریڈی زمیندار تعلقه شکور تمہد یک یک

شصت هزار روپیه دارد - کوناراؤ جلالت راؤ زنده داران ایگندل سابق پنج کله رویه
 داشتند بعد جلالت راؤ رجوع گونا راؤ حیدری معندی داشت در سالگرمته کونا راؤ
 معرفت رائف صاحب رجوع نند لیکن تعلقه اش سپهر را جیسر راؤ دیپانڈیه مانکند ورواله
 بطور تحقیق داری کردند - کیفیت نظامت ایلمپو از ابتدا ۱۱۸۴ فصلی محمد اسمعیل خان مرحوم
 بر نیابت صوبه مذکور بودند بعد مرحوم مذکور بر بان الدوله در ۱۱۸۵ فصلی مامور شدند و
 محمد صلابت خان بهادر در ۱۱۹۲ فصلی و بعد از آن نظام نواز جنگ در ۱۱۹۹ فصلی محمد علی
 خان در ۱۲۰۱ فصلی و بعد از آن گنگا رام ترائن در ۱۲۰۱ فصلی بعد از آن همیت رام متونی در ۱۲۰۲ فصلی
 شد و از ۱۲۰۳ فصلی پراجا گو بند بخش بهادر نیابت صوبه مذکور شد چنانچه شخصی نظر
 راجه فرما ۱۲۳۲ فصلی در اینجا مامور بود - کیفیت منصب داران و آسانی جاگیر داران نقدی عقید
 پته آنها - کیفیت منصب خواجه اسد الله خان بهادر پسر خواجه هدایت الله خان مرحوم که چند
 قلعه داری گلبرگ نموده بودند این خواجه عبدالرحمن خان بهادر لشکر جنگ اعتقاد لدوایش
 از چهل و پنج سال از حضرت مغفرت مآب بهمه منصب سرفراز سید نور الحسن خان ولد میر
 سعادت علی خان بهادر سید یار جنگ ابن میر بابا متینی جبارت الدوله پیش از چهل سال
 بمنصب سرفراز راجه اشواراؤ زمیندار پالونجه منصب از حضو عالمگیر بادشاه داشت
 و در بطریق پیشکش داخل میکرد و راجه و نکث ترائن ریڈی زمیندار بجوگیر زمینداری خطاب
 از سرکار آصفجه میداشت سکندر قلیخان خان زاد سرکار داروغه تمام خدمتگارانی خاداران
 جویش که قریب یکصد نجاه جشی اند و جویشان مذکور متعین ایگندل اند و سوا
 آن در نگهبانیت حال یکصد بارگیر از حضو عنایت شده حکم بنده علیخان باننده هند
 از سفارش جعفر یار جنگ بجضو بر نور ملازم اند در نیو لایکصد بارگیر در نگهبانیت ۱۲۳۳
 عنایت فرموده اند شاگر بیگ و واحد بیگ هم غیره زاده اسد نواز جنگ و جعفر یار جنگ
 از حضو بر نور بدار و علی کتانجه سرفراز اند وزیر علی از پنجاه نفر هر کاره بر است اخبار
 امرایان و منصب داران و مقصدیان اهل دربار مامور است و در و شب اخبار دربار
 راجه چند و صل بهادر و تمام بلده در حضو میگردانند و سابق از طرف سکندر یار جنگ در

هر کار با نامور بود در نیولا از نگه داشت ۱۲۳۳ سپهری یکصد بار غایت نشد بود بتایخ سکا
 محرم ۱۲۳۸ هجری چونکه وزیر علی مهدوی بود و محمد روشن برادرش بمحمد مهدی دیان از دست
 نیاز بها در خان کشته شد عبد البنی خان جمعدار تمامی خدمتکاران داروغه عمارت حضور پور
 محمد حسین را موافقت گنجانه از وقت مرشد زادگی بند گانای حال مامور است کریم بیگ خان از سلخ خانه
 و داروغگی خدمتکاران سرفراز عطا بیگ خان از امور آیدار خانه سرکار عالی اعتبار تمام
 دارد و بهادر علیخان داروغه عمارت از وقت مرشد زادگی حاضر میباشند قاسم بیگ خان
 شهریار جنگ از داروغگی قلیخانه از یکصد بار گیر سرفراز میر عبد الله خان داروغه باو چنان
 سید جعفر حسین خان فرزندش امورات سرکار سرانجام مید بد سید نفرت خان داروغه
 هر کار با حاکم جنگ همیشه زاده میر موسی خان مرحوم قوت جنگ پسر احمد میر خان مرحوم
 همیشه زاده احسن الدوله قلندر خان مرحوم مخاطب به قطب الدوله حیدر ولد معین الدوله
 حیدر جنگ مرحوم محمد لودی خان پسر محمد لودی خان علامل خان پسر شیخ حضرت ثابت ل
 خان ولد بها در علی خان نبیره نضر الدوله جدا افتاد الملک میر ضیاء الدین کیتقار جنگ غیش
 رفعت الملک بهادر مرحوم نصیب یار جنگ پسر نضر الدوله سمیت جنگ ولد خواجه عبد الرشید
 خان مرحوم ابن عیوض مرحوم سلطان فادر خان مخاطب به قاهر جنگ وای خراسان نبیره سید
 داود منتظم الدوله اقربائے غلام سید خان مرحوم نامور جنگ برادر ربتی فخر الامراء بهادر
 سرفراز الدوله بهادر ولد محمد حیات خان مرحوم همیشه زاده ابو الفتح خان مرحوم ملک بنه جنگ
 اقربائے غلام سید خان مرحوم سمیت یار جنگ نبیره معتمد الملک سمیت یار خان مرحوم
 امام الملک برادر ربتی ابو الفتح خان مرحوم نبی خمس الامراء مرحوم بنده علی خان پسر
 اعظم الملک مرحوم راجه بالکنده مقصدی میر ابو القاسم خان مرحوم منو جنگ پسر احسن الدوله
 راجه اند را و سینا نبی مقصدی راجه راجعند بهادر الدوله شجاع الملک سمیت و دوم و سیمبر
 ۱۲۱۵ انتقال نمود سید عبد الرحیم پسر سید نجیب الله خان سنور و سیل سنگه پسر راجه
 جوده سنگه قند بار و الدنق علیخان پسر موسوی خان منشی منفرت آب امرت را و
 چهره سمیت پسر بلونت را و پختریف جاگیر دار قدیم پهل داس لدر تاب دنت نبیره

بشمل ندر مدار المهادم غفر آتاب که مد جنگ را کس چون گفته شد راجه جلد یور او پسر
 کیان را و افرامی دولت را و ندیده میر حید خان پسر خراب جنگ افرامیست الملک به
 رفنا علیخان بهادر برادر زاده انجم الملک بهادر در قیق جنگ آورده غلام سید خان
 مرحوم راجه ماننگه را و صاحبته جاگیر داران قدیم برادر ابنا پور و اله رحمت را و پسر و حویر او را
 برادر زاده کیشو او و کسین بهوسله محمد عاظم خان جاگیر دار قدیم برادر علی اکبر خاظم صغریا جنگ
 بهادر پسر مقام جنگ موم که در کشتن حید جنگ شریک بود امیر الدین علی خان برادر
 اصغر علیخان عبدالصطفی جاگیر دار قدیم و کهن میر محمد صالح خان نیره اعتصام الملک
 قشور جنگ از مرایان عهد غفر آتاب میر عبدالقادر خان باخته حخته بنیاد از قربان
 عبدالحی خان صمصام الملک در وقت صلابت جنگ مرحوم از خطاب بر سر فرار شده
 بود مرد قابل و دیرینه ویلاقت و سخیده گی دارند و الدفرخ علیخان منظم الدوله معروف
 محمد صاحب و نواب بیگم ابله غلام سید خان مرحوم هر دو قربت برادری میداشتند
 چنانچه احوال در کیفیت غلام سید خان مرحوم در صدر گزشت الحال در سرکار مقررات
 میرانی بخش خان مرتضی یا جنگ اول در مره بارگی پی پیش سدا شیوری بی نوکر شده
 بعد از آن با چند سوار اعتبار پیدا کرد و فتنه سدا شیوری بی امیر شد فوج متفرق گردید
 میر مسطور مع سواران به پونه رفته در سرکار غلام سید خان مرحوم نوکر شد بعد رسیدن
 خان مرحوم به حضور نامبرده به خطاب و منصب و جاگیر امتیاز یافت الحال در ممسدری
 راجه گونبد بخش بهادر بر سر کردگی جمعیت سواران بوده در متابعت صاحبان انگریز
 بهادر حاضر است نثار جنگ پسر کلان مقبول علیخان مرحوم که در وقت غفران آتاب
 غرض بیگی داشت میر ضیاء الدین کیقباد جنگ خویش زور آور جنگ مرحوم
 پدر رفت الملک بهادر در بلده به حویری بهادر مفر سکونت دارند میر فحاج علی
 خان مخاطب به منو جنگ چیز قربت از حضور دارند مرحوم مسطور حشر پوره
 ضیاء الملک بهادر غرض بیگی و صبیحه محلی بیگم دختر غفران آتاب بمشار الیه منسوب
 و مرحوم مسطور سه برادر یک بهادر علیخان و دو بیگی که تاز جنگ بهادر قلعه بیدر

سوی منو جنگ مسطور خلف یک تاز جنگ مرحوم حسینی میان عرض بیگی میر عالم مغفور
 خطاب حسین یا در جنگ دارد و با جعفر یار جنگ قرابت و سبب قرض خوانان افغان
 روپوش شده در نواح قلعه پرنیٹا بود حالا بسفارش جعفر یار جنگ باز به حید آباد رسیده
 مخفی سکونت دارد و غلام حسین خان والد قسطنطین الامرا بهادر مرحوم هر دو یک مادری بودند
 از غلام حسین خان غلام امام خان اعظم جنگ امام الملک تولد شدند قسطنطین الامرا
 در فرزندی خود گرفتند میر عبد الله خان بهادر نصیب یار جنگ منصبدار قدیم و فرزند
 مظفر الدوله و برادر افتخار الملک بهادر بخشی بادشاهی اند مظفر الدوله عموی افتخار الملک
 بودند فیما بین حیات الله خان و قسطنطین الامرا مرحوم قرابت برادریت و از حیات الله
 خان سرفراز الدوله تولد شدند و از سرفراز الدوله سه فرزند و سه فرزند دیگر از حرم
 خواهر میان و جوجو میان غلام حسین خان بهادر بهادر الدوله در سرکار بابت جنگ مرحوم
 ملانم بودند در حضور هند گانعی معرفت محمد امین خان عرب ملازم نمودند از جاگیرات
 در اولاد یک دختر دارند که از عابد یار جنگ شادی شده است بهر الدوله اقربان
 غلام سید خان مرحوم در وقت دیوانی از خطاب و جاگیرات سرفراز شده اند باشند و همچنین
 دو فرزند بهر الدوله حاضر اند نامور جنگ فرزند میر سادات داماد کلان خان المحال
 اولاد و غیره هیچ نیست شادی نامور جنگ از مبارز بیگم صبیبه کافی بیگم قنده بود میرضا
 علی خان برادر زاده نجم الملک بهادر فرزند علاء الدوله مرحوم اند سه فرزند ایشان
 حاضر میرضا علیخان در آدرنگ آباد اند کیفیت جاگیر داران نقدی عبدالعظیم
 پسر میر جنگ اقربان حضور از جاگیر سرفراز اند دولت خان در عهد
 سلطه جاه از جاگیر سرفراز شده بمثل محمد خان خدمت گارار سلطه جاه بهادر
 در مدار المہانی مفر از جاگیر سرفراز شده بقول محمد خان در محل صلابت جنگ
 مرحوم وار و عه باور چنانچه بود اولادش از سر رشته قدیم جاگیر منخورند نظر بهادر
 فرزند خان جهان خان وار و عه فرانش خانه حضور پرور از جاگیر سرفراز است
 محمد علیخان فرزند مسعود خان خانه زاد حضور از جاگیر سرفراز است پسر و ملا در جنگ بهادر

از جاگیر سرفراز است محمد عظمت خان اقرباے لودی ہی خان در عمل لدوله از جاگیر سرفراز
 گردید نظام منو خان دکھی از قدیم جاگیر دار است محب الله خان وغیره فرزند فیض الله
 خان خانه زاد حصو مبارک الله و خانم داشت معالی میان فرزند ارسلو جواد مرحوم از جاگیر
 سرفراز است نامدار خان پسر سرت خان اقرباے لودی ہی خان از جاگیر سرفراز
 ست محمد صوفی مرزا خان برادر زاده دواماد نوازش علی خان که همراه مبارز خان مد
 بودند - مستی خان - مستی خان همبدار پیشه از عمل رکن الدوله از جاگیر مفتی حاصل
 کرده عبدالحسین و منو خان دکھی جاگیر دار قدیم میر مظفر علی خان پسر کمال الدین
 حسین خان برادر صدر نواز جنگ از جاگیر سرفراز - حاجه عبد الله خان وغیره پسر
 خواجه حکم باقر خان از جاگیر سرفراز - شیخ منو خان وغیره فرزندان دے منو خان
 دکھی جاگیر دار قدیم شیخ نعمت الله خان برادر زاده فتح مست خان مرحوم قلعدار قلعه گوگند
 رومی خان در عمل بسالت جنگ مرحوم از جاگیر سرفراز شده بعد انتقال اوستان
 فرزندان ش به خطاب و جاگیر سرفراز گردیدند اوشان انتقال کردند عنسلام عباس
 خان فرزنده جاگیر سرفراز حاضر است مرزا سعادت علی استر باے سلار جنگ
 مرحوم نام والدش شیر بیگ خان مرحوم بشرکت ظفر یار بیگ خان غنوارش جاگیر
 میخورند حرات جنگ ماموی رفعت الملک میر کلان میر حیدر خان پسر اوشان به خطاب
 مذکور و جاگیر سرفراز است اسد الله وغیره پسران نور جنگ مرحوم ولد مختار جنگ
 مرحوم دار و غنم باور بیچانه حصو به جاگیر ذات پدری سرفراز اند غلام بی خان از قدیم
 جاگیر میخورند محمد فایق خان وغیره فرزندان آصف نواز خان مرحوم اقرباے شهبانو
 خان و قادر نواز خان استر باے عزت یار خان حکیم فرزندان سید حسن خان
 جاگیر دار قدیم اند و موضع کیسراور جاگیر مقرر است صادق علیخان حکیم
 برادر حکیم محمد خان از دو خانه حصو از قدیم معمور داوود خان پسر حاجی خان سابق
 همبدار بودند و تنخواه خود در سرکار نذرانہ داده جاگیر گرفتند بعد انتقال
 حاجی خان بنام داوود خان جاگیر از سرکار بحال شد فقیر الله بیگ خان وغیره

پسران فتح‌الدین خان و غیره از قدیم به جاگیر سرفراز اند جعفر علی خان پسر غیاث
 الدوله کو قوال بلده اقربائے میر ابوالقاسم از باعث قرابت میر صاحب
 از چند دیهات بعنوان تهتد سرفراز جاگیر قدیم میدارند میر کاظم علیخان اقربائے
 بخشی الملک از جاگیر سرفراز مراد یاب خان فرزند لشکر جنگ بهادر از قلعه داری
 قلعه رام گیر سرفراز اند فضل علی خان پسر مختار جنگ جاگیر دار قدیم از داروغگی
 بانداران حضور علاقه شمس الامراء بهادر سرفراز اند مظفر علی خان برادر امیر الدوله
 خانشانان حضور پر نور از جاگیر سرفراز اند ولی چند جنس پوره راجه چند و عمل بهادر
 و رینولا از جاگیر سرفراز شده میر غلام حسین خان از دختر شمشیر جنگ شادای خند بود از
 جاگیر سرفراز میر واحد علی یا در الدوله از جاگیر سرفراز شده علی منصور خان
 پسر مقرب خان و کهنی جاگیر دار قدیم مرزا هدیه خان برادر جاگیر یار جنگ پسر
 سزدار الملک بهادر شهنشاده بیگم دختر بهادر مرحوم است از جاگیر سرفراز و شادای بیگم
 مسطور از فرزند اشرف الدوله شده است محمد منصور خان از قدیم ده صد سوار
 نقدی ملازم بودند و قتیکه غلام سید خان مرحوم در پونه رفتند همراه بودند به معاد
 پونه مرحوم مسطور عوض نگه داشت سواران و جاگیر ذات قلعه سرفراز گنایند چند
 علی پسر محمد رضا خان اقربائے غنی یار خان از جاگیر سرفراز و از شمشیر علی خان فرزند
 نصیب یار خان و قدار الدوله از در ماهه سرفراز اند صاحب ابلیس سزدار الملک
 بهادر و سزدار خان برادر زاده سزدار الملک بهادر از جاگیر سرفراز شد
 مرشد قلینان قلعه اریادگیر بنیره شهر یار جنگ مرحوم منصبدار بادشاهی غلام حسن
 خان جاگیر دار قدیم علاء الدین خان بهادر و محمدار پیشه در عمل اسطو جاها از جاگیر سرفراز
 بوده اند بهادر مذکور انتقال کردند محمد ابراهیم خان فرزند او نشان حاضر اند میر
 نعمان خان جاگیر دار قدیم بهادر مذکور انتقال کردند میر اسد الله خان فرزند او نشان
 حاضر قرابت از ضیاء الملک و رفعت الملک میدارند محمد اعظم خان و عظیم الدین
 خان فرزندان اسمعیل یار جنگ منشی از جاگیر سرفراز - میر کرم علی

پسر حاکم جنگ اقبائے میر موسی خان رکن الدوله مرحوم از جاگیر سرفراز انداز عرصه چند روز
 منصوب الدوله جاگیر اینها بر بردستی در قبضه خود آورده میخوردند حیات علیخان پسر نرسیده
 ترین از سرفراز بیگ منکوحه از بطوجاه مرحوم قرابت میدادند بسبب قرابت از جاگیر سرفراز
 رضا بیگ خان فرزند بهادر بیگ جاگیر از قدیم به انتقال کامل علیخان از خاندانی بلو
 و دار و علی غارت هم سرفراز به لقمان یا رخان دار و غده هر کاره حضور پر روز بودند فلان مذکور
 انتقال کرد لقمان و از و غیره متعلقان از جاگیر سرفراز اسعد علیخان و ولد شیر علیخان اقبائے
 بے نظیر جنگ از قدیم جاگیر دار اند محمد شجاعت الله خان بنیره محمد طاهر خان از جاگیر سرفراز
 رسم علی خان پسر نظیر علی خان برادر سلطان علی خان مرحوم که سابق دار و غده فرشتخان حضور
 بود الحال اولادشان از جاگیر سرفراز میر عبدالحی خان و غیره فرزندان محمد علی خان مرحوم
 محاط بآهنگ جنگ برادر قوام الدوله اقبائے مصمصام الملک مرحوم از جاگیر سرفراز
 میر دوست علی خان پسر شخی الملک از جاگیر سرفراز ولایت علیخان اقبائے بنظر جنگ
 از جاگیر سرفراز میر فرزندان خان برادر یک تاز جنگ اقبائے ضیاء الملک بهادر از جاگیر
 سرفراز - سید حفیظ درویش از جاگیر سرفراز میر اسد علیخان و بهادر علی خان اقبائے
 سزاوار الملک از قدیم جاگیر میدادند میر حسام الدین پسر عباد الله خان ساکن ناندی
 رفیق شمس الامراء مرحوم از جاگیر سرفراز محمد حیات الله پسر حبیب الله خان در زفاقت
 شمس الامراء جاگیر میدادند ظهیر الدین خان پسر خواجه دایم خان علاقه گرد دولتخانه حضور
 جاگیر دار قدیم میر هدایت علی و میر ذوالعلی اقبائے به جاگیر یار جنگ از جاگیر سرفراز
 صل پسر بیرل همیشه شریقی شاعر باندی از جاگیر سرفراز میرادی اقبائے سزاوار الملک
 بهادر جاگیر دار قدیم - قادی بیگم البیه بنحف علیخان مرحوم از جاگیر شوهر خود سرفراز بنیان
 انعام میر حسام الدین علی و غیره پسران صفدر علی خان اقبائے به جاگیر یار جنگ
 بهادر از جاگیر سرفراز شاه امیر الله فرزند رضا صاحب پیرزاده از جاگیر سرفراز -
 نجیب النساء بیگم البیه سلیمان علی از جاگیر شوهر خود سرفراز محمد احسن الله خان اقبائے
 سزاوار الملک از جاگیر سرفراز میر اولاد علی خان پسر جمیع طالب خان اقبائے

صمصام الملک بہادر مرحوم از جاگیر سرفراز خواجہ محمد جاگیر دار قدیم از ارث والد خود جاگیر
 سرفراز - عبد الرحیم اقربائے محمد عظیم خان مرحوم از جاگیر سرفراز غلام سجاد پیرزادہ جاگیر
 بنویان انعام از سرکار مقرر - حبیب اللہ خان در عمل غنم الامراء از جاگیر سرفراز شدہ
 خواجہ محمد خان پسر خواجہ ابوالبرکات خان جاگیر دار قدیم سید عبد الرحیم پسر سید نجف خان
 جاگیر دار قدیم در برابر اقربائے افسر الدولہ بہادر راجہ جتی لعل برادر راجہ ہنومل متونی
 مخاطب بہ راجہ اندروت کہ سابق در رفاقت غلام سید خان مرحوم تحصیل داری تعلقات
 اجرا بود راجہ روشن رائے گماشتہ متونی بود پاس راجہ اندر و نت متونی راجہ جتی مسل مہاش
 دار و میر سرفراز علی وغیرہ فرزندان سکن الدولہ جاگیر دار صوبہ اورنگ آباد در
 عمل راجہ چند و مسل بہادر سرفراز شدہ میر عالم علیخان وغیرہ در برابر جاگیر دار قدیم راجہ
 بالکنند مقصدی خانگی میر ابوالقاسم خان مرحوم - الحال پیشکار خانشامانی میر الملک بہادر
 آدم متدین بالجہ کہ در فرد جاگیرات بجایگزات ہفت ہزار و نہصد و نود و پوہ سرفراز تحصیل
 قلعہ گدوال و شوراپور و امور رائے بالجہ برادرزادہ راجہ بالکنند علیحدہ است ہمین
 دو اسم رائے بالجہ مشہر - فضل بن نجم در تفصیل تعلقات -

قلعہ کابل و پسر خوشی الی رام علاقہ راجہ شہنشاہ پشاد

قلعہ پلن چر و سپر دمن علیخان بہادر پسر

طالب الدولہ مرحوم -

قلعہ نزل پسر د راجہ بھو چرل -
 قلعہ اندر بوون پسر د کرار نواز خان

قلعہ بالنوادرہ پسر د سرندھرا و اقربائے
 راجہ رکھوتم را و متونی
 قلعہ میدک پسر د مرار را و

قلعہ نادر پسر کرار نواز خان بہادر
 قلعہ ویگلور و ساربار پسر گوری شکر
 اقربائے راجہ پند پرشاد

قلعہ توپران پسر د ناگ چندر

قلعہ بیگل پسر د میر موسی خان پسر
 اشرف الدولہ مرحوم -

- تعلقہ بیدر سپرد خلیس اللہ خان - تعلقہ دہنا سہری سپرد خان محمد چوہدر علاقہ -
 مردہ طاہر طینان -
 تعلقہ کوہیر سپرد مہین محل وابستہ راجہ جھوٹا پٹنا - تعلقہ چھوٹی سپرد راجہ سکھو راؤ -
 تعلقہ ایکنندل وغیرہ محلات علاقہ کونا راؤ - تعلقہ ورنگل سپرد غلام محمد خان وابستہ -
 زمیندار سپرد راجہ میر راؤ دیپ پانڈیہ مانا - محمد عدروس خان بہادر عرب تعلقہ پاکٹور
 کندہ وروالہ بطور تحصیلداری -
 تعلقہ کاکرنی عرف گر مشکال سپرد راجہ - تعلقہ امرچیتہ سپرد راجہ بالچند برادر راجہ
 بالچند موپور - بلچمن داس قوم کھتری -
 تعلقہ اٹکو سپرد زمینداران تعلقہ مسطور - تعلقہ کاماریڈی سپرد احمد یار خان سپرد جھنگ
 تعلقہ اونچہ سپرد رائے بالچند - تعلقہ سکور وٹنگور سپرد سوامی رام کشن راؤ
 تعلقہ نلگنڈہ و دیور کندہ سپرد حیدر خان - زمیندار تعلقہ مسطور -
 علاقہ منصور خان مرحوم - تعلقہ نرائن پور سپرد راجہ نیال سپرنٹ نرائن و متونی
 تعلقہ کیم مٹھ سپرد نادر خان بہادر دلاور خان - تعلقہ راجپور سپرد محمد عدروس خان بہادر عرب
 عرض بیگی سرکار راجہ ہاراج چند و محل بہادر - تعلقہ کچول سپرد راجہ او ماریدی تحصیلدار -
 تعلقہ کچول سپرد راجہ او ماریدی تحصیلدار - بنام راجہ رگناتھ داس چودھری جمنی حضور -
 تعلقہ مکڑی سپرد کرار نواز خان - تعلقہ دھوار وروملہ رک کرار نوار خان
 خالصہ باغیت بلدہ فرخندہ بنیاد حیدر آباد - تعلقہ باغات اندرون قلعہ محمد نگر سپرد
 مع باغات - رائے امرت رائے -
 تعلقہ ٹیکمال سپرد اسماعیل خان بخشی رسالدار - پرگنہ بٹلوا جو کل سپرد راجہ مادھو راؤ
 جوانان باد علاقہ غیر الملک بہادر - قزاقی راجہ رکھوتم راؤ متونی
 تعلقہ کوئیکندہ وغیرہ محلات سپرد ناز بہا خان مرحوم - تعلقہ کلیاک وندی کندہ سپرد سید غوث خان

حالا بعد انتقال مرحوم مسطور بنام مرزا - پسر بهرام الدوله مرحوم -

امان الله خان فرزند نیاز بهادر خان که

در حیات خود طفلک گدام مغل را در فرزند بی -

گرفته پرورشش کرده بدستور کمال -

تعلقه نسبت دپیتر و غیره محالات به دراست - تعلقه مدیهول پسر و راجه جگت سنگه مدیهی

چو ششم محل برادر راجه بیرجانبان - راجه چند و محل بهادر

تعلقه لاولر سرادپون پسر و میر عاشق حسین - صوبه نجفته بنیاد و برادر راجه گو بند بخش بهادر

تعلقه اران و صوبیات مذکور از طرف

راج صاحب مذکور تعلق دارد -

کیفیت جائیرات در تنخواه جمعیت از صوبه فرخنده بنیاد و نجفته بنیاد و صوبه بیجاپور -

لوحه

المالوس

۱۳

از صوبه فرخنده بنیاد حیدرآباد -

ص

ص

از برگنه نارائن کنده و غیره علاقه پایگاه خاص فیض الملک بهادر

در تعلقه شمس الامراء بهادر

سارو

محمد منصور خان بهادر برگنه ساتوی

لوحه

۱۴

ماهدام سنگه از برگنه حویلی کولاس

لوحه

داد و جنگ از برگنه قند بار حال بنام اشرف جنگ

لوحه

کنور ملهم سنگه

عم

محمد خان لوبانی پرگنہ کولاس -

محمد علیخان لوبانی از پرگنہ کولاس -

لما ع

لما ع

اشرف جنگ از پرگنہ کوبن

شاه یار الملک بہادر از پرگنہ ٹانڈ و رچتیا پور

اعصام

اعصام

میر دلاور پسر سلطان میان از پرگنہ کندل

راجہ امانت دت بہادر از پرگنہ حویلی کولاس

تاسے

تاسے

ناگر کرنل پرگنہ ادبچہ و غیرہ درخواہ جمعیت ذوالامراء

سے نک

از صوبہ محمد آباد سیدر -

لوع

لوع

پرگنہ ٹیلور و غیرہ جاگیر خاص -

رئیس الملک سیلخان خان بہادر از پرگنہ اندول

لوع

لوع

اکبر جاہ بہادر از پرگنہ دھانورد مد کھڑ و غیرہ -

جہاندار جاہ بہادر لوبارہ و غیرہ معالہ پرگنہ

از سرکار ایضاً لگان

لوع

لوع

شہباز الملک بہادر از پرگنہ چنگوہ و غیرہ -

سید دلاور علیخان بہادر از پرگنہ حویلی فیروزنگر

لوع

لوع

نورالملک بهادر از پرگنه امر خفته و مقتول و غیره - راجه امانت دنت از پرگنه کودنچی سرکار میر مظفر جنگ

سرماء

سرماء

کھانده را و پلچمن از پرگنه کوٹہ سرکار نانڈیر - اشرف جنگ بهادر از پرگنه مدکل سرکار ایضا

سرماء

سرماء

محمد سجان خان بهادر چٹکوت و غیره سرکار نانڈیر - حافظ یار جنگ بهادر از پرگنه کودکر سرکار ایضا

سرماء

سرماء

کوننت راجه نیگل از پرگنه کوه گانون سرکار نانڈیر - راجه امجد بهادر از پرگنه تم سرکار نانڈیر

سرماء

سرماء

در جاگیر لایکاه قلعه شمس الامراء بهادر از پرگنه
بهاکلی و من آباد و غیره -

سرماء

از صوبه حنٹہ بنیاد و رنگ آباد

ریس الملک سلیمان جاہ بهادر از پرگنه

سرماء

غازی الملک بهادر از پرگنه عیلمی و حصار طوط

سرماء

سکنه راوله بهادر از پرگنه مومندی سرکار دہ آباد - رفیق یاد جنگ از پرگنه سرسپاور سرکار ایضا

سرماء

سرماء

در نیلاد سنگ

میرا ہی بخش خان بہادر از سرکار دولت آباد راجہ راؤ رنجھا بہادر از پرگنہ برہنڈا

لگان
راؤ عظیم
ص

لگان
راجہ راؤ
ص

محمد عظیم خان بہادر از پرگنہ بند روپ کارملو پور : نازا این راؤ بسونت راؤ از پرگنہ کاہٹی سرکار برہنڈا

لگان
راجہ راؤ
ص

لگان
راجہ راؤ
ص

راجہ جہارون راؤ از سرکار دھار و درپرگنہ
روپ پند و چنگای دھری -
جہانگیر یار جنگ بہادر پسر نروار الملک بہادر
از پرونا پور سرکار دھار -

لگان
راجہ راؤ
ص

لگان
راجہ راؤ
ص

سبحان راؤ نقبہ رہا پور سرکار دھار و

راجہ جگدیو راؤ پسر گکیان راؤ

لگان
راجہ راؤ
ص

لگان
راجہ راؤ
ص

محمد سبحان خان بہادر سوار پرگنہ لوہور سرکار جانیہ
در سرکار احمد نگر -
محمد عظیم خان از پرگنہ کاہٹی سرکار برہنڈا

لگان
راجہ راؤ
ص

لگان
راجہ راؤ
ص

راجہ امانت و نت بہادر از سرکار دولت مدار
داور علیخان از سرکار دولت آباد -

لگان
راجہ راؤ
ص

لگان
راجہ راؤ
ص

رفت الملک بہادر از پرگنہ سینوڈہ سرکار ایضاً

لگان
راجہ راؤ
ص

وز صوبہ دار الطاهر پنجپور

ملک
ملک
ملک

پر گنہ الیہ و غیرہ مرشد زادہ

کوپل و بہادر بندہ و جمعیت سعد اللہ خان بہادر

کینگ گیری و غیرہ و جمعیت ہمراہی میثرو جنگا بہادر

جہاندار جاہ بہادر

پر گنہ الیہ و کوچی

ملک
ملک
ملک

پر گنہ الیہ و کوچی

ملک
ملک
ملک

در کیفیت قلعہجات علاقہ ریاست آصفیہ

قلعہ کوٹکنڈہ سپرد حکیم خان قلعہ دار - قلعہ اوڈگیر سپرد جہانگیر خان جنگا

حصار بیرون کہ واقع است در آن پشتاد و چهار برج ہر برج کلان دو ضرب و سہ ضرب

برج کوچک یک ضرب و نیز پشت دروازہ منصوب مشرق رو یعنی فتح دروازہ و مسوقی دروازہ

شمال روید جمال الدین دروازہ و نجاری دروازہ غرب روید پٹن چرو دروازہ کچی دروازہ

جنوب روید بدویل دروازہ و بمبئی دروازہ و بھلا این شش دروازہ مسدود و دروازہ

کچی مشرق روید و دو بمبئی شمال روید جانب در گاہ حسین شاہ ولی برآید و رفت کشادہ و

بیرون حصار یک خندق اندرون قلعہ خندق دیگر نیست و سمت تالاب مغفرت تاب سوا

فصیل قدیم فصیل دیگر مع برج کلان تیار کنایندہ اند کہ بسبب کسل کہ رو بروی فصیل قدیم

تباہت معلوم میشد و در میان فصیل قدیم و جدید باغ نیز تیار ساخته اند و بالا حصار گڑھت و برج

بدست دو ضرب بر پنج کلان و بر پنج خرد یک ضرب منفرت آب یک فنیصل و دیگر بفاصله تیراب
تیر بر بهوانی بر دوج متصل باغ مذکور بر لب خندق تیار کرده اند و عقب بالا حصان نیز یک فنیصل دیگر
بفاصله دو تیراب تیر بر لب خندق تیار گنا بنده و سوائے خندق معمولی خندق دیگر را گوشه
پنج سنگ نمندی ناور وازه بدو دل واقع است -

قلعه بلیگر سپرد قلندر حسین خان سپر بر بان الدین - قلعه بلیگر سپر و میر اسمعیل سپر رشید الدوله بهادر
قلندر خان که از قدیم الایام بموجب اسناد - منشی حضور پر نور
بادشاهی سرفرازند -

سماع

عناوین

قلعه پر بند اسپر و حید الدوله بهادر اعظام - قلعه دولت آباد سپر و رشید الدوله بهادر منشی حال

منشی حضور

قلعه دهار و سپر دکر از نواز خان عرف دوله خان - قلعه تریل سپر و راجه بھو چرمل

منشی

قلعه بهاتره سپر و ابراهیم علیخان سپر اعظام - قلعه دیور کنده سپر و سپر کلان بهادر الدوله مرحوم

منشی مرحوم

سماع

منشی

قلعه آرام گیر سپر و حسام الملک بهادر - قلعه ایکنندل سپر و بر دست خان بهادر سپر

قلعه طفر گنده سپر و دمت یار جنگ - قلعه جهان خان مرحوم داروغه فراسیچان

قلعه قرخ نگر سپر و علاء الدین راجه بالا پر د - قلعه فرزند راجه چند و محل بهادر -

قلعه سال باری سپر و میر الف خان بغیر اعظام الملک - قلعه یادگیر عرف الیگر سپر و مرشد علیخان ولد

مرحوم سپر دلاور علیخان مرحوم - رستم علیخان مرشد فیضان بهشتیه زاده -

قلعه و رنگل سپر و عباس یا و جنگ قلعه مذکور - قلعه جلیتال سپر و حسن علیخان بهادر بر طلب الدوله

در میدان و فیصل و بن سنگین از کار چونه
 مستحکم یکن ویرانی بر وجه اتم و خندق از قدیم
 غمیق بود و بعضی جا پر گردیده و بعضی جا غمیق
 و فیصل مرمت طلب و از ضرب که بر بروج
 تعبیه کرده اند ناکاره و تحتها شکسته افتاد و اند
 و برای خرج احتیاج دو موضع چهار هزار
 روپیه وصول خام مقرر است بافضل پنجاه
 جوان قلعه دار برای احتیاط میدارد -

قلعه کولاس سپردکنور بنین سنگه پسر راجه پند
 قلعه گنگری پسر دحسام الملک بهادر -

قلعه بهم پسر دضغام الدوله بن نظیر جنگ بهادر
 قلعه قندهار پسر دگل باب سنگه پسر راجه
 به سنگه متوفی -

قلعه پانگل پسر د نظیر بهادر خان پسر خانبه
 مرحوم فاروقه فرشته خانه حضور -

قلعه بیدر پسر د فیصل شاه خان بهادر

قلعه راجه پسر د عدروس خان بهادر

قلعه کول بهادر بنده پسر د عدروس خان بهادر

قلعه کلیانی پسر د ایتیار الدوله بهادر پسر راجه

قلعه گنگ گری پسر د محمد صاحب پسر سلطان مینا

قلعه ایچچو بطور گدای شش سرج و دو

قلعه ملکنده و کویکنده بنا بر کفایت سه بندی

دروازه یک شکسته و دو بی رست دیوار

تقوینش عالمان قلعه در معوقوف و عالمان -

و بروج از گل وحشت کار چونه و سنگ بگل

در میان قلعه سکونت دارند -

نیت و دیوارها جایجا شکسته و خندق غمیق

و قلعه ایچچو در قلعه کور میماند بافضل

پسر د صلابت خان یک کروڑ

جمعیت

فصل مهم در شرح جایگاه داران دات و جمعیت

یک کروڑ یک

نواب میرا ملک بہادر۔ نگان

سَمْسُ الْأَمْرَاءِ بِهَادِرٍ

عفت

صہارن پور

رات لگان

ذات

جمعیت

جمیعت

نوائے مکان

یوم الامم

ملفوظات المومنين

عالم

لو عی
محمّد و عیسی

سیف جنگ عن ذات

ایمن الملک بہادر۔ لگان

۱۵

۱۰۰

وات

جمعیت لگان

مختار الامراء بدار عن ذات لگان

والا جاه مرعوم عن ذات

عمر

مولانا

راجہ شیام راج بہادر

راجندر عن ذات

مؤید السحر

رسول کا مکتبہ

ذات

جمعیت

عبد کلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راجہ راؤ رنجنا

حسام الملک بہادر - نکان

موسى

سے کا صلہ

ذات

جمعیت

موسم

میرزا

دات

بمبئی

لو صاف ہو

لے

بهرام الملک بهادر

لؤلؤ لؤلؤ

ذات
جمعیت

رشتید الدوله عن ذات -

سما و ع

افتخار الملک بهادر عن ذات

سما و ع

رفت الملک بهادر

سما و ع

ذات
جمعیت

سکندر الدوله بهادر

سما و ع

ذات
جمعیت

محمد صلابت خان بهادر

سما و ع

ذات
جمعیت

افسر الدوله بهادر

سما و ع

ذات
جمعیت

فتح جنگ خان بهادر عن ذات

سما و ع

غلام حسین خان غیرہ پسران فتح جنگ خان بہادر محمد سبحان خان بہادر

عبدالمجید
ذات جمعیت
عبدالمجید

نیاض علیخان بہادر پسر سبحان خان بہادر عن ذات - شہام راؤ - عن ذات

محمد خالق خان غیرہ پسران آصف نواز خان مرحوم عن ذات - راجہ روپ سنگھ پسر ہارل متونی عن ذات
عبدالمجید

امیر الدولہ بہادر محمد پسران عن ذات محمد ابراہیم خان عن ذات

خواجہ امیر الدین خان وغیرہ پسران قلند خان مرحوم اسد علی خان پسر شیر علیخان

میر اسد اللہ خان وغیرہ پسران میر نمان خان مرحوم اسد اللہ وغیرہ پسران انور جنگ

عظیم الدین خان وغیرہ پسران سہیل یار جنگ مرحوم ضیا والدولہ بہادر
عبدالمجید

اکبر یار جنگ بہادر وغیرہ عن ذات امام الدین خان پسر اکبر یار جنگ

بہر الدولہ بہادر - راجہ پتی مل -

شیخ منو خان و غیره پسران ولی منو خان - بہادر علی خان پسر کیہ ناز جنگ -

سما میر ^{۱۳} اع ^{۱۲}

ثابت دل خان و غیره پسران و متعلقان بہادر علیخان - تہور جنگ ^{۱۳}

جمیت ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

صمانہ ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

قادر یار خان و قادر نواز خان - خواجہ محمد خان ولد خواجہ ابو البرکات خان

سما میر ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

پسران سید حسن مرزا خان و غیره - میر اولاد علیخان -

سما میر ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

جان باز جنگ و غیره - افتخار الد ولد بہادر -

سما میر ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

میر کرم علی پسر حاکم علی - رائے چین رام -

سما میر ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

حافظہ یار جنگ بہادر - جمال خان لوہانی -

سما میر ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

جمیت ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

صمانہ ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

توت جنگ و غیره - حکیم محمد ماہ خان

سما میر ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

جمیت ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

صمانہ ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

جمیت ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

حیات علی خان عن ذات

صمانہ ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

حسن علیخان بہادر پسر طالب لدولہ

صمانہ ^{۱۳} ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱

صادق علی خان -

راکے

راکے چارٹرل

راکے

میر خلیل اللہ خان

راکے

نیر داور علی پسر سلطان میان -

راکے

ذات

راکے

رضا بیگ خان

راکے

داؤد خان پسر حاج خان موم -

راکے

محمد سعید

راکے

راکے ستیل داس

راکے

سید نفرت -

راکے

محمد شجاعت اللہ خان -

راکے

میر ضیاء الدین خان بہادر کیتھاد جنگ

محمد حفیظ الدین خان

راکے

حید علی پسر رضا خان

راکے

دولت خان

راکے

راکے دیگ راکے

راکے

رحمان نواز خان وغیرہ پسران خان بابر

راکے

فتح اللہ وغیرہ پسران فخر اللہ بیگ

راکے

سید سی اسد اللہ خان رعہ جنگ

راکے

راکے کھیم کرن

راکے

محمد شرف الدین خان -

راکے

رستم علی پسر نظر علی خان -

راکے

خواجہ عبد القادر خان وغیرہ کیم باقر خان

راکے

خواجہ ظہیر الدین خان بہادر

۱۱۱۱

نواز شمس علی خان

۱۱۱۲

عبدالعزیز خان پسر بہت جنگ

۱۱۱۳

منصور الدولہ بہادر -

۱۱۱۴

سید عبداللہ خان پسر سلطان نواز خان موم

۱۱۱۵

علی احمد خان غزو پسر ان غالب الدولہ

۱۱۱۶

محمدی الدولہ عزت یار خان بہادر

۱۱۱۷

علی بیگ وغیرہ

۱۱۱۸

سل محمد خان

۱۱۱۹

لطیف الدولہ بہادر

۱۱۲۰

میر عبدالرحیم خان -

۱۱۲۱

مستقیم الدولہ بہادر

۱۱۲۲

میر غلام نبی خان

۱۱۲۳

جعفر علی خان بہادر

۱۱۲۴

عبدالرحیم خان پسر جیون خان موم

۱۱۲۵

غلام عباس خان پسر روشن خان

۱۱۲۶

میر عبدالحی خان وغیرہ پسران محمد علی خان موم

۱۱۲۷

راجمست یار خان بہادر

۱۱۲۸

جمیت

۱۱۲۹

جلال الدولہ بہادر

۱۱۳۰

آغا جات درگاہ کوہ شریف

۱۱۳۱

میر کاظم علی خان

للمع

راجہ خوشحال چند وغیرہ

صہ لکھنؤ

محمد لودھی خان بہادر

لکھنؤ

ذات

عہد

بقول محمد خان

صہ لکھنؤ

نظم الدولہ بہادر

لکھنؤ

میر دوست علی

لکھنؤ

آیتا پسر و کشت زائن راؤ

لکھنؤ

میر مظفر علی خان پسر کمال الدین حنیف خان

لکھنؤ

میر موسیٰ خان

لکھنؤ

ولایت علی خان

لکھنؤ

اعظام الملک بہادر وغیرہ

لکھنؤ

مراد یاب خان

لکھنؤ

راجہ گویند بخش بہادر

لکھنؤ

فضل علی خان بہادر

لکھنؤ

یک تاز جنگ

لکھنؤ

حکیم ساجی خان

لکھنؤ

شیخ نعمت اللہ

لکھنؤ

صہ لکھنؤ

محمد میر سیر نامور جنگ

لکھنؤ

سر فرزاد الدولہ

لکھنؤ

نظر بہادر

لکھنؤ

ملک ہمزہ جنگ

لکھنؤ

نظام منو خان

لکھنؤ

محمد صوفی مرزا خان

میرزا علی

نادر الدوله بهادر

علی محمد

سین خان

محمد علی

عبدالحسین منور خان

علی محمد

روپ سنگھ

نصرت علی

راجہ پر بھان

محمد علی

میر معز اللہ خان

احمد

حسن علی بیگ پسر نادر علی خان

اسرار علی

در محلات

علی محمد

انگو کتاب ساز

الہ علی

امت اسلام بیگم

الہ علی

پسران بادا س متوفی

محمد علی

یعقوب خان

علی محمد

محمد حمید خان پسر مت یار جنگ

علی محمد

ضیاء الملک بہادر

محمد علی

بالکشن

علی محمد

مظفر علی خان

محمد علی

علامہ سجاد

محمد علی

دوبے چند

محمد علی

سیدی محمد وغیرہ پسران سیدی متعل خان

الہ علی

جہت اخراجا در گاہ حضرت امام موسیٰ صادق سر

الہ علی

اللہ بخش

محمد علی

اعظم النساء خانم

محمد علی

فیض بی بی عوف اوون خانم

محمد علی

راجہ بالا پرشاد - بالکتن نپڈت -

راجہ بالا پرشاد -

پرم شاستری - منل گائین

راجہ بالا پرشاد -

سید محمد باقر الحسینی

سید محمد باقر الحسینی

جہت اخراجات درگاہ شاہ حسین برہنہ

سید محمد باقر الحسینی

اخراجات درگاہ سید حاجی ستار

سید محمد باقر الحسینی

راجہ دیب چند

سید محمد باقر الحسینی

رگمنا تہ بھٹا پسرینک کش

سید محمد باقر الحسینی

رام شاستری -

سید محمد باقر الحسینی

راجہ رگمنا تہ داس چو دہری -

سید محمد باقر الحسینی

راجہ آجا گر چند وغیرہ

سید محمد باقر الحسینی

سوم پانی

سید محمد باقر الحسینی

سید محمد باقر الحسینی

راجہ فتح سنگھ وغیرہ پسران راجہ سنگھ

سید محمد باقر الحسینی

پرسوتم داس ولد کنہیا داس

سید محمد باقر الحسینی

راجہ نانک سنگھ

سید محمد باقر الحسینی

حبیب المنابیکم

سید محمد باقر الحسینی

راجہ خوب چند

سید محمد باقر الحسینی

شعلقان میر موسی خان

سید محمد باقر الحسینی

راجہ انور راجہ

سید محمد باقر الحسینی

راجہ از مرد تراش

سید محمد باقر الحسینی

شاہ محمد الدین وغیرہ

سید محمد باقر الحسینی

شیو داس سوم ماتی

سید محمد باقر الحسینی

سید شاہ کلیم اللہ وغیرہ

سید محمد باقر الحسینی

سید محمد باقر الحسینی

سید محمد باقر الحسینی

شیارام ز ناردار	فرخ محرم در امام باره
ماء	کام
خدا مبینی درویش	سین سنگه
اله	الکام
فرزدان رضا صاحب	صالح بی بی و غیره
صمصا	کام
صبح النساء بیگم	اخراجات عاشور خانه بادشاهی
باد	سمصا
قاسم علی	قرآن علی خان پسر طالب ولد
صمصا	سمصا
لنگم بهت و غیره	بهیج منی و غیره مصو
الکام	اله
تعلقان عبد الاسحاق	مبارک النساء خانم
اله	کام
ماء منبر پسر را و کت راک	بیر امن
الکام	سمصا
احمد علیخان بهادر	نجیب النساء بیگم
سمصا	سمصا
قمر النساء بیگم	بال چند
صمصا	سمصا
شخصه بر شاد پسر ارجه شیو پر شاد	شرف النساء بیگم
سمصا	عطا و عطا
خبرن بی بی - سما	سید خفیظ - الکام

امام الملك بهادر -

مولانا

میر اسد علی خان و بہادر علی خان

الکافی

محمد حسن آمد -

الکافی

راے بلونت راؤ مقبلی بہادر سنگم

مولانا

راجہ بال چند -

سرمست

خواجہ محمد منیر

مولانا

نہا مہدی خان -

مولانا

محمد حیات اللہ وغیرہ

الکافی

محمد جمال علی خان بہادر

سرمست

محمد حسین علی

مولانا

اما بابی زوجہ محبت رام

لما

محمد عبد اللہ خان

فرزا اسد علی داتنگار کلیانی

الکافی

فرزا اسد علی ہمشیرہ زادہ سزاوار الملک

مولانا

بلونت راؤ بھیر زائن راؤ

مولانا

بندہ علی خان بہادر وغیرہ

مولانا

بھگونت راؤ

مولانا

میر حسام الدین وغیرہ

مولانا

جہانگیر یار جنگ وغیرہ

مولانا

دیب چند

سرمست

میر خیر اللہ خان وغیرہ

سرمست

حسب اللہ خان وغیرہ

لما

راجہ کھارام وغیرہ

مولانا

غلام محی الدین -

میر ظہور اللہ خان -

اعلیٰ علیہ السلام

عبدالرحیم -

اعلیٰ علیہ السلام

محمد عظیم اللہ خان بہادر

للمعلمین

دسیب جند

اعلیٰ علیہ السلام

گو بند راؤ وٹھل -

سامیہ

گنیت راؤ پسر لہاراؤ -

الامالیہ علیہ السلام

مدن سن وغیرہ -

سمیہ علیہ السلام

میر ہادی -

اعلیٰ علیہ السلام

رائے نیل کٹ راؤ -

اعلیٰ علیہ السلام

منور جنگ -

اعلیٰ علیہ السلام

میر غلام حسین

محمدا علیہ السلام

شیخ غلام محی الدین

ظہیر الدین خان

الامالیہ علیہ السلام

غلام ضامن وغیرہ

الامالیہ علیہ السلام

میر سہایت علی میرزا علی

الامالیہ علیہ السلام

محمد قاسم

صیہ

نجیب اللہ خان وغیرہ پسران فیض اللہ خان

للمعلمین

کتور موتی سنگہ -

الامالیہ علیہ السلام

میر فیض اللہ خان وغیرہ پسران فتح الدولہ

اعلیٰ علیہ السلام

رائے نرائن راؤ

سمیہ علیہ السلام

مرشد قلی خان

اعلیٰ علیہ السلام

سردار خان -

الامالیہ علیہ السلام

گنونت رائے

سمیہ علیہ السلام

واحد علیہ السلام

علی منور خان پسر مقرب خان

سید علی

میر حسام الدین علی و غیره پسران صفی علی خان

سید علی

شیخ بهاء الدین وزیر العابدین

صفا علی

نجد بابا ولد شاه علی

اسماعیل

کسان را و بهیت برهان

اصطفا

بهو جوبی بی

سید

روشن خان بافرزدان

کاظم

اخراجات بیگم صاحبہ خانم جی منوره

صمد

سید محمد درویش

سید علی

ذوالفضل قاضی -

مار

راما نگشائین

سعدآمان رحمان یار فخرموم - اسماعیل

صاحب شہزادہ بیگم

اعلیٰ علی

بدہ گیر جمعی

سید علی

برو بگرم و جمعیت زرار دار

الاعلیٰ

شاه بندگی

ما

ترک بحث

لکھ

برهان اللہ شاه

مال

روح اللہ سجاده نشین

ما

اخراجات درگاه لکھ راجہ شتر سوار

صفا

رام را و پسر کیت را و بنکلیہ

اعلیٰ علی

اسد الدین قاضی -

اسماعیل

سعدآمان سید محمد درویش

سید علی

رام چندرنا ستری رام

اخراجات درگاه قبول الله و محمد حسینی قدس سره

بنام شاه روح حین
شیارام اثبوت

لحم الله علیه

سید معین الدین عرف سید حسین

لحم الله علیه

شرف الدین

امامیه

عبد الواحد ولد عبد القادر

لحم الله علیه

عاقبت محمود درویش

صالحه

کامیسر بجاوقی شکر و نازی

مولیه

پسران محمد اس گشاین

لحم الله علیه

مدار شاه درویش

مالیه

گلنگا و بچیت

لحم الله علیه

شیخ محمد قاضی

لحم الله علیه

سید معین الدین - امامیه

سید امین الدین و غیره

صالحه

متعلقان میر حسن الدین علی

لحم الله علیه

اخراجات عوس سرور عالم صلعم

صالحه

اخراجات درگاه شاه خداوند بشتی

الاسامیه

عبد الواحد

صالحه

قادره بکرم

المناعه

زوج گویال را و متوفی مانسته راجه بیوت

اعنه

اخراجات درگاه سید محمد بنده نوار کپنو

صالحه

اخراجات بقبره میر کلان خان مرحوم

صالحه

حسب الله پسر شاه قادری

مالیه

سید محمد

صالحه

اخراجات بقبره متوفی مرحوم - صالحه

بطول النساء بیگم

ماہ عہد

امیر الدین علیخان برادر صغر علیخان

عہد

خج مقبرہ حضرت بندہ نواز قدس سرہ

ماہ عہد

رات جے کشن داس

ماہ عہد

بجیم سین پسر اولیٰ نواس

ماہ عہد

میر خلیل اللہ خان پسران سعید الدولہ

ماہ عہد

زبردست خان پسر خاجمان خان بہادر

ماہ عہد

سید عبد الحمید خان وغیرہ پسران بادی الدولہ

ماہ عہد

ایمن خان پسر صادق علیخان

ماہ عہد

امرت راؤ وغیرہ

عہد

حنیف الدین خان

ماہ عہد

پیر حنیف خان وغیرہ پسر اکبر علیخان

ماہ عہد

ابراہیم بیگ وغیرہ

ماہ عہد

محمد امیر اللہ خان پسر فتح اللہ بیگ

ماہ عہد

اخراجات وضعہ حضرت النساء

ماہ عہد

ایر پاجا حاکم

ماہ عہد

بدر الدولہ بہادر

ماہ عہد

مقلان دیا رام

ماہ عہد

نیر علی بیگ وغیرہ پسران احسن علی

ماہ عہد

راجہ دیا بہادر عرف کیول رام

ماہ عہد

سید احمد علیخان پسر سید مغر الدین خان

ماہ عہد

اشنوت رام ورام چند وکیل

عہد

خواجہ حسن خان بہادر

ماہ عہد

خواجہ غلام حسین خان

ماہ عہد

رکعت را و پسر ماد صورا و ورام چپ در

ملک علی

خواجہ محمد سعید و غیرہ پسر محمد طاهر علیخان

ملک علی

میر سرفراز علی

الملک علی

شہاب الدین خان

الملک علی

عبدالرحمن خان

الملک علی

میر علی و غیرہ پسران علی اکبر

الملک علی

میر عبد الغفران خان و غیرہ

الملک علی

سید عادل

تم سجاد علی

علا و الدین محمد

الملک علی

خواجہ عبدالرحمن

الملک علی

خواجہ نیشنل الدین خان و غیرہ

الملک علی

سید فتح الملک علی

غلام رسول و غیرہ

ملک علی

مرکز رنگ راو

الملک علی

میر غایت علی

الملک علی

خواجہ سراج الدین منو خان و غیرہ

الملک علی

خواجہ شمس الدین و غیرہ

الملک علی

خواجہ طہو الدین خان

الملک علی

خواجہ عبدالرحمن خان

الملک علی

محمد ہاجم خان

الملک علی

عارف بیگ

الملک علی

میر علی اکبر و غیرہ

الملک علی

میر عالم علیخان و غیرہ

الملک علی

راجہ گویند رائے

ملک علی

سید عبدالرحمن پیرنجیب خان

لکھنؤ

خواجہ کمال الدین خان و غیرہ

اصطلاح

خواجہ کرم علی پیر خواجہ عبدالستار خان

سم

میر منظر علی خان

معم

میر بہتور علی بغیرہ مقام جنگ

لکھنؤ

نرائن سنگھ پیر کنور سنگھ

الکھنؤ

سید ثار علی پیر مصفا علی

لکھنؤ

ولکٹ راؤ پیر نائن راؤ

الکھنؤ

ابنہ راؤ پیر سہوانی پٹت

لکھنؤ

اندر راؤ کیشو

الکھنؤ

پریمپت سنگر

سم

میر خاق و غیرہ

لکھنؤ

محمد قادر الدین منور و غیرہ

الکھنؤ

گوئید راؤ پیر راجہ ہنونت

صم

محکم جنگ

عکھنؤ

خواجہ محمدی خان

معم

نامدار خان و غیرہ پیران مرست خان

لکھنؤ

سید نصیر الدین خان

الکھنؤ

خواجہ نصر الدین خان پیر خواجہ طاہر خان

لکھنؤ

سید ولایت علی

لکھنؤ

میر امام الدین پیر غلام علی الدین

لکھنؤ

احسن اللہ خان برادر منصور الدولہ مرحوم

سم

رائے بشنیر داس پیر مجموع لرج پٹت

لکھنؤ

کنور دین سنگھ پیر راجہ جودہ سنگھ

سکھارام پٹت پسران سیدی پٹت

سدا شیوانا نیک پسر نیکو ناک

المکافیه

مذا سعادت علی

المکافیه

سید عبداللہ خان

المکافیه

کھنڈی راو پسرانند راو

المکافیه

سید منور سید بہادر

المکافیه

مادہو راو وغیرہ پسران سنتاجی راو

المکافیه

ابلیہ وصبیہ اختصاص خان

المکافیه

مقلان راجی بہو سنگھ

المکافیه

شاسراج الدین صاحب

المکافیه

محمد شیراز

المکافیه

مقلان عبداللہ

میر محمد صالح خان

المکافیه

میر شمس الدین

المکافیه

ظفر یار بیگ پسر شہر یار بیگ

المکافیه

فتح علیخان

المکافیه

ظہور الدین خان

المکافیه

سید مخدوم

المکافیه

کرن سنگھ پسر زہر سنگھ

المکافیه

ہری ہراو پسر راج بہی ناتھ

المکافیه

اشرف انسا ربکم

المکافیه

محمد جگو پسر محمد اور

المکافیه

شنگر داتری

المکافیه

شاہ فی اللہ قادری

المکافیه

درگاه حضرت شاه عبدالرحمن

سید ابوالحسن

متعلقان و صبیبه های عوف خان مرحوم

لعمریه

گویند بجهت و سببیت

اسما لعلیه

گویند مصر

انامه

قامت راء و غیره برادران دولت را

مار لعلیه

پسران حاجی یوسف صاحب

الیا لعلیه

ادوارم زمیندار

صمم

مور و پندت ولد سری دهر پندت

اسما لعلیه

فرزدان و غیره شائور

اع

عبد الواحد پسر سید ابراهیم

مار لعلیه

قاضی امر کلپتر

مار لعلیه

میر حبیب و غیره قوالان

سما لعلیه

شاه عبدالرحیم

الیا لعلیه

متعلقان سید محمد الدین و غیره

الیا لعلیه

محرران قانون کو صوبه برار

الیا لعلیه

متعلقان محمد غوث پسر صاحب

اع لعلیه

شاه مصوم صاحب درویش

لعمریه

سما ساجی صاحب

صما لعلیه

ابن داد اس مصر

اسما لعلیه

شاه عبداللہ قادری

مار لعلیه

متعلقان سید شاه عالم درویش

الیا لعلیه

سری کانتیه و غیره

اسما لعلیه

تعبیت راو پسر جوازی سنگه

اع لعلیه

گر راو و لکاجی

اسما لعلیه

معلقان محمد رحیم و غیره
السلام علیہ

سماء زینت بی بی و غیره معلقان داود خان
صمدی

معلقان و غیره مولوی عتیق اللہ خان
اع

بہشتی خان ولد مستی خان مرحوم
اع

شاہ محمد ولد میان جان مرحوم

محمد سلطان خان
السلام علیہ

دالہ دختر و غیره داؤد علی خان
اع

شیخ الاسلام قاضی نجمتہ تیماد
لحم

ایسا جی راؤ

السلام علیہ

بسم راؤ و غیره پسران کش راؤ دیواجی جبار لیس
شکر پت برودھا - لکھ

راجہ جگدیو راؤ پسر راجہ کلیان راؤ
لکھ

جنارون و شاکرین و غیره شاکر - لکھ

سید حمید الدولہ ولد سید عطاء اللہ
السلام علیہ

گویند جعظ بخوی
السلام علیہ

شیام راؤ بشوناہتہ
السلام علیہ

محمد عباس درویش
میر

معلقان سید محبوب عالم
السلام علیہ

شاہ حسین عرف نور اللہ درویش
اع

خیر النساء بیگم صبیہ درگاہ قلی خان
لحم

امرت راؤ چھرت و غیره
عالم

ماناجی راؤ پسران و صوٹ و ناگ
السلام علیہ

بھمل داس پسر کتاب دنت
صحت

میر حیدر خان پسر حرات جنگ مرحوم
صمدی

حسین علی خان
السلام علیہ

جنارون راؤ وغیرہ

المالک

رضاعلی خان بہادر وغیرہ

صالح

رفیق جنگ

علی

مہاراجا پسرانیکاٹھ رائے

الطوبی

شیام راؤ پسر گوندراؤ بھگونت

السالہ

راجہ مان سنگھ راؤ حال - میرنعم پسر محمد اعظم

لحمہ

مار دہرے

لحمہ

میر اکبر علی وغیرہ

الاعیہ

سید ابراہیم وغیرہ

ہارے

خرچ عس وغیرہ بابا مسافر وغیرہ

لحمہ

شیخ بابن پسر حسن محمد

الاعیہ

نرکھ راؤ ولد بھگونت راؤ

شکر راؤ

الاعیہ

رستم علی خان

لحمہ

رضاعلی خان وغیرہ پسران مغز خان

صالح

شیام راؤ وغیرہ

لحمہ

خواجہ محمد صدیق خان گیش راؤ پسر شیو راؤ

لحمہ

سہاراؤ بنیرہ مرنگہ راؤ

لحمہ

شیخ آمان

لحمہ

آنا بھٹ بھونی

لحمہ

بجیت النساء بیگم

صالح

بھیم راؤ وغیرہ بافرندان

الاعیہ

سید محسن احمد بگٹی

لحمہ

نہ قحی قاضی پرگنہ محی تاروف پور

میر محمد حسین و غیره پسران اشرف خان مرحوم
که در عصم

چشمان گوناگون

المامه

وارثان و فرزندان ملان حسینی

اسما

چشم و بخت

المامه

فقیران سید محمد درویش

ص

سید علی درویش

سما

دولین بیگم الهیه بخت جنگ مرحوم

المامه

رگنات گوناگون بافرزندان

المامه

ترکمه بخت ولد دهنو بخت

المامه

سری نواس گوناگون

سما

فرزندان سوراچی او دهنو

ص

شکر مرشد مرید سحان جی را و ناگر

حبیب الله
سید محمد

سید جمال الله خان و غیره

المامه

سید غلام حسین

المامه

غلام قطب احمد

سما

وردانه بیگم

ص

دیال آجاری بافرزندان

سما

متعلقان دیوار و منوئی سید راجه را و رنبا

المامه

مسماة رحمان

سما

رگنات و راجه رام پسر شکر گیر

سما

شکر را و منکل مورت

سما

سید الفنا بیگم و غیره متعلقان سید حسن

المامه

متعلقان شاه و ابر خان مرحوم

سید عبدالحی ولد محمد باقر درویش

ماله

صلاح آثار حافظ عبد الشکور

ماله

متعلقان سید عبد الرحیم

ماله

شاه قطب الدین احمد برادر مت آب نهر

ماله

کریم النساء بیگم -

صا

گویند را او مسکویه

صا

کشن را و دیواجی

ماله

سید محی الدین ولد نور محمد خطیب

ماله

متعلقان ملا محمد درویش

ماله

سید نورالحی و غیره پسران مولوی قمر الدین

ماله

بابا جمعت ولد سجوانی بخت ناگ بافرزندان

ماله

دورشان و ارباب خان مرحوم -

ماله

متعلقان میر عبد القادر خان

ماله

وارثان شاه علی درویش جیت مرمت آب نهر

ماله

سید ابو بکر ولد سید عدر دوس

ماله

کاغذ سازان

ماله

میر جمال الدین بافرزندان

ماله

چری کنو کشن راجه پسر بیگم راج متوفی

ماله

متعلقان محب الله خان مرحوم

ماله

معصوم شاه درویش

ماله

جهت را و شل همراهی راجه را و بنها بهادر

ماله

سید نور محمد -

ماله

میر واسع خان و غیره

ماله

طبل جمعت را و همراهی راجه را و بنها بهادر

ماله

روضة شاه برلمان الدین صاحب و غیره

عبدالمجید

سجاده نشین روضه منوره شاه پور

سما موعود

آراجات روضه حضرت مغفرت مکان

عبدالمجید

آراجات روضه ظہیر الدولہ

صالح

خادمان روضه خواجہ حسن ولد شیخ الاسلام

سمی اللہ

تعمیر مقبرہ درگاہ قلیخان مرحوم

عبد

عس و غیرہ روضه قاضی قاسم

عبدالمجید

آراجات مسجد غلام حسین

کامیاب

آراجات مقبرہ و غیرہ شاہ تاج الدین

سمی اللہ

مطهر علی و غیرہ

عبدالمجید

خادمان حضرت شهید الشہداء

کامیاب

بذریعہ صاحب پیرزادہ عبدالمجید

ہری ہرگوشتا کین

العبد

روضہ مقدسہ قدسہ اعمار فین مغفرت جلال الدین

صالح

آراجات روضه خلد مکان

عبدالمجید

آراجات روضه نوآب شہید

عبدالمجید

آراجات مغفرت نزلت

الاسلامیہ

خرچ روشنائی مشغل حضرت خلد مکان

عبدالمجید

آراجات خانقاہ سید غلام حسین

عبدالمجید

روشنائی و غیرہ درگاہ شاہ پور

سویہ

آراجات مقبرہ و غیرہ شاہ تاج الدین

الاسلامیہ

سید نظام الدین حسینی

عبدالمجید

اتمارام بھٹ

سمی اللہ

احمد صاحب پیرزادہ

عبدالمجید

پدرن ناته جوگی -

اما ^{۱۱}ع

حامد پیر صاحب

صالح ^{۱۲}ع

سید حسین قادری بنابر آخر اجات دوازدهم

حضرت بنی مسلم
گویند کنش

س ^{۱۳}ع

رام دیکت ولد دیو و کجیت

ک ^{۱۴}ع

سید جلال الدین

ال ^{۱۵}ع

ست دهرم سوای

ع ^{۱۶}ع

شاه محمد پسر شمس الدین مرحوم

س ^{۱۷}ع

سید عبداللہ و غیره

ال ^{۱۸}ع

سید گیسو دراز صاحب

ص ^{۱۹}ع

کشتا چاری

س ^{۲۰}ع

معروف صاحب پیرزاده

ص ^{۲۱}ع

پسر سخوی

ال ^{۲۲}ع

بهورا نند سوای

م ^{۲۳}ع

مردب بود دعا

ما ^{۲۴}ع

سید حسین صاحب پیرزاده

س ^{۲۵}ع

رام زان گشائین

ما ^{۲۶}ع

کیشور بها چاری

ال ^{۲۷}ع

سید محمد ولد بجا پوری

س ^{۲۸}ع

عبد الرزاق و غیره

ما ^{۲۹}ع

آخر اجات دوازدهم خاتم البنی نعلام علی

س ^{۳۰}ع

قاضی کریم الدین

ال ^{۳۱}ع

محمی الدین صاحب پیرزاده

س ^{۳۲}ع

سید نظام الدین فرزند شاه علی

ال ^{۳۳}ع

سید نصیر الدین خلف سید قطب الدین

علیه السلام

سید ولی الله

علیه السلام

میر حسین خوش مقام جنگ

علیه السلام

عبد المحمود خان و غیره پسران عبد المصطفی خان

علیه السلام

اشرف الدوله بهادر مع متعلقان

علیه السلام

راجہ رام پرشاد خلف راجہ گو بند بخش بهادر

علیه السلام

راے طبعین راو

علیه السلام

فرزند ان عبد الوالی درویش

علیه السلام

شیخ طیب و غیره

علیه السلام

فصل ہشتم - در نقاب و خطاب مسلمین و یہود کہ در عہد غفران تاب و بندگان عالی

ملعب و مخاطب شدہ اند این است

حضرت بندگانی حال ہفتہ ہزاری ذات

موی - دو اسپ و سہ اسپہ علم و نقارہ

ناصر الدولہ میر فرخندہ علیخان بہادر

ناصر جنگ و غیرہ مرشد زادہ -

سید ندیم الدین و غیره

علیه السلام

عود گل آثار شریف

علیه السلام

سید عبدالحی پسر منو جنگ

علیه السلام

حمود علیخان پسر اعظام الملک بہادر

علیه السلام

اخراجات در گاہ حضرت بندہ نوا گیسو دراز

سراج الدین صاحب قدس سرکہ

علیه السلام

میر غلام شاہ مع متعلقان و غیره

علیه السلام

فرزند سید عبد القادر خان

علیه السلام

فوجدار خان بہادر

علیه السلام

ماهی مراتب پانگی جھالردار

بہادر موصوف

ہفت ہزاری ذات سب علم و نقارہ ماہی مراتب

پانگی جھالردار

صمصام الدولہ میر بشیر الدین علیخان بہادر

صمصام جنگ - ہفت ہزاری ذات

سب علم و نقارہ ماہی مراتب جھالردار

میر اکرام علیخان بہادر شجاع جنگ

چہار ہزاری

سم علم و نقارہ

میر نصرت علیخان بہادر طہیر جنگ و غیرہ سیران

جمشید جاہ مرحوم -

سم علم و نقارہ در سیران

مشار الیہ پنجہزاری ذات - میر داکم علیخان بہادر

صمصام دوا سپہ علم و نقارہ دارا جنگ چہار ہزاری

پانگی جھالردار - ذات سب علم و نقارہ

البر جاہ عمدہ الملک اتھاو الدولہ میسر

تیمور علیخان بہادر خواہ جنگ دوازده ہزاری

ذات - سب دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب

پانگی جھالردار -

کیوانجاہ سلطان الملک اقبال الدولہ

میر چاند علیخان بہادر -

سعادت مند طالع باند دوازده ہزاری ذات

سم دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب پانگی

جھالردار

مبارز الدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری

ذات - سب علم و نقارہ و ماہی مراتب

پانگی جھالردار -

فریدون جاہ انتظام الملک انتظام الدولہ

میر سبحان علیخان بہادر منظر جنگ چہار ہزاری

ذات سب علم و نقارہ

میر رشید الدین خان بہادر منصور جنگ

چہار ہزاری ذات

سم علم و نقارہ

محمد بدیع الدینخان بہادر سپہ دار جنگ چہار ہزاری

ذات - سب علم و نقارہ

چاند جاہ ذوالفقار علیخان بہادر ذوالفقار الملک

نصیر الدولہ ببر جنگ دوازده ہزاری ذات

سم دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب

پانگی جھالردار -

سلیمانجاہ رئیس الملک سلطان الدولہ

جانیگر علیخان بہادر -

منظر جنگ فیروز مند دوازده ہزاری ذات

سم دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب پانگی

جھالردار

قطب الملک نصیرالدوله غازالدین خان بهادر
فیروز جنگ پسران نواب صلابت جنگ

میرنظیم الدین خان بهادر و ستم جنگ و غیره
پسران بسالت جنگ

مرحوم و مغفور - دو اسم

بهادر مغفور بنراری ذات برهان الملک سراج الدوله
نعمت علم و نقاره ماهی مراتب حسین خان در شهاب جنگ

چهار بنراری ذات جمیع الشان بهادر - رستم یا جنگ
سمت علم و نقاره چهار بنراری ذات سمت علم و نقاره
ماهی مراتب
میر قدرت الله خان بهادر عزت جنگ - میر فتح الله خان
علم و نقاره ماهی مراتب

چهار بنراری ذات سمت علم و نقاره پیر سلا جنگ یا بنراری

ذات سمت علم و نقاره

میر شهاب الدین خان بهادر در جنگ - میر شمس الدین خان در جنگ

چهار بنراری ذات سمت علم و نقاره - چهار بنراری ذات سمت علم و نقاره

میر فتح الله خان بهادر اسفند یا جنگ - میر لطیف الله خان بهادر جنگ

سمت علم و نقاره چهار بنراری ذات سمت علم و نقاره

میر احسن الدین خان بهادر نام آور جنگ و غیره

پسران بهایون جاه ناصر الملک مرحوم -

مشارک الیه - میر قمر الدین خان بهادر فخر یا جنگ

چهار بنراری ذات سمت علم و نقاره

متمنا الامر قیام الملک قیام الدوله میر کلان خان

بهادر مهت بنراری ذات قلیج جنگ و غیره پسران

محمم علم و نقاره ماهی مراتب پالکی جھار دار

غضفر الدوله میر نظام الدین حسین خان بهادر قیام جنگ

چهار بنراری ذات اعظم علم و نقاره

اعتبار الدوله حسین الدین خان بهادر

غضفر جنگ بنراری ذات اعظم علم و نقاره

میر محمود خان بهادر فیروز یا جنگ چهار بنراری ذات

لحم علم و نقاره

تیمور یا والدوله میر علی حسین خان بهادر

حسین یار جنگ سه هزاری ذات -

تیمور جنگ سه هزاری ذات -

اع - علم و نقاره

اع - علم و نقاره

میر حسن علیخان بهادر فیضیای جنگ - میر محمد الدینخان بهادر

میر نورالدین حسینخان بهادر - میر سید محمد حسین خان بهادر

چهار هزاری ذات للعلم - علم و نقاره - نثر الملک

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات

چهار هزاری ذات للعلم

علم و نقاره - اع - علم و نقاره

علم و نقاره -

میر فضل الدین حسین بهادر - میر سید حسینخان بهادر

میر نجم الدین حسینخان بهادر - میر جمال الدین حسینخان بهادر

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات -

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات

علم و نقاره - اع - علم و نقاره

علم و نقاره - علم و نقاره

سید محمد خان ولد نور جنگ خواجه محمد سعید خان

سید نورالدین حسین خان بهادر و غیره پانصدی ذات

اسم همیشه ناده - دو اسم -

اسم همیشه ناده - دو اسم -

مشار الیه ولد شیراز جنگ مرحوم - محمد اسد خان

یک هزاری ذات - بهادر خواجه هدایت الله

خان بهادر یک هزاری ذات

محترم الملک محمد الدوله قدرت الله خان بهادر

ذو الفقار جنگ - ولد خواجه قلینخان مرحوم

اع - علم و نقاره

سید جلال الدینخان بهادر نظامت جنگ خوش

قطب الامر منصور جنگ مرحوم اع - علم و نقاره

اعزاز الدوله خواجه باقی خان بهادر نهر جنگ

همسک ناصر الملک مرحوم شش هزاری ذات

للعلم - علم و نقاره پانکی جھالردار

رفع الملک رفیع الدوله میر تاج الدین خان بهادر

شجاعت جنگ و غیره -

مشار الیه قطب الدوله میر نصیر الدینخان

پنج هزاری ذات نصیر جنگ سورت والد

سم - علم - چهار هزاری ذات اع - علم و نقاره -

سورت والد

شمس الامر شمس الملک شمس الدوله

میر غلام محی الدین خان بهادر میر حمید الدین خان بهادر
 میر جنگ سه نزاری ذات صفه جنگ لد صفه الملک
 علم و نقاره اع - دو نزاری ذات
 حسب الحکم در ۱۲۳۳ مشار الیه اع - علم و نقاره

به جهاندار جاہ بهادر عنایت شد

امجد الملک امجد الدوله محمد امجد خان بهادر

میر بلند جنگ و غیره - دو اسم

مشار الیه فتح امین الدین خان بهادر

هفت نزاری ذات پسر دو نزاری ذات پاکلی

صم - علم و نقاره - جھالدار اع - علم و نقاره

امام الملک امام الدوله غلام امام خان بهادر

اعتصام جنگ هفت نزاری ذات

لحم - علم و نقاره و پاکلی جھالدار -

شمس الدین علی خان بهادر و قار جنگ و غیره

متنبہات میر صالح الدین خان مرحوم - دو اسم

مشار الیه عزیز الدین خان بهادر دل جنگ

دو نزاری ذات دو نزاری ذات

اع - علم و نقاره اع - علم و نقاره

سر دار الدوله سعید الدین خان بهادر سعید یار جنگ

و غیره پسران شیخ حسام الدین خان مرحوم -

مشار الیه نظام الدین خان بهادر عازم جنگ

پنج نزاری ذات چهار نزاری ذات

اع - علم و نقاره اع - علم و نقاره

محمد قطب الدین خان بهادر کامیاب جنگ

سه نزاری ذات اع - علم و نقاره -

فضل الدین خان بهادر سر فرزند جنگ ولد ذوالفقار خان

مرحوم همراہی - دو نزاری ذات

محمد حیات اللہ خان بهادر دلاور دل جنگ

متنی امام جنگ مرحوم سه نزاری ذات

اع - علم و نقاره

افسر الدوله غلام غوث خان بهادر افسر جنگ ولد

ناصر علی مرحوم - سه نزاری ذات اع - علم و نقاره سه نزاری ذات اع - علم و نقاره

نعم الدین علیخان بهادر عظیم یار جنگ ولد
عظیم الدین محمد خان مرحوم مبرای دو نزاری ذات
ذات - علم و نقاره
سید اولاد علیخان بهادر اوز جنگ دو نزاری -
علم و نقاره

میر عالم بهادر عرف ابوالقاسم و غیره پنج نزاری
ذات - علم و نقاره و پاکلی جهار دار
حسام الملک نظام یارالدوله میرعباس علیخان بهادر
نظام یار جنگ و غیره اقربان دواسم

مشارالیه خان زاده مستقیم الدوله و عبد الفتی خان بهادر
چهار نزاری ذات مستقیم جنگ ولد محمد بران خان
علم و نقاره بهادر چهار نزاری ذات
علم و نقاره

میر حمید علیخان بهادر حمید روز جنگ و غیره
پسران قاسم علیخان مرحوم
حسین علی بیگ خان بهادر حسین یار جنگ ولد
حسینی بیگ خان مرحوم دو نزاری ذات
علم و نقاره

مشارالیه
سید نزاری ذات
علم و نقاره
میکمال الدین حسینیان بهادر
کامیاب جنگ دو نزاری ذات
علم و نقاره

میرالملک میرالدوله حیدرخان بهادر غیور جنگ و غیره
سعد الدوله محمد سعید خان بهادر سعید جنگ و غیره
دواسم
باستقواب در اجاه

مشارالیه ولد صفدر خان مرحوم - امین الملک امین الدوله
رضایار خان بهادر

پنج نزاری ذات حسام جنگ برادر چهار نزاری ذات
میر عابد خان مرحوم
مشارالیه ولد محمد سعید خان مرحوم یادی الدوله
اقربان میر عالم مغفور چهار نزاری ذات
ذات - علم و نقاره سید نزاری ذات علم و نقاره
سید علم و نقاره و پاکلی
جهار دار -

سید عبد الله خان بهادر حسن یارالدوله علی حنیفان در
 خواجه رحمت الله خان بهادر خواجه حمید خان بهادر
 ولد سمنزاری ذات مرحوم حسن یار جنگ پسران
 خدا یار جنگ ولد خواجه رسول یار جنگ ولد
 اعلم علم و تقاره امین الملک سمنزاری ذات
 فتوح خان مرحوم بدستور جمال خان مرحوم بدستور
 اعلم علم و تقاره

میر مصطفی خان بهادر عزت یار جنگ

سمنزاری ذات اعلم علم و تقاره

افتخار الملک دلیرالدوله سید دلاور خان بهادر نورالامر انور الملک دلاورالدوله محمد نور خان بهادر
 افتخار جنگ و غیره - سلیمان یار جنگ اعلم اسم

مشاور الیه ولد سید مبارز خان افتخارالدوله ولید مشاور الیه هفت سمنزاری ذات علی یارالدوله علی احمد خان
 شش سمنزاری ذات ندیم الله خان بهادر صمد علم و تقاره علی یار جنگ سمنزاری
 سمع علم و تقاره پالکی جبار دار نصرت یار جنگ چهار سمنزاری

سمن علم و تقاره فاطمه علم و تقاره کامیاب الدوله و بی محمد خان نادر الدوله

میر عبد الله خان بهادر نصیر جنگ سید قول محمد خان بهادر بهادر قادر جنگ پسر نوالله دلیر علی خان بهادر
 ولد سید دلاور خان مرحوم فتح یار جنگ ولد چهار سمنزاری ذات یار جنگ بدستور
 سمنزاری ذات میر عبد الله خان قبول محمد خان مرحوم سمع علم و تقاره
 اعلم علم و تقاره بدستور آصف یارالدوله فتح محمد خان بهادر باقر علی خان بهادر

آصف یار جنگ سمنزاری بخادر جنگ ولد ذات اعلم علم و تقاره فتح علی خان مرحوم بدستور
 ذات اعلم علم و تقاره

شیخ دیندار خان بهادر سلطان جنگ بدستور امام بخش خان بهادر امام نواز جنگ ولد محمد خان مرحوم
 جنگ بدستور

شاه بآز الملک شاه یارالدوله مصطفی علی خان بهادر شاه نواز غلام سرور خان بهادر سرور نواز جنگ
 و غیره اقربا سمنزاری غلام سید خان مرحوم بدستور

موی آید خوش دل مظفر الملک محرم بهر الدوله مرشد نواز خان غلام علیخان و آصف نواز جنگ نواز الدوله علیخان
 پنجزاری ذات - جانفسان جنگ چهار نهاری ولد محمد خان محرم علی نواز جنگ غیره
 اسم علم و نقاره ذات اسم علم و نقاره بدستور - مشا اید بهر نواز محمد صفد خان

ذات اسم بهادر نهاری
 علم و نقاره بدستور

سکند الدوله سکند نواز خان بهادر نظم الدوله محمد فرخ علیخان محمد چاند بهادر محمد اسمعیل خان بهادر
 فلج جنگ - انظام جنگ لد فرخ من رفیق جنگ اسمعیل یار جنگ دونیاری
 اسم علم و نقاره چهار نهاری ذات بدستور ذات اسم علم و نقاره
 اسم علم و نقاره

فیاض علیخان بهادر سکند جنگ محمد حفیظ الدین خان بهادر حسینی بیگمان بهادر
 سه نهاری ذات - حافظ یار جنگ ولد اکرم رحمن نواز جنگ
 اسم علم و نقاره بدستور بدستور
 میراخی بخش خان بهادر مرتضی یار جنگ
 بدستور

ضیاء الملک ثناب الدوله میر عطا علیخان بهادر - اعتصام الملک اعتصام الدوله میر حبیب خان
 سردار جنگ و غیره میر اسم بهادر ضیاء الملک - اسم
 مشا اید لد عبدالرحمان خان محرم ضیاء الدوله ابوالفتح خان مشا اید بهر نهاری ذات رشید الدوله ولد سید
 پنجزاری ذات - بهادر شترزه جنگ باکلی جبالدار - محمد علیخان بهادر حیدر جنگ
 اسم علم و نقاره چهار نهاری ذات اسم علم و نقاره چهار نهاری ذات
 اسم علم و نقاره

میر اسد علیخان بهادر کیاز جنگ میر کشجاعت علیخان بهادر وحید الدوله زین الدین خان بهادر
 ولد معوض الله خان محرم دونیاری منو جنگ ولد اعتصام الله خان عابد یار جنگ لد محمد علیخان محرم
 ذات - اسم علم و نقاره معوض لد خان محرم بدستور صفد یار جنگ میر بدستور دونیاری ذات اسم علم و نقاره

میر آحن خان بهادر قوت جنگ

ولد احمد میر خان مرحوم بدستور -

بهرام الدوله بهرام الملک سیدین امانیخان بهادر - رفت الملک مجاهد الدوله مظفر علیخان بهادر
سلطوت جنگ و غیره - ترکناز جنگ و غیره

مشارا الیه پنجزاری ذات بهرام جنگ سید علام حسینیان
سم علم و نقاره بهادر پسر سه هزاری ذات مشارا الیه ولد سید میرک میر ضیا الدین خان
اع علم و نقاره زور آور جنگ مرحوم - محمد قباد جنگ ولد

چهار هزاری ذات استحاق خان مرحوم سه هزاری
مم علم و نقاره اع علم و نقاره

سید حسن علیخان بهادر میر حمید خان بهادر
اعتقاد جنگ نواب زاده جرات جنگ ولد

سه هزاری ذات میر اولیا خان مرحوم سه هزاری
مم علم و نقاره ذات اع علم و نقاره

غظیم الملک غظیم الدوله میر حمله خان بهادر نصیر جنگ غیره -
سم اسم ولد شجاعت خان بهادر سرور جنگ
ولد شجاعت خان مرحوم پنجزاری ذات

مشارا الیه ولد سید نکر خان مرحوم میر جمال الدین خان بهادر
پنجزاری ذات پالکی حمالردار انتقامت جنگ پسر
سم علم و نقاره سه هزاری ذات
اع علم و نقاره

سید لشکر خان بهادر غظیم جنگ پسر

سه هزاری ذات اع علم و نقاره

بدرالدوله سید بدر الدین خان بهادر دیل جنگ

پنجزاری ذات سم علم و نقاره

حمید الدوله خواجه فی الدین خان بهادر منور جنگ

پنجزاری ذات للمم علم و نقاره و پالکی حمالردار

غالب الدوله علی محمد خان بہادر صف شکن جنگ غیرہ امیر الدولہ اسد محمد خان بہادر شہامت جنگ غیرہ

دوا اسم
مشاور الیہ چہار نہاری ذات۔ غالب الدولہ محمد تقی خان بہادر مشاور الیہ عرف محمد اسد خان محمد جمال الدین خان بہادر
اع۔ علم و نقارہ فیضیاب جنگ نہاری ذات چہار نہاری ذات محمد یار جنگ پیر علی خان
اع۔ علم و نقارہ اع۔ علم و نقارہ مرحوم اع۔ علم و نقارہ

محمد افضل خان بہادر امیر جنگ

سہ نہاری ذات اع۔ علم و نقارہ

مومن الدولہ امام علیخان بہادر سالار جنگ اقربا یاورد الدولہ میر تقی خان بہادر یاورد جنگ ولد

درگاہ قلی خان مرحوم۔ سہ اسم شرف الدولہ بہادر مرحوم۔ چہار نہاری ذات

مشاور الیہ چہار نہاری ذات شہسوار الدولہ رکا علیخان

پاکلی جہاں دار سہ۔ علم و نقارہ جلادت جنگ نہاری ذات

اع۔ علم و نقارہ

رستم زمان خان بہادر مکرّم جنگ بنیرہ

اع۔ علم و نقارہ

لطیف الدولہ غالب بیگ خان بہادر معظم جنگ مختار الدولہ یعقوب مرزا خان بہادر مختار جنگ غیرہ

ولد لطیف بیگ خان مرحوم چہار نہاری ذات اقربا فاضل بیگ خان مرحوم

اع۔ علم و نقارہ مشاور الیہ پسر ابو تراب مرزا خان بہادر مختار جنگ

چہار نہاری ذات سہ نہاری ذات

اع۔ علم و نقارہ اع۔ علم و نقارہ

سختاورد الدولہ میر سختاور علیخان بہادر

سہ نہاری ذات طالع یار جنگ خویش

اع۔ علم و نقارہ

داورد الدولہ رحمان یار خان بہادر رحمان یار جنگ مبارک الدولہ حسن علیخان بہادر مبارک جنگ غیرہ

ولد رحمان یار خان مرحوم چهار هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره

پسران حسن علیخان مرحوم

دو اسم
 مشارالیه در محلی بنده کاشم علیخان بهادر و
 چهار هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره
 ضرغام الدوله ابوالحسن خان بهادر بن نظر جنگ
 اقربا جعفر علیخان مرحوم - دو اسم

سیف الدوله غلام بنی خان بهادر صرام جنگ
 اقربا نجیب الدوله سیف جنگ مرحوم -

مشارالیه چهار هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره
 محمد غوث خان بهادر دل
 پاکلی و جمالدار - دلاور جنگ ولد سیف الدوله
 سم - علم و تقاره
 نمیره سه هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره
 غلام رسول خان بهادر مستحکم جنگ ولد
 محمد خلیل خویش سه هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره

مشارالیه محمد معین الدین خان بهادر
 سه هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره
 معتمد الدوله تراب علیخان بهادر
 شهاب جنگ پسر معین الدین خان مرحوم
 برادر چهار هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره

ولد محمد خلیل خویش سه هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره

معین الدین خان مرحوم برادر دو هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره

اسد علیخان بهادر معتمد جنگ ولد شیر علیخان مرحوم
 برادر زاده سه هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره

مفر الدوله حاجه عبدالصمد خان بهادر صرام جنگ
 ولد حاجه عبدالرشید خان مرحوم سه هزار و سی و دو ساله
 علم و تقاره

دو اسم

مشارک الیه سه نهاری ذات محمد فیض الله خان بهادر
اع - علم و نقاره اعتماد جنگ و لشکر محمد

روشن خاتمه و مسناری

ذات اع - علم و نقاره

قوام الدوله میر عبد الغفرین خان بهادر سمیت جنگ و غیره
پسران عبدالسلام خان مرحوم برادر زاده
اع - علم و نقاره اشرف الدوله میر حسن علیخان بهادر و جنگ
و غیره اقربا میر غلام حسین خاتمه و حرم

صمصام الملک حرم - دو اسم
مشارک الیه چهار نهاری جلال الدوله میر جمال الدین
ذات - اع - علم و نقاره خان بهادر مجاهد جنگ
اع - علم و نقاره
اع - علم و نقاره
مشارک الیه سه نهاری ذات میر حسن خان بهادر
اع - علم و نقاره محکم جنگ پسر و نهاری ذات
اع - علم و نقاره

میر حمید خان بهادر تهر و جنگ

پسر دو نهاری ذات

اع - علم و نقاره

بهادر الدوله ولد خواجه بهادر خان بهادر جنگ
ولد خواجه یوسف خاتمه و حرم سه نهاری ذات
اع - علم و نقاره
اعتماد الدوله حمید بیگ خان بهادر و جنگ
و غیره اقربا عاشور بیگ خاتمه و حرم -

مشارک الیه سه نهاری ذات پسر میر علی حسن خان بهادر

اع - علم و نقاره محکم جنگ پسر

اع - علم و نقاره

میر حمید خان بهادر تهر و جنگ پسر

دو نهاری ذات اع - علم و نقاره

حکیم الحکامی الدوله عزت یار خان بهادر و لدیکم
جعفر خاتمه و حرم سه نهاری ذات - اع - علم و نقاره
تهر و الدوله سیدی عبداللہ خان بهادر و جنگ
پسران سیدی عبداللہ خان مرحوم - دو اسم

مشارالیه سہ ہزاری ذات سید علی سہ لکھ خاں بہادر
اعہ علم و تقارہ - رعد جنگ سہ ہزاری ذات

اعہ علم و تقارہ

سید علیخان بہادر علی یار جنگ و غیرہ پسران
سید حمید الدین خان بہادر شکوہ جنگ ولد
خواجہ نعمت اللہ خان مرحوم سہ ہزاری ذات
اعہ علم و تقارہ

سید اعظم خان مرحوم - سہ راسم
مشارالیه سہ ہزاری ذات لطف علیخان بہادر
اعہ علم و تقارہ - فتح یار جنگ سہ ہزاری ذات

قربان علیخان بہادر - اعہ علم و تقارہ
ظفر یار جنگ سہ ہزاری ذات
اعہ علم و تقارہ -

محمد حمید خان بہادر ہمت یار جنگ و غیرہ اقرباء
ہمت خان مرحوم - دو راسم

مشارالیه سہ ہزاری ذات میر سہ لکھ خان بہادر
اعہ علم و تقارہ - اسد یار جنگ سہ ہزاری ذات

اعہ علم و تقارہ

عقیدت خان بہا عقیدت جنگ لکھ خان
سہ ہزاری ذات - اعہ علم و تقارہ

محمد بیگ خان قاسم یار جنگ و غیرہ پسران
قائم بیگ خان دو راسم
مشارالیه سہ ہزاری ذات ذوالقعد خان بہادر
اعہ علم و تقارہ - شہر یار جنگ سہ ہزاری ذات
اعہ علم و تقارہ

اعہ علم و تقارہ

محبوب علیخان بہادر شارجہ جنگ و غیرہ اقرباء
مقبول الدولہ اعتماد جنگ - سہ راسم
مشارالیه - علی معصوم خان بہادر
اعہ علم و تقارہ - بختیار جنگ پسر

اعہ علم و تقارہ

سید مکرم علیخان بہادر
نیقرخ جنگ ولد مکرم علیخان خویش
اعہ علم و تقارہ -

سید محمد دل خان بهادر اتمیار جنگ ولد
 سید صلاه الدین خان مرحوم سه نزاری ذات
 اعلم و نقاره
 میر علی اکبر خان بهادر اصغر یار جنگ ولد
 سید علی اصغر خان مقام جنگ مرحوم
 سه نزاری ذات اعلم و نقاره
 شاه بیگ خان بهادر محمد یار جنگ
 سه نزاری اعلم و نقاره
 میر جعفر علی خان بهادر جعفر یار جنگ و غیره کوه
 دو اسم
 شاکر الیه دونه نزاری ذات
 سه نزاری اعلم و نقاره
 برهان الدین قلندر بیگ خان بهادر پلنگ جنگ
 ولد فدای علی خان مرحوم دونه نزاری ذات
 سه نزاری اعلم و نقاره
 آذر الدین علی خان بهادر انصاری جنگ و غیره
 اقربا و فادار خان مرحوم سه اسم
 شاکر الیه دونه نزاری ذات - غلام محمد الدین خان اعتقاد جنگ
 سه نزاری ذات
 غلام حسین خان بهادر فادار جنگ
 سه نزاری ذات
 ولد محمد عظیم اقربا دونه نزاری ذات سه نزاری اعلم و نقاره

سید نور الدین خان بهادر ولد سید دین الدین خان مرحوم
 مغرور جنگ سه نزاری ذات
 اعلم و نقاره
 خواجہ عنایت الله خان بهادر عباس یار جنگ
 ولد مختار خان سه نزاری ذات
 اعلم و نقاره
 محمد آواز الله خان بهادر آواز جنگ ولد
 مرزا علی خان مرحوم دونه نزاری ذات
 سه نزاری اعلم و نقاره
 محمد میر الدین خان بهادر سکنه یار جنگ
 ولد معین الاسام خان مرحوم
 سه نزاری اعلم و نقاره
 میر نعمت الله خان بهادر خدا یار جنگ و هزار
 ذات سه نزاری اعلم و نقاره
 شیخ فخر الله خان بهادر جرات یار جنگ ولد
 شیخ نعمت الله دونه نزاری ذات سه نزاری اعلم و نقاره

محمد قمر الدین خان بہادر اکبر یار جنگ ولد
محمد امام الدین دوہڑاری ذات -
ال - علم و تقارہ
علی متقی خان بہادر دایم جنگ ولد شیخ الزمان
سہنہڑاری ذات
اع - علم و تقارہ

سید دلاور علیخان بہادر سبقت جنگ ولد
واقف علیخان مرحوم ال - علم و تقارہ

محمد اقامیم -

مرشد زادہ ہائے بلند اقبال -

صمصام الدولہ میر بشیر الدین علیخان بہادر
صمصام جنگ ہفت ہزاری

ناصرالدولہ میر احمد علیخان ناصر جنگ ہفت ہزاری
سم - علم و تقارہ ہابی مراتب پاکلی

سم - علم و تقارہ ہابی مراتب پاکلی جہاں دار

جہاں دار -

۹ ذی الحجہ ۱۱۸۰ خطاب میر ۲۰ ذی الحجہ ۱۱۸۰ صمصام الدولہ

۲۰ ذی الحجہ ۱۱۸۰ خطاب میر الدولہ

بشیر الدین علیخان بہادر خطاب -

دوہڑاری ذات

صمصام جنگ ال - علم و تقارہ اع - علم و تقارہ ہابی

اع - ہابی مراتب

دوا سپہ یک اسپہ دوا سپہ یک اسپہ دوا سپہ یک اسپہ

دوا سپہ یک اسپہ دوا سپہ یک اسپہ دوا سپہ یک اسپہ

مبارز الدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری

۲۰ ذی الحجہ ۱۱۸۰ خطاب مبارز الدولہ

۲۰ ذی الحجہ ۱۱۸۰ خطاب مبارز الدولہ

دوہڑاری ذات

دوہڑاری ذات

اع - ہابی مراتب

لم -

دوا سپہ یک اسپہ دوا سپہ یک اسپہ

دوا سپہ یک اسپہ دوا سپہ یک اسپہ

۲۰ ذی الحجہ ۱۱۸۰ خطاب مبارز الدولہ

اقربایان میر سبحان علیخان مرحوم

اسم

میر وقار علیخان بهادر جهاندار جنگ چهار نهاری ذات
 میر اکرام علی خان بهادر
 شجاع جنگ
 سمه علم و نقاره
 چهار نهاری ذات
 میر رشید الدین علی خان بهادر مخصوص جنگ
 سمه علم و نقاره
 چهار نهاری ذات

منصبداران
 سید عبداللہ خان بہادر اقربا میر الملک
 در گاہ قلینخان بہادر ولد امین الملک بہادر
 سمہ علم و نقارہ
 ۲۰ ذیحجہ ۱۰۰۰
 مبارز دل خان وغیرہ اقربائے افتخار الملک
 سید قبول محمد خان بہادر فتح یاور جنگ و دلچہ
 مشارک الیہ ولد افتخار الدولہ برادر زادہ یکہزاری ذات
 دو نہاری ذات اعظم علم و نقارہ
 اصل عبد غفر نائب خطاب بہادر اضافہ یکہزاری پانصد
 اصل یکہزار پانصدی ذات افتخار و پانصدی
 پانصدی ذات و خطاب خانی ذات الصلاہ و خطاب بہادر خانی الصلاہ ذات فتح یاور جنگ
 علم نقارہ ۲۰ ذیحجہ ۱۰۰۰ علم و نقارہ - ۲۰ ذیحجہ الصلاہ
 یار علیخان بہادر ولد فتح یاور جنگ یکہزاری ذات
 اصل پانصدی ذات و خطاب خانی اضافہ پانصدی ذات
 و خطاب بہادر ۲۰ ذیحجہ الیہ

محمد فرید الدین خان بہادر وغیرہ اقربا و ہمراہ شمس الامرا بہادر
 مشارک الیہ پسر نہاری ذات و خطاب ۲۰ ذیحجہ ۱۰۰۰
 محمد امام الدین خان بہادر دل جنگ و نہاری ذات
 اعظم علم و نقارہ
 و خطاب -
 اصل یکہزاری ذات و خطاب خانی بہادر اضافہ
 اصل یکہزار پانصدی ذات و خطاب خانی و بہادر اضافہ
 یکہزاری ذات وقار جنگ یکہزار علم و نقارہ علم و نقارہ
 یکہزار ذات و خطاب دل جنگ العلم و نقارہ

- فصل علیخان بهادر سرفراز جنگ و هنراری ذات
و خطاب - اصل یکمیزی ذات و خطاب خانی
افسانه یکمیزی ذات و خطاب سرفراز جنگ
و بیولجی ۴۰ - علم و تقاره
شیخ بدرالدین خان بهادر یکمیزی ذات و خطاب
اصل پانصدی ذات و خطاب خانی - افسانه
پانصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیلجی ۴۰
رحیم علی خان بهادر یکمیزی ذات و خطاب ۲۰ ذیلجی ۴۰
- میر نورالدین علیخان بهادر یکمیزی ذات و
خطاب ۲۰ ذیلجی ۴۰
شیخ ضیاءالدین خان بهادر یکمیزی ذات و خطاب
اصل چهارصدی ذات افسانه شش صدی ذات
و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذیلجی ۴۰
محمد علی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذیلجی ۴۰
- شیخ نظام الدین خان چهارصدی ذات و
خطاب خانی ۲۰ ذیلجی ۴۰
شیخ محمد احسان خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی ۲۰ ذیلجی ۴۰
شیخ سرامت الله خان چهارصدی و خطاب خانی
۲۰ ذیلجی ۴۰
- سید اولاد علیخان بهادر نور جنگ و هنراری ذات
و خطاب - اصل یکمیزی ذات و خطاب خانی
افسانه یکمیزی ذات و خطاب نور جنگ ۲۰ ذیلجی ۴۰
۴۰ - علم و تقاره
شیخ نصیرالدین خان بهادر یکمیزی ذات و خطاب
اصل پانصدی ذات و خطاب خانی - افسانه
پانصدی ذات و خطاب بهادر ۲۰ ذیلجی ۴۰
محمد نظام الدین خان بهادر یکمیزی ذات و
خطاب ۲۰ ذیلجی ۴۰
محمد حقیقت الدین خان بهادر یکمیزی ذات و خطاب
۲۰ ذیلجی ۴۰
- بها درالدین خان بهادر یکمیزی ذات و خطاب
اصل چهارصدی ذات افسانه شش صدی ذات
و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذیلجی ۴۰
واعده علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذیلجی ۴۰
شیخ زین الدین خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی - ۲۰ ذیلجی ۴۰
شیخ غلام جیلانی خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی ۲۰ ذیلجی ۴۰
شیخ قمر الدین خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی - ۲۰ ذیلجی ۴۰
سید محمد خان چهارصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیلجی ۴۰

دور علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد نور احمد خان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه
شیخ حمید الدینخان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد شرف الدینخان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد رفیع الدینخان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد نور احمد خان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد شرف الدینخان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد رفیع الدینخان چهارصدی ذات و خطاب خانی	۲۰ دلچسپ سده الیه

حسام الملک نظام یاورالدوله میرعباس علیخان بهادر نظام یار جنگ و غیره اقربا همای می یابو القاسم مرحوم
 مشار الیه چهاربزاری ذات و خطاب
 حسن علی بیگلخان حسن یار جنگ ذات و خطاب
 خطاب ۲۰ دلچسپ سده الیه اعلم و تقاره
 اصل سده بزاری ذات و خطاب اضافه بکیزی ذات
 سده علم و تقاره خطاب حسام الملک دلچسپ سده الیه
 العلم و تقاره
 میرحسن خان بهادر بکیزی ذات و خطاب خانی
 میرنظر علیخان ولد کامکار جنگ بهادر پانصدی
 بهادر ۲۰ دلچسپ سده الیه
 میرصفر علیخان بهادر و غیره پسران میرصید علیخان
 عبد الله خان و غیره اقربا سلطان نواز خان مرحوم
 مرحوم ۲۰ دلچسپ سده الیه
 میرمیر علیخان بهادر مشار الیه بکیزی ذات و خطاب
 خطاب اصل چهارصدی بکیزی ذات و خطاب اصل پانصدی ذات و خطاب خانی ولد عبد الله خان
 ذات و خطاب خانی - اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات و
 خطاب اضافه ششصدی ذات و خطاب خانی اضافه پانصدی خطاب بهادر - خطاب ۹ دلچسپ سده الیه

سلطان علی خان ولد عبداللہ خان
پانصدی ذات و خطاب خانی
حسین نواز خان پانصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذیحجہ الیہ
ارادت خان بہادر کپڑی و خطاب
اصل پانصدی ذات و اضافہ پانصدی ذات
خطاب خانی - و خطاب خان بہادر
مہدی یاور خان پانصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیحجہ الیہ

محمد مظفر خان بہادر و غیرہ ہراسیان سلیمان جاہ بہادر
۱ ذیحجہ ۱۲۸۷
مشار الیہ کپڑی ذات و خطاب خانی و بہادر
محمد نامدار خان چار صدی ذات و خطاب خانی
محمد داؤد خان چار صدی و خطاب خانی
تہدی نواز خان عرف میر صوفی چار صدی ذات و خطاب خانی
میر سعادت علی خان بہادر اقربا رضیاء الملک بہادر

مشار الیہ نیرہ کپڑا و پانصدی ذات و خطاب
اصل کپڑی ذات اضافہ پانصدی ذات
و خطاب خانی و بہادر ۹ ذیحجہ
میر عبداللہ خان و غیرہ نیرہ میر عثمان خان بہادر
۲۰ ذیحجہ الیہ
مشار الیہ پانصدی ذات میر عنایت حسین
و خطاب خانی - ذات و خطاب خانی
میر عنایت حسین خان چار صدی ذات و خطاب خانی

محمد بدر الدین خان و غیرہ اقربا بدر الدولہ
مشار الیہ کپڑی ذات و خطاب -
دواسم
محمد مظفر علی خان بہادر اقربا کپڑی منصب خطاب

اصل چهارصدی ذات اضافه نشی صدی ذات و اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات
و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰ و خطاب خانی و خطاب بهادی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰
شهباز الدوله درگاه قلیخان بهادر جلالت جنگ بهنری ذات و خطاب دو بهادر اس علم و تقاریر
اصل سه بهنری ذات و خطاب - اضافه کیزاری ذات و خطاب اعتبار الدوله

ضیغام الدوله ابوالحسن خان بهادر بے نظیر جنگ له اسم
مشارا الیه سه بهنری ذات و خطاب ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰ عسکر علی خان شهباز جنگ بهنری ذات و خطاب
اصل سه بهنری ذات اضافه خطاب میر عالم الدوله اصل پانصدی ذات اضافه کیزاری و پانصدی
و خطاب - و خطاب خانی - و خطاب شهباز جنگ ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

جمال علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰ سرور علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰
نصا علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰ دلیر علی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

میر ابراهیم علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰ تراب علی خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

ذاکر علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

جمال الدوله میر جمال علی خان بهادر بجای جنگ و عینره -

مشارا الیه سه بهنری ذات و خطاب - میر عبدالحی خان ولد بهمن جنگ پانصدی ذات

خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

اصل سه بهنری ذات اضافه خطاب جمال الدوله

و خطاب - ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

میر عبد السلام خان ولد بهمن جنگ پانصدی ذات

و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

باقر علی خان بهادر و غیره اقر با طالب الدوله

مشاء الیه و غیره پسران - دو اسم
 مشاء الیه یکیزی ذات جمال علیان بهادر یکیزی
 و خطاب - ذات و خطاب - خطاب -
 اصل پانصدی و خطاب - اضافه پانصدی منصب
 خانی - خطاب بهادر - خطاب بهادر -
 اصل پانصدی ذات - اضافه پانصدی منصب - اصل چهارصدی ذات - اضافه ذات و خطاب
 و خطاب خانی - و خطاب بهادر ۲۰ دیچہ و خطاب خانی - بهادر ۲۰ دیچہ سیالہ
 حسن علی خان بهادر ولد بهادر مسطور یکیزی ذات و خطاب -
 اصل پانصدی ذات و خطاب خانی - اضافه پانصدی ذات و خطاب بهادر
 ۲۰ دیچہ سیالہ

حکیم الحکما محی الدولہ عزت یار خان سہ نہاری ذات و خطاب
 الہ علم و نقارہ
 اصل دوہزار ذات و خطاب بهادر - اضافه یکیزی ذات و خطاب حکیم الحکما
 الہ علم محی الدولہ الہ علم و نقارہ
 حسن مرزا خان بهادر ولد سلطان مرزا خان مرحوم یکیزی ذات و خطاب -
 اصل چہارصدی ذات و خطاب خانی - اضافه تثنی صدی ذات و خطاب بهادر -
 میر بادلی خان بهادر و غیرہ اقربائے ہمراہی جہاگیر یار جنگ بهادر -
 مشاء الیه یکیزی ذات و خطاب - محمد تقی خان بهادر یکیزی ذات و خطاب
 اصل پانصدی ذات - اضافه پانصدی ذات - اصل پانصدی ذات - اضافه پانصدی ذات
 و خطاب خانی - و خطاب بهادر ۲۰ دیچہ شکمہ و خطاب خانی - و خطاب بهادر ۲۰ دیچہ شکمہ
 محمد اصم اللہ خان بهادر یکیزی ذات و خطاب خانی
 بهادر ۲۰ دیچہ شکمہ
 ذوالفقار خان بهادر شہر یار جنگ و غیرہ - دو اسم

مشارک الیه دونهری ذات و خطاب - قایم بیگ خان یکیزی ذات و خطاب
 اصل پانصدی ذات اضافه یکیزی ذات و خطاب اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات
 و خطاب خانی - شهریار جنگ جهادی اثنی عشر و خطاب خانی - و خطاب بهادر جهادی
 میر جعفر علی خان بهادر جعفر یار جنگ
 مشارک الیه دونهری ذات و خطاب
 السعده علم و تقاره ۲۰ ذی الحجه ۱۰۸۰ هـ

و خطاب -
 اصل پانصدی ذات خطاب خانی اضافه یکیزی ذات و خطاب
 ذات و خطاب جنگ
 السعده علم و تقاره ۱۰۸۰ هـ

محمد قمر الدین خان بهادر سکندر یار جنگ دونهری ذات و خطاب
 اصل چهارصدی ذات و خطاب خانی اضافه یکیزی اثنی عشر ذات
 و خطاب سکندر یار جنگ
 السعده علم و تقاره
 محمد قمر الدین خان بهادر اکبر یار جنگ و غیره -

مشارک الیه دونهری ذات
 نظام الدین علیان ولد اکبر یار جنگ بهادر پانصدی
 ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۸۰ هـ

اصل یکیزی ذات و خطاب
 خانی و بهادر
 اضافه یکیزی ذات
 و خطاب اکبر یار جنگ
 السعده علم و تقاره

مأم الدین علی خان ولد اکبر یار جنگ بهادر
 پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه الیه
 میر میر الدین خان پانصدی ذات و خطاب خانی
 ۲۰ ذی الحجه الیه
 غلام نقشبندی خان پانصدی ذات و خطاب خانی
 ۲۰ ذی الحجه ۱۰۸۰ هـ
 اکبر نواز خان بهادر یکیزی ذات و خطاب
 ۲۰ ذی الحجه الیه

اصل پانصدی ذات
و خطاب خانی

اضافه د پانصدی ذات
و خطاب بکبر نواز جنگ بهادر

برق انداز خان پانصدی ذات و خطاب

خانی ۹ ذی الحج ۱۰۰۰

فضل علی بیگ خان ولد ناد علی بیگ خان

پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

غلام علی بیگ خان پانصدی ذات و خطاب

خانی ۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

نولاد علی خان پانصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

محمد وزیر الدین خان پانصدی ذات و خطاب

خانی ۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

محب علی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

کریم بیگ خان چهارصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

محمد حاجی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی

۳۰ رذی الحج ۱۰۰۰

اعتماد نواز خان چهارصدی ذات و خطاب

خانی ۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

محمد خان احمد خان داروغه طولی چهارصدی

ذات و خطاب خانی - ۳۰ ذی الحج ۱۰۰۰

محمد برهان خان داروغه طولی چهارصدی

ترادول خان پانصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

میر غلام مصطفی خان بهادر یکیزر ذات و

خطاب خانی -

صادق علی بیگ یکیزری ذات و خطاب

خانی ۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

علی یار خان پانصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

بهایت الله بیگ خان پانصدی ذات و خطاب

خانی ۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

محمد میر خان پانصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

علی محمد خان چهارصدی منصب خطاب خانی

۲۰ ذی الحج ۱۰۰۰

عبد الغنی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

اعجاز رقم خان پانصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

اعتماد نواز خان عرف ابو محمد خان چهارصدی

ذات و خطاب خانی ۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

نصرتیاب خان ولد جمال یاب خان چهارصدی ذات

۲۰ جمادی الثانی ۱۰۰۰

و خطاب خلئی ۲۰ ذیلچہ الیہ محمد داؤد خان پانصدی ذات و خطاب خانۂ جمادی الثانی ۲۶	ذات و خطات خلئی ۲۰ ذیلچہ الیہ
میر عطا حسین خان بہادر وغیرہ اقربا و ہمراہی منشی عزیز اللہ - مشار الیہ سہ ہزاری ذات و خطاب خلئی و بہادر ۲۰ ذیلچہ ۲۶	میر ابراہیم علیخان بہادر و دیگراری ذات و خطاب خلئی و بہادر ۲۰ ذیلچہ ۲۶ ال - علم و تقارہ
عبدالملک خان بہادر کینزری ذات و خطاب - خلئی و بہادر ۹ ذیلچہ ۲۶	اع - علم و تقارہ
فتح اللہ بیگ خان وغیرہ سپہ سالار تھانہ بیگ خان بہادر مشار الیہ پانصدی ذات و خطاب خلئی ۲۰ ذیلچہ ۲۶ محمد فضائل بیگ خان پانصدی ذات و خطاب خلئی ۲۰ ذیلچہ ۲۶	۲۶ دو اسم
غلام مرتضیٰ خان بہادر کینزری ذات و خطاب اصل چار صدی ذات و خطاب خلئی	۲۰ ذیلچہ ۲۶ اضافہ شش صدی ذات و خطاب بہادر
محمد فاضل بیگ خان بہادر مشار الیہ کینزری ذات و خطاب اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات و خطاب خلئی	۲۰ ذیلچہ ۲۶ محمد جمال بیگ خان بہادر کینزری ذات و خطاب اصل چار صدی ذات اضافہ شش صدی ذات و خطاب بہادر ۹ ذیلچہ ۲۶
محمد صدیق بیگ خان بہادر کینزری ذات و خطاب بہادر اصل چار صدی ذات اضافہ سہ صدی ذات و و خطاب خلئی - خطاب بہادر ۹ ذیلچہ ۲۶	۲۰ ذیلچہ ۲۶
محمد محبوب خان وغیرہ اقربا و ہمراہی لودی خان بہادر -	

مشارک الیه پسر پانصدی ذات و خطاب خانی
 محمد سبحان خان بهادر ولد هدایت الله خان
 مرحوم برادرزاده پانصدی ذات و خطاب
 خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۴
 محمد منصو خان بهرامی پانصدی ذات و خطاب
 خانی - ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۴

محمد قطب علی خان اقربا بهرامی محمد سبحان خان بهادر
 مشارک الیه یک هزاری ذات و خطاب خانی
 ۶ شعبان ۱۲۴۴
 محمد امین عرف محمد امین لال یک هزاری ذات
 و خطاب ۶ شعبان ۱۲۴۴

فوتی

رفع الملک رفیع الدوله میر تاج الدین خان بهادر
 شجاعت جنگ یک هزاری ذات و خطاب
 ۱۲۴۴ علم و تقاره
 اصل چهار هزاری ذات اضافت یک هزاری منصب
 و خطاب ۱۲۴۴ علم و تقاره و خطاب رفیع الملک
 ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۴
 ۱۲۴۴ علم و تقاره
 رستم خان بهادر کرم جنگ بنیره درگاه قلیخان مرحوم
 دو هزاری ذات ۱۲۴۴ علم و تقاره
 اصل پانصدی ذات اضافت یک هزار و پانصدی
 و خطاب خانی - ذات و خطاب کرم جنگ
 ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۴
 ۱۲۴۴ علم و تقاره
 سید محی الدین حسین خان بهادر عظمت جنگ
 دو هزاری ذات -
 ۱۲۴۴ علم و تقاره
 میر نعمت الله خان بهادر خدا یا در جنگ
 دو هزاری ذات
 ۱۲۴۴ علم و تقاره

اصل کیناری ذات اضافه کیناری ذات و خطا اصل چارصدی ذات اضافه کینار بست حد
و خطاب بهادر عظمت جنگ و خطاب خلئی ذات و خطاب

الیه علم و نقاره الیه علم و نقاره
میر لطف علیخان بهادر ولد افتخار الملک بهادر جمال الدین خان برادر اکبر لار جنگ کیناری
دو هزاری ذات الیه علم و نقاره ذات

اصل پانصدی ذات اضافه کیناری پانصدی اصل پانصدی ذات اضافه پانصد ذات
و خطاب خلئی ذات و خطاب بهادر و خطاب خلئی و خطاب بهادر

۲۰ دلچ الیه علم و نقاره ۲۰ دلچ الیه علم و نقاره
خان زاد خان چارصدی ذات و خطا شجاعت بیگ خان ولد حسینی بیگ خانم روم
جمادی الثانی ۴۶ میرای میر عالم مغفور ۲۰ دلچ ۴۶

محمد جمیل خان پانصدی ذات و خطاب ۴۶
جمادی الثانی ۴۶ ۴۶
سید محمد خان بهادر کیناری ذات و خطا ۴۶
اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات ۴۶

و خطاب خلئی و خطاب بهادر جمادی الثانی ۴۶

مراتب متصداران پادشاهی

حی القاسم مله راسم فونی دواسم
افتخار الملک بشیر الدوله سید دلاور خان بهادر راجه رام سنجوپال متوفی زمیندار گدوال

افتخار جنگ نجم الملک کنشش هزاری ذات پنجهزاری
سمه علم و نقاره و پانکی جهارلدار سمه علم و نقاره

راجه راوڑنہا بهادر بلونت هفت هزاری بهر الملک شہسوار الدوله راجه انکیا نانگ بلونت
ذات بحری بهادر رعب جنگ متوفی زمیندار شورپور

معسمه علم و نقاره و پانکی جهارلدار کنشش هزاری ذات سمه علم و نقاره پانکی جهارلدار

بهر الملک شهسوار الدوله راجه مدناگ بلونت
 بحر ی رعب جنگ زمیندار شوراپور پنجراری
 ذات سمسم علم و نقاره -
 راجه دنگت زسهواشواراوسوانی بهادر
 زمیندار پالونچ سه هزار ی ذات
 اعسم علم و نقاره

کیفیت منصفه اران ذیل -

محمد صلوات خان بهادر	محمد سبحان خان بهادر	محمد لودهی خان بهادر	محمد جمال خان بهادر
هفت هزار ی ذات	سه هزار ی ذات	چهار هزار ی ذات	لوهانی دو هزار ی
اعسم علم و نقاره ماهی	اعسم علم و نقاره	اعسم علم و نقاره	ذات اسم علم و نقاره
مراتب پالکی جھالردار			
محمد عروس خان بهادر	فوجدار خان بهادر	شریعت احمد خان	کرار نواز خان
عزت سه هزار ی ذات	سه هزار ی ذات	یکهزاری ذات	هفت صدی ذات
اعسم علم و نقاره	اعسم علم و نقاره		
ملک بهر علیجان پانصدی	علی بیگجان پانصدی	نادر علی بیگ	خان چهار صدی ذات
ذات	ذات		

فهرست منصفه اران بنهود -

راجہ چند ولس بہادر پنجراری	راجہ گوہ بخش بہادر	راجہ سیام راج بہادر دیادنت	رک بابو راو
ذات سمسم علم و نقاره	سه هزار ی ذات	پنجراری ذات سمسم	زائن چار صدی
اعسم		علم و نقاره و پالکی جھالردار	ذات
رائے لچمن داس چار صدی	رک بلونت رک	رائے رپورام چار صدی	رک بابو راو
ذات -	پہار صدی ذات -	ذات -	پہار صدی ذات
رائے کندراو چار صدی ذات - رائے لچمن ہری چار صدی - رائے لچمن کاتب راو چار صدی			

رائے دیک رائے کینزری ذات - رائے چاتر لعل چار صدی - رائے طوطا رام چار صدی ذات
 رائے خوب چند چار صدی - رائے اُجاگر چند چار صدی - رائے منو لعل چار صدی
 رائے نانک چند چار صدی - رائے لچھی نرائن چار صدی - رائے سہوگ چند چار صدی
 رائے اسوای پرشاد - رائے بنی چند چار صدی - رائے بھوپال رائے چار صدی
 رائے مو چند کینزری و پانصد - رائے بالا پرشاد و کینزری ذات - رائے یکرن کینزری ذات
 رائے اند ور لعل چار صدی ذات - رائے موہن لعل چار صدی - رائے گوب چار صدی
 رائے مل جی چار صدی - رائے بش سنگھ چار صدی - رائے کیول رام دیا بہادر
 رائے پورن چند چار صدی ذات - رائے مراد داس چار صدی - رائے جنت چار ہزاری
 دیا پانصدی ذات - رائے تارا چند چار صدی - رائے ہمال چند چار صدی اے
 رائے ستیل داس چار صدی - رائے منو لعل چار صدی - رائے حکومت رائے چار
 رائے اُجاگر لعل چار صدی - رائے چنی لعل چار صدی - رائے کال چند چار صدی
 رائے منو لعل چار صدی - رائے چنی لعل چار صدی - رائے چھا کر داس چار صدی
 رائے سند لعل چار صدی - رائے موتی لعل چار صدی - رائے لچھمن سنگھ دو ہزاری ذات

اعمال

ہمراہیان شمس الامرا بہادر -

رائے منو لعل دو ہزاری ذات - رائے زین چند کینزری ذات - رائے جی رام کینزری ذات
 رائے جیون رام چار صدی - رائے چو لعل چار صدی ذات - رائے گردھاری لعل چار صدی
 رائے گوری پرشاد چار صدی - رائے دیال چند چار صدی - رائے کیشو راو ہا و کینزری ذات
 رائے ہر رائے بہادر کینزری ذات - رائے جیون راو چار صدی - رائے ٹارا راو چار صدی ذات
 رائے کلان چند چار صدی - رائے ناتھو رام چار صدی - رائے دہیان چند چار صدی
 رائے راجا رام چار صدی - رائے جواہر لعل چار صدی - رائے درگا پرشاد چار صدی
 رائے صاحب رام چار صدی - رائے لچھمن پرشاد چار صدی - رائے خوشحال راو کینزری ذات
 رائے بالا پرشاد پانصدی ذات - رائے منا لعل چار صدی ذات - رائے روشن چند چار صدی ذات

راکے اوتھ پرشاد چہار صدی ذات - راکے مراد داس چہار صدی ذات - راکہ جادو رام چہار صدی ذات
 راکے کندن راو چہار صدی ذات - راکے اندراو چہار صدی ذات - راکہ موہن دت چہار صدی ذات
 راکے نیولاس راکے چہار صدی - راکے لچمن داس چہار صدی ذات - راکے گلاب راکے چہار صدی ذات
 ہمارا بیان غلام سید فخر خرم -

راکے منو لعل مشرف دیو راکے سر فرزاں بیگم چہار صدی ذات - راکے ہزاری مل ولد -
 منو لعل ہفت صدی ذات - راکے امر سنگھ چہار صدی ذات - راکے گردھاری لعل
 چہار صدی ذات - راکے سہوا نی داس چہار صدی ذات - راکے راجا رام چہار صدی ذات
 راکے نامینا ہندت چہار صدی - راکے کھنراج چہار صدی ذات - راکے پورن پرشاد
 چہار صدی ذات - راکے سبکراج چہار صدی ذات - راکے نوند راکے چہار صدی
 راکے اندر من چہار صدی ذات - راکے فقیر چند چہار صدی ذات - راکے جیوان ام
 چہار صدی ذات - راکے دیارام چہار صدی ذات - راکے گوہند رام چہار صدی ذات
 راکے دوبھارام چہار صدی ذات - راکے دوبھاراکے چہار صدی ذات - راکے
 رانول چہار صدی ذات - راکے لیان چند چہار صدی ذات - راکے بھیمراج چہار صدی
 راکے بہارامل چہار صدی ذات - راکے کشن لعل چہار صدی ذات - راکے بانگش
 چہار صدی ذات - راکے راجا رام وغیرہ - راکے پورن چند چہار صدی ذات
 سے اسم رام شام داس ذات - راکے کشن راو ذات

مشاہد الیہ چہار صدی - راکے مہیت راکے مہ صدی ۳ صدی ۴ صدی
 راکے راجندر - مہ صدی

راکے مادھو راو وعینہ - دو اسم راکے کشن راو وغیرہ راکے گھنٹے راو ذات
 راکے ہرنارائن بہادر بنمت دیو مشاہد الیہ مہ صدی ذات - مشاہد الیہ ہفت ذات - ۴ صدی
 سے اسم راجہ گوہند نرائن راکے جوکرراج راو

مشاہد الیہ سہ ہزاری ذات ۴ صدی ذات ۴ صدی ذات
 راکے رانا راو مہ صدی

دفعہ

راجہ نزل راؤ بہادر - راجہ رام راؤ بہادر - راجے ڈنگا چلم پانصدی ذات
سہ ہزاری ذات - دو ہزاری ذات

الف

اع

راجے نزل راؤ چار صدی ذات - راجے سو بہارام چار صدی ذات - راجے نرائن راؤ
چار صدی ذات - راجے پاپیا پنڈت چار صدی ذات - راجے تیش راؤ چار صدی ذات
راجے ڈنگٹ راؤ چار صدی ذات - راجے دیوالیر چار صدی ذات - راجے نیٹ کتا راؤ
چار صدی - راجے رنگم پنڈت چار صدی ذات - راجے ڈنگٹ جیت راجہ ہزاری ذات
راجے کوبی راؤ کیزاری ذات - راجہ گور راؤ کیزاری ذات - راجے گوپال راؤ پانصدی ذات
راجے لمہار راؤ چار صدی ذات - راجے سنگر راؤ چار صدی ذات - راجے
بھلا در او بدستور - راجے سیلور او بدستور - راجے کاشی راؤ بدستور - راجے شیش راؤ
بدستور - راجے ہمت رام بدستور - راجے اندرام بدستور - راجے دیوارام بدستور
راجے جیونت راؤ بدستور - راجے سیوارام بدستور - راجے انبارام بدستور -
راجے راگھورام چار صدی ذات - راجے جگدیش رام بدستور - راجہ شیشو پرتاد
کیزاری ذات - راجہ پیر بھان کیزاری ذات - راجے جھوٹم لعل چار صدی ذات
راجہ بالکنند کیزاری ذات - راجے بالچند چار صدی ذات - راجے انبارام بدستور
راجے انجیا لعل چار صدی ذات - راجے ٹھنڈے راؤ بدستور - راجے جیونت راؤ بدستور
راجے پاٹو رنگ راؤ بدستور - راجے جانی رام چار صدی ذات - راجے سمر نواس راؤ
بدستور ذات - راجے رگھو ناتھ رام بدستور - راجے بھیکن راؤ بدستور - راجے
انباداس چار صدی ذات - راجہ میا رام کیزاری ذات - راجے جتن لعل ہزاری ذات
راجے جین راجے چار صدی ذات - راجہ روپ لعل کیزار ذات - راجے کھنراج
چار صدی ذات - راجے کیسر چند چار صدی ذات - راجے نونٹ رام بدستور -
راجے بہار لعل چار صدی ذات - راجے راجسرواد بدستور - راجے تیلخ من بدستور

راستے درگاہ داس بدستور - راستے لچمن پرشاد چارصدی ذات - راستے راجا رام بدستور
 راستے دولت رام بدستور - راستے بھوگ چند بدستور - راستے دیوارام چارصدی ذات
 راستے ہوماں چند بدستور - راستے بلونت راؤ یکہزاری - راستے نرسنگہ راؤ -

پانصدی ذات

راستے جھوانی داس - راستے ہولام - راجہ سدائیتورائے - راستے دیانامتھ - راستے درگاہ
 چارصدی ذات بدستور یکہزاری چارصدی - یکہزاری ذات
 راستے موہن لعل - راجہ رگھوناتھ داسج دہری جینی راستے درگاہ پرشاد - راستے بھمبر سنگہ
 چارصدی ذات - یکہزاری پانصدی ذات چارصدی
 سنگہ رام راستے پورن چند ذات راستے حکم چند راستے شام راؤ
 یکہزاری ذات پانصدی بدستور پانصدی ذات
 راستے بھگونت راؤ - راستے راجا رام - راستے کیشورائے - راستے سیام راؤ
 چارصدی ذات پانصدی ذات چارصدی ذات
 راستے گلاب رائے - راستے بالکنند - راستے انند راؤ مدلس - راستے چپی داس

چارصدی

راستے کبیدی راؤ - راستے راس پنڈت - راستے آنا پنڈت - راستے سیوک رام
 بدستور بدستور بدستور چارصدی
 راستے لعل چند - راستے کلیان راؤ - راستے رتن چند - راستے روشن رام
 بدستور بدستور چارصدی ذات
 راستے روشن چند - راستے انند راؤ - راستے نرسنگہ راؤ - راستے مادھو داس
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 راستے سنگہ رام - راستے اجی رام - راستے انبا رام - راجہ جھوانی پرشاد یکہزاری
 بدستور بدستور پانصدی ذات
 راستے اندر پرشاد پانصدی ذات - راستے نول سنگہ چارصدی ذات -

رائے دیال سنگھ - رائے جیون رام - رائے سردار مل کپڑاری - رائے بال چند
 بدستور بدستور ہفتصدی ذات دپانصدی ذات ہفتصدی ذات
 رائے سل چند - رائے امولک رام کپڑاری - رائے ترکم راؤ - رائے نرائن رام
 چارصدی ذات دپانصدی ذات پکھڑاری دپانصدی ذات پکھڑاری پانصدی
 آئینکا داس - برنہس رام - ونکٹ رام - کشن راؤ - راجی بالاجی سنہاری ذات
 دوصدی ذات پکھڑاری ذات یکصدی ذات یکصدی ذات
 رائے گوپال داس - رائے ہمال سنگھ - رائے بالے رام - رائے من مل
 نش صدی ذات ہفتصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات
 رائے خوب چند - رائے درگا پرشاد - گمانی مل دوصدی - راجہ شید راؤ
 چارصدی ذات چارصدی ذات ذات دونہاری ذات
 رائے راجا رام - راجہ رام چند راؤ رائے گوپال راؤ - راجہ رگھوناتھ راؤ دونہاری
 دونہاری ذات پکھڑاری ذات چارصدی ذات ذات
 رائے شنکر راؤ رائے پتیل راؤ رائے ہنونت راؤ - رائے سیوارام داس
 چارصدی ذات پکھڑاری ذات پانصدی ذات چارصدی ذات
 رائے نرمل راؤ رائے سیوارام پنڈت رائے ونکٹ راؤ - رائے سوانی شکر
 پانصدی ذات پانصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات
 رائے ناگواراؤ چارصدی - رائے پرس رام - رائے راجا رام پنڈت چارصدی
 ذات چارصدی ذات ذات
 رائے بابو راؤ - رائے بالاجی پنڈت - رائے بنوجنک راؤ - رائے ونکا جی پنڈت
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے نرمل راؤ - ہنونت راؤ دوصدی - سری نواس راؤ - راجہ اقیار سنگھ
 بدستور ذات دوصدی ذات پکھڑاری پانصدی
 رائے فتح سنگھ چارصدی - رائے سنگھ چارصدی - سرفراز سنگھ پانصدی ذات

راجہ لچھی رام کپزاری - راجہ نرائن سنگھ - راجہ روپ نل کپزاری - راجہ ابرمل چارصدی
بدستور بدستور بدستور ذات ذات ذات

رائے لوک چند - رائے دودھو رائے - رائے موتی نل - رائے نل چند

چارصدی چارصدی ذات - چارصدی ذات - بدستور
رائے ٹینگٹ پرشاد - راجہ جے کشن داس - رائے بہار نل - رائے ونکٹ راؤ -

بدستور بدستور ذات - چارصدی چارصدی ذات

رائے برج نل - رائے ننگو جی - رائے اندر راؤ - رائے جانی رام

سہ صدی ذات سہ صدی سہ صدی ذات بدستور

رائے بیس رام - رائے ہونت راؤ - رائے نرسنگھ راؤ - رائے کاشنچند

بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات

رائے گوگل چند - رائے لہار راؤ - رائے ٹھا کر داس - روشن چند ساہو

بدستور بدستور ذات - ہفتصدی ذات - ہفتصدی ذات - چارصدی ذات

رائے تلہارام - رائے نسی رام - رائے اودی کرن - رائے جمن نل چارصدی

ہفتصدی ذات ہفتصدی ذات ہفتصدی ذات ذات

وائے منو نل - رائے دولچند - رائے دینی داس - رائے درگا داس

چارصدی ذات ششصدی ذات - پانصدی ذات - چارصدی ذات

رائے سندرداس - رائے جیل رام - رائے متھل داس - رائے دیارام

چارصدی ذات پانصدی پانصدی بدستور

رائے رگھوناتھ چارصدی - رائے دولت رام - رائے ہیر نل - رائے شتابام

ذات پانصدی ذات چارصدی ذات پانصدی ذات

رائے دیپ چند - رائے نل چند - رائے بختیار چند - رائے کوشل رائے - رائے بجن نل

چارصدی ذات - چارصدی ذات - پانصدی ذات - چارصدی ذات - چارصدی ذات

رائے کیشو نل بدستور - رائے بی نل کپزاری ذات - رائے روشن چند چارصدی ذات

رائے تلجا پر نشاد - رائے موتی محل - رائے نرسنگھ رائے - رائے درگاداس
 بدستور بدستور پانصدی ذات چارصدی
 رائے بنی دھرم - رائے رام داس - رائے رگناتھ داس - رائے رام پرشاد
 بدستور بدستور چارصدی ذات بدستور
 رائے جیپت رام - رائے رام داس - رائے ٹیکارام - رائے گیان رام
 بدستور بدستور بدستور چارصدی
 رائے گوبند رام - رائے لچھمن رام - رائے لچھمن پرشاد - رائے منو محل
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رائے طوطا رام - رائے گھاسی رام - رائے دیپ چند - رائے رگناتھ پنڈت
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رام چند پنڈت - رام مجندر پنڈت - رائے لچھمن پنڈت - رائے راماجی پنڈت
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رائے گنیش پنڈت - رائے جگناتھ پنڈت - رائے لکھ پنڈت - رائے سدرج
 چارصدی ذات بدستور بدستور بدستور
 رائے برماجی پنڈت - رائے جسونت راؤ - رائے بچ محل - رائے منہ محل
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رائے بش چندر - رائے بالاجی پنڈت - رائے بالوجی پنڈت - رائے گلاب رائے
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رائے دلا رام - رائے انکٹ راؤ - رائے راجا رام - رائے مادھو رام
 بدستور پانصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات
 رائے ہر پرشاد - رائے بالا پرشاد - رائے سدیشو پنڈت - رائے بھیم سین
 بدستور پانصدی ذات چارصدی ذات بدستور
 رائے تواری محل بدستور - رائے ہنٹ رائے بدستور - رائے کوماری محل بدستور

راے لوک ناہتہ - راے سنوائی پرشاد - راے سمیت راے - راے گللاب راے

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے بلاقید اس - راے جیت راے - راے براہمون داس

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے شبنورام - راے نرائن داس - راے پوتیمبر راے - راے مدن سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے نرائن سنگھ - راے ہرج سنگھ - راے ذمایت سنگھ - راے چند داس

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے ہیرا لعل - راے پتیمبر داس - راے فتح چند - راے بلونت راے

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے کنونت راے - راے سمیت راے - راے دھن باج - راے ونا سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے یکھ کرن - راے سوہرام - راے گردہاری لعل - راے بالا رام -

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے الیرداس - راے درگاداس - راے چھٹو لعل - راے جکمون -

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے سانول داس - راے جہا لعل - راے الیرداس - راے راجیسر داؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے جھل راؤ - راے سوہرام - راے نگھتا تھ رام - راے تلوک چند

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے حمدانی لعل - راے نوذ راؤ - راے نند لعل - راے انند رام - راے جہلی رام

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے ترک رام بدستور - راے رام ناہتہ بدستور - راے اموسی رام - بدستور

رائے مکھو مل بدستور - رائے اندراؤ - رائے رگورام - منوئی مل - رائے سوہیارام
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے ملت رام - رائے منو مل - رائے ٹھاکر داس - رائے کشن راؤ - رائے ونگٹ راؤ
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے ہر دی رام - رائے بابورائے منشی - رائے راماجی بھٹ - رائے رنگ راؤ
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے جوڑا سنگھ - رائے گوری پرشاد - رائے بدہ سنگھ - رائے گلکروب راے
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے ہمت سنگھ - رائے تمہر داس - رائے ہرجیون داس - رائے بو جڑ مل
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے خوشحال چند - رائے بینی چند - رائے تمہر داس - رائے پرشاد دی مل
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے بلاسی راے - رائے ڈالچند - رائے ونگٹ راؤ - رائے سنسکری راؤ
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے ہمت راؤ - رائے کشن راؤ - رائے گوبند رام - رائے ونگٹ رام
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے سانبا بھٹ - رائے واسد پو راؤ - رائے ناگور راؤ - رائے امرت رام
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے کنڈ ونگٹ - رائے بھو جراج - رائے اودے چند - رائے لچھن پرشاد
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے بینی سنگھ - رائے اسانند - رائے نوبت رام - رائے امرت رام
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے بالچند بدستور - رائے پرتاب رام بدستور - رائے کیول کشن بدستور - رائے دھنی رام

راتے گوبند رام - راتے ترل راؤ - راتے راجا رام - راتے رگھناتھ داس
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے رام چند - راتے بہیکم - راتے حکم چند - راتے راؤ کی - راتے گوبند راؤ -
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے ڈو نگرمل بدستور - راتے ناگورام - راتے ستیا رام - راتے ٹیکا رام
 بدستور بدستور بدستور

راتے رنجپور رام - راتے بلاتی رام - راتے موج راج - راتے نیت راؤ - راتے چتر
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے تیا رام راؤ ساجی - راتے رام کنن - راتے روپ رام - راتے پورن چند
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے مادھو راؤ - راتے ترل راؤ - راتے کیشو راؤ - راتے کندن راؤ - راتے گودند راؤ
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے راجا رام - راتے منوعل - راتے ونگٹ راتے - راتے آپا رام - راتے ہانگ مل
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے دھرم راؤ - راتے امانا راؤ - راتے رتن مل - راتے اند راؤ - راتے سرپا پٹ
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے نہال چند پٹ - راتے ہراجی پٹ - راتے گوبند رام - راتے ہیرا مل
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے انوپ راتے - راتے گنڈل راؤ مصر - راتے سوبا راؤ - راتے لچمن چندر
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے انگو پٹ - راتے بالکن پٹ - راتے سرنی نواس راؤ - راتے بلونت راؤ
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے ٹھا کر داس بدستور - راتے گلاب راتے بدستور - راتے سرپ سنگھ رام بدستور

راستے ہمت سنگھ بدستور - راستے سیورام - راستے اندراؤ - راستے اندرام - راؤ گنپت سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راستے جڑا من - راستے سری رنگ راؤ - راجہ راؤ رہنبا بہادر جیونت ہفت ہزاری ذات

بدستور بدستور مہم - علم وقارہ و پاکلی جھالدار

راجہ ارمن بہادر سہ ہزاری - راجہ اندراؤ بہادر دو ہزاری ذات - راجہ جادوی مہجری ذات

اعلم علم وقارہ - علم وقارہ - علم وقارہ

جگپت راؤ پنچہزاری ذات - سموت راؤ کیزاری - بھگونت رام - بھعل راؤ

اعلم علم وقارہ ذات - پانصدی ذات - ہفتصدی ذات

شیو راؤ پانصدی - راستے تھل راؤ - بابجی راؤ پانصدی - سکھارام تشھدی

ذات چارصدی ذات ذات ذات

بھل رام دو صدی - راجہ روپ سنگھ بہادر سہ ہزاری - گنور چھن سنگھ بہادر دو ہزاری ذات

ذات ذات اعلم علم وقارہ - علم وقارہ

زنجیت سنگھ دو ہزاری ذات - صورت سنگھ - راستے کمر کو پندت چار صدی لائے امرت

ذات ذات اعلم علم وقارہ چارصدی ذات ذات

راجہ جی سنگھ بہادر کیزاری ذات - موٹی سنگھ کیزاری - رام راؤ سنگھ کیزاری ذات

ذات ذات اعلم علم وقارہ

راجہ مان سنگھ راؤ کاکہ سہ ہزاری ذات - راجہ بھل داس - راجہ بلونت راؤ تشھدی

ذات پکیزاری ذات اعلم علم وقارہ

زمینداران منصہدار -

سری پدم ناتھ داس ونچے پال جکل سنگھ - راستے کیشور راؤ وکیل - راکھت رام

درجہ کرت منی منہ سلطان مہاراج راجہ - راجہ رام بھوپال زمیندار

رام راج بہادر جنگ زمیندار سیلوار - پنچہزاری ذات

پنچہزاری ذات - علم وقارہ - فوت شد

راجه کاوہ راج بہادر پنجہزاری ذات - راجہ کسی پور علم - راجہ کلچ ناگ بہادر زمیندار
 زمیندار سری رنگ پٹن کپہزاری پکھار و پانفہ دیورک پنجہزاری ذات
 دیانہری ذات - ذات اع - علم
 راجہ جگنی راج بہادر پنجہزاری - راجہ کیشور راج بہادر - راجہ آپا راؤ بہادر - راجہ ہرچند سہزاری
 ذات سم - علم و نقارہ پاکی سہہزاری ذات سہہزاری ذات ذات
 مہاردار - اع - علم و نقارہ اع - علم و نقارہ اع - علم و نقارہ
 راجہ راگھو راج کپہزاری - راجہ ہرچنی راج کپہزاری - راجہ دنگی راج کپہزاری - راجہ راجندر راج
 ذات ذات ذات ذات
 راجہ آپا راؤ کپہزاری - راجہ رام ننگ کپہزاری ذات - اناسوامی کپہزاری ذات - بسواش راؤ کپہزاری
 ذات ہار ہار ہار
 بہر الملک شہسوار الدولہ راجہ بدناگ بونت بجرنی ہار - راجہ رام ننگ کپہزاری گوپال راؤ بہادر - رامین
 رعب جنگ پنجہزاری ذات زمیندار منو پور ذات پکھاری ذات سہ شیر زن
 اع - علم و نقارہ
 راجہ انکیا ندنگ بہادر دودہزاری ذات - راستے سو بھاراؤ چہار صدی - راستے سری نواس
 اع - علم و نقارہ ذات چہار صدی ذات
 راستے کیو راؤ - راستے بھیم راؤ - راستے دنگٹ راؤ - راجہ داس ٹی وکبیا و
 چہار صدی ذات چہار صدی ذات - چہار صدی ذات - ہری ناہر بہادر منہ سلطان
 مرتضی کردالہ چہار صدی ذات
 اع - علم و نقارہ
 گویندہ راؤ زمیندار اکھلوہ - راجہ دنگٹ نرسواراؤ سوامی بہادر - راجہ انکیا ناگ دیکل
 سہہزاری ذات - مانچہ والا سہہزاری ذات - چہار صدی ذات
 اع - علم و نقارہ فوت خند
 راجہ کھنٹہ راؤ بہادر سہہزاری ذات اع - علم و نقارہ - دکالت رام پانفہ ذات

راستے کلیا پانصدی - راجہ سنگار پٹی دونهاری ذات - راجہ اونات راوسہ ہزاری ذات
ذات الب۔ اع۔ علم و نقارہ

راجہ اتار پٹی دونهاری - راجہ وکل و پٹی دیمکھہ پرگنہ کلاپور - راجہ گمراؤ بہاؤ زمیندار
ال۔ علم و نقارہ دونهاری ذات الب۔ علم و نقارہ - ال۔ علم و نقارہ
نرمل زمیندار کلو دونهاری ذات یکزار علم و نقارہ -

راجہ سوامی رام کشا راؤ زمیندار - راجہ سن گرجا بہاؤ سر سلطان - راجہ جگیت راؤ بہاؤ زمیندار
و تیسری الب۔ علم و نقارہ - زمیندار سینکا کول دونهاری ذات - ال۔ علم و نقارہ
ال۔ علم و نقارہ

راستے ویرانہ راؤ - راجہ راجیس راؤ بہاؤ سر دیپا پٹیہ - گوئید راؤ - وکٹ راؤ زمیندار
چار صدی ذات - ال۔ علم و نقارہ یکزاری ذات - پانصدی یکزاری ذات
راستے بابو راؤ - راجہ راجیس راؤ بہاؤ - راستے کمالا گمراؤ - راجہ شکر راؤ بہاؤ زمیندار

چار صدی ذات - سر دیپا پٹیہ - چار صدی منی کو دیگل یکزاری ذات
راستے بیتا رام دیپا پٹیہ پرگنہ اور - راستے کوٹہ رام دیپا پٹیہ پرگنہ ارکنڈہ - راستے رام کشن
پانصدی پانصدی چار صدی چار صدی

راستے نرمل راؤ - راستے وکٹ رام - راستے نرائن راؤ - راستے مدھت پنڈت پرگنہ
چار صدی چار صدی چار صدی چار صدی
راستے ہنر پنڈت - راستے بننت راستے دیمکھہ پرگنہ ملکونہ - راؤ پدرا پٹی زمیندار
چار صدی - چار صدی ذات - پرگنہ ساتوبی چار صدی
راستے پانڈ و نرنگ دیپا پٹیہ نقارہ گکھر گہ - راستے کشن راؤ

چار صدی ذات چار صدی ذات

دفعہ از منوہ -
راجہ جگد یو پسر راجہ کلیان راؤ چار صدی ذات - راستے نیکنٹھ راؤ - راستے سمرا سچ بسر جوجاچ
اع۔ علم و نقارہ پانکی جبالدار - شش صدی ذات چار صدی

کنوز دلیل سنگہ سپرودھ سنگہ
بخطاب و منصب سرفراز شدند

نتیجہ حاجی راؤ سندھیہ بم خطاب و منصب نشاندہ سواران راجہ مسطور متعینہ از نور خان بہادر لاندہ
و مشار ایہہ بذات خود در جاگیر بزرگان سندھیہ مذکور راز و قیتکہ منفرت تاب در دکن آہنہ
ہمراہ بودند در جلد و سیکو خد متی جاگیر یافتند -

حضرت مولوی محمد نضر علی زنجیر قتل الصلحہ بزرگاد
مولوی اسماعیل علی سر علی رتہ بہل سے شتر قچی بان

مولوی علی محمد پانکی میانہ - سر علی ضرب توپ ہٹو مولوی بہار شتر نقارہ
مالہ رٹیارہ نگران شتر سوار

منصبداران و غیرہ -

مولوی علی محمد نضر علی زنجیر قتل الصلحہ بزرگاد
مولوی اسماعیل علی سر علی رتہ بہل سے شتر قچی بان
مولوی علی محمد پانکی میانہ - سر علی ضرب توپ ہٹو مولوی بہار شتر نقارہ
مالہ رٹیارہ نگران شتر سوار

شاہ یار الملک بہادر - رفعت الملک بہادر
صالحہ سما موصل
صالحہ سما موصل
دور زنجیر قتل
سے شتر قچی بان

نور الامر بہادر - فیض الدولہ - راجہ راؤ رنبہا بہادر - حسام الملک بہادر

لما عیسیٰ - ص - سما عیسیٰ - مالعی

لما عیسیٰ - ص - سما عیسیٰ - مالعی

زنجیر فیل

سکنہ الدولہ بہادر - حسن یاوردولہ بہادر سپہن - محمد صلابت خان بہادر - اشرف الدولہ بہادر

ما عیسیٰ - امین الملک بہادر موافقی - الکامیہ - لہ عیسیٰ

ما عیسیٰ - سما عیسیٰ - الکامیہ - لہ عیسیٰ

سما عیسیٰ

بہرام الملک بہادر - افسر الدولہ بہادر - محمد سبحان بہادر - محمد عدر دس خان بہادر

ما عیسیٰ - ص - نفر - المالعی

ما عیسیٰ - ص - المالعی - مالعی سر دہ پاکی

محمد ودی خان بہادر - کنور چھین سنگہ بہادر پیر راجہ - محمد رحمت خان - آوردہ مرقی یا جگت

ما عیسیٰ - پدم سنگہ متونی - سما عیسیٰ - صما عیسیٰ

مالعی - نفر شتر قارہ - ما عیسیٰ - صما عیسیٰ - صما عیسیٰ

زنجیر فیل - دو زنجیر فیل دو منزل پاکی - یک زنجیر فیل منزل پاکی

سوامان آوردہ غلام حسین کہوکر - محمد یعقوب خان - آوردہ لطف علیخان - محمد صاحب سلطان پانچم

ص - ص - ما عیسیٰ - سواران جالیر - صما عیسیٰ

ص - ص - ما عیسیٰ - صما عیسیٰ - صما عیسیٰ

زنجیر فیل منزل پاکی - دو زنجیر فیل منزل پاکی

ہر کسی نیاز بہادر خان مولہ عبدالدولہ - شیخ محمد اکبر وغیرہ - راتے چھوٹم مل وغیرہ اگر آواز خان بہادر

لہ نفر - سما عیسیٰ - اما عیسیٰ - لہ

لما عیسیٰ - سما عیسیٰ - منزل پاکی - مالعی

لہ زنجیر فیل سے منزل پاکی - زنجیر فیل منزل پاکی

منزل پاکی

سید اعظم خان بهادر - داتم خان و قاسم خان - سواران حسین یار جنگ - حافظ یار جنگ بهادر

لوسر لوسر لوسر لوسر

لوسر لوسر لوسر لوسر

تجور جنگ بهادر - محمد شاکر خان و دانی - راجه سیام راج - سیتا رام بهوپال

لوسر لوسر لوسر لوسر

لوسر لوسر لوسر لوسر

کشتابی راو - منصور خان - نیر موسی خان - سید منور - سید خدوم

لوسر لوسر لوسر لوسر

لوسر لوسر لوسر لوسر

ابیر کار جنگ بهادر - جعفر یار جنگ بهادر - اسد نواز جنگ - سکنه یار جنگ بهادر

لوسر لوسر لوسر لوسر

لوسر لوسر لوسر لوسر

نور الدین خلیل و جعفر خان - محمد زبردست خان بهادر - نواز خان ناغ و غیره - غلام قادر و غیره

لوسر لوسر لوسر لوسر

لوسر لوسر لوسر لوسر

محمد نواز خان و غیره - علی بیگ خان و غیره - شاه عالم خان و غیره - شیخ حمید الدین و غیره

لوسر لوسر لوسر لوسر

لوسر لوسر لوسر لوسر

احمد خان درانی - سر انداز خان - منور خان و غیره - مومن سنگه و غیره - شیخ محمد و غیره

لوسر لوسر لوسر لوسر

لوسر لوسر لوسر لوسر

راجہ بنوالت - پایگاه سر رشته راجه میا رام با اسم سید عبداللہ - نقشبند خان - احمد خان

لوسر لوسر لوسر لوسر

بهرت خان - راجه پوچیت سنگه - اگرآم خان - شمس الدین خان - مرزا نیا زیگاس

میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد

محمد علیخان - سواران بھگوان - کشتن سنگه و غیره - سواران پارکاه - سواران احمد پناه

میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد

سواران حسین خان - آورده شاه باقر حسین - محمد عظیم الدینخان - محمد علیخان

ناصر - شریک - ناصر - شریک

محمد عبدالقادر خان - تربت سواران - الف خان و غیره - مرزا نیا علی - سواران احمد پناه

میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد

سواران شیورام ناتک - سواران آورده زبردت خان - آورده محمد منو خان و دیگران

ناصر - ناصر - ناصر - ناصر

دلیل سنگه - سواران آورده امین الدینخان - صالح محمد خان - محمد نور اورخان

میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد

شیخ بسالت خان - محمد سوائی خان - شادوی خان - محمد عثمان خان

میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد

فادر نواز خان و غیره - انند راو و غیره - مرزا ابراهیم خان - جعفر علی خان

میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد - میرزا علی محمد

خان وغیرہ صوبہ داران کہ بعد موسیٰ رحمون در وقت جمیعت رام کرار نواز خان -
 برلین موسیٰ رحمون سرفرازی یافتہ اند سر یک صوبہ دار علیہ علیہ است مالام
 و جمیعت مذکور بر پرہ بندی مرشد زاد ہا و قیٹکہ گوگنڈہ و بعضے یک ضرب رہڑو
 پرہ ہا در حضور و بعضے بر تعلقات متفرق اند منزل پٹارہ -
 السلام علیہ

سے ضرب رہڑو سے منزل پٹارہ
 جو آنان سنگم - جو آنان بر قنداز خان آوردہ محمد جعفر خان - جعفر یار جنگ بہادر
 مالام نفر
 یک ضرب رہڑو
 دو پا جنگ - اسد نواز جنگ - شیخ غلام محمد کیدان - اچھا رام صوبہ دار - بارک خان صف مند
 مالام نفر مالام نفر مالام نفر
 یک ضرب رہڑو
 میر احمد میرام محمد بر قندازان - دلا رام وغیرہ بر قندازان - محمد یعقوب
 مالام نفر مالام نفر مالام نفر
 سید حسن وغیرہ جو نشان دہ بر قندازان - محمد اشرف الدین - تہاب خان بر قندازان
 مالام نفر مالام نفر مالام نفر
 نور بیگ بر قندازان - آوردہ راماریڈی مادکوه بر قندازان - بولاریڈی بر قندازان
 مالام نفر مالام نفر مالام نفر
 مسٹر موکیل - پالمر صاحب - لچھا راو - جو آنان بار آوردہ سید عبدالرحمان
 مالام نفر مالام نفر مالام نفر
 یک ضرب رہڑو
 ذکیا نامک نامک پیادہا - غلام محمد الدین و عباس وغیرہ بر قندازان - محمود بیگ محمدی کالچا دیو
 مالام نفر مالام نفر مالام نفر

مان سنگه و غیره جوانان بار۔ محمد فیض اللہ خان پسران اسمعیل بخشی۔ ترو ب سواران اور دوشمن

ماہی نگر التاجیہ نگر علی نگر

بہنجیر فیض دھڑلے دھڑلے

معتقدات سرشته برای جمعیه نام - رساله رسول نواز خان -

وونفس

الف

یسا کہ سید کامل پسر عمر خان موم

حسن علیخان سپہ سالار بدوایہ جو انان پور وغیرہ چاربا

ما هو هذا الفهر

کوتوالی - لما اعم نفر

ملوہ منہ زبیر فیضی

کیفرب - ٹرو

منزل یا تکی

یک نژاد بنیاد

جوانان باز مر رستم را به گویند نارائن پیر را به تمو

پانڈان تعلقہ سمنش الامراہ اور فضل علی خان

مجلس

ماہنامہ نغمہ

جہوستان سادہ سکندریہ قلعہ خان - بادگیران ہمایوں میں ملک تیار - سید حسن بن فیض اللہ، بھٹانہ

نامہ نمبر

موتی - لفظ

الفصل الثاني

مَنْزِلَةُ الْمَرْءِ فِي الدُّنْيَا

جوانان آوردہ مکین سنگہ - بارگہ ان وغیرہ تفرقہ سرشتہ راہ ریسمان -

ما نفه

20

استاذ الفيزياء

مجلس ۱۱۱

چند روز قبل که گذشت دو دولت آباد و کنگر و کنگر

در آنکه و نامکنده و دلو رکنده و دمار و درشتا و نکشای و سرکاره

و جھنگیہ و وزنگل و کیمہ و او دگیر و بیا لہک و نرمل و

جنتیال و ظفر کاٹھ و شکرہ : فرخ نگر و ایمر و کولاس

در شکل دریا بخور و کویل و کلیانی و بلند رک کوه و غیره

مفہم بحر فیہ

52

منزل بابک

منزل میاں

گوشواره مدخل و مخارج صوبه بیدرو صوبه خرزنده بنیاد و حیدر آباد و صوبه بطراز و چند روستا
صوبه بجاورد و بعد وضع سه بندی و صادر و وارد و انعام داران و غیره من ابتدا سه ساله فقه
نفاذیه ۱۲۲۲ فصلی همه جهت سوا سه جایگزین داران و غیره و اکثرا در ۱۲۲۲ فصلی و سالیانه
که رقم ایزاد شده جهش این است که رقم میرزا ابوالقاسم خانم و عم که در سالهاست سابق جمع زده بود
و سوا سه آن نذرانه و غیره اخراجات هم زیاده نوشته شد بابت عدم وصول ساکنان ماضی نیست
و خرج جمعیت میر صاحب بهادر داخل مخارج است نذر عیدین دستی حضور پروردگار داخل مخارج

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين

در این محضر از جانب
میرزا ابوالقاسم خانم
نویسنده و مدیر
مجلس و مدیران
و نذرانه و داران
و سایرین

مجلس
میرزا ابوالقاسم خانم
نویسنده و مدیر
مجلس و مدیران
و نذرانه و داران
و سایرین

مجلس
میرزا ابوالقاسم خانم
نویسنده و مدیر
مجلس و مدیران
و نذرانه و داران
و سایرین

مجلس
میرزا ابوالقاسم خانم
نویسنده و مدیر
مجلس و مدیران
و نذرانه و داران
و سایرین

بابه ۱۲۱۴ فصلی
یک کروڑ
لوت
موا

بابه ۱۲۱۵ فصلی
یک کروڑ
لوت
موا

بابه ۱۲۱۶ فصلی
یک کروڑ
لوت
موا

بابه ۱۲۱۷ فصلی
یک کروڑ
لوت
موا

بابۃ ۱۲۲۱ فصلی
 لو لک کروڑ
 لو لک کروڑ
 لو لک کروڑ
 بابۃ ۱۲۲۲ فصلی
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 بابۃ ۱۲۲۳ فصلی
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹

بابۃ ۱۲۱۰ فصلی
 لو لک کروڑ
 لو لک کروڑ
 لو لک کروڑ
 بابۃ ۱۲۱۱ فصلی
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 بابۃ ۱۲۱۲ فصلی
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹

بابۃ ۱۲۱۳ فصلی
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 بابۃ ۱۲۱۴ فصلی
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹
 من ابتداء سنہ ۱۲۱۷
 لغایت ۱۲۱۹

کیفیت تنخواہ نقدی و جاگیر داران
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 دو کروڑ

بابۃ جمعیت سواران جوانان بار و غیرہ نقدی
 دو کروڑ
 دو کروڑ
 دو کروڑ

فصل دہم - در کیفیت افتنان مہدوے و سکہ و غوب و مہرہ
 ایک

کیفیت افغان مہدی ملازم سرکار سوائے محمد صلابت خان بہادر - و محمد سحان خان بہادر
 و سید نصرت دارد و غیر ہر کارہ در سالہ جات متفرقہ قریب چار پانصد اسم بودہ باشند
 نزد شہزاد الملک بہادر و راجہ اور بنہا بہادر و نیز نزدیکار پیشہ و تجارت پیشہ قریب ۱۰
 و ہزار اسم خواہ بود الحال بموجب حکم رئیس و جرکات افغانان بالکل افغانہ اخراج یافتند
 انصاف و انصاف

داران		متفرقات	
الکامل	مال	الکامل	مال
محمد خان متغینہ کیم	محمد خان	نوحیدار فتح یار خان	و جانباز خان و بومیان تاج خان بیک خان
مار	صہار	دعمر دراز خان	مار
مار	صہار	مار	مار
دفعہ مقرب خان و فوجدار خان و غیرہ	کرار نواز خان معونات	سر دار خان معونات	
قریب یکصد سوار لغت در بلدہ و نصف	متغینہ دھار و	متغینہ امر پور و بہکور	
در قیناخی - مانفر	مانفر	مانفر	
مار	مار	مار	
قرارد دل خان نشت حصو -	نشا و نجان نزد نواب میر الملک بہادر -	انور خان - صاحب خان	
مار	مار	مانفر	
مار	مار	مار	
دیگر سواران و غیر الملک بہادر قریب یکصد سوار کم و زیادہ خواہ بود	ذات در بلدہ - سواران متغینہ کیم		
مانفر	مانفر	مانفر	
سواران متغینہ حویلی میدک -	زبردست خان -	بہادر خان -	متغینہ راجہ گو بند بخش تحصیل برج
مار	مار	مار	
مار	مار	مار	

متعینه ایکنندل - متعذات در رکاب - سواران درشت - همت خان در رکاب

ص - م - نفر - نفر - نفر

ص - م - م - م - م

نوازخان اغر متعینه گلبرگه - سردارخان دولت ذی متعینه گلبرگه - دایم خان

ص - م - نفر - نفر - ص

ص - م - م - م - م

دربنده متعینه سهیل و د

دایم خان دیگر و سالک خان - نصیب خان

ص - م - م - م - م

ص - م - م - م - م

سید باشم متعینه زاین کیشه - دربلده - متعینه کودکبال - ذات دربلده

ص - م - م - م - م

متعینه ایکنندل - ذات دربلده - متعینه کودکبال -

ص - م - نفر - ص

ص - م - م - م - م

جہانخان متعینه تچاپور - شیر اندازخان - حیدر خان - بوژدھن خان دربلده

ص - م - م - م - م

ص - م - م - م - م

ذات دربلده - متعینه ایکنندل - ذات دربلده - متعینه بہن

ص - م - نفر - نفر - ص

ص - م - م - م - م

تفصیل عرب و سکیم و روہیل جہا جدا م - نفر

روپيله صلاعه نقر

عرب الملك نقر

دربله و قلعجات و قلعقات نزد راجه گونبد بخش
دربله و قلعقات نزد گونبد بخش

الملك نقر ماصه اليف نقر لاء نقر

نزد منير الملك بهادر تخمينا نزد سبحان بهادر نزد محمد علي خان لوباني
روپيله و ندي نذر خود يار جنگ بهادر
مانقر مانقر اعلا نقر

سکه اعلا نقر روپيله و ندي نذر امين بهادر
روپيله و جوانان هندوستان
نزد صلابت خان بهادر

دربله و قلعقات - نزد راجه گونبد بخش - نزد محمد علي خان لوباني
لا نقر ماصه نقر ماصه نقر

فصل يازدهم - متضمن بعضی مراتب ضروری تسطير -

خزانہ سرکار دولت مار در قلعہ گوکنڈہ و بلده سواسه جواهر و خزانہ و غيره اجناس نقره و طلا و آتش و غيره وقت انتقال نقره تا ب بست و يك روپيه بود و از وقت جلوس بندگاني حال زياده از يك كرور فراهم شده جمله سابق و حال قريبا يك كرور و پنجاه كيه روپيه در شمار است - فقط -

ملازم امتیازی که زیاده از دو هزار خواهند بود فی نفر ماسوار از بنقاد روپيه تا پانصد روپيه مقرر است و تشریح سواران از چهل روپيه ماسوار مقرر است و تشریح سواران از چهل روپيه ماسوار تا پنجاه روپيه اکثر ملازم سراسری همه سواران معه عهده داران آنها در حساب مقتدا دو روپيه فی نفر ماسواری افتد و جمعیت بار فی نفر ملازم از شش روپيه تا سیزده روپيه اکثر اند که سراسری آنها معه عهده داران از شانزده روپيه تا نوزده روپيه

فی نفر محسوب است جو انان بازارش روپیه تایازده روپیه ملازم اند و جو انان سکه
و عرب ازده روپیه بی پابند -

کشتکار و زراعت سالم اضلاع حیدرآباد اکثر شالی زار در زمین پائین تالاب فصل میشود
والا شالی زار از دو فصل کم نمیشود و بی بگیه از بسکه روپیه تا به شصت روپیه مقرر است

فصل دوازدهم - در خصائل و دویه اهل بلده فرخنده بنیاد حیدرآباد

حضرت بندگانی حال سکندر جاهد و دام دولته به خوش نیتی و نیک طبعی و نبات قول
و مناط فعل مستثنی و وسایل روزگار و بکلیات فنی و علمی و وقت لیکن بجز نبات رسی مهت فقط

ازین باعث انتظام شیرازه شهر و ملک و سپاه و خزانه منتظر الاوقاق اما در ترجم و تفقه و حید
آفاق بحدیکه منصبی بعد وفات امر او رعایا و بے وارت سر رشته قدیم این سرکار عالی است

الی الان بعد ظهور این معنی نه گرفتن مال و متاع اهدی زبان نه جبا بنده بلکه اکثر بر زبان سیمه
که مال و حق کسی اصلا داخل خزانه خود نمیشود و هم کرد که خدا تعالی بعد من اسباب فانه ام محفوظ

خواهد داشت - مگر خنارین سرکار بے اطلاع حضور براس جلب منفعت خود این رسم جاری داشته
و سابق اکثر گرانی فله که درین شهر و داد و نداد و روز خاصه تناول نکرده اند که بر مساکین و مازنین

چه اذیت و فاقه کتی گزشته باشد که من نان بخورم و مزاج حکیمانند دارند که مطلقا تکلیف
و تضرع را عهده نمیست خلاف رویه والد خود که غفران تاب بدون جواهر و لباس بگیمن و غیره گاهی

برآمد نمیشدند از روز جلوس مسند ریاست یکد و مرتبه در تقاریب به تکلیف بخشی بکیم صاحب و
بی بی صاحب در سابق اتفاق شده بود و تکفیل علم عربی قریب به فضیلت است اکثر مطالع

کتاب عربی و تواریخ ماسلف و چه مهت است که سابق یکد و سال به سبب قرب و مصاحبت
کو که اتفاق شرب شده بود از ان باز که توبه بمیل آمد باز این مثل بوقوع نیامده و بر بنده

اهل تسنن که سلوک آباد اجداد حضرت بر این مسلک است خود هم سلوک - اکبر جاهد بهادر
اکبر جاهد بهادر بظاهر زمانه ساد و خوش مزاج حقیقتا سبک سیر که حوصله خیرت طینت و قیاس سیرت

مشهور و مساک و اختصار در مزاج بیشتر در حرس وطن گرفتار و دایم المرض مردم آزار اند
چنانچه از جاهد بهادر ساده مزاج و کم حوصله عجلت مشایخ مشهور و از رقص و سماع روز و شب مذکور

دارند. سلیمان جاه بهادر نظام بر سخن شنو پیشتر و ذی اخلاق و بامروت و ساده مزاج و تیز زبان
و سوار بی نظیر بلکه در علم سپاه گری ممتاز و علوی بهمت بدرجه و خوش نویس و بعضی وقت
مطالعه کتاب و در یافت حساب هم می نمایند و گاه گاه سرود و قوالان استماع میگرد و و نشوق از
سلح و اسب نهایت اما قنون مزاج و کسی را که در خانه یعنی محل یا بیرون در مردانه مختار
می سازند آن هر چه بخواهد بسیار و عنان اختیار خود بدست آن میدارند و بسبب صحبت غیر
بد مذہب گردیده اند و مرغیہ خود میسر آیند و قدر زرنده است بهیجا صرف می کنند با صفت نیا
کیون جاه بهادر تا حال مثل اطفال صغیر سن در زمانه دایه و دو نامتحن عقیل عامیانه دارند
ناصرالدوله بهادر نظام را نمید و سنجیده متواضع و خلیق و کم آزار و سرگشتی و تقابن در مزاج
ایشان نیست بعضی وقت مطالعه تواریخ و شغل و زرش و بیشتر شست و غسل دارند -
صمصام الدوله بهادر و مبارز الدوله بمصدق بیت پدر دست جو تو یک عالمی افزایداست
برادر دادرست تو این چه بیداد است به حرکات سوی طینت و جبریت طبع متاثر الیهما چندان
اختلاج تشنج ندارد و نبوی در همه گزرفق توان کرد الا جالاک و دنیا کی به نسبت صمصام الدوله
در مزاج مبارزالدوله تفوق دارد - آفتاب الدوله بهادر خویش بنده گانهای حال بمقوله الولد تملک
در تامل اندیشی و حرکات فتور هیچ وجهی ندارد - مصلی جاه بهادر پسر
عماد الملک بهادر مرحوم محض ساده مزاج به عقل عامیانه از نمید عمده مطلقاً مناسبت ندارد
و از بنجر بیجا خالی نیند و بی الجده مهارت در نوشت و خواند دارند -
قطب الملک بهادر برادر حقیقی معلی جاه بهادر محض ساده مزاج سبک اوضاع دارند در
مزاج بهادر مغرور و عیان نمی بهر چه که در سماع و سرود از نسبت دیگر برادران خود خفیه
تفوق دارند - و از نخوت و غرور بیجا خالی هستند - نواب فیه الملک بهادر نظام در نیا دار
در زمانه ساز متواضع و خلیق مگر حقیقتاً اما آن بن و کم حصله و از عقل رساکه مصلح کلیات
و نمید جزایات باشند و هم از نبات و قوام مزاج عاری بجهت که در جواب و سوال عمده قول و
قرار زبانی بهادر مغرور بگر فتن دست آویز محلی اعتماد نخواهد بود و چین بجهت که اگر در سوار
سوته را در راه ببیند سوار می همان قدم باز گردد و از بیرون غسل و تبذیل پوشاک

نموده اندرون خانه خود بیایند اگر احدی از عزیزان و طفلان خود بکسب نقدیر وفات یابد
به تجدد در دیوار و دروازه برآورده بازروستای موتی نه بنیند و نزدیک او نروند
ایمن الملک بهادر سبک سیر و سفد مزاج به جنت طینت و قبح سیرت و جد عمر و در عمل وی
افتراد اتهام یگانه دهر و خیس الطبع و فی المزاج رکیکه مثل پوچ در مردم آزاری و غوریزی
نظیر سے ندارد مثل مهاجران در زراندوزی و مال مردم خوری بی طوئی دارد -

شش ساله بهادر اگر چه در سر کار دولت مدار قدیم بود عنایت و احترام و تقوت ظاهری
و جود امرایان منتخب بوده اند و نظام الهیت و آدمیت دارند الاخص ساده لوح مزاج قائل
اندیش نا حق شناس و نادانندگی و تلف حقوق مردم خاصه مزاج ایشان است - بیشتر
مزاج مایل نقاشی و نقاشی و عده میراد و زوربانی و قائل اندیشی معراجی است از است
مگر در باطن از فهمیدنیک و عده میراد و زوربانی و قائل اندیشی معراجی است از است
بسیب قریب از سطو جاه بهادر بنوعی توسل خاص به جنت صاحب زیدلس بهادر
دانشه اند خود را مستحق اعانت سرکار طاعت مدار میداند - مستور الدوله بهادر برادر
شهریار الملک بهادر بهر جنبه در علم سبک گری سستی و از تدبیر مقصد یانه مکر و لوازم
الهییت چندان نظام هر از شش بهادر الملک نمی ندارد - علی یا و الدوله بهادر و مادر الدوله بهادر
و کامیاب الدوله - پسران نورالامرا بهادر و مرحوم همه ساده مزاج به عقل عامیانه از فهمیدن عجز دارند
و متانت و استقامت عاری اند مگر علی یا و الدوله را به نسبت دیگران آدم توان نمر و خض سبک
همقوی از سطو جاه بهادر اکثر لوازم ادا و اعانت از سر کار صاحب زیدلس بهادر و امورات
متعلقه مرحوم نذکور هم آمده بود - پسران اختصاص الملک نشی رشید الدوله و عباس سعلیان که
یکی بر کار نشی و دوی بملاقه عرض میگی با مورا است بک مزاج حوصله چندان رشید ندارند
نظر بر قدامت والد خود را متقی خدمت عده میداند - ضیا الدوله بهادر و مع فرزندان خود داشته
مزاج و درست کردار و بملاقه و از آن جناب صاحب زیدلس بهادر بیشتر گویند
را بطه هم میداشتند - رفت الملک بهادر راه و رسم تعلقه آری برویه ابل بند و لوازم
مزاجه آری کارگران سرکار دکن نیکو دارند بهر حال دوی بهادر معز سابق نه قابل توفیق بود

و نه چندان لایق خدمت بود لیکن آخر به خجست نیت خود به نام شده از نظر با اقتصادند با انفعول
 خانه نشین اند مرزا محمد علی پسر مستقیم الدوله مرحوم - مرحوم مذکور در مقدمه سوداگری متشنجی دانه
 و منتخب روزگار مگر از فهم کلیات و فہمید عمده مقدمات و وارزم دور بینی و مال نامیشی معروض میرا
 چنانچه از خلقت عقل باقی بنا، فساد ما بین میر عالم مغفور و جناب زریڈنس حیدر آباد گردید بالاخر
 بدلت مو شک و دانی از بلده حیدر آباد اخراج گردیده بمقام جاگیر خود سکونت ساخت و عمده
 دوان چنانکہ میر عالم مغفور مغفول از کار و سلطنت شده در گوشه از و امن روی بود و ندرت خنیا
 خشونت امیر در باره میر عالم بر زبان آورد و وار داد و ستد نقد و جنس میر عالم کہ در
 تحویل بہادر مغفول بود استاد و گی می ساخت چنانچہ انی معنی ناگو از خاطر میر عالم نشد و در وقتیکہ
 مدارالمہام شد و آمدن بہادر در حیدر آباد گردید خندان با ہم راہ در رسم بنو بہد انتقال
 مغفور بسبب حرکات ناشایستہ باز اخراج گردید چار و ناچار در جاگیر خود گزرا و قات
 می ساخت و با قضاے ناہنجی اکثر در بارہ آمدن خود بہ حیدر آباد توسل از سر کار جناب صاحب
 زریڈنس بہادر و محبت چنانچہ ہمین آرزو بہ قدیم رجب ۱۳۳۳ در جاگیر خود حالت گردن زریڈنس
 مرزا محمد علی ہر چند بدون تذرانہ قابض بر جاگیر والد خود شد لیکن سفلہ مزاج شراب خوا افواج
 از آدمیت است - پسر آن بہرام الملک مرحوم ہر چہا بر پسران مرحوم کہ با انفعول اشیہ حیات
 بمہد اق مصرعہ این خانہ تمام آفتاب است - در جبل و جہالت مع والد خود مستثنی از زمانہ
 و ریگانہ روزگار و از لوازم اہلیت و آدمیت مطلقاً دور از کار کہ محافل و مجالس گنگو نمودن
 بلکہ یکد و مشت با ہم آوختن از جملہ صفات مشاء ایہم است - حکام الملک نظام یار والد نظام
 یار جنگ ہر چند از فهم کلیات و فہمید عمده مقدمات مقرر اگر بشیرین زبانی و نرم بیانی و
 خندہ مبہنی و شگفتہ پیشانی منظور خاص و عام و با قضاے سلامت روی و ذوق و تہی در وقت
 غول میر عالم مغفور از نظر کار گزرا آن سرکار بنہ گافلی نیفتادہ از حالت خود منزل نشدند
 و بلا قہ داران جناب زریڈنس بہادر بسبب میر عالم مغفور بطہ معنوی از قدیم میدانند -
 کو تو آل بدہ حیدر آباد حیدر آباد نیفتاب جنگ مرحوم ہر چند بطہ ہر از نقابت عاری و سبکی
 و سبک سری ہر وضعش طاری بود مگر دنیا دار و زمانہ ساز و رعنایت محلات پناہی و -

و پیش بر خاص و عام رای داشت و قیام نشان آید محض بساخت و باخت راجه خوشحال خیرالبحال حسن
 پسر کلانش که بر عهد کونانی صرف با عانت راجه چند و صل بهادر امور است محض ساده لوح و تجربه کار
 و از فن و فریب کونانی و هر یابی بر کنار است - قاضی بلده شریعت الشرفان مرحوم و در علم و فضل
 نقیب علما و حیدر آباد مگر ساده لوحی از علم کلیات و فهمید جزئیات معرا بودند با وجود این همه طبع
 اینکه خود را ذلیل امور میا است سازند در وقت گزشت با ست ظهار دوستی مولوی مفرمعل آوردند
 لیکن بمصدق هر کار و بهر مردی از لوازمه این کار چنانچه باید عهد برانند و ازین سو
 رانده و از ان سو مانده از نظر را افتادند و واقعا رخا پسر کلان قاضی مرحوم که از سیال
 بعد انتقال والد خود با مرقعاً ما مور است فی الجمله بدست دیگر برادران خود علیست از لیکن محض
 ساده لوح و مثل طلبه بود و جوس امتزاج دارد - سکندر یار جنگ نمک مزاج با طلاف حقوق
 مردم مستثنا از زمانه بقل عالمانه و در بد باطنی و به نفسی یگانه زمانه - اکبر یار جنگ و شخصیت و قیام
 ظاهری ممتاز مگر نمک مزاج اندالا در اجرا کس کاغذ با قاضی الامکان حاضر و در ادای حقوق
 مردم قاصر نیستند - سید محمد علیخان بنظر هر فهمیده و سنجیده دنیا دار زمانه ساز و فردوش گندم نما
 و در نفسوی و مبالغه مستثنی و هر دو در سلیقه جوئیات چنانچه باید و نشاید بدوئی دارند مگر در نیم
 کلیات و در سانی عمده مقدمات دخل ندارند و در علم و نوشت و خوانند معرا محض اند و بگرم جوئی
 محبت و اخلاص ایناسته و از تجربه بجای نیتند و مخفی رشوت میگیرند و زرقطیر جمع ساخته و
 خود را مستحق عمده خدمات میدهند و از امیران شاه جهان آباد خود را قرار داده نشادنی فرزندان
 خود به قریب در خاندان عواد الملک مرحوم کرده اند لیکن در نیجاسی از آنها ایشان واقف نیست
 همانقدر که صدر گزشت - منشی باقر الحسینی که بهتری رسل صاحب بهادر تملیکه علم فارسی از منشی مذکور
 نینمودند و با داد بهادر موصوف از سر کار راجه چند و صل بهادر جاگیر و غیره بقدر و هزار روپی
 قرار یافته بود چنانچه حال بحال است از بکر سلفه مزاج حرص و طمع بدست در مخرج غالبند
 منشی مذکور در سال ۱۲۳۰ هجری در گزشت پسر منشی مرحوم که صبیحه شفا فی خان حکم منسوب است ازین
 باعث جاگیر و غیره بحال است باقر علیخان پسر فتح علیخان جیلد الماس علیخان مرحوم که سابق چینه
 بوکالت نور الامر مرحوم و در دیه نشان آید مطعون فلانق و محل اجتناب است یعنی در گزشت

قرض بے مجابا و صرف همت در اخراجات ارباب نشاط و بمقتدور در خمر و شرب و سهره گردید
 یگانہ دهر - مولوی محمد حسین و مولوی غلام حسین مولوی بیگانه مسطورین در ابتدا ملازم میر عالم افغور
 و بعد آن بواسطت رفاعت میر الملک بہادر در سرکار جناب صاحب زیریں صاحب آمد
 میداشتند مولوی اسود ظاہر زمانہ ساز و سادہ مزاج و مولوی ابیض بد و فتویٰ ممتاز چنانچہ
 در سال گذشتہ در عشق کدام فاحشہ از اقرایان قاضی بلد مناقشہ شد مولوی ابیض قابو یافتہ
 خوش حرف خود ترانیدہ و مغرور شدہ در موضع جاگیر خود سکونت کرد و در حریف مع دہست
 جوانان در آنجا رسیدہ بنی مولوی ابیض برید الحال از روی نادیدنی خود در ہمان موضع جاگیر
 سکونت دارند - شرف الدین خان مخمل مزاج و مسک و در گرفتن رشوت بدطولی دارد -
 دلاور خان عرض بیگی راجہ چند و دل بہادر غریب کش مردم آزار در تلف حقوق نوکری پیشہ علم
 خود مستشار و ہر و مسک مزاج نور اللہ خان برادر زادہ عرض بیگی مذکور بشیر ہرگز را دوا
 و بدطینت مطلق کوہ را کاه کاه را کوہ نمودن ششیوہ خان مسطور است و در سلیقہ نوشت و خواند
 چند ان مہارت ندارد دیگر خود را مستحق کار عمدہ میداند - حکیم شفا فی خان اول بتفارش مولوی
 صاحب در سرکار راجہ چند و دل بہادر ملازم شد الحال جو سبب حکمت بقرب مقصبات راجہ
 مغر فایز شد و در معاملات نیز و خل دارد و راجہ مغر مستحق حکیم مذکور را محل اعما د میداند چونکہ
 مرد سن و جہان نیدہ است و در معاملہ نیز مجرب است - باقر علی خان و غیرہ پسران نمن خان
 مرحوم خان مسطور فاضل زبردست و در طبابت از اطباق بلکہ ممتاز خود را سنجیدہ و فہیدہ
 گذارد و فات دارد اقرای حکیم ذکار اللہ خان شاہ جہان آبادی است شیخ حسین از عرصہ
 ستر چہار سال بواسطت خوش آمدگویی در مزاج راجہ چند و دل بہادر و دل مار و دوبرہ گرد
 شراب خوار و خوش آمدگویی انتہا ندارد و دمو شک دوائی از امرار شر و قاصان در مولوی
 پیش ہر یک رفتن مرجع و سخن غمانی و ابلہ فریبی گفتن بنیوہ شیخ مسطور است - سرد جنگ از برای
 قربان جناب مولوی فخر الدین صاحب قدس سرہ و از قدیماں سرکار آصفیہ بخوش طبعی و نیک بینی
 گذارد و فات میسازند - جعفر لار جنگ کو کہ بندگانی حال بہرچہ گوی منصف اندیشی خرمبار
 مردم آزار بدطینت بہ مزاج در تلف کردن حق غریب بدطولی دارد - حکم جنگ و تہو و جنگ پسران

داور الملک مرحوم هر دو سبکسر و سفله مزاج مصرف و عیاش خارج از محبت اند و با قضا
 سفاقت از تکبر و بجا خانی نیند منور جنگ خلف نظر اند و له مرحوم مرد ساده لوح و بغض
 عایمانه نه قابل نرم نه آدم نرم از نام بزرگان خود نان در سرکار آصفیه می یابند و گذار و فانی
 دارند قوت جنگ فی الجمله راه و رسم و ربار داری موافق رویه این سرکار دارد و چندان قابل
 تفریف نه نهایت لایق مذمت - راجه چند وصل بهادر در پاس داری لازم مودت و اتحاد
 تنجب دیگرانه و بگرم جوشیهای محبت و ارتباط مستش از زمانه پیوسته مراتب محبت اهد
 متوسلانه از سرکار عظمت مدار مرغی و مسلوک داشته اند و همیشه از سرکار صاحب بزرگ
 بهادر امداد و اعانت و امورات راجه صاحب مغربعل آمده است با چندین مخالفت جهانی
 بخوبی اجرائی امورات سرکار میسازند در ظاهر داد و دوش و سخاوت بسیار لیکن در حقیقت از آن
 مردم آزار که اهدی از متولان بی حمایت را و نگذاشته اند و بر هر یک چشم توقع داشته
 هر چند هر روز باز از سخاوت گرم میدارند لیکن مثال آن طیب حادثی این مقال که
 طیبی بر گاه بگورستان رفتی چادر بر روی خود کردی مردمان پرسیدند که سبب این صیفت
 گفت که از مردگان این گورستان نثرم میبکنم زیرا که از دوائی من مرده اند جناب
 بهاراج اندیشه عاقبت میدارند و از خدام نثرم ندارند ظالم محبت - راجه گویند بخش بهادر
 بفراخ حوصلگی در سائی مقامات عمده چند ان از بهاراج راجه چند وصل بهادر کی ندانند الا
 در داد و دوش کو بموقع خراج دارند و در اخذ و انتراع مال مردم کتای زمانه که تریب کر و پور
 جمع کرده اند - راجه را و رنهای بهادر در سرکار آصفیه از قدیم مورد عنایت و اکرام و محبت
 احترام مانده هر چند بظواهر انبیت و آدمیت دارند مگر محض ساده لوح و صرف بیای مزاج
 در عهد میر عالم مغفور بقصود نادانی از بلده اخراج گردید بمقام جایگزین خود سکونت میداشتند -
 راجه ینوراج پرست و دنیا دار و زمانه ساز سنجیده و فنییده از قدیم در سرکار جناب صاحب
 وزیرین بهادر یک گونه راه و رسم متوسلانه داشته است - راجه جنگ چون داس و اسل
 بتصل سلیم و رویه مستقیم واقف آئین و کالت اهل هند و ابر طر مردار اهل دکن و شخصیت
 و ادبیت پیوسته آمد و رفت در سرکار جناب صاحب وزیرین بهادر داشته اند و همیشه از سرکار

محمد صبح امداد و اعانت دوستانه در مقدمات و کالت رای مغربل آمده است - لگه و رام
 مقصدی به خیال گرم بازاری خویش در سرکار جناب صاحب نیرن بهادر آمد و رفت دارد
 مگر مشارالیه شخص هر حال و از دو غسغونی خالی نیست - راجه بالکشن برادر بنی عسم
 راجه چند وعل بهادر در امورات عمده رسائی ندارد و در مزاج مایل به پاشی و سفله مزاج اند
 مال غزبا بسیار دارد - رائے سکه مل ضرر ورده راجه گو بنده بخش بهادر نهایت مصرف و
 عیاشی چند ان حوصله ندارد - راجه وپ چند خویش بهادر چند وعل بهادر نهایت مصرف
 و به معاشی و در گرفتار قرضی بدوئی دارد - راجه خوش حال چند مقصدی
 خوب در نیوقت بی نظیر مادر گرفتار قرضت و امساک یکتا و خانه به انداز راجه خوب چند
 بسیر راجه کیول کشن متونی در علم سیاق و دستگاه مرد ساده از کیفیت دفتر با مطلع هنوز
 نو آموز چند ان مشق و استعداد ندارد در راجه ویک رائے در خبر داری دفتر واقیقت
 و جواب همیشه فزاده خوشحال چند است راجه نیم دنت مقصدی جز رسا و جوابر اعانت
 و دیانت و پاس رفاقت دارد در راجه بال کند و راجه بهوانی بر نشا و دوز نوشت و خواند خانه
 سلیقه دارند اما صفاک دراشی راجه ویا بهادر مصرف و مزاج لمبو و بوج رسائی نمیدارد
 راجه سکو و در در عامل پیشه بفتور و دخل بازی و عیاشی و شراب خوار و مصرف عرفه پاس
 قدامت نان ی یا بند رای راجه میرا و در فن مقصدی گری یی اکت و دوست دارد و عمل تمام
 بهانج راجه چند وعل بهادر است رائے پال چند برادر راجه چند وعل بهادر عامل پیشه و در
 سوال و جواب نمیدار ان و دشوشت گرفتار دستگاه دانک سخت مزاج دارد و راجه
 رکعنا ته داس چو دهری بهل خانه و منشی سرکار عالی واقف کارخانه جات متغلب و
 متصرف ماد چو دهری بسیر منت چو دهری کوتوال بیگم بانار در مزاج رشوت و دستخا گیری
 بسیار دارد رائے کم کرن متبته راجه سورج و نت متونی در فن سیاق مهارت دارد و
 و قیقت دفتر رائے اند رائے راجه اند را و سیاق بی نو آموز حوصله اش ظاهر نشده
 رائے پال چند برادر راجه بالکند سر رشته دارد دفتر بنی در سیاق دستگاه دارد
 راجه گو بیند نرائن بسیر راجه نیمونت نو آموز چند ان حوصله ظاهر ندارد رائے بسیر داس

نکور پسر بهمن راج پنڈت متونی جلالت مقصدی گری در وقت نظامت خجسته بنیاد نو عظیم الدوله
 بود آدم خوب و معامله دان راست نازا این را و جاگیر دار بمین کب پت پتیکه دیوانی بادشاهی مرد
 دکار دان و دیانت و محبت و فائز محمد بی راجه شیم راج متونی و تهراس مینی پسر بنیاد و برادر
 پرناب و دنت مرد و غریب و خانلقی مورا اعتبار بسیار دارد و راجه جگد پور سر راجه کلیان را و خوش
 اندی بانی همیشه بهاجی سینده بهیه در یجا حاضر است مردار زاده است کنور و بعل سنگه
 پسر راجه جو ده سنگه قلعه ار صوبه محمد آباد بسید مرد سپاهی قدری معاش دارد ای بی گن دان
 در ساله غلام سپه خان دروم سر رشته نوینده گری و در فن سیاق و دستگاه دارد -
 گنیت را و پسر مادهور او به او راجه کیشو را و وکیل مرسل مرد سلیم الطبع راسته چله رام متصدی
 سرکار نواب فیروز الملک بهادر امرت را و و غیره متصویان دفتر استیفا مادر هو سنگه رام متصدی
 در منصبداران و نظامت مرد و انا و راه و رسم درست لیکن بک مزاج - فقط
 نا اینوقت هر چه کیفیت موجوده بود حواله قلم یادگار رقم نمودم که بمطالعش یادگارم
 باقی باشد و کیفیت طبقات آینده هر که فائز آنها داند -

